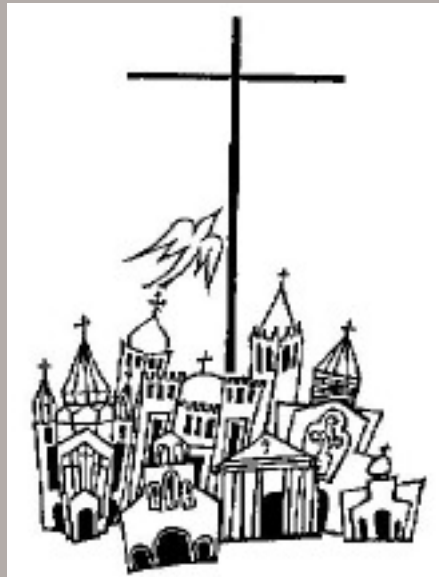


وحدت گرایی کلیساها

جلد اول



از دیدگاه کلیسای کاتولیک

وحدت گرایی کلیساها

جلد اول

از دیدگاه کلیسای کاتولیک

مخفف اسامی کتاب مقدس

Genèse	Genesis	پیدایش	پید
Exode	Exodus	خروج	خروج
Lévitique	Leviticus	لاویان	لاو
Nombres	Numbers	اعداد	اعد
Deutéronome	Deuteronomy	تثنیه	تث
Josué	Joshua	یوشع	یوشع
Juges	Judges	داوران	داور
Ruth	Ruth	روت	روت
1 Samuel	1 Samuel	۱-سموئیل	۱-سمو
2 Samuel	2 Samuel	۲-سموئیل	۲-سمو
1 Rois	1 Kings	۱-پادشاهان	۱-پاد
2 Rois	2 Kings	۲-پادشاهان	۲-پاد
1 Chroniques	1 Chronicles	۱-تواریخ	۱-توا
2 Chroniques	2 Chronicles	۲-تواریخ	۲-توا
Esdras	Ezra	عزرا	عز
Néhémie	Nehemiah	نحمیا	نح
Tobie	Tobit	طوبیاس	طو
Judith	Judith	یهودیه بنت مراری	یهودیه
Esther	Esther	استر	استر
1 Maccabées	1 Maccabees	۱-مکابیان	۱-مک
2 Maccabées	2 Maccabees	۲-مکابیان	۲-مک
Job	Job	ایوب	ایوب
Psaumes	Psalms	مزامیر	مز
Proverbes	Proverbs	امثال	امث
Ecclésiaste	Ecclesiastes	جامعه	جا
Cantique des Cantiques	Song of Songs	غزل غزلیها	غزل
Sagesse	Wisdom	حکمت	حک
Ecclésiastique	Ecclesiasticus	بن سیراخ	بنسی
Isaie	Isaiah	اشعیا	اش
Jérémie	Jeremiah	ارمیا	ار
Lamentations	Lamentations	مراثی	مرا
Baruch	Baruch	باروخ	بار
Ezéchiël	Ezekiel	حزقیال	حزق
Daniel	Daniel	دانیال	دان
Osée	Hosea	هوشع	هو
Joël	Joel	یوئیل	یول
Amos	Amos	عاموس	عا

Abdias	Obadiah	عوبديا	٤'	عو
Jonas	Jonah	يونس		يون
Michée	Mikah	ميكاه		ميك
Nahum	Nahum	ناحوم		نا
Habacuc	Habakkuk	حبقوق		حب
Sophonie	Zephaniah	صفنيا		صف
Aggée	Haggai	حجي		حجي
Zacharie	Zechariah	زكريا		زك
Malachie	Malachi	ملاكي		ملا
Matthieu	Matthew	متي		مت
Marc	Mark	مرقس		مر
Luc	Luke	لوقا		لو
Jean	John	يوحنا		يو
Actes	Acts	اعمال رسولان		اع
Romains	Romans	روميان		روم
1 Corinthiens	1 Corinthians	١-قرنتيان		١-قرن
2 Corinthiens	2 Corinthians	٢-قرنتيان		٢-قرن
Galates	Galatians	غلاطيان		غلا
Ephésiens	Ephesians	افسيان		افس
Philippiens	Philippians	فيلپيان		في
Colossiens	Colossians	كولسيان		كول
1 Thessaloniens	1 Thessalonians	١-تسالونيكيان		١-تسا
2 Thessaloniens	2 Thessalonians	٢-تسالونيكيان		٢-تسا
1 Timothée	1 Timothy	١-تيموتاوس		١-تيمو
2 Timothée	2 Timothy	٢-تيموتاوس		٢-تيمو
Tite	Titus	تيطس		تيط
Philémon	Philemon	فيلمون		فيل
Hébreux	Hebrews	عبرانيان		عبر
Jacques	James	يعقوب		يع
1 Pierre	1 Peter	١-پطرس		١-پطر
2 Pierre	2 Peter	٢-پطرس		٢-پطر
1 Jean	1 John	١-يوحنا		١-يو
2 Jean	2 John	٢-يوحنا		٢-يو
3 Jean	3 John	٣-يوحنا		٣-يو
Jude	Jude	يهودا		يهو
Apocalypse	Revelation	مكاشفه		مكا

فهرست

- ۷ مقدمه: بیانیه مشترک پاپ پل ششم و پاتریارک آتناگوراس اول
(۷ دسامبر ۱۹۶۵)
- ۹ بخش اول: منتخبی از مجمع واتیکان دوم در خصوص وحدت گرائی
سند مربوط به وحدت گرائی کلیسا (۳۲)
- ۱۰ فصل اول: اصول کاتولیکی درباره وحدت گرائی کلیسا
- ۱۵ فصل دوم: اجرای وحدت گرائی کلیسا
- ۱۹ فصل سوم: کلیساها و جماعت‌های جدا شده از مسند رسولی
- بخش دوم: تصمیمات مختلف بعد از شورای واتیکان دوم
- ۲۶ دستورالعمل مربوط به ازدواج‌های مختلط (۳۴)
- ۳۱ بیانیه مشترک در خصوص همکاری (۳۵)
- ۳۳ ازدواج مابین کاتولیک‌های روم و ارتدکسها (۳۶)
- بیانیه مربوط به موضع کلیسای کاتولیک در برگزاری مشترک راز سپاسگزاری با
- ۳۵ مسیحیان فرقه‌های مختلف (۳۸)
- ۴۰ نامه رسولی در مورد ازدواج‌های مختلط (۳۹)
- ۴۷ بازتابها و پیشنهادات مربوط به گفتگوی بین‌الکلیسائی (۴۲)
- در خصوص پذیرش مسیحیان دیگر در مراسم راز سپاسگزاری
- ۶۴ در کلیسای کاتولیک (۴۳)
- متن تفسیر «دستورالعمل پذیرش مسیحیان دیگر در مراسم راز سپاسگزاری
- ۷۰ در کلیسای کاتولیک تحت شرایطی خاص»
- بخش سوم: رهنمودهای رسمی
- ۷۳ الف- دستورالعمل مربوط به امور بین‌الکلیسائی
- ۷۴ ۱- استقرار کمیسیونهای بین‌الکلیسائی
- ۲- اعتبار تعمیدی که توسط کشیشان کلیساها و جماعت‌های جدا شده از ما
- ۷۶ اعطا می‌گردد
- ۷۹ ۳- تقویت وحدت گرائی روحانی کلیسا در کلیسای کاتولیک
- ۸۱ ۴- شراکت در فعالیت و منابع روحانی با برادران دینی جدا شده

فهرست

- ۹۰ - ۱- اصول کمکهای جامع و کلی به آموزش بین‌الکلیسائی
- ۹۱ - ۲- بعد بین‌الکلیسائی تحصیلات مذهبی و الهیاتی
- ۹۴ - ۳- رهنمودهای ویژه برای تحصیلات بین‌الکلیسائی
- ۹۷ - ۴- همکاری سازمانی و شخصی میان کاتولیکها و مسیحیان دیگر
- ۱۰۱ - ج- رهنمودی جهت به کار بردن اصول و قوانین درباره وحدت‌گرایی
- ۱۰۷ - ۱- جستجوی اتحاد مسیحیان
- ۱۰۷ - ۲- سازمانهای کلیسای کاتولیک برای خدمات اتحاد مسیحیان
- ۱۱۸ - ۳- سازمانهای بین‌الکلیسائی در کلیسای کاتولیک
- ۱۲۷ - ۴- مشارکت در زندگی و فعالیت روحانی میان تعمیدیافتگان
- ۱۴۵ - ۵- همکاری بین‌الکلیسائی: گفتگوها و شهادتهای مشترک
- ۱۶۳

مقدمه

بیانیه مشترک پاپ پل ششم و پاتریارک آتناگوراس اول

پل ششم و آتناگوراس اول، ۷ دسامبر ۱۹۶۵

۱- سپاس فراوان به خدا برای لطفی که به رحمت برایشان عطا نمود، در جلسه برادرانه ایشان در مکانهای مقدسی که راز نجات ما توسط مرگ و رستاخیز عیسی خداوند به انجام رسید، و آنجا که کلیسا با ریخته شدن روح القدس متولد شد، پاپ پل ششم و پاتریارک آتناگوراس اول آن دیدگاه و تمایلی که از آن پس هر یک در مورد بخش تحت اختیار خود کسب نمودند را از دست نداده‌اند، و امید است که هرگز آن علائم الهام شده به وسیله محبت را که ممکن است در روابط برادرانه‌ای که میان کلیسای کاتولیک رومی و کلیسای ارتدوکس قسطنطنیه شروع شده سهیم باشد، را از دست ندهند. آنان ایمان دارند که در واقع به ندای فیض الهی پاسخ می‌دهند، که امروز مستلزم این است که کلیسای کاتولیک رومی و کلیسای ارتدوکس، همچنین تمام مسیحیان، بر اختلافات فائق آیند، تا یک بار دیگر «یک» شوند همچنان که عیسی خداوند از پدر خود برای ایشان چنین طلب نمود.

۲- از جمله موانعی که بر سر راه توسعه این روابط اعتماد و احترام برادرانه یافت می‌شوند، خاطره آن تصمیمات، اعمال و حوادث دردناک است که در سال ۱۰۵۴ منجر به صدور حکم تکفیر علیه پاتریارک میکائیل سرولاریوس و دو تن از همراهانش گردید، به توسط نمایندگان تام‌الاختیار پاپ روم که در رأس ایشان کاردینال هامبرت قرار داشت، و همچنین خود نمایندگان پاپ به نوبه خود هدف محکومیت مشابه از سوی پاتریارک و مجمع اسقفان قسطنطنیه واقع شده بودند.

۳- کسی نمی‌تواند وانمود نماید که این حوادث آن طور که در آن دوره متشنج تاریخ واقع شدند، نبودند. اما امروزه که آرامش بیشتر و قضاوت منصفانه‌تری نسبت به آنها اعمال می‌شود، این موضوع که فجایعی را که به واسطه آنها، ایشان به انحراف کشیده شدند و بعدها به نتایج منتهی گشت، که با قضاوت ما، از آنچه مسبب آنها انتظار داشتند نیز تجاوز نمود حائز اهمیت است. انتقادهای ایشان، اشخاص را مورد هدف قرار می‌داد نه کلیساها را؛ منظور آنان شکستن مشارکت و ارتباط کلیسایی میان مقامات عالی کلیسای روم و قسطنطنیه نبود.

۴- به این دلیل است که پاپ پل ششم و پاتریارک آتناگوراس اول با هیئت اسقفان خود، مسلم داشتند که آنان آرزوی مشترکی برای عدالت و احساس متفق‌القول محبت از

سوی ایماندارانشان دارند و نیز یادآوری حکم خداوند مبنی بر این که: «پس هر گاه هدیه خود را به قربانگاه ببری و آن جا به خاطر آید که برادرت بر تو حقی دارد، تقدیمی خود را پیش قربانگاه واگذار و رفته اول با برادر خویش صلح نما» (مت ۵: ۲۳-۲۴)، متفقاً اعلام می‌دارند که:

(a) آنان از عبارات نامطبوع، عیب جوئیهای بی اساس و اشارات نمایشی از هر دو سو که با حوادث ناراحت کننده آن دوره همراه بوده اند، متأسف و پشیمان اند؛
 (b) همچنین آرزومند محو شدن محکومیت‌های تکفیر که در دنباله آنها بودند از اذهان عموم، کلیسا و کسانی است که به عنوان مانعی برای ایجاد روابط حسنه در محبت تا زمان حاضر عمل نموده اند و به فراموشی سپردن آنها
 (c) در نهایت این که از سوابق ناراحت کننده و حوادث بعدی که، تحت تأثیر عوامل گوناگون، از جمله عدم درک و مخالفت متقابل، به ناچار منجر به گسیختگی جدی مشارکت کلیسایی شد، متأسف می‌باشند.

۵- این عمل دو طرفه عدالت و بخشایش، همان طور که پاپ پل ششم و پاتریارک آتناگوراس اول با هیئت اسقفان خود از آن آگاه هستند، نمی‌تواند برای پایان دادن به اختلافات کفایت نماید، اختلافات قدیم یا جدیدتری که میان کلیسای کاتولیک روم و کلیسای ارتدوکس باقی می‌مانند و می‌دانیم که به وسیله عمل روح القدس برطرف خواهند شد، با تشکر بر تهذیب قلبها، تأسف بر اشتباهات تاریخی، و امید به عزم و اراده ای جدی جهت دستیابی به درک مشترک و اظهار ایمان رسولی و الزامات آن.
 به هر حال ایشان امیدوارند که شراکت در اجرای این عمل مورد رضایت خدا خواهد بود- او که می‌خواهد ما را ببخشد وقتی ما یکدیگر را ببخشیم- و توسط مسیحیان کل جهان و بویژه کلیسای کاتولیک روم و کلیسای ارتدوکس به عنوان جلوه ای از تمایل صادقانه متقابل برای مصالحه و دعوت به پی گیری گفتگو در روح اعتماد متقابل، احترام و محبت شناخته شده است. گفتگویی که آنان را با کمک خدا به سوی زندگی برای خیریت بیشتر جانها و آمدن ملکوت خدا، در مشارکت کامل ایمان و توافق برادرانه و زندگی رازگونه که میان ایشان در سراسر هزاره اول حیات کلیسا وجود داشت، هدایت می‌کند.

بخش اول: شورای واتیکان دوم درباره وحدت‌گرایی

سند مربوط به وحدت‌گرایی کلیسا (۳۲)

Unitatis Redintegratio

واتیکان دوم، ۲۱ نوامبر ۱۹۶۴

مقدمه

۱- تجدید اتحاد میان مسیحیان، یکی از اصول مورد توجه مجمع دوم واتیکان است. مسیح خداوند تنها یک کلیسا بنا نمود. اما، بسیاری جماعت‌های مسیحی خود را وارثین حقیقی عیسی مسیح معرفی نمودند؛ در واقع همه اظهار می‌دارند که پیروان خداوند هستند اما تفکری متفاوت دارند و به راه‌های متفاوت خود می‌روند، انگار که خود مسیح تقسیم گشت.^۱ چنین تقسیمی، آشکارا مغایر اراده مسیح است، جهان را بدنام می‌سازد و به آن مقدس‌ترین انگیزه که بشارت انجیل به هر انسانی است، ضربه وارد می‌آورد. با این وجود خداوند اعصار خردمندانه و صبورانه، نقشه فیض خود را در مورد ما گناهکاران، دنبال می‌نماید. در دوران اخیر، خداوند عطای بیشتری بر مسیحیان جدا شده که از جدایی خود پشیمان هستند و اشتیاق به اتحاد دارند، نازل نموده است. همه جا شمار زیادی از مردم، نشانه این فیض را احساس نموده‌اند، و در میان برادران جدا شده نیز اقدام و تحرک که با فیض روح القدس قوت یافته، جهت احیای اتحاد در میان تمام مسیحیان، افزایش می‌یابد. کسانی در این اقدام و جنبش، که جنبش وحدت کلیساها نامیده می‌شود، شرکت می‌جویند که به خدای تثلیث استناد می‌کنند و عیسی را به عنوان خداوند و نجات‌دهنده اقرار می‌نمایند. آنان این کار را نه به عنوان افراد خاص بلکه به عنوان اعضای گروه‌های مشارکتی انجام می‌دهند که در آنها انجیل را شنیده‌اند و عضو کلیسای خود و در واقع کلیسای خدا محسوب می‌شوند. اما، تقریباً همه، با وجود راه‌های مختلف، مشتاق کلیسای مرئی خدا هستند، کلیسای واقعاً جهانی که برای تمامی جهان فرستاده می‌شود تا جهان به سوی انجیل برگردد، و به سوی جلال خدا تا نجات یابد. مجمع مقدس با خوشحالی تمام این مطلب را متذکر می‌شود. این مجمع پیشتر تعالیم خود را در مورد کلیسا اعلام نموده است و اکنون، با انگیزه تجدید اتحاد در میان تمام پیروان مسیح، آرزومند برقراری رهنمودها، کمک‌ها و روشهایی در برابر تمام کاتولیک‌هاست که بدین وسیله آنها نیز بتوانند به فیض این ندای الهی پاسخ دهند.

فصل اول

اصول کاتولیکی در مورد وحدت گرای کلیسا

۲- آنچه محبت خدا را در میان ما آشکار ساخته این است که تنها پسر یگانه خدا توسط پدر به جهان فرستاده شده است، تا با مبدل شدن به انسان و با نجات تمامی نسل بشر بتواند حیات تازه به آن داده و آن را متحد نماید.^۲ او پیش از تقدیم نمودن خود به عنوان قربانی بی عیب بر قربانگاه صلیب، برای آنانی که ایمان دارند به پدر خویش دعا نمود: «که همه یک شوند چنان که تو ای پدر در من هستی و من در تو؛ تا ایشان نیز در ما یک باشند تا جهان ایمان آورد که تو مرا فرستادی» (یو ۱۷: ۲۱). او در کلیسایش راز مقدس عجیب قربانی را بنا نهاد که به وسیله آن اتحاد کلیسا آشکار شده و به عمل می آید. او به شاگردان خود حکم تازه ای داد که یکدیگر را محبت نمایند،^۳ و وعده روح را داد که حامی ایشان است^۴ و همچون خداوند و حیات دهنده، تا ابد با ایشان می ماند.

خداوند عیسی، پس از بلند کرده شدن بر صلیب و جلال یافتن، روحی را که وعده داده بود ارزانی داشت، و از طریق او قوم عهد جدید، یعنی کلیسا را، در اتحاد ایمان، امید و محبت همان طور که رسول به ما تعلیم می دهد: «یک جسد هست و یک روح چنان که نیز دعوت شده اید در یک امید دعوت خویش؛ یک خداوند، یک ایمان و یک تعمید» (افس ۴: ۴-۵)، خواننده و جمع نموده است. زیرا «همه شما در مسیح تعمید یافتید مسیح را در برگرفتید... زیرا که همه شما در مسیح عیسی یک می باشید» (غلا ۳: ۲۷-۲۸).

روح القدس، ساکن در ایمانداران و کسانی که بر کل کلیسا نفوذ دارند و آن را اداره می کنند، آن مشارکت عجیب ایمانداران را به عمل می آورد و آنان را در مسیح که اساس اتحاد کلیساست صمیمانه به هم می پیوندد. روح القدس، با توزیع عطایای روحانی و رسالات گوناگون،^۵ کلیسای عیسی مسیح را با عملکردهای مختلف غنی می سازد «برای تکمیل مقدسین برای کار خدمت، برای بنای جسد مسیح» (افس ۴: ۱۲).

مسیح برای بنای این کلیسای مقدس خود در همه جای جهان تا انقضای عالم، وظیفه تعلیم، حکم دادن و تقدیس نمودن را به دوازده شاگرد خود واگذار نمود.^۶ در میان ایشان

۱. ۱- قرن ۱: ۱۳.

۲. ۱- یو ۴: ۹؛ کول ۱: ۱۸-۲۰؛ یو ۱۱: ۵۲.

۳. یو ۱۳: ۳۴.

۴. یو ۱۶: ۷.

۵. ۱- قرن ۱۲: ۴-۱۱.

۶. مت ۲۸: ۱۸-۲۰، در رابطه با یو ۲۰: ۲۱-۲۳.

او پطرس را برگزید و پس از اقرار ایمان پطرس، مشخص نمود که کلیسای خود را بر او بنا خواهد کرد؛ و کلیدهای ملکوت آسمان را به او وعده داد،^۷ و پس از اظهار محبتش، تمام گوسفندانش را به او سپرد تا در ایمان تثبیت شوند^۸ و در اتحاد کامل هدایت گردند^۹، با خود مسیح عیسی، تا همیشه به عنوان سنگ زاویه^{۱۰} و شبان جانهایمان باقی بماند.^{۱۱}

عیسی مسیح از طریق بشارت امین انجیل توسط رسولان و جانشینان ایشان - اسقفان به همراه جانشین پطرس در رأس - از طریق اجرای رازهای مقدس و از طریق حکومتشان در محبت، آرزوی رشد قوم خود، تحت عمل روح القدس را دارد؛ و او دوستی اش را در اتحاد کامل می‌کند: در اقرار به یک ایمان و در مراسم معمول آیین پرستش الهی و در هماهنگی برادرانه خانواده خدا.

از این رو کلیسا، تنها گله خدا، که همچون معیاری برای دیده شدن توسط امتها به بلندی برافراشته شده،^{۱۲} انجیل صلح و آرامش را برای تمامی بشریت به اجرا در می‌آورد،^{۱۳} حینی که طریق زیارتی خود را به سوی هدفش یعنی موطن اعلی، طی می‌کند.^{۱۴}

این راز مقدس اتحاد کلیساست، در مسیح و به وسیله مسیح، با توان بخشی اعمال گوناگون روح القدس. رفیع‌ترین نمونه بارز، و منشأ این راز، اتحاد موجود در تثلیث اقا نیم خدای یگانه است، یعنی اتحاد میان پدر و پسر و روح القدس.

۳- در این تنها کلیسای خدا از همان ابتدا شکافهایی ایجاد می‌شود^{۱۵} که رسول قویاً آنها را محکوم می‌نماید.^{۱۶} اما در قرون بعدی به طور جدی تری مناقشه‌هایی ظاهر شدند و جماعت‌های بزرگ از مشارکت کامل با کلیسای کاتولیک جدا گشتند که به خاطر آن مسئله، هر دو طرف قابل سرزنش هستند. اما، نمی‌توان کسانی را که اکنون در این جوامع متولد می‌شوند و در این جوامع در ایمان به مسیح رشد می‌کنند و کلیسای کاتولیک آنها را با احترام و محبت به عنوان برادران خود می‌پذیرد، به گناه جدایی متهم نمود. زیرا انسانهایی که به مسیح ایمان دارند و به طور صحیح تعمید داده شده‌اند در مشارکت با کلیسای کاتولیک قرار می‌گیرند، اگر چه به صورتی ناقص. بدون شک تفاوت‌هایی که به

۷. مت ۱۶: ۱۹، در رابطه با مت ۱۸: ۱۸.

۸. لو ۲۲: ۳۲.

۹. یو ۲۱: ۱۵-۱۸.

۱۰. افس ۲: ۲۰.

۱۱. ۱- پطر ۲: ۲۵؛ مجمع اول واتیکان، جلسه چهارم (۱۸۷۰).

۱۲. اش ۱۱: ۱۰-۱۲.

۱۳. افس ۲: ۱۷-۱۸، در رابطه با مر ۱۶: ۱۵.

۱۴. ۱- پطر ۱: ۳-۹.

۱۵. ۱- قرن ۱۱: ۱۸-۱۹؛ غلا ۱: ۶-۹؛ ۱- یو ۲: ۱۸-۱۹.

۱۶. ۱- قرن ۱: ۱۱ و ۱۲ و ۱۳، ۱۱: ۲۲.

درجات مختلف میان ایشان و کلیسای کاتولیک وجود دارد. چه در آموزه و گاهی اوقات در نظام کلیسا، یا در ارتباط با ساختار کلیسا در واقع موانعی زیاد و اغلب بسیار جدی، برای مشارکت کامل کلیسایی ایجاد می نمایند. نهضت جهانی کردن کلیسا در تلاش است تا بر این موانع فائق آید. اما حتی علی رغم این موانع، این مطلب به قوت خود باقی است که آنانی که توسط ایمان در تعمیم عادل شمرده شده اند به مسیح ملحق می شوند؛^{۱۷} از این رو ایشان حق دارند که مسیحی خوانده شوند و به دلایل کافی توسط فرزندان کلیسای کاتولیک به عنوان برادران پذیرفته شوند.

از این گذشته، بسیاری از عوامل مهم و موهبت‌هایی که با هم کلیسا را بنا نموده و حیات می بخشند، می توانند خارج از مرزهای قابل رؤیت کلیسای کاتولیک وجود داشته باشند: کلام مکتوب خدا، حیات فیض، ایمان، امید و محبت به همراه دیگر عطایای باطنی روح القدس، و نیز عوامل قابل رؤیت دیگر.

تمام اینها که از مسیح ناشی شده و به او منتهی می شوند، با اختیار به کلیسای یگانه مسیح تعلق دارند.

برادران دینی جدا شده از ما نیز فرائض آیین نیایشی بسیاری از دین مسیح را به انجام می رسانند. این فرائض مربوط به آیین نیایش، به روشهایی که مطابق شرایط هر کلیسا یا جماعت تفاوت می کنند، می توانند سبب حیات فیض گونه شوند و به طور مناسبی موجبات دسترسی به مشارکت نجات را ممکن سازند.

کلیساهای جدا شده^{۱۸} و جماعت‌های شبیه آن، گرچه معتقدیم از نقائص ذکر شده در بالا عذاب می کشند معهذاً به هیچ وجه از مفهوم و اهمیت موجود در راز نجات محروم نگشته اند. زیرا روح مسیح از استفاده از آنها به عنوان ابزار نجات، خودداری ننموده است، ابزاری که تأثیر خود را از همان پری فیض و راستی که به کلیسای جامع سپرده شده می گیرد.

با این وجود، برادران جدا شده ما، چه به عنوان فرد در نظر گرفته شوند یا به صورت جماعتها و کلیساهای، با آن اتحادی که عیسی مسیح آرزو داشت به تمام کسانی که به آنان در بدن یگانه حیات تازه بخشیده و کسانی که در تازگی حیات به آنان روح بخشیده است ارزانی دارد، برکت نمی یابند. آن اتحادی که کتب مقدس و سنت کهن کلیسا اعلام می دارد. زیرا آن پری تنها از طریق کلیسای یگانه کاتولیک مسیح، که کمک جهانی نجات است، قابل حصول می باشد. ما ایمان داریم که خداوند تمام برکات عهدجدید را تنها در

۱۷. مجمع اسقفان فلورانس، جلسه ۸ (۱۴۳۹)، اعلامیه Exultate Deo.
 ۱۸. مجمع چهارم لتران، (۱۲۱۵).

ارتباط با هیئت رسولان که در رأس آن پطرس قرار دارد عطا نمود، تا بدن یگانه مسیح که تمام کسانی که به هر طریق به قوم خدا تعلق دارند باید به آن ملحق شوند، بر روی زمین بنا گردد. در طی سفر زیارتی کلیسا بر روی زمین، این قوم، با وجود اعضای مستعد گنااهش، در مسیح رشد می‌کند و به وسیله حکمت مدبر خدا، طبق نقشه‌های مخفی او هدایت می‌شود تا هنگامی که با خوشحالی به پری جلال ابدی در اورشلیم آسمانی وارد گردد.

۴- در بسیاری از بخشهای جهان، تحت تأثیر فیض روح القدس، تلاشهای بسیاری در نیایش، کلام و عمل صورت می‌پذیرد تا پری اتحادی که عیسی مسیح می‌خواست به دست آید. از این رو مجمع مقدس درخواست می‌کند تا تمام ایمانداران کاتولیک، نشانه‌های دوران را بشناسند و سهم فعال و خردمندانه‌ای در کار وحدت کلیساها داشته باشند.

اصطلاح «نهضت جهانی کردن کلیسا» نشان‌دهنده ابتکارات و اقدامات سازمان یافته و حمایت شده‌ای است که مطابق نیازهای گوناگون کلیسا و فرصتهای ارائه شده، جهت ارتقاء اتحاد مسیحیان به کار می‌رود. این اقدامات عبارتند از: ابتدا، هر تلاشی جهت اجتناب از اظهارات، قضاوتها و اعمالی که شرایط برادران جدا شده ما را به راستی و انصاف نشان ندهد و ایجاد روابط متقابل با ایشان را دشوارتر سازد. سپس، گفتگو میان متخصصین باکفایت از کلیساها و جماعت‌ها؛ آنها در جلساتشان که در روح مذهب سازمان داده می‌شوند هر یک تعالیم جماعت خویش را عمیق تر شرح می‌دهد و به طور آشکاری نمودهای متمایز آن را می‌نمایاند. از طریق چنین گفتگویی هر کس شناخت بهتری از تعالیم و حیات مذهبی هر دو طرف حاصل می‌نماید. به علاوه، این مصاحبت‌ها در همکاری نزدیک تری جهت اجرای وظایف خیریت عمومی بشر که از هر وجدان مسیحی مورد درخواست است، سهم می‌شوند. آنها همچنین برای نیایش دسته جمعی، که مجاز باشد به دور هم جمع می‌شوند. سرانجام این که، همه برای امتحان وفاداری خود به اراده مسیح در مورد کلیسا هدایت شوند و هر کجا که لازم باشد، وظیفه احیا و اصلاح را بر عهده گیرند.

چنین اعمالی، هنگامی که توسط ایمانداران کاتولیک با شکیبایی دوراندیشانه و تحت هدایت اسقفانشان اجرا شوند، عدالت و راستی، همکاری و توافق و روح محبت و اتحاد برادرانه را تشویق و حمایت می‌کنند. در نتیجه کم‌کم، موانع سد راه مشارکت کامل اتحاد بین‌الکلیساها برطرف خواهند شد، و تمام مسیحیان در مراسم مشترک شکرگزاری در اتحاد کلیسای یگانه، که مسیح از ابتدا بر کلیسای خود عطا نمود، جمع خواهند شد. ما معتقدیم، اتحاد موجود در کلیسای جامع عاملی است که کلیسا نمی‌تواند آن را از دست بدهد، و امیدواریم که تا انتهای عالم به رشد خود ادامه خواهد داد.

به هر حال، آشکار است که کار آماده سازی و تطبیق آن افراد خاص و عامی که در آرزوی مشارکت کامل کلیسای جامع هستند، بنا به طبیعت خود از عمل مربوط به وحدت کلیساها متمایز است. اما مغایرتی بین آن دو وجود ندارد، زیرا هر دوی آنها حاصل طریقهای اعجاب انگیز خدا هستند.

کاتولیکها در امور بین الکللیسایی، مطمئناً باید متوجه برادران جدا شده خود باشند، برای ایشان دعا کنند، در مورد کلیسا به آنان آگاهی دهند، و اولین قدمها را به سوی آنان بردارند. اما وظیفه اصلی ایشان ارزیابی دقیق و درستی است از آنچه لازم است تا در خود خانواده کاتولیک تجدید شده و به عمل آید، تا این که حیات آن شهادتی بس آشکارتر و امین تر به تعالیم و بنیادهایی باشد که از مسیح و از طریق رسولان به ما منتقل شده اند. زیرا گرچه کلیسای کاتولیک با تمام راستی مکشوف الهی و با تمام فیض عطا گشته است، اما اعضای آن در زندگی با آنها تمام غیرتی را که باید نشان نمی دهند. در نتیجه درخشش صورت کلیسا در برابر چشمان برادران جدا شده ما و جهان در کل، کمتر می شود و رشد ملکوت خدا کند می گردد. از این رو هر فرد کاتولیک باید هدف خود را بر مسیحی کامل شدن^{۱۹} قرار دهد و هر کس بنا به وضعیت خود، نقش خود را ایفا نماید، تا کلیسا که در جسم خود تواضع و مرگ عیسی را حمل می کند،^{۲۰} هر روزه پاک تر و تازه تر شود، تا روزی که مسیح آن را در جلال کامل خویش بدون لکه و چین بر خویشتن آشکار نماید.^{۲۱}

در حین حفظ اتحاد در اصول، هر کس در کلیسا بر طبق وظیفه سپرده شده به او، آزادی مناسبی در اشکال گوناگون نظام و حیات روحانی، در تنوع مراسم آیین نیایشی، و حتی در توضیحات الهیاتی راستی آشکار شده را حفظ نماید. در هر چیز اجازه دهید محبت غالب آید. اگر آنها در این مسیر عمل درست باشند، جلوه غنی تری به جامعیت و رسولیت موثق و صحیح کلیسا خواهند بخشید.

از سوی دیگر، کاتولیکها باید با خوشحالی موهبتهای مسیحی را که در میان برادران جدا شده ما یافت می شوند به خاطر میراث مشترکمان اذعان نموده و محترم شمارند. تشخیص دولتمندیهای مسیح و آثار شریف در زندگی کسانی که به مسیح شهادت می دهند، حتی تا ریخته شدن خونشان، درست و مفید است. زیرا خدا همیشه در کارهایش عجیب است و شایسته ستایش.

نباید فراموش کنیم، هر چیزی که توسط فیض روح القدس در قلوب برادران جدا شده ما ایجاد شده، می تواند جهت آموزش ما به کار رود. هر چه باشد مسیحی واقعی با آنچه

۱۹- ر.ک روم ۱۲: ۱-۲.

۲۰- ر.ک ۲. قرن ۴: ۱۰؛ فی ۵: ۲-۸.

۲۱- ر.ک افس ۵: ۲۷.

واقعاً به ایمان مربوط است مخالفت نمی‌کند؛ در واقع، می‌تواند همیشه درک کامل‌تری از راز مسیح و کلیسا را به ارمغان آورد.

با این وجود، اختلافات میان مسیحیان مانعی است برای کلیسا در تحقق بخشیدن به پری‌جامعیت خاص آن در فرزندان‌ش که، گرچه به واسطه‌تعمید با کلیسا مرتبط هستند، اما هنوز از مشارکت کامل با آن جدا می‌باشند. علاوه بر این، خود کلیسا در اظهار جامعیت کامل خود در تمام جنبه‌های زندگی واقعی خویش، با مشکل رو به رو است.

این مجمع مقدس مفتخر است که اشاره نماید مشارکت ایمانداران کاتولیک در کار نهضت وحدت‌گرایی کلیسا هر روزه افزایش می‌یابد. این مجمع تمام اسقفان جهان را به خاطر تلاش جدی و راهنمایی با بصیرت خود مورد تمجید و ستایش قرار می‌دهد.

فصل دوم

اجرای وحدت‌گرایی کلیسا

۵- توجه به حفظ اتحاد، به کل کلیسا، ایمانداران و روحانیون، مربوط می‌شود. همه را مطابق استعدادشان در بر می‌گیرد، حال چه به صورت روزانه در زندگی مسیحی به کار رود یا در مطالعات الهیاتی و تاریخی. خود این توجه تا اندازه‌ای پیوند برادری موجود میان تمام مسیحیان را نشان می‌دهد، و منجر به اتحاد کامل در راستای آنچه خدا در لطف خود اراده می‌نماید می‌شود.

۶- هر نوع اصلاح کلیسا در اصل شامل افزایش وفاداری به کار خود کلیساست. بدون شک این مهم، پویایی حرکت به سوی اتحاد را بیان می‌نماید.

مسیح همچنان که کلیسا به مسیر زیارتی خود ادامه می‌دهد، آن را به اصلاح مستمری که بدان نیاز داشته است فرامی‌خواند، انگار که کلیسا بنیاد انسانها این جا بر روی زمین است. در نتیجه، اگر در شرایط و دوران مختلف، کمبودهایی در سلوک اخلاقی یا در نظام کلیسا وجود داشته، یا حتی در طریقی که تعالیم کلیسا به قاعده درآمده‌اند- که باید با احتیاط کامل از ودیعه ایمان تشخیص داده شود- باید در لحظه مناسب و به طریق صحیح، تنظیم شوند.

از این رو اصلاح کلیسا، اهمیت جهانی در خور توجهی دارد. چندی است این اصلاح در زمینه‌های گوناگون حیات کلیسا صورت می‌پذیرد: اقدامات مربوط به کتاب مقدس و آیین نیایش، بشارت کلام خدا و تعالیم مذهبی، رسالت غیرروحانیون، اشکال جدید حیات مذهبی و معنویت زندگی متأهلی، و تعالیم رسمی کلیسا و فعالیت و عملکرد آن. تمام این موارد باید به عنوان وعده‌ها و تضمینهایی برای پیشرفت آینده وحدت‌گرایی کلیسا تلقی شوند.

۷- بدون دگرگونی باطنی، هیچ وحدت‌گرایی کلیسایی در خور نامی نمی‌تواند وجود داشته باشد. زیرا از تازگی حالات ذهن^{۲۲} و از خود گذشتگی و محبت نامحدود است که آرزوی وحدت شکل می‌گیرد و در طریقی بالغ رشد می‌کند. از این رو باید در نیایش، از روح القدس بطلبیم که فیض ببخشد تا ما بتوانیم از خود گذشته، متواضع و رحیم به دیگران خدمت نماییم، و برای داشتن رفتاری برادرانه نسبت به دیگران نیز دعا کنیم. رسول امتهما می‌گوید: «لهذا من که در خداوند اسیر می‌باشم از شما استدعا دارم که به شایستگی آن دعوتی که به آن خوانده شده‌اید رفتار کنید، با کمال فروتنی و تواضع و حلم، و متحمل یکدیگر در محبت باشید و سعی کنید که یگانگی روح را در رشته سلامتی نگاه دارید» (افس ۴: ۱-۳). این درخواست بخصوص از کسانی می‌شود که در مراتب روحانی قرار دارند به جهت این که مأموریت مسیح ادامه یابد. او به میان ما آمد «نه برای خدمت شدن بلکه برای خدمت نمودن» (مت ۲۰: ۲۸).

یوحنا رسول شهادت داده، می‌گوید: «اگر بگوییم که گناه نکرده‌ایم، او را دروغگو می‌شماریم و کلام او در ما نیست» (۱- یو ۱: ۱۰). این کار به نفع گناهان است در برابر اتحاد. پس، در نیایش متواضعانه از خدا طلب بخشش نماییم و از برادران جدا شده مان نیز، همان طور که ما هم آنان را به خاطر ضربه زدن به ما می‌بخشیم. ایمانداران باید به یاد داشته باشند که آنان اتحاد میان مسیحیان را بهتر توسعه می‌بخشند، و در واقع آن را بهتر به عمل می‌آورند، وقتی سعی می‌کنند بر طبق انجیل مقدس تر زندگی نمایند. زیرا هرچه پیوند و اتحاد با پدر و با کلام و با روح بیشتر باشد، عمیق تر و آسان تر می‌توانند در محبت متقابل برادرانه رشد نمایند.

۸- این تغییر قلب و تقدس حیات، همراه با نیایش آشکار و نهان برای اتحاد مسیحیان، باید به عنوان روح کل اقدام وحدت‌گرایی کلیسا و شایسته نام «وحدت‌گرایی روحانی کلیسا» مورد توجه قرار گیرد. این یک رسم شناخته شده برای کاتولیکهاست که بارها به نیایش برای اتحاد کلیسا توسل نمایند، که به وسیله آن خود نجات‌دهنده در شب آخر، مشتاقانه از پدر خود تقاضا نمود: «تا همه یک باشند» (یو ۱۷: ۲۰).

در برخی شرایط، همچون در هنگام فریضه نیایش «برای اتحاد» و در طی تجمعات بین‌کلیسایی، مجاز و در واقع پسندیده است که کاتولیکها با برادران جدا شده خود در نیایش بپیوندند. چنین نیایشهای مشترک ابزار بسیار مؤثری برای درخواست فیض اتحاد و جلوه‌ای واقعی از روابطی است که هنوز کاتولیکها را به برادران جدا شده خود متصل می‌سازد. «زیرا هر کجا که دو یا سه نفر به نام من جمع شوند آنجا در میان ایشان حاضر خواهم بود» (مت ۱۸: ۲۰).

هنوز آیین پرستش مشترک (*communicatio in sacris*) به عنوان وسیله‌ای که به طور نامشخص برای حفظ اتحاد میان مسیحیان استفاده شود، مورد توجه نمی‌باشد. دو اصل مهم وجود دارند که اجرای چنین آیین پرستشی مشترکی به آنها بستگی دارد: اول، اصل اتحاد کلیسا که باید اظهار شود؛ و دوم، اصل شراکت در فیض. اظهار نمودن اتحاد به طور کامل، مانعی برای آیین پرستش مشترک است. اغلب فیضی که باید حاصل شود آن را مورد تمجید قرار می‌دهد. مسیر واقعی که باید اتخاذ گردد، هنگامی که تمام شرایط زمان، مکان و اشخاص به موقع مورد توجه قرار گرفته باشند، به تصمیم محتاط مقام اسقفی منطقه واگذار می‌شود، مگر مجمع اسقفان برطبق قوانین خود، یا ریاست اعظم کلیسا، غیر از آن تعیین نموده باشند.

۹- ما باید با چشم انداز برادران جدا شده خود آشنا شویم. مطمئناً تحقیق نیازمند این است، و باید در وفاداری و راستی و با روح حسن نیت دنبال شود. کاتولیکهایی که از قبل زمینه مناسبی دارند به کسب یک درک کافی از آموزه‌های مربوط به برادران جدا شده مان، همچنین از تاریخ آنان، زندگی روحانی و آیین نیایشی، روانشناسی مذهبی و زمینه فرهنگی ایشان نیاز دارند. با ارزش ترین کار برای رسیدن به این هدف، تشکیل جلسات دو جانبه است - بخصوص برای بحث مسائل الهیاتی - آنجا که می‌توان با طرف دیگر در زمینه‌ای برابر به بحث پرداخت، به شرط آن که کسانی که در این بحثها شرکت می‌نمایند تحت هدایت مقامات مسوول و با صلاحیت باشند. از چنین گفتگوهایی وضعیت فعلی کلیسای کاتولیک به وضوح آشکار می‌گردد. به این طریق نیز، چشم انداز برادرانمان را بهتر درک نموده و به طور مناسب تری عقیده خود را ارائه می‌دهیم.

۱۰- الهیات مقدس و شعبه‌های دیگر دانش، بخصوص آنها که از یک طبیعت تاریخی هستند، باید با دیدگاه وحدت‌گرایی کلیسا تعلیم داده شوند، تا این که به حد ممکن با حقایق مطابقت نمایند.

این مسئله حائز اهمیت است که شبانان و کشیشهای آینده در الهیاتی که به دقت تهیه شده است مهارت یابند البته نه به گونه‌ای بحث‌انگیز - بخصوص در مورد آنچه به روابط برادران جدا شده با کلیسای کاتولیک مربوط می‌شود. زیرا این مسئله به شکل‌گیری کشیشان و به آموزش لازم و شکل‌گیری روحانی ایمانداران و دینداران بستگی دارد. از این گذشته، کاتولیکهایی که در کار رسالتی در همان منطقه دوشادوش مسیحیان دیگر مشغول کار هستند بخصوص در این دوره، به دلیل اقدام وحدت‌گرایی کلیسا، باید از مسائل و منافی که رسالت ایشان را تحت تأثیر قرار می‌دهد آگاهی داشته باشند.

۱۱- وضع و ترتیبی که ایمان کاتولیک، به آن طریق اظهار می شود، به هیچ وجه نباید مانعی برای گفتگو با برادرانمان شود. البته، ضروری است که آموزه در تمامیت خود به وضوح ارائه گردد. هیچ چیز برای روح وحدت گرائی کلیسا بیگانه تر از Irenicism اشتباه نیست که خلوص و پاکی آموزه کاتولیک را خدشه دار ساخته و مانع مفهوم واقعی و خاص آن می گردد.

در همان حال، ایمان کاتولیک باید عمیق تر و صحیح تر بیان شود، به نحوی که برادران جدا شده ما بتوانند واقعاً آن را درک نمایند.

علاوه بر این، در گفتگویی بین الکللیسایی، الهیدانان کاتولیک در حالی که به واسطه تعالیم کلیسا سخت ایستاده اند و در عین حال با برادران جدا شده، در رازهای الهی تحقیق می نمایند، باید با محبت برای راستی و با عشق و با تواضع کار خود را دنبال نمایند. هنگامی که ایشان آموزه ها را با یکدیگر مقایسه می نمایند باید به یاد داشته باشند که در آموزه کاتولیک یک رشته یا «سلسله مراتب» راستی ها وجود دارد، زیرا آنها در ارتباطشان با اساس ایمان مسیحی تفاوت می کنند. از این رو راهی باز خواهد شد که به وسیله آن، این نوع «رقابت برادرانه» به درک عمیق تر و جلوه روشن تری از دولت مندیهایی غیر قابل فهم مسیح منتهی خواهد گردید.^{۲۳}

۱۲- بگذاریم مسیحیان در برابر تمام جهان، به ایمانشان به خدای واحد و تثلیث اقرار نمایند، به پسر تن گرفته خدا، که خداوند و نجات دهنده ماست. اجازه دهیم که با اتحاد در کارهایشان، و با احترام متقابل، به امید مشترکمان شهادت دهند، امیدی که ما را به راه کذب نمی کشد. امروزه چون همکاری در امور اجتماعی بسیار گسترش یافته است، همه انسانها بدون استثناء برای همکاری با هم دعوت می شوند؛ و این موضوع در مورد ایمانداران به خدا صحت بیشتری می یابد، اما بیش از همه در مورد مسیحیان صدق می کند، زیرا ایشان حامل مهر نام مسیح هستند. همکاری میان مسیحیان به روشنی آن رشته پیوندی را که از پیش میان ایشان بود، نشان می دهد و با آسودگی مشخصه های مسیح خدمت کننده را در برابر انظار قرار می دهد. این نوع همکاری، که از پیش در بسیاری از کشورها آغاز شده، باید هر چه بیشتر توسعه یابد، بخصوص در مناطقی که تکامل اجتماعی و تکنولوژیکی در حال شکل گرفتن است. این نوع همکاری باید در قدرشناسی از منزلت بشری، ارتقاء بشری، ارتقاء برکات صلح، اعمال اصول انجیل در حیات اجتماعی، و پیشرفت هنر و علوم در روح واقعی مسیحی، جا بگیرند. این همکاری باید از هر وسیله ممکن جهت رفع مصیبت های زمان ما استفاده نماید، مصیبت هایی همچون قحطی و بلایای طبیعی، بی سوادی و فقر، نداشتن مسکن و توزیع نابرابر ثروت. از طریق

این نوع همکاری، ایمانداران به مسیح می‌توانند به آسانی بیاموزند که چگونه یکدیگر را بهتر درک نمایند و بیشتر احترام گذارند و مسیری را که به اتحاد مسیحیان منتهی می‌شود، هموار سازند.

فصل سوم

کلیساهای و جماعت‌های کلیسایی جدا شده از مسند رسولی

۱۳- حال به دو نوع اختلافات که ردای مسیح را آلوده نموده، توجه نماییم. اولین اختلافات در شرق رخ داد، حال چه به خاطر بحث در مورد اصول جزمی مجامع افسس و کالسدون، یا بعدها به واسطه فسخ مشارکت بین الکللیسایی مابین حوزه سراسقفی شرق و مسند رسولی رومی. اما بعدها به مدت بیش از چهار قرن اختلافات دیگری در غرب بروز نمود. این اختلافات از حوادثی ناشی می‌شدند که کلاً به عنوان، اصلاحات شناخته می‌شوند. در نتیجه، بسیاری از اتحادیه‌ها، ملی یا *confessional* از مسند رومی جدا شدند. از جمله آنهایی که هنوز سنتها و بنیادهای کاتولیک در آنها به صورت بخشی موجود می‌باشند، کلیسای انگلیکن (انگلستان) است که در این میان جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است. این شعبات گوناگون نه تنها به دلیل منشأ، جایگاه و زمان تفاوت زیادی با یکدیگر دارند، بلکه به دلیل طبیعت و جدیت موضوعات مربوط به ایمان و نظام کلیسا با هم متفاوتند. بنابراین، بدون حقیر شمردن تفاوت‌های میان هیأت‌های گوناگون مسیحی، و بدون بزرگ‌نمایی روابطی که علی‌رغم اختلافات به بقای خود در میان ایشان ادامه می‌دهند، مجمع تصمیم گرفته است تا ملاحظات زیر را به خاطر اقدام محتاطانه وحدت‌گرایی کلیسا، مطرح نماید.

۱) جایگاه ویژه کلیساهای شرق

۱۴- قرن‌های متمادی کلیساهای شرق و غرب هر یک به راه خویش رفتند، با این حال مشارکتی برادرانه در ایمان و حیات رازگونه آنها را به هم مرتبط می‌ساخت. اگر اختلافاتی در ایمان و نظام در میان ایشان برمی‌خاست، مسند رسولی روم با رضایت مشترک به عنوان میانجی عمل می‌نمود.

این مجمع با خوشحالی یک حقیقت بسیار مهم را به همه خاطر نشان می‌سازد: در شرق

کلیساهای محلی خاصی شکوفا می شوند، که در میان آنها کلیساهای پاتریارکی جایگاه نخست را دارا می باشند و از آنها بسیاری به شکوفایی می درخشند زیرا که مبدأ خود را از خود رسولان گرفته اند. از این رو، آنچه در میان کلیساهای شرق از توجه و رسیدگی خاصی برخوردار بوده، و هنوز هم هست، حفظ و نگهداری روابط خانوادگی، که باید میان کلیساهای محلی همچون دو خواهر وجود داشته باشد، در مشارکت ایمان و محبت است.

کلیسای شرق از همان ابتدا گنجینه ای داشته است که کلیسای غرب عمدتاً آیین نیایش، سنت روحانی و فقه خود را از آن کسب نموده است. نباید این حقیقت را که اصول جزمی پایه ایمان مسیحی مربوط به تثلیث و تن گیری کلام خدا از مریم باکره است، که در مجامع بین الکللیسایی شرق تعریف شدند، دست کم بگیریم. این کلیساهای، بر حفظ این ایمان عذاب کشیده اند و هنوز هم عذاب بسیاری را متحمل می شوند.

به هر حال، میراث به دست آمده توسط رسولان به انواع مختلف به ما رسید، به طوری که از ابتدای کلیسا توسعه آن، از منطقه ای به منطقه دیگر و نیز به دلیل ذهنیات مختلف و روشهای زندگی، متنوع بود. این دلایل به اضافه دلایل دیگری، همچون عدم محبت و درک متقابل، راه اختلافات را باز نمود.

به این دلیل مجمع از همه درخواست می کند بخصوص از کسانی که خود را وقف کار حفظ مشارکت کامل بین کلیساهای شرق و کلیساهای کاتولیک می نمایند، تا به این مشخصه یعنی منشأ و رشد کلیساهای شرق، به خصلت روابطی که میان ایشان و فرشتین رومی پیش از جدایی وجود داشت، و برای انجام یک ارزیابی درست از این حقایق، توجه لازم را به عمل آورند. رعایت دقیق این مطلب، عمدتاً در گفتگوی مورد نظر تأثیر خواهد گذارد.

۱۵- همه می دانند که مسیحیان شرق با چه عشق و علاقه ای، آیین نیایش مقدس، بخصوص راز قربانی مقدس را که منشأ حیات کلیسا و قول جلال آئینده است برگزار می نمایند. ایمانداران در این راز، متحد با اسقفان نشان، از طریق پسر، همان کلمه تن گرفته که عذاب کشید و جلال یافت، در جاری شدن روح القدس به خدای پدر دست می یابند. و به این ترتیب، در حالی که «شریکان طبیعت الهی» (۲- پطرس ۱: ۴) شده اند، به مشارکت با تثلیث اقدس وارد می شوند. از این رو، به واسطه برگزاری راز سپاسگزاری خداوند در هر یک از این کلیساهای، کلیسای خدا بنا می شود و در قامت رشد می نماید و با برگزاری مراسم مشترک، ارتباطشان با یکدیگر بیشتر آشکار می گردد.

در این پرستش آیین نیایشی، مسیحیان شرق در سرودهای زیبای ستایشی، احترام و تمجید بسیار زیادی به مریم همیشه باکره مبذول می دارند، چرا که مجمع جهانی افسس رسماً او را مادر مقدس خدا اعلام نمود تا مسیح به درستی و به حق به عنوان پسر خدا و

پسرانسان، بر طبق کتب مقدس، شناخته و به او شهادت داده شود. ایشان نیز برای مقدسین، از جمله پدران کلیسای جهانی احترام خاصی قائل می‌باشند. این کلیساهای، گرچه از ما جدا شده‌اند، اما رازهای مقدس صحیح و معتبر را دارا می‌باشند، بخصوص - به واسطه تسلسل رسولی - کهانت و راز قربانی مقدس، که به وسیله آن، به صمیمی‌ترین شکل با ما مرتبط می‌باشند. بنابراین، برخی آیینهای پرستشی مشترک (*communicatio in sacris*)، که شرایط مناسب را داشته و تأیید مقام مسوول کلیسا را داشته باشند، صرفاً ممکن نمی‌باشد اما مورد تشویق و حمایت قرار می‌گیرد. به علاوه، دولتمندیهای آن سنتهای روحانی که بخصوص در زندگی راهبانه جلوه‌گر می‌شوند، در شرق یافت می‌شوند. از دوران باشکوه پدران مقدس، روحانیت و معنویت رهبانی در شرق رشد نمود و سپس به جهان غرب نیز رخنه کرد، و منبعی ایجاد نمود که حیات رهبانی لاتین انگیزه خود را، و از آن به بعد قدرت تازه‌ای، از آن گرفته است. بنابراین، به طور جدی توصیه می‌شود که کاتولیکها خود را با دولتمندیهای روحانی پدران شرق، که بشر را کلاً به تعمق رازهای الهی ارتقاء می‌بخشند، متأثر سازند. همه باید بدانند که درک و احترام، نگهداری و تقویت میراث غنی آیین نیایشی و روحانی کلیساهای شرق از اهمیت بسزایی برخوردار است، برای این که، پری سنت مسیحی با امانت حفظ شود و میان مسیحیان شرق و غرب مصالحه برقرار گردد.

۱۶- کلیساهای شرق از دوران اولیه نظام خود را پی گرفتند و مجامع اسقفی و حتی مجامع جهانی توسط پدران مقدس مورد تأیید قرار گرفتند. چنین تنوع رسومات و آیینهایی، که مانعی بر سر راه اتحاد کلیسا محسوب نمی‌شوند، به زیبایی آن می‌افزایند و به میزان زیادی در پیشبرد رسالت آن سهیم می‌گردند، به طوری که قبلاً بیان شده است. از این رو، برای رفع هرگونه شبهه، این شورای اسقفی رسماً اعلام می‌دارد که کلیساهای شرق، با در نظر گرفتن لزوم اتحاد کامل کلیسا، اختیار حکومت بر خودشان را بر اساس نظام خویش دارند، زیرا این نظامها با خصلت ایمانداران نشان سازگارتر هستند، و برای تقویت خیریت جانها، سازگاری بهتری نیز از خود نشان می‌دهند. رعایت کامل این اصل سنتی - که در واقع همیشه رعایت نگشته - یک شرط لازم برای تجدید اتحاد است.

۱۷- در مطالعه راستی آشکار شده، شرق و غرب از روشها و گرایشهای متفاوتی در درک و اقرار امور الهی استفاده نموده‌اند. پس تعجب‌آور است اگر گاهی اوقات یک سنت به درک کامل تر برخی جنبه‌های یک راز مکاشفه نزدیکتر شده، یا آنها را بهتر بیان نموده باشد. در چنین مواردی، این تدوینهای متنوع الهیاتی معمولاً به عنوان مکمل یکدیگر قلمداد شده‌اند و نه به عنوان متضاد. با توجه به سنتهای اصیل الهیاتی کلیساهای

شرق، باید دریابیم که آنها به طور تحسین برانگیزی در کتاب مقدس ریشه می یابند، در حیات مربوط به آیین نیایش تقویت شده و تجلی می یابند، به وسیله سنت زنده رسولان و به واسطه کارهای پدران کلیسا و نویسندگان روحانی شرق تغذیه می شوند، و در واقع به سوی نظام درست حیات و تعمق کامل راستی مسیحی جهت می یابند.

این مجمع مقدس، خدا را شکر و سپاس می گوید که بسیاری از فرزندان شرقی کلیسای کاتولیک، این میراث را نگه می دارند و آرزو دارند که آن را صادقانه تر و کامل تر در زندگی خود ابراز نمایند، و در مشارکت کامل با برادرانشان که سنت غرب را دنبال می کنند، زندگی می نمایند. اما این مورد اعلام می دارد که کل این میراث روحانیت و آیین نیایش و نظام و الهیات، در سنتهای گوناگون، به خصلت رسولی و جامع بودن کلیسا تعلق دارد.

۱۸- با در نظر گرفتن تمام این عوامل، این مجمع روحانی تأکید می نماید که مجامع سابق و مقامات عالی کلیسای کاتولیک اعلام داشته اند: جهت تجدید مشارکت و اتحاد یا حفظ نمودن آنها، باید «باری تحمیل نشود مگر این ضروریات» (اع ۱۵: ۲۸). خواسته ضروری مجمع چنین است که نسبت به درک تدریجی این اتحاد در سازمانهای مختلف و فعالیتهای بومیای کلیسا، هر نوع تلاشی به عمل آید، بخصوص به وسیله نیایش و گفتگوی برادرانه در مورد آموزه و مسائل مهمتر شبانی عصر ما. همچنین، در رابطه با شبانان و ایمانداران کلیسای کاتولیک، این مورد، روابط نزدیک با کسانی که دیگر در شرق زندگی نمی کنند و دور از سرزمین خود می باشند را می ستاید، تا این که همکاری دوستانه با ایشان در روح محبت افزایش یابد، بدون داشتن مجادله یا رقابت. اگر این وظیفه از صمیم قلب به انجام رسد، مجمع امیدوار است که با برداشتن دیوار حائل کلیساهای شرق و غرب، در نهایت تنها یک چیز در میان ایشان ساکن باشد، چیزی که محکم بر سنگ زاویه قرار گرفته است، که مسیح عیسی است، او که هر دو را یک خواهد ساخت.

۲) کلیساهای جدا شده و جوامع کلیسایی در غرب

۱۹- کلیساهای و جوامع کلیسایی که در طی بحران شدیدی که در غرب در پایان قرون وسطی یا در دوران بعد آغاز شد، از مسند رسولی رم جدا شدند، در نتیجه پیوند طولانی قرون اولیه یعنی هنگامی که مسیحیان در مشارکت کلیسایی زندگی می نمودند، به وسیله رابطه ای بسیار نزدیک با کلیسای کاتولیک مرتبط می باشند.

اما چون این کلیساهای و جوامع کلیسایی به طور قابل توجهی با ما متفاوتند و حتی در میان خودشان نیز تفاوت وجود دارد، و این به خاطر منشأ و عقاید مختلف ایشان در آموزه و حیات روحانی است، وظیفه توصیف نمودن ایشان فوق العاده مشکل است؛ از این رو قصد نداریم این جا چنین کاری را انجام دهیم.

گرچه جنبش وحدت‌گرایی کلیسا و آرزوی صلح با کلیسای جامع هنوز در همه جا اتخاذ نگردیده است، با این وجود امیدواریم که روح طلب وحدت کلیسا و احترام متقابل به تدریج در میان انسانها افزایش یابد.

اما در عین حال، باید تشخیص داد که میان این کلیساها و جوامع کلیسایی از یک سو، و کلیسای کاتولیک از سوی دیگر، تفاوت‌های عمده‌ای وجود دارند. نه تنها از نظر تاریخی و خصوصیات جامعه‌شناختی، روانشناسی و فرهنگی بلکه بخصوص در تفسیر راستی آشکار شده. جهت تسهیل ورود به گفتگوی بین‌کلیسایی علی‌رغم این تفاوتها، آرزوی ما این است که برخی نکات قابل توجه که در پی می‌آیند و در واقع باید به عنوان اساس و تشویقی برای یک چنین گفتگویی به کار روند، جایگاه خود را در این میان به دست آورند.

۲۰- در وهله اول، فکر ما به مسیحیان معطوف می‌شود که عیسی مسیح را به عنوان خدا و خداوند و تنها واسط میان خدا و انسان برای جلال خدای یگانه، یعنی پدر و پسر و روح القدس، به طور آشکار اقرار می‌نمایند. ما آگاهیم از این که در آن جا تفاوت‌های قابل توجهی نسبت به آموزه کلیسای کاتولیک وجود دارد حتی در رابطه با مسیح، کلمه خدا که تن گرفت و در رابطه با کار نجات، و همچنین در رابطه با راز و رسالت کلیسا و نقش مریم در کار نجات. اما خوشحالیم که برادران جدا شده ما به مسیح به عنوان منشأ و کانون اتحاد جهانی کلیسا می‌نگرند. اشتیاق آنان برای اتحاد با مسیح آنان را هر چه بیشتر به سوی اتحاد سوق می‌دهد و نیز به شهادت دادن به ایمانشان در میان مردم جهت می‌بخشد.

۲۱- محبت و احترام کتاب مقدس، برادرانمان را به مطالعه پایدار و دقیق متن مقدس کتاب سوق می‌دهد. زیرا انجیل «قدرت خداست برای نجات هر که ایمان آورد، ابتدا برای یهودیان و بعد برای یونانیان» (روم ۱: ۱۶).

آنان با استناد به روح القدس، خدا را آن طور که در مسیح با ایشان سخن می‌گوید، کسی که انبیا در مورد او پیشگویی نمودند، یعنی کلام تن گرفته خدا برای ما، در کتب مقدس می‌جویند. ایشان حیات را در کتب مقدس تعمق می‌نمایند، و نیز تعالیم و اعمال استاد آسمانی برای نجات آدمیان را، به ویژه رازهای مرگ و قیامت او. اما وقتی مسیحیان جدا شده از ما، اختیار و اقتدار آسمانی کتب مقدس را تأکید می‌نمایند، در مورد ارتباط میان کتب مقدس و کلیسا متفاوت از ما می‌اندیشند - اندیشه متفاوت به روشی متفاوت. زیرا، بر طبق اعتقاد کاتولیک، در کلیسا مقام تعلیمی معتبر و صحیح، جایگاه خاصی در توضیح و بشارت کلام خدا دارد.

با این وجود، در خود گفتگو، کلام مقدس وسیله ارزشمندی در دست قدرتمند خداست برای دستیابی به آن اتحادی که نجات‌دهنده برای تمام آدمیان به ارمغان می‌آورد.

۲۲- بشر به وسیله راز تعمید، اگر به طریقی که خداوند مشخص نمود اعطا گردد، ودیعه‌های مناسب روح را دریافت می‌نماید به واقع به مسیح مصلوب شده و جلال یافته ملحق می‌شود و در مشارکت حیات الهی متولد می‌گردد، همان طور که رسول می‌فرماید: «زیرا در موت او تعمید یافتیم و با او دفن شدیم تا آن که به همین شکلی که مسیح به جلال پدر از مردگان برخاست، ما نیز در تازگی حیات رفتار نمائیم».^{۲۴}

از این رو، تعمید، پیوند رازگونه اتحاد را میان تمام کسانی که از طریق همین راز تعمید تولد تازه یافته‌اند، بنا می‌سازد. اما تعمید، به خودی خود، تنها یک آغاز است، یک نقطه حرکت، زیرا کلاً به سوی کسب پُری حیات در مسیح جهت می‌یابد. پس تعمید در جهت اقرار کامل ایمان و در جهت مشارکت کامل در نظام نجات همان طور که خود مسیح آن را اراده نمود، و سرانجام، در جهت تلفیق کامل در مشارکت مربوط به راز سپاسگزاری قرار می‌گیرد.

گرچه جماعت‌های کلیسایی جدا شده از ما، فاقد پُری اتحاد با ما هستند که از تعمید ناشی می‌شود، و گرچه معتقدیم واقعیت درست راز سپاسگزاری را در کمال خود حفظ نموده‌اند بخصوص به این دلیل که فاقد راز مرتبت یابی هستند، با این وجود هرگاه آنان مرگ خداوند و قیامت او را در شام مقدس گرامی می‌دارند، اقرار می‌نمایند که این گرامی داشت، زندگی در مشارکت با مسیح را تداعی می‌کند و انتظار آمدن پر جلال او را می‌کشد. به این دلایل، آموزه مربوط به شام خداوند، و دیگر رازهای مقدس، آیین پرستش و خدمت روحانی در کلیسا، باید موضوع گفتگو قرار گیرند.

۲۳- روش زندگی مسیحی این برادران به وسیله ایمان در مسیح تغذیه می‌شود. توسط فیض تعمید و استماع کلام خدا قوت می‌یابد. این روش زندگی، خود را در نیایش شخصی، در تعمق بر کتب مقدس، در زندگی خانواده مسیحی، و در پرستش جماعت گرد آمده برای ستایش خدا، جلوه‌گر می‌سازد. به علاوه، پرستش ایشان اغلب، مشخصه‌های برجسته آیین نیایش که مشترکاً برگزار می‌شود را نشان می‌دهد.

ایمانی که به واسطه‌اش آنان به مسیح ایمان دارند، در ستایش و شکرگزاری برای موهبت‌های رسیده از جانب خدا، ثمر می‌آورد. در ارتباط با این ایمان، احساس زنده عدالت و محبت واقعی نسبت به دیگران وجود دارد. این ایمان پویا، مسؤول تشکیلات بسیاری برای تسکین اندوه مادی و معنوی، پیشبرد تحصیلات جوانان، بهبود شرایط اجتماعی و ارتقاء صلح و ثبات در تمام دنیا بوده است.

مسیحیان بسیاری وجود دارند که در امور اخلاقی همیشه انجیل را به روش کاتولیکها

درک نمی‌نمایند و همان راه حلها را برای مسائل مشکل‌تر جامعه نوین نمی‌پذیرند، با این وجود می‌خواهند که به کلام خدا به عنوان منشأ فضیلت مسیحی و اطاعت از حکم رسول وفادار بمانند: «و آنچه انجام دهید در کلام و در عمل، همه را به نام عیسی خداوند به عمل آورید و خدا پدر را به وسیله او شکر نمایید» (کول ۳: ۱۷). بدین لحاظ، گفتگوی بین‌کلیسایی می‌تواند با درخواست اخلاقی انجیل آغاز شود.

۲۴- اکنون، ما پس از این توضیح مختصر در مورد شرایطی که در آنها فعالیت بین‌کلیسایی باید به عمل آید و اصولی که توسط آنها این فعالیت باید جهت داده شود، با اطمینان به آینده می‌نگریم. این مجمع روحانی از ایمانداران درخواست می‌نماید تا از هر نوع اشتیاق غیر محتاطانه و بی‌جهت پرهیز نمایند، زیرا این نوع اشتیاقها ممکن است به پیشرفت واقعی به سوی اتحاد، آسیب وارد نمایند. فعالیت بین‌کلیسایی ایشان نمی‌تواند چیزی جز فعالیت کامل و صادقانه کاتولیکی باشد، یعنی، وفادار به راستی که از رسولان و پدران کلیسا دریافت داشته‌ایم و در هماهنگی با ایمانی که کلیساهای کاتولیک همیشه بدان معترف بوده است، و در همان حین متمایل بودن به آن پُری که در آن خداوندان می‌خواهد بدنش در مسیر زمان رشد نماید.

این مجمع روحانی قویاً امیدوار است که ابتکارات فرزندان کلیسای کاتولیک، در اتحاد با ابتکارات برادران جدا شده، به پیش خواهد رفت، بدون بستن راههای مشیت الهی، و بدون پیش‌داوری الهامات آینده روح القدس. علاوه بر این، این مجمع اعلام می‌دارد که این هدف مقدس را درک می‌نماید. مصالحه تمام مسیحیان در اتحاد تنها کلیسای مسیح - که فوق‌عطایا و قوت بشری است. از این رو این مجمع امید خود را به طور کامل در نیایش مسیح برای کلیسا قرار می‌دهد، در محبت پدر برای ما و در قوت روح القدس. «و امید باعث شرمساری نمی‌شود، زیرا که محبت خدا در دل‌های ما به روح القدس که به ما عطا شد، ریخته شده است» (روم ۵: ۵).

بخش دوم: تصمیمات مختلف بعد از شورای واتیکان دوم دستورالعمل مربوط به ازدواجهای مختلط (۳۴)

Matrimonii Sacramentum

گردهمایی روحانی در باب آموزه ایمان، ۱۸ مارس ۱۹۶۶

راز زناشویی، توسط مسیح، به عنوان سمبل اتحاد او با کلیسا بنا شد، تا این که به قدرت مقدس کلیسا فرصت عمل دهد و تا آن را به واقع قادر نماید که برای زن و شوهر به یک راز عظیم مبدل گردد (ر.ک. افس ۵: ۳۲)، که به وسیله آن بتوانند آن محبتی را که مسیح با آن خود را برای کلیسایش داد، در زندگی‌شان ابراز نمایند. به این دلیل، پیوند زناشویی مستلزم کامل‌ترین و بیشترین توافق بین طرفین، بخصوص در زمینه مربوط به مذاهب است. «ارتباط میان جانها زمانی تضعیف یا به کناری رانده می‌شود که زن و مرد از یک فکر و یک دل بودن با توجه به بالاترین و عالی‌ترین ارزشها - و با توجه به راستی مذهبی و در نظر گرفتن احساس - دست بردارند». به این دلیل است که کلیسای کاتولیک با جدیت تمام وظیفه خود می‌داند تا از ایمان همسران و فرزندان‌شان محافظت نماید. کلیسا وظیفه خود را به بهترین وجه انجام می‌دهد تا تضمین نماید که کاتولیکها با کاتولیکها ازدواج نمایند.

نظام کلیسا با توجه به ازدواجهای مختلط، همان طور که در قانون شرع تصویب شده است، به وضوح این مراقبت دقیق را نشان می‌دهد. این قانون شکل دو مانع برای ازدواج را ترسیم می‌نماید: اختلاط مذهبی و تفاوت آیین پرستش. اولین مورد، ازدواج بین یک کاتولیک و یک شخص تعمید یافته غیر کاتولیک را منع می‌کند، در حالی که از اعتبار چنین ازدواجی نمی‌کاهد.^۱ مورد دوم ازدواج میان یک شخص کاتولیک و یک فرد تعمید نیافته را بی اعتبار می‌داند.^۲ دلیل دیگر نگرانی کلیسا برای تقدس ازدواج مسیحی، شکل حقوقی آن است که رضایت و موافقت به وسیله آن آشکار می‌شود. درست است که در گذشته انواع مختلف ازدواج مجاز بودند، اما همیشه دقت شده که ازدواجهای پنهان صورت نپذیرند.

شبانان باید به وسیله این سنت هدایت شوند و ارزش دینی و ارزش این راز مقدس را به ایمانداران بیاموزند. آنان با جدیت باید در مورد مشکلات و خطرات موجود در ازدواج یک مسیحی غیر کاتولیک، و خیلی بیشتر، با یک غیر مسیحی به زوجین هشدار دهند.

۱- مجموعه قوانین، ۱۰۶۰-۱۰۶۴.

۲- مجموعه قوانین، ۱۰۷۰-۱۰۷۱.

شبانان باید از تمام وسایل مناسب جهت تضمین این که جوانان ایشان با کاتولیکها ازدواج نمایند، استفاده کنند.

هم‌زمان، این مطلب باید در ذهن جای بگیرد که در مدت کوتاهی، تغییرات زیادی در زندگی اجتماعی و خانوادگی رخ داده است. این مسئله، رعایت نظام قانونی کلیسا در رابطه با ازدواجهای مختلط را مشکل‌تر ساخته است، حتی مشکل‌تر از گذشته.

امروزه تماس میان کاتولیکها و غیرکاتولیکها بیشتر شده است، بسیاری از ایشان در رسومات و سبک زندگی مشترکی سهیم هستند. دوستی میان ایشان به سهولت شکل می‌گیرد و این یک حقیقت تجربی است که ازدواجهای مختلط، متداول‌تر می‌شوند.

امروز بیشتر از همیشه، مسوولیت مشترک شبانی کلیسا ایجاب می‌کند که در ازدواجهای مختلط، تقدس زناشویی مطابق تعالیم کاتولیک و ایمان زوجین محافظت شود. همچنین، ایجاب می‌کند که تربیت کاتولیکی فرزندان با ظرافت و جدیت هر چه تمام‌تر به عمل آید.

امروزه، با توجه به این حقیقت که میان غیرکاتولیکها بخصوص در مورد فسخ ناپذیری ازدواج اختلاف نظر وجود دارد، و بنابراین در مورد طلاق و ازدواج مجدد پس از طلاق (حقوقی) نیز اختلاف نظر وجود خواهد داشت، چنین مراقبت شبانی ضرورت بیشتری می‌یابد.

از این رو کلیسا وظیفه خود می‌داند تا اعضای خود را محافظت نماید، مبدا ایمانشان به خطر افتد یا آسیب مادی و معنوی متحمل شوند.

بنابراین کسانی که قصد ازدواج دارند باید دقیقاً در مورد طبیعت، خصوصیات و تعهدات ازدواج و خطراتی که باید از آنها احتراز نمود، آموزش داده شوند.

به علاوه، در این زمینه نباید توجه به اصول رفتار نسبت به برادران جدا شده مان را که رسماً توسط مجمع دوم واتیکان در سند مربوط به وحدت‌گرایی کلیسا عنوان شده است را از دست بدهیم. این مطلب به نظر می‌رسد که تخفیف در نظام سخت موجود در رابطه با ازدواجهای مختلط را پیشنهاد می‌کند، بدون توجه به آنچه در شریعت الهی وجود دارد، بلکه با در نظر گرفتن برخی مقررات کلیسایی که برادران جدا شده از ما آنها را آزار دهنده می‌یابند.

بی‌درنگ چنین درک می‌شود که این موضوع مهم، از دید دومین مجمع جهانی واتیکان به دور نمانده، موضوعی که توسط پاپ ژان بیست و سوم به عنوان خاطره‌ای خوش برای بحث در مورد مسائل زمان ما، عنوان گشت. در واقع پدران مجمع مطالب زیادی برای گفتن در این زمینه داشتند که، به حق، با دقت بررسی شده است.

بنابراین ما با کشیشان مرتبط با این امور مشورت نمودیم و به دقت همه چیز را مورد بررسی قرار دادیم. دو مانع اختلاط مذهبی و اختلاف آیین پرستش، همچنان باقی می ماند، گرچه اختیار معافیت از آنها به سراسقفان منطقه داده شده است، بر طبق رساله رسولی، *Pastorale Munus*، شماره های ۱۹ و ۲۰، به دلایل مهم و به شرط رعایت قانون شریعت کلیسا. قانون کلیساهای شرق همچنان بدون تغییر باقی می ماند. پیش بینی های زیر با اختیار پاپ پل ششم، به عمل آمده است تا بعد از آزمایش لازم وارد مجموعه قوانین اصلاح شده کلیسا شوند.

(الف)

- ۱) ضرورت حفظ ایمان کاتولیک زوجین باید دائماً مد نظر باشد و آموزش و تربیت کودکان در ایمان کاتولیک تضمین شود.^۳
- ۲) سراسقف کاتولیک محلی زوجین یا کشیش کلیسای منطقه باید دقت نمایند تا بر زن یا شوهر، وظیفه تعمیم و تربیت کودکان در مذهب کاتولیک را اعمال نمایند. طرف کاتولیک قول خواهد داد که تعهد لازم را به انجام خواهد رساند.
- ۳) طرف غیر کاتولیک باید، با ظرافت لازم اما آشکارا در مورد تعالیم کاتولیک در خصوص منزلت زناشویی و بخصوص با توجه به خصوصیات اصلی آن، اتحاد و فسخ ناپذیری اش، آگاهی داده شود.
- طرف غیر کاتولیک همچنین در مورد تعهد مهم مربوط به همسر کاتولیک اش جهت حفظ و نگهداری و اقرار ایمان او و تربیت فرزندان و تعمیم آنها در چنین ایمانی، باید مطلع گردد.
- برای تأمین اجرایی این تعهد، از طرف همسر غیر کاتولیک باید، آشکارا و صادقانه، قول داده شود که حداقل از جانب وی مانعی در این جهت ایجاد نخواهد شد. اما اگر، غیر کاتولیک احساس نماید که چنین قولی بر خلاف وجدان خود او خواهد بود، سراسقف باید موضوع را با تمام جزئیات آن، به مقام عالی کلیسا ارجاع دهد.
- ۴) معمولاً این قول و وعده ها به صورت مکتوب باید تهیه شوند. اما، به اسقف بستگی دارد که تصمیم بگیرد، چه به صورت قانونی کلی یا نمونه ای خاص، این وعده ها نوشته شوند یا خیر، یعنی توسط طرف. کاتولیک یا همسر غیر کاتولیک یا هر دو. همچنین بستگی دارد که تصمیم بگیرد چگونه آن وعده ها باید در قباله ازدواج ثبت شوند.

(ب)

در برخی مناطق تعلیمات کاتولیکی فرزندان به نحوی متوقف می‌گردد، نه به اختیار آزاد والدین بلکه به واسطه قوانین و رسوماتی که در صورت تمایل به ازدواج باید آنها را مراعات نمایند. در این صورت، سراسقف منطقه، با در نظر گرفتن همه چیز، آن مانع (قانون یا رسم) را معاف می‌نماید به شرط آن که همسر کاتولیک با بهترین شناخت و توانایی خود آماده باشد تا تعمید و تربیت کاتولیکی را برای تمام فرزندان به عمل آورد و نیز به این شرط که حسن نیت همسر غیر کاتولیک تضمین شده باشد.

کلیسا در اعطای این امتیاز، به وسیله امید به لغو قوانین مدنی و حقوقی که برخلاف آزادی بشر می‌باشند، برانگیخته شد، یعنی قوانینی چون، منع تربیت کاتولیکی فرزندان یا اجرای مناسک دینی کاتولیک، و در این صورت قانون طبیعی در این گونه موارد به اجرا در خواهد آمد.

(ج)

شکل قانونی، توصیف شده در قانون کلیسایی ۱۰۹۴، باید در مورد ازدواجهای مختلط رعایت شود. برای اعتبار داشتن، این مورد ضروری است. اگر قرار باشد مشکلاتی رخ نمایند سراسقف باید موضوع را به مقام عالی کلیسا ارجاع دهد و تمام موارد را ذکر نماید.

(د)

با توجه به نحوه آیین نیایش، قانون کلیسایی ۱۱۰۳ پاراگراف ۲ و قانون ۱۱۰۹ پاراگراف ۳، سراسقفان منطقه می‌توانند برای یکی از طرفین اجازه برگزاری ازدواجهای مختلط را با انجام مراسم روحانی و با برکات مرسوم و موعظه صادر نمایند.

(ه)

اجرای مراسم ازدواج در برابر یک کشیش کاتولیک و یک کشیش غیر کاتولیک، که هر یک مناسک خود را همزمان اجرا نمایند، بدون قید و شرط ممنوع می‌باشد.

اما هنگامی که تشریفات مذهبی تمام شده است، دلیلی وجود ندارد که کشیش غیر کاتولیک نتواند، تبریک و تشویق و ذکر برخی نیایشها را به همسر غیر کاتولیک خطاب نماید. اما همه اینها به تأیید سراسقف منطقه بستگی دارند و باید دقت شود که از هر گونه ایجاد رنجش اجتناب گردد.

(و)

سراسقفان منطقه و کشیشان محلی باید دقت نمایند که خانواده‌های با ازدواج مختلط زندگی مقدسی را در راستای وعده‌های داده شده، بخصوص در مورد بیان آموزه کاتولیک و اصول اخلاقی کودکان، پیش بگیرند.

(ز)

تکفیر به عمل آمده توسط کسانی که در مقابل کشیش غیر کاتولیک ازدواج نموده اند، طبق قانون کلیسایی ۲۳۱۹ پاراگراف ۱ شماره ۱ اکنون ملغی می‌گردد. نتایج این الغا عطف به ماسبق می‌باشد.

فکر و نیتی که در پس این مقررات است، همان است که در بالا متذکر شدیم: برآوردن نیاز ایمانداران در عصر حاضر و ارتقاء روابط صمیمی میان کاتولیکها و غیر کاتولیکها.

کسانی که به بیان و ابلاغ آموزه کاتولیک به ایمانداران مکلف می‌گردند، به ویژه کشیشان محلی، باید خود را از صمیم قلب و به طور مستمر وقف این خدمت نمایند. برای این کار باید در ادای محبت کامل نسبت به کاتولیکها و با احترام شایسته نسبت به دیگران و به غیر کاتولیکها و به کسانی که صادقانه نسبت به موضع خود متقاعد شده اند، تلاش نمایند.

کاتولیکها باید برای تقویت و افزایش ایمان خویش بکوشند، مسیر پرهیزکاری مسیحی را در زندگی خود دنبال کنند، و نمونه درخشانی برای همسر غیر کاتولیک و فرزندان نشان باشند.



بیانیه مشترک در خصوص همکاری (۳۵)

پل ششم و مایکل رمزی، اسقف اعظم کانتربری، ۲۴ مارس ۱۹۶۶

در شهر رم - که از آن جا آگوستین قدیس توسط قدیس گریگوری به انگلستان فرستاده شد و مسند کلیسای جامع کانتربری، که چشمان تمام اعضای کلیسای انگلستان اکنون به عنوان مرکز مشارکت مسیحی ایشان به سوی آن دوخته است، را در آن جا بنا نهاد - مقام مقدس پاپ پل ششم و عالیجناب مایکل رمزی، اسقف اعظم کانتربری که معرف جماعت کلیسای انگلیکن (انگلستان) می باشد، جهت تبادل دروذهای صمیمانه و برادرانه با هم دیدار نموده اند.

در خاتمه دیدارشان، خدای قادر متعال را شکر و سپاس می گویند که با عمل روح خود در این سالهای اخیر مابین کلیسای کاتولیک و کلیساهای جماعت انگلیکن رفاقت مسیحی ایجاد نموده است.

این دیدار ۲۳ مارس ۱۹۶۶، مرحله تازه‌ای را در توسعه روابط برادرانه می‌گشاید که بر اساس محبت مسیحی و تلاشهای صادقانه جهت حل اختلافات و برقراری مجدد اتحاد، قرار دارد.

آنان در اطاعت از فرمان مسیح که به شاگردانش حکم نموده یکدیگر را محبت نمایند، با کمک او اعلام می‌دارند که هرآنچه را در گذشته با این دستور محبت در تضاد بوده است به دست خدای رحمت می‌سپارند و خود را با فکر رسول همسو می‌گردانند که در این عبارات چنین بیان می‌دارد: «آنچه در عقب است فراموش کرده و به سوی آنچه در پیش است خویشتن را کشیده، در پی مقصد می‌کوشم به جهت انعام بلند خدا که در مسیح عیسی است» (فی ۳: ۱۳ - ۱۴).

آنان تمایلشان را مورد تأکید قرار می‌دهند که تمام مسیحیانی که به این دو تعلق دارند با همین احساس احترام و محبت برادرانه احیا شوند؛ و برای کمک به پیش بردن آن به طور کامل، ایشان مایلند مابین کلیسای کاتولیک روم و کل جماعت کلیسای انگلستان، زمینه گفتگویی جدی را بگشایند، که بر اساس اناجیل و سنت مشترک کهن منجر به اتحاد در راستی شود که مسیح برای آن دعا نمود. این گفتگو نه تنها باید شامل امور الهیاتی همچون کتاب مقدس، سنت و آیین نیایش باشد، بلکه موضوعاتی که از هر دو طرف به عنوان مشکلات فنی احساس می‌شوند را نیز باید در برگیرد. در واقع مقام مقدس پاپ و عالیجناب اسقف اعظم کانتربری واقف هستند که موانعی جدی در راه حفظ

مشارکت کامل ایمان و حیات رازگونه وجود دارند؛ با این حال آنان در عزم خویش جهت ارتقاء روابط مسؤولانه میان جماعت‌هایشان در تمام آن زمینه‌های حیات کلیسا مصمم هستند، آنجا که همکاری احتمالاً به درک بیشتر و محبت عمیق‌تر، و نیز به تلاش مشترک جهت یافتن راه‌حلهایی برای تمام مسائل عمده‌ای که کلیسا در جهان امروز با آنها روبه‌رو است، منتهی می‌شود.

از طریق یک چنین همکاری، و به وسیله فیض خدای پدر و در نور روح القدس، امید است که نیایش خداوندمان عیسی مسیح برای اتحاد میان شاگردانش به انجام خود نزدیک‌تر شود، و با پیش‌روی به سوی اتحاد، تحکیم صلح در جهان واقع شود، صلحی که تنها او می‌تواند آن را عطا نماید، «آرامی که خارج از تمام ادراک است»، به همراه برکت خدای قادر مطلق، پدر و پسر و روح القدس، تا این که توسط همه آدمیان تا به ابد این آرامی ساکن شود.

ازدواج مابین کاتولیک‌های روم و ارتدکسها (۳۶)

Crescens Matrimoniorum

گردهمایی روحانی برای کلیساهای شرق، ۲۲ فوریه ۱۹۶۷

به خاطر افزایش تعداد ازدواجهای مختلط مابین کلیساهای شرق و مسیحیان غیر کاتولیک شرقی در حوزه‌های پاتریارکی شرق و نیز در حوزه‌های اسقفی لاتین و ضرورت رفع ناراحتیهای حاصل از آنها، مجمع دوم واتیکان دستور داد: «هرگاه کاتولیک‌های شرقی با غیر کاتولیک‌های تعمید یافته شرقی ازدواج نمایند، شکل قانونی مراسم چنین ازدواجی فقط در صورت مجاز بودن، ملزم می‌باشد: برای اعتبارشان حضور کشیش روحانی کفایت می‌کند، مادام که دیگر ملزومات قانون رعایت شوند» (سند مربوط به کلیساهای کاتولیک شرق، شماره ۱۸).

در اوضاع خاص امروز، ازدواجهای مختلط مابین ایمانداران کاتولیک مراسم عبادتی لاتین و ایمانداران غیر کاتولیک شرق در حال جا افتادن است، و تنوع در نظامهای قانونی کلیسا مشکلات عدیده‌ای را در شرق و غرب سبب شده است. به این دلیل، در عریضه‌هایی که از مناطق مختلف خطاب به مقام عالی کلیسای کاتولیک ارسال گردیده‌اند از وی خواسته شده که نظام قانونی کلیسا در این موارد را یکی سازد یعنی همان حکمی که برای کاتولیک‌های مناسک شرق تصویب گردیده برای کاتولیک‌های مناسک لاتین نیز مجاز دانسته شود.

مقام مقدس پاپ پل ششم، پس از تعمق بسیار و تحقیق سخت در این رابطه، تصمیم گرفته است با این درخواستها موافقت نماید و به عنوان وسیله‌ای جهت ممانعت از ازدواجهای بی اعتبار مابین ایمانداران کلیسای لاتین و ایمانداران مسیحی غیر کاتولیک شرق و به عنوان نشانه توجه صحیح به ثبات و تقدس ازدواجها، و وسیله تشویق محبت میان ایمانداران کاتولیک و ایمانداران غیر کاتولیک شرق، با شادمانی آن را اعطا می‌نماید، یعنی هنگامی که کاتولیک‌های شرق و غرب با ایمانداران غیر کاتولیک شرق پیمان زناشویی منعقد می‌سازند، شکل قانونی این ازدواجها برای مجاز بودن ملزم می‌باشد؛ حضور کشیش روحانی برای اعتبار داشتن کفایت می‌کند، مادام که دیگر نیازمندیهای قانون رعایت شوند.

مراقبت دقیق باید به عمل آید تا تحت هدایت شبانان، چنین ازدواجهایی در اسرع وقت وارد دفاتر ثبت مشخص شده شوند. این دستور همچنین زمانی که کاتولیک‌های

شرقی با غیرکاتولیکهای تعمیم یافته شرقی ازدواج می کنند، بر طبق موازین سند شورایی، «مربوط به کلیساهای شرق»، شماره ۱۸، به قوت خود باقی است.

در راستای تقدس خود ازدواج، از کشیشان غیرکاتولیک، محترمانه و با جدیت درخواست می شود تا در وظیفه ثبت ازدواجها در کتب جناح کاتولیک، چه کاتولیک لاتین یا کاتولیک شرق، همکاری نمایند.

سراسقفانی که معافیت از موانع اختلاط مذهبی را اعطا می نمایند، اختیار معاف نمودن از رعایت مقررات قانونی در این مورد را نیز دارند، در صورتی که طبق صلاحدید ایشان حل مشکلات موجود مستلزم این معافیت باشد. پاپ اعظم همچنین به مجمع روحانی مربوط به کلیسای شرق، که خود در رأس آن است، دستور داده است، تا این امتیاز و تصمیم را به همه ابلاغ نماید. به این ترتیب، مجمع روحانی، پس از مشاوره با مجمع روحانی مربوط به آموزه ها، که به دستور مقام مقدس صورت گرفت، سند حاضر را تنظیم نمود تا در *Acta Apostolicae Sedis* منتشر شود.

در ضمن، برای آن که این قانون جدید به رأی و نظر کسانی که با آن مربوط می شوند، برسد، چه کاتولیک از هر سلکی باشند و یا ارتدکس، سند حاضر به تاریخ ۲۵ مارس ۱۹۶۷، در عید اعلام مژده به مریم متبارک، به مورد اجرا در خواهد آمد، با وجود هر نوع مغایرت و مخالفت با آن.

بیانیه مربوط به موضع کلیسای کاتولیک

در برگزاری مشترک راز سپاسگزاری با مسیحیان فرقه‌های مختلف (۳۸)

Dans ces derniers temps

دبیرخانه ارتقاء وحدت مسیحیان، ۷ ژانویه ۱۹۷۰

۱- اخیراً، در نقاط مختلف جهان، با توجه به مشارکت مشترک در راز قربانی مقدس، ابتکارات چندی به مرحله عمل درآمده‌اند. آنها از یک سو، ایمانداران و روحانیون کلیسای کاتولیک و از سوی دیگر، غیرروحانیون و شبانان کلیساهای مسیحی و جماعت‌های کلیسایی دیگر را درگیر نموده‌اند. اغلب موضوع پذیرش ایمانداران کاتولیک در مراسم عشاء راز سپاسگزاری پروتستانها یا انگلیکنها، و گاهی نیز برعکس موضوع مشارکت پروتستانها و انگلیکنها در مراسم عشاء راز سپاسگزاری یک کلیسای کاتولیک مطرح می‌شود و یا این که مراسم آیین پرستش راز سپاسگزاری مشترکاً توسط کشیشان متعلق به کلیساها و جماعت‌های کلیسایی جدا شده از یکدیگر برگزار می‌گردد و در این مراسم، غیرروحانیون جماعت‌های ذکر شده شرکت می‌نمایند.

این موضوع از اهمیت الهیاتی، شبانی و به ویژه جهانی عظیمی برخوردار است، و ما مایلیم که موازین تنظیم شده اخیر کلیسایی در رابطه با آن را یادآوری نماییم.

۲- مجمع دوم واتیکان در اعلامیه در مورد وحدت‌گرایی کلیسا *Unitatis Redintegratio*، در مورد این موضوع خود را مخاطب قرار داده است. این سند بعد از یادآوری این مطلب که نیایشهای معمول برای اتحاد، وسیله مؤثری جهت طلب فیض اتحادند و جلوه معتبری از رشته‌هایی بنا می‌سازند که کاتولیکها به وسیله آنها با مسیحیان دیگر متحد باقی می‌مانند، چنین ادامه می‌دهد: «اما، همچون در مورد آیین پرستش مشترک، موضوع برگزاری مراسم مشترک راز سپاسگزاری ممکن است به عنوان وسیله‌ای که به طور نامشخص برای تجدید اتحاد میان مسیحیان استفاده شود، منظور نگردد. چنین آیین پرستشی عمدتاً به دو اصل بستگی دارد: باید اتحاد کلیسا را تداعی، و مشارکت در وسیله فیض را تدارک و پیش‌بینی نماید. این حقیقت که این آیین باید نشانگر اتحاد باشد آیین پرستش مشترک را برقرار می‌دارد. با این حال حصول فیض لازم اغلب این را ابراز می‌دارد. مسیر عملی که پس از توجه لازم به تمام شرایط زمان، مکان و اشخاص باید اتخاذ شود، به تصمیم دقیق اقتدار اسقفی منطقه بستگی دارد، مگر شورای اسقفان مطابق قوانین خود یا مقام پاپ، تصمیم دیگری غیر از آن در نظر داشته باشند» (اعلامیه در مورد وحدت‌گرایی کلیسا (سند ۳۲)، شماره ۸).

۳- در استعمال این اصول کلی، مجمع از ما می خواهد تا به بهترین نحو، «اوضاع خاص کلیساهای شرق» را مورد توجه قرار دهیم (سند ۳۲، شماره ۱۴) و نتایج درستی از این حقایق به دست دهیم: «این کلیساهای اگرچه از ما جدا هستند، اما رازهای مقدس حقیقی به ویژه: توالی رسولی، کهانت و راز سپاسگزاری، که به وسیله آنها، هنوز در رابطه ای بسیار صمیمی با ما مرتبط هستند، را در اختیار دارند. از این رو، با شرایط مناسب ایجاد شده و تأیید مقام کلیسا، بعضی مراسم پرستشی مشترک نه فقط امکان پذیر نمی باشند بلکه توصیه می گردند» (سند ۳۲، شماره ۱۵).

سند مربوط به کلیساهای کاتولیک شرق، *Orientalium Ecclesiarum*، برخی درخواستها را به انجام می رساند. در این سند به مسیحیان شرق که در اتحاد کامل با مسند رسولی در رم نمی باشند، اجازه داده می شود در رازهای مقدس توبه، سپاسگزاری و تدهین بیماران پذیرفته شوند، هنگامی که ایشان خود را در اوضاع و شرایط خاص می یابند. همین حکم به کاتولیکها اختیار می دهد که همان رازهای مقدس را از کشیشان شرق درخواست نمایند، هرگاه ضرورت یا نفع روحانی واقعی این را بطلبد و دستیابی به کشیش کاتولیک جسماً و یا اخلاقاً ممکن نباشد. این سند همچنین توصیه می نماید که مقامات کلیساهای مربوط، در این خصوص با یکدیگر در ارتباط باشند (ر.ک. سند مربوط به کلیساهای کاتولیک شرق (سند ۳۱)، شماره های ۲۷ و ۲۹).

۴- آن بخش از اعلامیه در مورد وحدت گرایی کلیسا که به موضوع «کلیساهای جدا شده و جماعت‌های کلیسایی در غرب» اختصاص یافته است، اقرارهای متنوع به ایمان مسیحی را شامل می گردد. مجمع در آن بخش به مسئله مربوط به الهیات که روابط رازگونه مربوط به راز قربانی مقدس با جماعت‌های مسیحی را مورد تأکید قرار می دهد می پردازد، آنجا که شرایط موجود در کلیساهای شرق فاقد آنها هستند: «جماعت‌های کلیسایی جدا شده از ما فاقد آن پری اتحاد با ما هستند که باید از تعمید ناشی شود و ایمان داریم که بخصوص به دلیل کمبود راز مقدس مرتبت یابی، ایشان آن حقیقت کامل و واقعی راز سپاسگزاری را حفظ نموده اند. با این وجود آنان هنگامی که مرگ و رستاخیز خداوند را در شام مقدس گرامی می دارند، معترف می باشند که عشای مقدس، حیات در اتحاد با مسیح را تداعی می نماید و ایشان انتظار آمدن پرجلال او را می کشند. به این دلایل، گفتگوها بایستی در رابطه با معنی واقعی شام خداوند، رازهای دیگر و پرستش و رسالت کلیسا باشد.» (سند ۳۲، شماره ۲۲).

باید متذکر شد که درک آموزه‌ای راز قربانی مقدس این جماعتها، به درخواست برای گفتگو در مورد راز سپاسگزاری و کل حیات رازگونه وابسته است، و ذکر خاصی از کشیشان کلیسا به عمل می‌آید. کاملاً مشخص است که کلیسای کاتولیک، اهمیت سرنوشت‌سازی برای تعالیم سنتی در مورد لزوم کهانت رسالتی مرتبط با توالی رسولی و شرایطی که آن کهانت در آنها حضور دارد، قائل می‌باشد.

۵- خواسته‌های مجمع دوم واتیکان، از طریق دستورالعمل بین‌الکلیسایی که توسط پدر مقدس در ۲۲ آوریل ۱۹۶۷ تأیید و در ۵ ژوئیه همان سال در *Acta Apostolicae Sedis* منتشر گردید، به مرحله عمل درآمدند.

به خاطر روابط مربوط به عشای ربانی مسیحیان شرق که در اتحاد کامل با مسند رسولی در رم نیستند، این دستورالعمل، خواسته‌های مجمع را بازسازی نموده و به روشی دقیق برخی نکات مفید، بخصوص آنچه به رابطه متقابل و موافقت قبلی مابین مقامات کلیسایی کلیساهای مربوطه ارتباط دارد، را تعیین می‌نماید (دستورالعمل مربوط به امور بین‌الکلیسایی (سند ۳۷) شماره‌های ۳۹ - ۴۷).

۶- این دستورالعمل هنگامی بیشتر وارد جزئیات شد که با جوامع مسیحی که ما با آنها در امور کلیساشناسی و اصول رازگونه‌ای که بخصوص ما را با کلیساهای شرق متحد می‌سازند وجه اشتراکی نداریم، سر و کار یافت. این دستورالعمل پس از ارائه توجیحات آموزه‌ای موازین‌اش، آنها را به طریق زیر به قاعده درمی‌آورد: «برگزاری رازهای مقدس عمل جماعت برگزارکننده و نشانگر اتحاد در ایمان، عبادت و زندگی جماعتی است. جائی که این وحدت ایمان رازگونه ضعیف باشد، مشارکت جماعات جدا شده بخصوص در رازهای مقدس سپاسگزاری، توبه و تدهین بیماران، با کاتولیکها ممنوع است. با این وجود، چون رازهای مقدس هم نشانه اتحاد هستند و هم منشأ فیض (ر.ک. سند ۳۲، شماره ۸)، کلیسا می‌تواند به دلائل کافی، اجازه دستیابی به آن رازهای مقدس را به یک برادر دینی جدا شده از ما صادر نماید. این اجازه می‌تواند در صورت خطر مرگ یا نیاز اضطراری به اجرا درآید (در طی اعدام، در زندان)، در صورتی که برادر دینی جدا شده، به کشیش جماعت دینی خود دسترسی نداشته باشد می‌تواند برای انجام رازهای مقدس درخواست کشیش کاتولیک نماید - مادام که وی ایمانی در هماهنگی با ایمان کلیسا در این رازهای مقدس را اعلام نموده و به صورت صحیحی مستعد و آماده باشد. در حالت‌های دیگر، قضاوت در این امور اضطراری بر عهده اسقف حوزه کلیسایی یا شواری اسقفی است. یک شخص کاتولیک در شرایط مشابه نمی‌تواند به جز از یک کشیش با انتصابی معتبر، برای این رازهای مقدس درخواست بنماید» (سند ۳۷، شماره ۵۵).

۷- کاردینال پآ (Bea)، رئیس دبیرخانه ارتقاء وحدت مسیحیان، یک ماه پیش از درگذشتش در اظهارنظری بر این موضوع، تلاش نمود تا مفهوم واقعی آن را روشن سازد. «این متون دقیقاً شرایط لازم برای پذیرش یک عضو کلیسای انگلیکن یا یک پروتستان را در عشاى راز سپاسگزاری کلیسای کاتولیک مشخص می نمایند. پس، کافی نیست که یک فرد از این مسیحیان، از نظر روحانی آماده شده باشد و یا این که به تشخیص خود از یک کشیش کاتولیک درخواست عشاى ربانی نماید. در وهله اول دو شرط دیگر باید تأیید شوند: یکی این که آنان باید ایمانی را که خود کلیسای کاتولیک در رابطه با راز قربانی مقدس به آن معترف است داشته باشند و دیگری این که به کشیشی از ایمان خود دسترسی نداشته باشند.

این دستورالعمل به عنوان نمونه سه حالت بسیار خاص را که این شرایط در آنها قابل تأیید شدن هستند برمی شمارد: خطر مرگ، اعدام، محکومیت به زندان. در حالات دیگر، در صورت درخواست کشیش از مسلک دیگر، سراسقف منطقه یا شورای اسقفی می توانند این اجازه را صادر نمایند. اما وضعیت باید به نحوی اضطراری باشد مشابه با آن حالتهای ذکر شده در نمونه ها، و همان شرایط باید مورد تأیید قرار گیرند.

«در صورت نبود یکی از این شرایط، پذیرش در عشاى راز قربانی مقدس در کلیسای کاتولیک، امکان نخواهد داشت» (تذکری بر به کارگیری دستورالعمل مربوط به امور بین الکللیسایی، *L'Osservatore Romano* ۶ اکتبر ۱۹۶۸).

۸- با توجه به نقشی که این دستورالعمل در عمل شبانی کلیسا ایفا می نماید؛ یادآوری سخنان پدر مقدس که در تاریخ ۱۳ نوامبر ۱۹۶۸ به اعضای دبیرخانه ارتقاء وحدت مسیحیان خطاب گشت، مفید خواهد بود: «نیازی به گفتن نیست که، جهت ارتقاء وحدت گرایی کلیسا باید به طریقی جدی و ثمربخش آن را هدایت نموده و به قوانینی که کاملاً دقیق هستند سپرد. ما این دستورالعمل راهنمای وحدت بین کلیساها را نه به عنوان مجموعه اصول مشورتی که شخص می تواند آزادانه آن را بپذیرد یا رد نماید، بلکه به عنوان عنوان تعلیم و دستوری موثق و توضیح نظامی که همه کسانی که می خواهند به درستی به نهضت وحدت کلیسا خدمت نمایند باید خود را مطیع آن سازند در نظر می گیریم» (*L'Osservatore Romano* ۱۴ نوامبر ۱۹۶۸).

۹- دبیرخانه ارتقاء وحدت مسیحیان این موضوع را دقیقاً پی گیری نموده و در این رابطه ابتکاراتی متنوع به عمل آورده است. اخیراً، در طی اجتماع عمومی (*Congregatio plenari*) که در آن چهل اسقف از تمام دنیا عضو می باشند - که در رم از تاریخ ۱۸ الی ۲۸ نوامبر برگزار شد، توجه خاصی به این موضوع مبذول گردید. در همان حال، دبیرخانه به طور خاصی از کار انجام شده

در سراسر جهان جهت تعمیق الهیات کلیسا، خدمت روحانی و راز قربانی مقدس، هم به عنوان راز مقدس و هم به عنوان قربانی، که در زمینه تاریخی اختلاف میان مسیحیان انجام شده، قدردانی نمود. این دبیرخانه با علاقه، تلاشهای انجام شده جهت روشن ساختن این مسئله در تمام ابعاد آن و تدبیر واژگان دقیق تر را پی‌گیری می‌نماید، و بخصوص در جریان گفتگوی متقابل ایمانی در این موضوع که اکنون در هر دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی در حال انجام است قرار دارد. دبیرخانه امیدوار است که این گفتگوها به همگرایی مواضع در این خصوص کمک نماید. اما باید متذکر شد که این گفتگوها تاکنون نتایجی مثبت که از هر دو جناح توسط کسانی که در کلیساها و جوامع کلیسایی مربوطه مسؤولیت دارند، قابل اتخاذ باشند به دست ن داده‌اند.

پس کلیسای کاتولیک در حال حاضر در موضعی نیست که موازین دستورالعملی راهنما که مربوط به امور بین‌کلیسایی است را اصلاح نماید. خط‌مشی راهنمایی که در آن دنبال شده، از کلیسا نتیجه‌گشته، بر ایمان کلیسا انعکاس یافته و نیازهای شبانی ایمانداران را مورد توجه قرار می‌دهد. پیش از در نظر گرفتن راه کار دیگری در خصوص راز سپاسگزاری مشترک، روشن ساختن این مسئله ضروری خواهد بود که هر تغییر انجام یافته‌ای، کاملاً در انطباق با اقرار ایمان کلیسا باقی مانده و خدمتی برای حیات روحانی اعضای آن خواهد بود.

۱۰- در این زمان، هنگامی که هفته نیایش برای اتحاد در شرف آغاز است، ما آن میزان علاقه به راز سپاسگزاری مشترک را مدنظر قرار می‌دهیم که قویاً تمایل اتحاد کامل کلیسایی در میان مسیحیان را که خواسته مسیح بود، تحریک می‌کند. این خواسته به طور مناسب در مراسمی قابل ابراز است که در طول این هفته نیایش برپا خواهند شد. این مراسم به همراه قرائت کتاب مقدس و تعمق بر آن، در واقع می‌توانند شامل عواملی باشند که در جهت راز سپاسگزاری که خواسته بسیاری است، قرار می‌گیرند: سپاس و قدردانی برای اتحادی که به طور جزئی قبلاً به دست آمده، تأسف ما برای اختلافاتی که هنوز وجود دارند و تصمیم قطعی ما برای هر کار ممکن جهت فائق آمدن بر آن اختلافات، و سرانجام درخواست متواضع از خداوند برای جلو انداختن آن روزی که قادر خواهیم بود تا با هم راز بدن و خون مسیح را برگزار نماییم.

نامه رسولی در مورد ازدواجهای مختلط (۳۹)

Matrimonia Mixta

پل ششم، ۷ ژانویه ۱۹۷۰

ازدواجهای مختلط، یعنی ازدواج مابین یک کاتولیک و یک غیرکاتولیک، چه تعمید گرفته باشد یا نه همیشه توسط کلیسا در راستای وظیفه اش به طور دقیقی مورد توجه واقع شده است. امروزه، بسته به شرایط عصر حاضر، کلیسا حتی ملزم می‌گردد که توجه بیشتری نیز به این مورد داشته باشد. در گذشته کاتولیکها، از اعضای اعتقادات مسیحی دیگر و از غیرمسیحیان جدا شدند و این جدایی به واسطه وضعیت ایشان در جماعت آنان یا حتی به واسطه مرزهای فیزیکی و مادی به وجود آمد. اما در دورانهای اخیر، نه تنها این جدایی کاهش یافته است بلکه ارتباط میان افراد مناطق و مذاهب مختلف به میزان زیادی توسعه یافته و در نتیجه میزان ازدواجهای مختلط نیز افزایش یافته است. همچنین به واسطه رشد و اشاعه تمدن و صنعت، توسعه شهری و بالطبع کاهش جمعیت روستایی، مهاجرتها در گروههای بسیار و افزایش تعداد تبعیدیها از هر نوع تأثیر عمده‌ای بر این نوع ازدواجها گذاشته است.

کلیسا در واقع آگاه است که ازدواجهای مختلط، قطعاً به این دلیل که نفاوتهای مذهب را می‌پذیرند و نتیجه اختلاف میان مسیحیان هستند، فقط در موارد نادری به ایجاد اتحاد در میان مسیحیان کمک می‌کنند. مشکلات ذاتی بسیاری در یک ازدواج مختلط وجود دارند، زیرا اختلاف مسلمی در سلول زنده کلیسا - همان گونه که خانواده مسیحی نامیده می‌شود - وارد می‌گردد و در خود خانواده انجام تعالیم انجیل به دلیل تنوع در امور دینی مشکل‌تر می‌شوند، بخصوص با توجه به آن اموری که به آیین پرستش مسیحی و تعلیم و تربیت فرزندان مربوط می‌شوند.

به این دلایل، کلیسا که از وظیفه خود آگاه است انعقاد ازدواجهای مختلط را مورد تشویق قرار نمی‌دهد، زیرا مشتاق‌تر است که کاتولیکها بتوانند اتحاد کامل فکری و مشارکت کامل زندگی را در زناشویی به دست آورند. اما، چون انسان اختیار طبیعی ازدواج و تولید فرزند را دارد، کلیسا به واسطه قوانینش، که به طور آشکاری توجه شبانی آن را نشان می‌دهند، چنین مقرر داشته که از یک سو اصول قوانین الهی صادقانه رعایت شوند و از سوی دیگر حق ذکر شده در مورد انعقاد ازدواج مورد احترام قرار گیرد.

کلیسا به طور آماده‌ای خود را با تربیت جوانان و مناسبت‌شان با به عهده گرفتن وظایفی چند با حس مسؤولیت‌پذیری و انجام تعهداتشان به عنوان اعضای کلیسا، مربوط ساخته است و این را هم در آماده ساختن کسانی که قصد انعقاد ازدواج مختلط دارند نشان می‌دهد و هم در توجه و علاقه نشان دادن به کسانی که قبلاً چنین ازدواجی داشته‌اند. اگر چه در مورد افراد تعمید یافته با اعتقادات دینی متفاوت، خطر کمتری در بی‌تفاوتی مذهبی وجود دارد، اما می‌توان به گونه‌ای ساده‌تر از آن اجتناب نمود اگر هر دو طرف (زن و شوهر) آگاهی درستی از طبیعت مسیحی شراکت زناشویی داشته باشند و نیز به طرز صحیح توسط مقامات کلیسای خود مورد حمایت قرار گیرند. حتی مشکلاتی که در ازدواج میان یک شخص کاتولیک و یک شخص تعمید نیافته پدید می‌آیند، از طریق نظارت و مهارت شبانی قابل حل شدن هستند.

کلیسا نه در آموزه و نه در قانون، ازدواج میان یک کاتولیک با یک غیرکاتولیک تعمید یافته را هم سطح ازدواج میان یک شخص کاتولیک با یک فرد تعمید نیافته قرار نمی‌دهد؛ زیرا همان‌طور که مجمع دوم واتیکان اعلام نمود، کسانی که با وجود کاتولیک نبودن، «به مسیح ایمان دارند و به طور درستی تعمید نیافته‌اند، به نحوی، هر چند ناقص، در اتحاد با کلیسای کاتولیک قرار می‌گیرند»^۱. به علاوه، گرچه مسیحیان شرق که خارج از کلیسای کاتولیک تعمید یافته‌اند از مشارکت با ما جدا شده‌اند، اما رازهای مقدس واقعی و معتبر را دارا می‌باشند، بخصوص کهانت و راز سپاسگزاری را که به وسیله آنها، در ارتباط بسیار نزدیک و صمیمی با ما قرار می‌گیرند^۲.

بدون شک در ازدواج میان تعمید یافتگان، چون این نوع ازدواج یک راز مقدس صحیح و درست است، نوعی اتحاد روحانی بین زن و شوهر به وجود می‌آید که در ازدواج میان یک شخص تعمید یافته و کسی که تعمید داده نشده است، وجود نخواهد داشت.

با این وجود، نمی‌توان مشکلات موجود، حتی در ازدواج‌های مختلط میان اشخاص تعمید یافته، را نادیده گرفت. اغلب در موارد زیر اختلاف نظر پیش می‌آید: در مورد طبیعت رازگونه زناشویی، مفهوم خاص ازدواج که درون کلیسا برگزار می‌شود، تفسیر برخی اصول اخلاقی مربوط به ازدواج و خانواده، میزان اطاعت از کلیسای کاتولیک، و صلاحیتی که به مقام اختیاردار کلیسایی تعلق دارد. به این خاطر آشکار است که مشکلات از این نوع هنگامی به طور کامل قابل حل می‌باشند که وحدت مسیحی حفظ شود.

از این رو به ایمانداران باید تعلیم داد که گرچه کلیسا تا اندازه‌ای نظام کلیسایی را در موارد خاصی سخت نمی‌گیرد، اما هرگز نمی‌تواند تعهد همسر کاتولیک را که به

۱. واتیکان دوم، سند ۲۸، شماره ۱۵.

۲. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۱۴.

واسطه قانون الهی، یعنی به واسطه نقشه نجات که توسط مسیح قرار داده شده، و بر طبق شرایط مختلف اعمال می شود، از عهده او بردارد.

از این رو به ایمانداران باید یادآور شد که همسر کاتولیک، وظیفه حفظ و نگهداری ایمان خود را دارد، و هرگز اجازه داده نمی شود که شخصی خود را در معرض خطر تقریبی از دست دادن ایمانش قرار دهد.

علاوه بر این، همسر کاتولیک در یک ازدواج مختلط، ملزم می باشد که نه تنها در ایمان ثابت باقی بماند، بلکه تا حد امکان کوشش کند که فرزندان در همان ایمان تعمید یافته و رشد نمایند و کمکهای نجات ابدی را که کلیسای کاتولیک برای پسران و دخترانش تدارک می بیند، دریافت نمایند.

مسئله تربیت فرزندان یک مشکل خاص است، با توجه به این حقیقت که هم شوهر و هم زن با این مسؤولیت مکلف می گردند و به هیچ وجه نمی توانند از آن و یا از هیچ تعهد دیگر مرتبط با آن چشم پوشی نمایند. اما، کلیسا به واسطه حق قانونی و مراقبت شبانی خود، سعی می نماید تا با این مسئله همچون مسائل دیگر برخورد نماید.

با در نظر گرفتن همه این مسائل، کسی واقعاً متعجب نخواهد شد که بدانند حتی نظام قانونی کلیسا در مورد ازدواجهای مختلط را نمی توان یکسان ساخت و باید آن را با موارد گوناگونی که به شکل حقوقی ازدواج قراردادی و مراسم آیین نیایشی آن مربوط می شود و نهایتاً به مراقبت شبانی که باید به متأهلین و به فرزندان آنها داده شود انطباق داد، البته مطابق شرایط مشخص زوج متأهل و درجات متفاوت مشارکت کلیسایی ایشان.

روی هم رفته این موضوع از چنان اهمیتی برخوردار بود که توجه مجمع دوم واتیکان را به خود جلب نمود و در جلسه سوم، پدران روحانی مجمع به واگذاری موضوع به ما در تمامیت آن، رأی دادند.

جهت برآوردن خواسته ایشان، گردهمایی روحانی در باب آموزه ایمان، به تاریخ ۱۸ مارس سال ۱۹۶۶، دستوری را در مورد ازدواجهای مختلط منتشر ساخت، با عنوان (*Matrimonii Sacramentum*)^۳ که پیش بینی می نمود، در صورت موفقیت موازین مصوب در آن دستور، در بوته آزمایش، باید آنها را به شکلی صریح و دقیق در قانون شرع کلیسا که اکنون در حال اصلاح شدن است وارد نمود.

زمانی که در اولین جلسه اصلی شورای اسقفان که در اکتبر ۱۹۶۷ تشکیل شد،

برخی مسائل مربوط به ازدواجهای مختلط مطرح شد و مقررات مفید بسیاری توسط پدران روحانی در مورد آنها به عمل آمد، تصمیم گرفتیم این مسائل را جهت آزمایش به کمیسیون ویژه‌ای از کاردینالها واگذار کنیم تا پس از بررسی دقیق، آن را با نتایجش به ما ارائه دهد. در ابتدا عنوان می‌نماییم که کاتولیکهای شرق که با غیرکاتولیکهای تعمید یافته یا با اشخاص تعمید نیافته پیمان زناشویی منعقد می‌سازند، موضوع موازین مطرح شده در این سند نمی‌باشند. با توجه به ازدواج کاتولیکهای از هر نوع مراسم و آیینی با مسیحیان غیرکاتولیک شرق، اخیراً کلیسا مقررات خاصی را وضع نموده است^۴، که امیدواریم نافذ باقی بمانند.

بنابراین، برای اینکه نظام کلیسایی در باب ازدواجهای مختلط به طور کامل تری تدوین شود و بدون نقض قانون الهی، قانون شرع باید به شرایط متفاوت زوجین دقت و توجه نماید و البته در انطباق با ذهنیت مجمع دوم واتیکان که به طور خاص در سند *Unitatis Redintegratio*^۵، و در بیانیه، *Dignitatis Humanae*^۶، و نیز در بررسی دقیق خواسته‌هایی که در شورای اسقفان مطرح گشته، ابراز می‌شود. ما نیز به واسطه اختیار خود و پس از تعمق کامل، موازین زیر را صادر و حکم می‌نماییم:

۱- ازدواج مابین دو شخص تعمید یافته، یکی کاتولیک و دیگری غیرکاتولیک، نباید بدون اجازه قبلی سراسقف منطقه شرعاً منعقد گردد زیرا چنین ازدواجی بنا بر طبیعت خود، مانعی بر مشارکت روحانی طرفین ازدواج است.

۲- ازدواج میان دو شخص، که یکی از آن دو در کلیسای کاتولیک تعمید یافته یا در آن کلیسا پذیرفته شده باشد، در حالی که دیگری تعمید نیافته است، بدون اجازه خاص سراسقف منطقه معتبر نمی‌باشد.

۳- کلیسا با در نظر گرفتن طبیعت و شرایط زمان، مکان و اشخاص، آماده می‌گردد تا هر دو مانع را معاف نماید، به شرط آن که دلیل محکمی وجود داشته باشد.

۴- جهت کسب مجوز از سراسقف منطقه برای معافیت آن مانع، همسر کاتولیک باید اظهار نماید که آماده رفع خطرات از بین رفتن ایمان است. وی همچنین مقید به ادای

۴. واتیکان دوم، سند ۳۶.

۵. سند ۳۲.

۶. واتیکان دوم، سند ۶۰.

سوگندی صادقانه است که هرچه در توان دارد برای تعمید دادن فرزندان و پرورش آنان در کلیسای کاتولیک انجام دهد.

۵- در فرصتی مناسب، همسر غیر کاتولیک باید در مورد این وعده‌ها و تعهداتی که طرف کاتولیک او باید به انجام رساند، مطلع شود، تا روشن گردد که او از سوگند و تعهد همسر کاتولیک خود باخبر و با آنها موافق است.

۶- هر یک از زوجین باید به طور روشنی در مورد عواقب و اهداف و خصوصیات اصلی ازدواج آموزش ببینند، بدون آن که از سوی همسر خود بازداشته شوند.

۷- در حیطه اختیار شورای اسقفان است تا راهی مشخص نماید که این بیانیه‌ها و وعده‌ها، که همیشه لازم می‌باشند، به انجام رسند: چه از طریق کلام شفاهی یا به صورت مکتوب و یا در مقابل شاهدین و نیز تعیین اثبات آنها که باید با اظهار نظری آشکار انجام گیرد، و چگونگی آگاهی دادن آنها به همسر غیر کاتولیک و تصویب هر نیاز دیگری که لازم باشد.

۸- جهت انعقاد پیمان ازدواجهای مختلط، شکل قانونی باید مورد استفاده قرار گیرد، و بدون تعصب. به هر حال جهت اعتبار آن، مفاد سند *Crescens Matrimoniorum* که توسط گردهمایی روحانی کلیساهای شرق در ۲۲ فوریه ۱۹۶۷ منتشر شد، الزامی است.^۷

۹- اگر مشکلات جدی در مسیر رعایت شکل قانونی قرار گیرد، سراسقفان منطقه حق معاف کردن از شکل قانونی در هر ازدواج مختلط را دارند؛ اما شورای اسقفان باید موازینی تعیین نماید که بر طبق آنها، معافیت مذکور به طور مجاز و یکنواخت در منطقه یا حوزه شورا اعطا گردد، با این پیش‌بینی که مراسم و تشریفات باید همیشه به شکل آشکار انجام گیرد.

۱۰- ترتیبی باید داده شود که تمام ازدواجهای منعقد شده معتبر، به طور دقیقی در کتب توصیه شده توسط قانون شرع وارد شوند. کشیشان مسؤل، اطمینان یابند که کشیشان غیر کاتولیک نیز در ضبط مورد ازدواج با یک کاتولیک در کتب خویش، همکاری می‌نمایند. شوراهای اسقفی باید مقرراتی، برای منطقه و حوزه خود، صادر نمایند که مشخص کننده روش یکنواختی باشد که به وسیله آن، یک ازدواج منعقد شده آشکار که پس از معافیت از شکل قانونی انجام گرفته، در کتب مشخص شده به وسیله قانون شرع ثبت می‌شود.

۱۱- با توجه به شکل آیین نیایشی مراسم ازدواج مختلط، در صورتی که قرار باشد آن را از نمازخانه رومی اتخاذ نمایند، باید از تشریفات و رسوم موجود در مراسم برگزاری جشن ازدواج (Rite of Celebration of Marriage) که با اختیار ما منتشر شده استفاده شود، چه موضوع ازدواج مابین یک کاتولیک و غیرکاتولیک تعمیم یافته باشد (۳۹-۵۴) یا ازدواج مابین یک کاتولیک و یک شخص تعمیم داده نشده (۵۵-۶۶). اما اگر شرایط توجیه کننده باشند، ازدواج مابین یک کاتولیک و یک غیرکاتولیک تعمیم یافته قابل برگزاری خواهد بود، که البته باید مورد موافقت سراسقف منطقه قرار گیرد؛ و با مراسم برگزاری ازدواج در مراسم عشای ربانی (۱۹-۳۸) مطابقت داشته باشد، با احترام به دستور قانون عام و با در نظر گرفتن عشای راز سیاسگزاری.

۱۲- شوراهای اسقفی باید مقام پاپ را از تمام تصمیماتی که در حیطه صلاحیت ایشان به عمل آمده و با ازدواجهای مختلط در ارتباط می باشند، آگاه سازند.

۱۳- برگزاری مراسم ازدواج در مقابل یک کشیش یا شماس کاتولیک و یک کشیش غیرکاتولیک، در حالی که هر یک مراسم خاص خود را اما با هم به انجام می رسانند، ممنوع است؛ و حتی اجازه داده نمی شود که مراسم ازدواج مذهبی دیگری قبل یا بعد از مراسم کاتولیک، به منظور رضایت دادن یا تجدید موافقت زناشویی، انجام گیرد.

۱۴- سراسقفان منطقه و کشیشان محلی باید نظارت نمایند که زن یا شوهر کاتولیک و فرزندان که از ازدواج مختلط به دنیا می آیند، فاقد حمایت روحانی در اجرای وظایف وجدانی خود نباشند، آنان باید زن و شوهر کاتولیک را تشویق نمایند که عطیه الهی ایمان کاتولیک را همیشه به یاد داشته باشند و با مهربانی و احترام و با وجدانی روشن به آن شهادت دهند. آنان باید به زوج متأهل کمک کنند تا اتحاد زناشویی و خانوادگی خود را تقویت بخشند، اتحادی که در مورد مسیحیان، بر تعمیم آنان نیز قرار دارد. با وجود چنین اهدافی از آن شبانان خواسته می شود که روابط آزاد صادقانه و اعتماد روشن با کشیشان جماعتهای دینی دیگر برقرار نمایند.

۱۵- مجازاتی که توسط قانون ۲۳۱۹ مجموعه قوانین کلیسایی حکم شده، تماماً ملغی می گردند. کسانی که قبلاً متحمل این مجازات گشته اند، اثرات آنها لغو می گردد، البته بدون لطمه وارد ساختن به تعهدات ذکر شده در شماره ۴ این موازین.

۱۶- سراسقف منطقه می تواند اصلاحیه اساسی (*sanatio in radice*) برای ازدواج مختلط را صادر نماید، هنگامی که شرایط مذکور در شماره های ۴ و ۵ این موازین به انجام رسیده باشند، و به شرط آن که شرایط قانون رعایت شوند.

۱۷- در صورت بروز مشکل یا شک و شبهه های خاصی، با توجه به اجرای این موازین، مورد باید به مقام عالی کلیسا ارجاع شود.
دستور می دهیم که آنچه در این سند حکم نمودیم، و در شکل (*Motu Proprio*)، ارائه شده، با وجود هر نوع مخالفت با آن، همان طور که تصویب و تأیید شده است در نظر گرفته شود و از روز اول ماه اکتبر سال جاری به اجرا درآید.

بازتابها و پیشنهادات مربوط به گفتگوی بین‌الکلیسایی (۴۲)

دبیرخانه ارتقاء وحدت مسیحیان، ۱۵ اوت ۱۹۷۰

ما متن کامل سند تحت عنوان «بازتابها و پیشنهادات مربوط به گفتگوی بین‌الکلیسایی» که توسط دبیرخانه ارتقاء وحدت مسیحیان در اوت ۱۹۷۰ منتشر شد را در زیر ارائه می‌دهیم. پیش از آن، یادداشت توضیحی توسط کاردینال ویلبراندز، رئیس دبیرخانه ارتقاء وحدت مسیحیان، در ارتباط با طبیعت سند آورده شده است.

مقدمه

«در مارس ۱۹۶۶، عالیجناب آگوستین کاردینال با، رئیس دبیرخانه ارتقاء وحدت مسیحیان، جهت اطلاع به شوراها و اسقفی نوشت که دبیرخانه در حال تدارک دستورالعمل بین‌الکلیسایی که توسط مجمع دوم واتیکان درخواست شده بود می‌باشد. از جمله موضوعاتی که احتمالاً به آن پرداخته می‌شد «گفتگوی بین‌الکلیسایی» بود. اسقفها، در پاسخ، پیشنهادات مفید بسیاری در ارتباط با این جنبه بسیار با اهمیت نهضت کامل وحدت مسیحیان ارائه دادند.

بر اساس این نشانه‌های اولیه، دبیرخانه، در فوریه ۱۹۶۷ جلسه مشاوره‌ای تشکیل داد، که کارشناسانی از بخشهای مختلف جهان به آن دعوت شدند تا به طور جدی و فعال در گفتگوی بین‌الکلیسایی سهم شوند. نتایج مثبت مذاکراتشان، در آوریل ۱۹۶۷ به جلسه عمومی اسقفان عضو دبیرخانه تحویل گردید. این جلسه، پس از بحث در مورد اولین طرح، آن را به اعضای دبیرخانه واگذار نمود تا شرح و تجدید نظر بیشتری بر روی آن انجام گیرد.

در این اثنا، گروه کار مشترک میان کلیسای کاتولیک رومی و مجمع جهانی کلیساها به تیم بین‌الایمانی کوچکی اختیار داد تا در موضوع گفتگو بین کلیساها تحقیق و بررسی نماید و شرح کاری در این خصوص آماده سازد. این مقاله که در سال ۱۹۶۷ منتشر شد، هیچ ادعائی در تصویب قوانین نداشت. اما، شایستگی یک تلاش همکارانه را داشت که به زبانی نوشته شود که مربوط به ایمان خاصی نباشد، بلکه برای تمام مسیحیان روشن و مفهوم باشد. منظور آن تحریک بازتاب و تفکر شخصی و تحلیل و نقد مورد تقاضا بود.

نشست عمومی دبیرخانه، در جلسه نوامبر ۱۹۶۸، طرح اول خود برای یک دستورالعمل مربوط به گفتگوی بین‌الکلیسایی را مورد تجدید نظر قرار داد. از جمله مواردی که در این بحث از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بودند توضیح و تفسیرات به عمل آمده در مورد طرح بود که توسط کارشناسان مشاور انجام گرفته بود و نیز واکنشهای به عمل آمده نسبت به مقاله منتشر شده تحت اختیار گروه کار مشترک بود.

در نتیجه بحث گسترده در ارتباط با سند مطرح شده گفتگوی بین‌کلیساها، این سؤال عنوان می‌شد که این گفتگو باید بخش سازنده دستورالعمل بین‌الکلیسایی که توسط دبیرخانه منتشر شد، باشد یا خیر؟ این دستورالعمل یک متن تجویزی است که بالاترین تأیید ملبس گشته است. در برخی شرایط (برای مثال، سازمان امور بین‌الکلیسایی، عبادت مشترک، تحصیل در وحدت‌گرایی کلیسا) تهیه سندی در این سطح، به هر وسیله ممکن، مناسب است. اما تنوع گسترده‌ای که ممکن است در اصطلاح گفتگوی بین‌کلیساها باشد، و با توجه به سطوح اشخاص شرکت‌کننده در آن، شرایطی که این گفتگو در آنها شکل می‌گیرد، موضوعاتی که بر روی آنها بحث خواهد شد و غیره، این سؤال مطرح شد که آیا موازین مشابه با آنهایی که در بخشهای یک و دو دستورالعمل بین‌الکلیسایی ارائه گردیدند، مناسب‌ترین راه تشویق، توسعه و اداره این نوع گفتگو بودند یا نه. آنچه مناسب‌تر از همه به نظر می‌رسید، یک ابزار مؤثر بود، یک راهنمای مطمئن و واجد شرایط و ارزشمند، اما بدون داشتن اتکا به هیچ مقام و اختیاری در مفهوم حقوقی کلمه - چنین سندی، بالخصوص کمکی بود به مقامات کلیسایی جهت به کار بردن دستور مربوط به وحدت‌گرایی کلیسا، که بر طبق شرایط و امکانات واقعی قرار می‌گرفت.

در جلسه عمومی نوامبر سال ۱۹۶۹، کاردینالها و اسقفهای عضو دبیرخانه مصمم گشتند که سند تأیید شده به وسیله جلسه، نباید به عنوان قسمتی از دستورالعمل بین‌الکلیسایی منتشر شود بلکه می‌بایست به شوراها و اسقفی ارسال می‌گردید و مقدمه‌ای توضیحی که توسط کاردینال رئیس جلسه نوشته می‌شد، پیوست می‌گشت. پدر روحانی بررسی دقیقی از موضوع به عمل آورد و تصمیم نشست عمومی دبیرخانه را مورد تأیید قرار داد.

سند حاضر اختیار مؤثر قضائی ندارد. عنوان «بازتابها و پیشنهادات مربوط به گفتگوی بین‌کلیساها»، اختیاری دارد که منحصراً در این حقیقت نهفته است که این گفتگو نتیجه انعکاس طولانی در سطوح بسیار است و توسط اعضای درگیر در گفتگوی بین‌الکلیسایی به عمل آمده است.

گرچه این سند تحت الطاف و توجهات دبیرخانه ارتقاء وحدت مسیحیان به نگارش درآمد و برای شبانان کلیسای کاتولیک رومی تهیه گردید، اما از بحثهای گسترده و تجربیات مسیحیان اعضای کلیساهای دیگر و جماعات کلیسایی حاصل شده است. این

سند توسط کاردینالها و اسقفهای عضو دبیرخانه به دقت بازنگری شده و در نوامبر ۱۹۶۹ به تأیید جلسه عمومی ایشان رسیده است. اکنون این سند به شوراها و اسقفی کلیسای کاتولیک رومی ارائه می‌گردد. این سند در پی ارائه جهت‌هایی به یک پدیده مهم نوین است (توسعه گفتگو در جهان مدرن، و بخصوص در میان مسیحیان) در نور اسناد متنوع شورایی، در اظهارات پدر مقدس و تجربه کسب شده در طی چند سال گذشته در کلیسای کاتولیک رومی، و در روابط در حال رشد میان تمام مسیحیان. این سند در پی نشان دادن جهت‌گیریهای شبانی است که دارای بنیادهای آموزه‌ای هستند. ابهاماتی که به انواع مختلف گفتگوی بین‌الکلیسایی مربوط می‌شوند و عوامل لازم برای یک گفتگوی صادقانه که در محبت راستی را می‌جوید، در این سند شناسائی می‌شوند. توصیه‌هایی بر اساس تفکر نظری و تجربه عملی در آن ارائه می‌گردند. از این رو امید است که به تمام کاتولیکها، بر طبق تفکر شورا، کمک نماید، کسانی که برای کار تجدید اتحاد مسیحی دعوت می‌شوند (ر.ک. سند ۳۲، شماره ۵)، با اجرای خدمت ویژه به اسقفان در هر کجا که مجمع دوم واتیکان این کار را به ایشان توصیه نموده، به جهت ارتقاء مهارت و هدایت خردمندان.

۱) مقدمه

این سند تنها به گفتگوی بین‌الکلیسایی مربوط می‌شود، یعنی، گفتگویی که میان «مسیحیان کلیساهای مختلف یا جماعت‌های گوناگون» برقرار می‌گردد.^۱ اصولی که این گفتگو بر آنها قرار می‌گیرد و موضوعاتی که با آنها سروکار دارند، نسبتاً متفاوت از آنهایی است که مشخصه گفتگوی مورد نظر کلیسای کاتولیک می‌باشد، گفتگویی که با دین یهود، ادیان بزرگ و غیرایمانداران و با جهان برقرار می‌نماید. در حقیقت، «ما به سهم خود نباید آرزوی منع کسی از چنین گفتگویی، که تنها به واسطه محبت مورد حمایت و تشویق قرار گرفته و به سمت راستی جهت یافته است را داشته باشیم...»^۲ این اقسام مختلف گفتگو نمی‌توانند از یکدیگر جدا باشند؛ گفتگویی که در این جا با آن سروکار داریم با آن اقسام گفتگو که مورد توجه دبیرخانه‌های مربوط به غیرمسیحیان و غیرایمانداران است، در ارتباط می‌باشد.

علی‌رغم برخی ظواهر متضاد، انسان جدید به آن گفتگو به عنوان وسیله‌ای ممتاز برای برقراری و توسعه درک متقابل، احترام، توجه و محبت دو جانبه میان گروهها یا افراد، می‌نگرد. به این دلیل او مشتاق است تا از آن، استفاده هر چه بیشتر در تمام سطوح زندگی اش، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، تربیتی و مذهبی به عمل آورد.

۱. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۴.

۲. واتیکان دوم، سند ۶۴، شماره ۹۲.

همین مطلب زمانی صادق است که مسیحیان و کلیساهای خاص یا جماعات کلیسایی، خود را با امور بین‌الکلیسایی مربوط می‌سازند. گفتگو وسیله‌ای ضروری برای دیدار و شهادت ایشان است در هر دو سطح فکر و عمل. بدین گونه گروه‌های interconfessional از متنوع‌ترین ترکیب و اهداف، رشد نموده‌اند و نیاز به برقراری ساختارهای گفتگو، همان طور که در کمیسیون‌های بین‌الکلیسایی محلی و منطقه‌ای، شورای جهانی کلیساها و دبیرخانه ارتقاء وحدت مسیحیان دیده شده، احساس می‌شود.

مجمع دوم واتیکان، با آگاهی از این حقایق، بر اهمیت گفتگو میان کلیسای کاتولیک و کلیساها و جماعات کلیسایی دیگر تأکید نمود.^۳ دبیرخانه ارتقاء وحدت مسیحیان، با الهام گرفتن از توجهات، جهت‌گیریها و انگیزه‌های شورا، طرح و پیشنهاد نمایش طبیعت و هدف این گفتگوی بین‌الکلیسایی را ارائه می‌دهد، به همراه شالوده‌ها، شرایط و روش آن، موضوعاتی که با آنها سروکار دارد و اشکالی که با نظر به مساعدت و توسعه آن در شرایط حاضر به خود می‌گیرد.

در صورتی که توجه به برقراری مجدد اتحاد مسیحی مستلزم حضور تمام اعضای کلیسا، ایمانداران و شبانان ایشان، هر یک بر حسب وضعیت خود، می‌باشد بر عهده اسقفان است که مشوقین و راهنمایان گفتگوی بین‌الکلیسایی باشند.^۴ به این ترتیب، ایشان مراقبت شبانی خود را نیز به اجرا درمی‌آورند به جهت حفظ گفتگو بر اصول درست مصوب برای آن که توسط مجمع دوم واتیکان در اعلامیه در مورد وحدت‌گرایی کلیسا منعقد گشته است. این مراقبت شبانی، ویژگی دو جانبه عمل بین‌الکلیسایی را که توسط شورا تصور شده، مدنظر قرار خواهد داد. زیرا اگر قرار باشد عمل بین‌الکلیسایی، «وفادار به راستی که ما از رسولان و پدران کلیسا دریافت داشته‌ایم و در هماهنگی با ایمانی که کلیسای کاتولیک همیشه بدان معترف بوده است، باقی بماند و هم‌زمان تمایل به آن پری داشته باشد که خداوند ما می‌خواهد بر بدنش در طول زمان اعطا گردد»،^۵ با این وجود، شورا این تمایل را اظهار می‌دارد «که ابتکارات پسران کلیسای کاتولیک، مرتبط با ابتکارات برادران جدا شده، بدون ایجاد مانع بر راههای مشیت الهی ادامه می‌یابند و بدون پیش‌دآوری الهام‌آینده روح القدس، پیش می‌روند».^۶

۳. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۴، ۹، ۱۱، ۱۸-۲۳؛ سند ۶۴، شماره ۹۲.

۴. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۴، ۵، ۹.

۵. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۲۴.

۶. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۲۴.

۲) طبیعت و هدف گفتگوی بین‌الکلیسایی

۱- در شرایط کلی، گفتگو میان افراد و گروهها از لحظه‌ای به وجود می‌آید که هر یک از طرفین هم شروع به شنیدن می‌کند و هم پاسخ دادن، تا بفهمد و بفهماند، سؤال کند و از او سؤال شود، خود را آزادانه آماده ساخته و پذیرای طرف دیگر باشد، با توجه به وضعیت مربوط، طرح تحقیق یا مسیر عمل، و با هدف پیش برد مشترک به سوی جماعت بزرگتر زندگی، چشم‌انداز و کمال. هر یک از طرفین گفتگو آماده روشن ساختن هر چه بیشتر ایده‌ها و روشهای زندگی و عمل خود است، در صورتی که راستی او را به این جهت هدایت نماید. بدین گونه رابطه متقابل و یک تعهد متقابل، عناصر اصلی گفتگو را تشکیل می‌دهند.^۷

۲- گفتگوی بین‌الکلیسایی تمام این عناصر را، که با هدف دنبال شده دقیق تر و مشخص تر خواهند شد، ایجاب می‌نماید. این هدف جنبه‌های مختلفی را دارا می‌باش (a) به وسیله گفتگو، مسیحیان باید بیاموزند که با هم در مشارکتشان در واقعیت راز مسیح و کلیسای او پیشرفت نمایند. به این ترتیب، آنان قادر خواهند بود که عناصر مشترک موجود در روشهای مختلف شان در گرایش به راز مکشوف را تشخیص دهند و آن را به فکر و زندگی و شهادت خویش تعبیر و ترجمه نمایند.

(b) به وسیله گفتگو، مسیحیان باید بیاموزند تا شهادت مشترک به مأموریتی دهند که عیسی به کلیسای خود عطا نمود، تا این که «در برابر کل جهان ... ایمان خود به خدای، یگانه و سه اقنوم را، در پسر تن گرفته خدا، نجات‌دهنده و خداوند ما اقرار نمایند»^۸، تا به این ترتیب جهان ایمان آورد.

(c) چون جهان همین سؤالات را به تمام کلیساها و جماعات کلیسایی مطرح می‌سازد، آنان با شنیدن سؤالات و ادراک خود از طریق گفتگو، و متوجه روح القدس بودن، با هم در پی پاسخی خواهند بود که خداوند به جهت خدمت جهان از ایشان انتظار دارد، بخصوص در آن جاهایی که انجیل موعظه نشده است.^۹

(d) تعداد زیادی از جماعات مسیحی، در زمینه زندگی باطنی خود، رو در روی همین سؤالات قرار می‌گیرند، که به هر حال در سطوح مختلف مطرح می‌شوند. از جمله این سؤالات آنهایی هستند که مربوط به غیرروحانیون، خدمت روحانی، آیین نیایش و تعلیمات دینی، خانواده مسیحی و غیره می‌باشند.

۷. گفتگو با بی‌ایمانان (۱۹۶۸).

۸. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۱۲.

۹. واتیکان دوم، سند ۶۱، شماره ۱۵، ۲۹.

آیا این روح القدس نیست که مسیحیان را ترغیب می کند تا مشترکاً در مورد این سؤالات به گفتگو پردازند؟

به این ترتیب آشکار می گردد که گفتگوی بین‌الکلیسایی محدود به سطح فکر یا عمل خاصی نمی گردد. اما در تلاش برای یک اتحاد کامل تر میان جماعات مسیحی و خدمت مشترک انجیل و همکاری نزدیک تر در سطح فکر و عمل می باشد و نیز این گفتگو در خدمت تبدیل و دگرگونی حالات فکر و رفتار و زندگی روزانه آن جماعت است. به این ترتیب، هدف آن تدارک روشی برای اتحاد ایمان ایشان در آغوش کلیسای یگانه و مرئی است: از این رو، «کم کم، همان طور که موانع جهت تکمیل اتحاد و مشارکت کلیسایی رفع می شوند، تمام مسیحیان در مراسم مشترک راز شکرگزاری جمع خواهند شد، در آن اتحاد تنها کلیسای یگانه که مسیح بر کلیسای خود از آغاز اعطا نمود. ما معتقدیم که این اتحاد، در کلیسای کاتولیک به عنوان چیزی که هرگز نمی تواند آن را از دست بدهد، ساکن است و امیدواریم که تا انقضای عالم به رشد خود ادامه خواهد داد».^{۱۰}

این مطلب درست است که گفتگو به خودی خود برای به وجود آوردن پری اتحاد که مسیح آن را می خواست، کفایت نمی کند؛ با این وصف، آن اتحاد، هدف غایی افکار و آرزوهای کسانی است که به گفتگو می نشینند، کسانی که خود را برای پذیرش آن به عنوان عطیه ای بزرگ که فقط خدا آن را عطا خواهد نمود، آماده می سازند، به طریقی و در زمانی که او می خواهد.

۳) پایه های گفتگو

گفتگوی بین‌الکلیسایی در شماری از حقایق آموزه ای و شبانی ریشه دارد.

۱- ابتدا، چون «برادرانی که به مسیح ایمان دارند، شاگردان مسیح هستند، در تعمید تولد تازه یافته اند، با قوم خدا در بسیاری از دولتمندیها سهیم می شوند»،^{۱۱} و چون این دولتمندیها، برای نمونه «کلام مکتوب خدا، حیات فیض، ایمان، امید و محبت، در کنار عطایای باطنی دیگر روح القدس و عناصر مرئی،^{۱۲} در دسترس تمام تعمید یافتگان می باشند، مسیحیان در وضعیت انتقال این دولتمندیها، که روح القدس در ایشان توسعه می بخشد، به یکدیگر هستند این جماعت کالاهای روحانی اولین پایه ای است که گفتگوی بین‌الکلیسایی بر آن قرار می گیرد.

۱۰. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۴.

۱۱. واتیکان دوم، سند ۶۱، شماره ۱۵.

۱۲. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۳.

۲- اما درون کلیساها و جماعات کلیسایی مسیحیان است که ایشان از این کالاهای روحانی بهره می‌برند؛ کلیساها و جماعاتی که از کلیسای کاتولیک جدا شده‌اند، برخوردار از «اهمیت و ارزش در راز نجات‌اند... بسیاری از فرائض روحانی» که ایشان به عمل می‌آوردند باید به عنوان «اعمال مستعدی که دسترسی به شفاعت نجات را ممکن می‌سازند» شناخته شوند.^{۱۳} بنابراین میان ایشان و کلیسای کاتولیک مشارکت مسلمی وجود دارد که باید نقطه شروع گفتگو باشد. کلیسای کاتولیک با مشارکت کامل تر با هر کلیسا و جماعات کلیسایی، در هر راز مسیح و در کلیسای خود، تمایل خواهد داشت،^{۱۴} که اساس مشارکت در میان خودشان است.

۳- «مرجع مشترکمان، مکاشفه‌ای است که به شهادت اظهار گردیده... شهادت ایشان در عیسی مسیح متمرکز می‌شود و از طریق ارتباط با او معنی می‌یابد». در واقع روح القدس همیشه در حال کار است به نحوی که قوم مسیحی را برای زندگی با مکاشفه و برای درک بهتر آن و در نتیجه جهت اجرای نقش پیشگویانه آن، هدایت می‌نماید. بنابراین گفتگوی بین‌الکلیسایی به هر کس اجازه می‌دهد تا دولت‌مندیهای مسیح را به برادرانش انتقال دهد، دولت‌مندیهایی که با آنها زیست می‌کند و تا بپذیرد دولت‌مندیهایی را که دیگران به وسیله آنها زندگی می‌کنند.

۴- به این دلیل که، «هر اصلاحی در کلیسا اساساً شامل افزایش وفاداری به کار خود آن کلیسا، بی‌تردید پویایی حرکت به سوی اتحاد را توضیح می‌دهد»^{۱۵}. همچنین، تمام جماعتها در تلاش برای اصلاح خود معمولاً وارد گفتگو می‌شوند تا خود را در خصوص «وفاداری به اراده مسیح» مورد سؤال قرار دهند.^{۱۶}

۴) شرایط گفتگو

۱- قبل از آن که بتوان گفتگو را آغاز نمود، چنین فرض می‌شود که رفتاری از همدردی و صداقت مابین آنها که در آن شرکت می‌جویند با تماسها و تبادلات کم و بیش طبیعی، در پیچ و خمهای زندگی روزمره، به وجود آمده‌اند. در چنین بافتی از روابط انسانی است که معمولاً هر نوع گفتگویی، ریشه و شکل می‌گیرد.

۱۲. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۳.

۱۳. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۳.

۱۴. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۴.

۱۵. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۶.

۱۶. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۴.

۲- گفتگوی بین‌الکلیسایی مابین شرکت‌کنندگان به صورت یکسان اداره خواهد شد.^{۱۷} هر چیزی که در مورد طبیعت، هدف و پایه‌های این گفتگو، اظهار شده است و به طور چشمگیری با رابطه متقابل و تعهد متقابل در ارتباط می‌باشد، اساسی برای این حالت برابری فراهم می‌سازد.

(a) در گفتگوی بین‌الکلیسایی، شرکت‌کنندگان صادقانه درمی‌یابند که به دلیل تفاوت‌های موجود، میان جماعت‌های مختلف مسیحی نابرابری وجود دارد. بدین لحاظ از یک سو آن بی‌تفاوتی آموزه‌ای که ادعا می‌کند، در برابر راز مسیح و کلیسا، تمام مواضع یکسان هستند را انکار می‌نمایند و از سوی دیگر، هیچ رأیی مبنی بر تمایل یک طرف یا طرف دیگر به امین بودن نسبت به انجیل صادر نمی‌نمایند. شرکت‌کننده کاتولیک بر طبق ایمانش اعتقاد دارد که خداوند، پری وسیله نجات و تمام راستی آشکار شده به وسیله خدا را به کلیسای کاتولیک اعطا نموده، و آماده خواهد بود تا گزارش ایمان خود را ارائه دهد.^{۱۸}

(b) در گفتگوی بین‌الکلیسایی، شرکت‌کنندگان یکدیگر را با داشتن موجودیت در مسیح می‌شناسند، زیرا در وی تعمید یافته‌اند، از نو متولد شده‌اند «نه از بذرفانی بلکه از غیرفانی یعنی کلام خدا که زنده و تا ابد باقی است» (۱ - پطرس ۱: ۲۳)، و به واسطه روح القدس قادرند که آنچه را برادرانشان در مورد کارهای عجیب خدا می‌گویند، بشنوند.

در این گفتگو، آنان با هم درمی‌یابند که مشارکت خاصی در جماعت‌های مسیحی وجود دارد؛ با این وجود نگرانند مبدا این حقیقت را که در محتوا، توسعه و ابراز ایمان کلیسا، برخی تفاوتها وجود دارند که باید هدف گفتگوی ایشان باشند تا این که ایشان به مشارکت کامل تری دست یابند را از یکدیگر پنهان کنند.

هر یک از شرکت‌کنندگان، شهادت انجیل مسیح را به دیگران خواهد داد، چنان که کلیسایش می‌خواهد باشد، به شکلی که آنان واقعاً قادر به درک آن باشند و به بهترین روش؛ و او نیز به نوبه خود به شهادتی که دیگران اظهار می‌دارند، گوش فرا خواهد داد. در رقابت برادرانه، شرکت‌کنندگان درمی‌یابند که خدا ایشان را به وفاداری هر چه عمیق‌تر به خودش و به مکاشفه‌ای که توسط او انجام گرفته، فرا می‌خواند.

(c) در سطح عمل، تساوی میان شرکت‌کنندگان در گفتگو مستلزم یکسان بودن استانداردها در یادگیری روحانی و امور دنیوی و برابر بودن در سطح مسؤلیتهای بر عهده گرفته شده است.

۱۷. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۹.
۱۸. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۳، ۴، ۱۱.

۳- برای آن که گفتگو، واقعی و ثمربخش باشد، لازم است که اداره‌کنندگان آن، اگر تمامی شرکت‌کنندگان در آن نباشند، تا حدودی اقتدار داشته باشند. این صلاحیت مورد درخواست، بر حسب اقسام گفتگو و موضوعات مربوطه، متنوع خواهد بود، اما همیشه آن تشکل مذهبی را که لازمه هر گفتگویی است و هدف آن اتحاد مسیحیان می باشد، به عنوان پیش فرض خود خواهد داشت. اما صلاحیت درزمینه الهیاتی نمی تواند تنها نیاز باشد؛ درواقع، مهارت‌های عملی در زمینه‌های حرفه‌ای، فنی، رسالتی یا روحانی نیز لازم می باشند.

بدون ادعای بیان هر چیزی که باید در مورد آموزش برای گفتگوی بین‌الکلیسایی گفته شود، ذکر موارد زیر در این جا مفید خواهد بود.

(a) گرچه لازم نیست که تمام شرکت‌کنندگان کاتولیک برای چنین گفتگویی به یک اندازه آمادگی داشته باشند اما لازم به تذکر است که برخی از ایشان، روحانی یا غیرروحانی، آموزش لازم را در این زمینه دیده باشند. با جلسات آموزشی بین‌الکلیسایی، برنامه‌هایی برای خواندن، دوره‌های مکاتبه‌ای، مراکز و کرسیهایی با وحدت‌گرائی کلیسا در دانشکده‌های الهیات، همکاری مؤثری می‌توان به عمل آورد. از این طریق و روشهای مشابه، به آموختن هنر گفتگو (dialogue)، به درک طرز فکر دیگران و به آشنا شدن با زندگی روحانی آنان، توجه لازم مبذول خواهد شد. در چارچوب این آموزش، برای کاتولیکها خوب خواهد بود که در جلسات بین‌الکلیسایی شرکت نمایند تا با هم در مورد گفتگویی که در آن شرکت می‌کنند از پیش، تفکر نمایند و خود را برای آن آماده سازند و سپس پیشرفت و نتایج آن را ارزیابی نمایند.

(b) با توجه به این که کلیسا «همیشه کتب مقدس را به همراه سنت روحانی به عنوان قاعده برتر ایمان در نظر گرفته است و همیشه نیز در نظر خواهد داشت... کل بشارت کلیسا باید، همچون خود دین مسیحی، توسط کتاب مقدس تغذیه و اداره شود». ۲۰ از این رو باید دقت شود که فرهنگ الهیات و معنویت الهام کتاب مقدس کسب گردد. نباید فراموش شود که «بیانات مقدس، ابزار پرارزشی در دست قدرتمند خدا هستند». ۲۱

(c) در نتیجه اوضاع زندگی جدید، فرصتهای بی شماری برای برخورد و ملاقات میان مسیحیان به وجود آمده است، ضروری است که ایمانداران و شبانان ایشان به طور کامل مسؤولیت‌های خود را در این زمینه درک نمایند و برای آگاهی یافتن و هشیاری مستمر در مورد امور الهیاتی و روحانی زحمت بکشند.

۱۹. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۹.
 ۲۰. واتیکان دوم، سند ۵۸، شماره ۲۱.
 ۲۱. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۲۱.

۴- با توجه به معرفی و ارائه آموزه، ذکر چند مورد ضروری است.

(a) از یک سو، گفتگو منجر به شناخت دقیق تر برادرانمان می‌گردد^{۲۲}، شناختی که معمولاً راه را برای ما می‌گشاید. از سوی دیگر، شرکت کننده کاتولیک باید دقیقاً از محتوای ایمان کلیسایش آگاه گردد بدون آن که در مورد آن مبالغه نماید یا آن را خوار شمارد، و به یاد داشته باشد که برخورد بین‌الکلیسایی صرفاً یک کار فردی نیست، بلکه وظیفه کلیساست، که بر تمام عقاید انفرادی ارجحیت می‌یابد.

(b) این مطلب به ذهن خطور می‌نماید که «در تعالیم کاتولیک یک ترتیب سلسله وار حقایق وجود دارد، چرا که آنها در ارتباطشان با بنیاد ایمان مسیحی، متفاوت می‌باشند».^{۲۳} نه در زندگی و نه در تعالیم کلیسا، همه چیز در یک سطح ارائه نمی‌گردد. یقیناً تمام راستیهای آشکار شده پذیرش یکسان ایمان را ایجاب می‌کنند، اما بر حسب نزدیکی بیشتر یا کمتری که با اساس راز آشکار شده دارند، آنها را به طور گوناگونی نسبت به یکدیگر در نظر می‌گیرند و ورای ارتباطات مختلف در میان خودشان هستند. برای مثال، اصل جزمی بی‌گناه زاده شدن مریم که نمی‌توان آن را از آنچه مجمع افسس در مورد مریم مادر خدا، بیان می‌نماید جدا نمود، پیش از آن که بتوان آن را به درستی در زندگی واقعی ایمان درک کرد، اصل جزمی فیض را فرض می‌گیرد که به آن مرتبط است و این اصل نیز به نوبه خود لزوماً بر تجسم نجات بخش کلمه قرار می‌گیرد.

(c) انسانها با گرایش به راز مسیح درمی‌یابند که در سخن گفتن به یک زبان مسیحی مشکلدارند. منظور از سخن گفتن، به کار گرفتن واژگان و مجموعه لغات یک زبان نیست، بلکه برتر از هر اندیشه‌ای، نبوغ فرهنگ، آلات فلسفی، سنتها و سبک زندگی است.

با هر کس اگر به زبان جماعت خود او سخن گوئیم، همان عبارات می‌توانند واقعیت‌های کاملاً متفاوتی را از یک کلیسا به کلیسای دیگر معنی دهند، در حالی که عبارات مختلف ممکن است بیانگر یک واقعیت باشند. چون این مسئله مربوط به موضوع ایجاد ارتباط واقعی و کامل است و موضوع کاهش خطر سوء تفاهمات و بی‌خبری و بی‌اطلاع ماندن در طی مسیرهای موازی است، یقیناً لازم است که شرکت کنندگان در گفتگو، گرچه با روح کتب مقدسه آگاهی خواهند یافت و خودشان را در زبان الهام شده در کتاب مقدس ابراز می‌نمایند، اما باید مطیع زبانی باشند که برای مطالعات تفسیری و انتقادی استفاده می‌کنند.

۵- کاتولیکها برای آن که یک روح گفتگوی واقعی را در خودشان بیورانند، و برای خود را برای گفتگو با دیگر برادران مسیحی آماده نمایند، به تنوع مجاز درون اتحاد کلیسا توجه دقیقی خواهند نمود. بگذارید به ارتقاء «احترام متقابل، حرمت و هماهنگی توجه

۲۲. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۹.

۲۳. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۱۱.

نمایند، با دادن اجازه به هر تفاوت مشروع، تا بتوانیم گفتگویی را در میان قوم خدا، شبانان و ایمانداران، آغاز نمائیم که شاید دائماً ثمربخش‌تر گردد. چیزهایی که ایمانداران را متحد می‌گرداند، قوی‌تر از آن چیزهایی است که آنان را جدا می‌سازد. اجازه دهید اتحاد در این چیزها اساسی باشد، و در چیزهای مشکوک آزادی، و در همه چیز محبت باشد.^{۲۴}

اگر مسیحیان برای گفتگو در جماعت‌های خود آماده می‌شوند، آنان برای دریافت ثمرات یک گفتگوی interconfessional مجهز می‌گردند - این مسئله اهمیت دارد که شرکت‌کنندگان در گفتگو، خود را به عنوان صدایی که باید فوائد حاصل از آن گفتگو را به گوش جماعت خود برساند، در نظر بگیرند.

۶- شخص کاتولیک مراقب خواهد بود تا طرز عملش در گفتگوی بین‌الکلیسایی را مورد توجه و وارسی قرار دهد، به ویژه خواهد آزمود که چگونه دستورات و راهنمایی‌های ارائه شده توسط شبانان کلیسا را در ارتباط با وظیفه بین‌الکلیسایی، به طور کامل و گفتگو به طور خاص، رعایت می‌کند. او به طور عادی با این دستورات از طریق کمیسیون منطقه‌ای موضوعات بین‌الکلیسایی یا کمیسیون حوزه کلیسایی آشنا خواهد شد.

به علاوه چون گفتگوی بین‌الکلیسایی مستلزم وفاداری سخت به زندگی و ایمان کلیسای اوست، باید مراقب باشد تا در اصلاحات درستی که در کلیسا رشد می‌کنند سهیم گردد، و آنها را «به عنوان ضمانتها و نشانه‌های موافق پیشرفت بین‌الکلیسایی در آینده» در نظر بگیرد.^{۲۵} تعهد او برای گفتگو تنها در یک روح چشم‌پوشی از دنیا قابل اجرا شدن است، نه تنها چشم‌پوشی از هر نفع شخصی بلکه از پیروزی‌گرایی اعترافی یا ظاهر آن. برای این کار یک جو روحانی لازم است که قلب و ذهن را به ماندن در مسیح، توجه به خدا و انگیزه‌های روح او، متمایل سازد. صفات اساسی در این جا عبارتند از طهارت نیت، میل به تقدس، رفتار تواضع و توبه، و برتر از همه نیایش.

با شکر و سپاس بر این محیط، که این عقیده را تقویت می‌بخشد که «چیره شدن بر مخالفتها با صبر و شکیبایی فعال ممکن خواهد بود، با قبول این حقیقت که برای رشد کافی ایده‌ها و ایجاد پیشرفت، زمان لازم است و در عین حال نگهداری حسن اشتیاق در مورد اهمیت گفتگو و تأثیر آن به وقت کافی نیاز دارد».

۲۴. واتیکان دوم، سند ۶۴، شماره ۹۲؛ سند ۳۲، شماره ۴.
۲۵. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۶.

۵) روش گفتگو

۱- مشخصه‌های کلی. گفتگو چه با موضوعات وحدت‌گرایی کلیسا سروکار داشته باشد یا نه، روش آن شامل عوامل چندی است که پشت سرهم یا به طور هم‌زمان ظاهر می‌شوند:

(a) تبادل ایده‌ها، که هر شرکت‌کننده به وسیله آنها نقطه نظر خود را در مورد موضوع جلسه شرح می‌دهد. این تبادل هم جنبه اطلاعاتی دارد، که مستلزم صلاحیت در شرکت‌کنندگان و میل به آموختن از دیگران دارد، و هم جنبه شهادت، که حقایق یا ایده‌های عنوان شده، یک رفتار مذهبی ایمان و پرهیزکاری را در افرادی که به گفتگو نشسته‌اند بیدار می‌سازد. این تبادل ایجاب می‌نماید که هر دو طرف گفتگو تصمیم به صریح بودن در مورد راستی و نیز به قبول راستی که هر شخص آن را می‌شنود، بگیرد؛

(b) مقایسه ایده‌ها، که شرکت‌کنندگان به وسیله آن سعی در روشن ساختن نکات تفاوت و تشابه و همگرا در عقاید شرح داده شده، دارند. این کار مستلزم همدردی دقیق با اشخاص و عقیده‌هایی است، که بدون آن کسی نمی‌تواند مواضع دیگران را درک نماید؛

(c) تحقیق، به وسیله تفکر بر مواضع مشترک و بحث در مورد آنها؛ همه گفتگوها، حتی مقدماتی‌ترین آنها، همیشه این هدف را مدنظر دارند؛

(d) مشخص ساختن جنبه‌هایی که قبلاً مورد توجه قرار نگرفته‌اند؛ در واقع، همان طور که گفتگو به پیش می‌رود، مواضع مشترک به نقطه شروعی برای تحقیقات تازه و پیشرفتهای بیشتر بدل می‌شوند.

۲- مخصوصاً، نکات زیر در رابطه با گفتگوی بین‌الکلیسایی، جلب توجه می‌کنند:

(a) هر یک از شرکت‌کنندگان، با شروع از درکی که وی از راز آشکار شده دارد، باید سعی در کشف و ارزیابی و توجه دقیق به هر چیزی که شخص دیگر می‌گوید و به نظر می‌رسد که برای او ارزش واقعی دارد، بنماید. ممکن است چنین فهرستی طولانی باشد. در اینجا برخی نشانه‌ها برای خط‌مشی‌های مورد درخواست عنوان می‌شوند:

راستیهایی که به طور مشترک اقرار می‌شوند، راستیهایی که در برخی از جوامع به دلیل اختلافات و شرایط تاریخی مبهم بوده است و در جوامع دیگر به نحو بهتری حفظ شده و توسعه یافته‌اند، بینشهای درست مذهبی، مفاهیم معتبر الهیاتی، حتی در جاهایی که اختلاف وجود دارد، اقسام خاص آیین پرستش، تأکیدات بر برخی جنبه‌های حیات مسیحی و غیره.

(b) هر شریکی باید جویای شرح آموزه جماعت خود به یک نحو سازنده باشد، با کنار گذاشتن آن حالت از تعریف کردن که با مخالفت همراه است و عموماً در برخی

مواضع نتایج آن یا بیش از اندازه تحت فشار قرار می‌گیرند یا بی‌اندازه سخت می‌گردند. این یک جریان تصفیه‌کننده است؛ که با انحراف از آن که الهیاتمان متأثر از آن است، تنها به این قیمت قابل تصحیح است.

(c) شرکاء برای یک ترکیب سازنده با هم همکاری خواهند نمود، به ترتیبی که از هر کمک مجاز در تحقیقات مشترک با هدف جذب کامل مأخذ آشکار شده، استفاده شود. این تحقیق مستلزم تلاش برای بازگشت به اصل است، بازگشت به ریشه‌های پیش از ظهور اختلافات بعدی. این تحقیق مستلزم تلاشی برای کشف و نگرش به آینده برای راه‌حلهایی است و رای اختلافات تاریخی حال حاضر.

(d) گفتگوی بین‌الکلیسایی همچنان که پیش می‌رود، چشم‌اندازهای تازه‌ای را برای شرکت‌کنندگان می‌گشاید و ایشان را به تحقیق عمیق‌تری که از نکات موافق شناخته شده شروع شده بود رهنمون می‌سازد، و به آنان کمک می‌کند تا از تعدیلات رفتاری و فکری که لازم به نظر می‌رسند، آگاه شوند. «جستجو برای یافتن، یافتن برای پویش هر چه بیشتر»: این گفته آگوستین قدیس آنان را هدایت می‌نماید. از این رو، شکر بر آن «رقابت برادرانه» که گفتگو آن را ایجاد می‌کند، آنان به «درک عمیق‌تر و اظهار روشن‌تر دولت‌مندیهای غیرقابل فهم مسیح»^{۲۶} هدایت خواهند شد.

۶) موضوع گفتگوها

۱- گفتگوی بین‌الکلیسایی می‌تواند محتوای ایمان، موضوعات الهیاتی، موضوعات مربوطه به حیات نیایشی و روحانی، تاریخ، روانشناسی مذهبی و هر چیز را که باید با حضور، شهادت و رسالت مسیحیان در جهان ارتباط داشته باشد، تحت پوشش قرار دهد.

۲- موضوعات توسط شرکت‌کنندگان برگزیده خواهند شد، با در نظر گرفتن شرایط محلی، میزان شناخت تخصصی واقعاً موجود، معلومات شرکت‌کنندگان یا ارتباطشان به جهان، با به یاد داشتن وفاداری اعترافی ایشان و نیز موضوعات واقعی که خود را به انحاء مختلف بر حسب کشور یا منطقه و بافت تاریخی، اقتصادی و اجتماعی مطرح می‌نمایند. اگر قرار باشد که گفتگو در سطح مسیحیان واقعاً مؤثر باشد، نه تنها به الهیدانان بلکه به جامعه‌شناسان، روانشناسان مذهبی، مردم‌شناسان، تاریخ‌نویسان - و بالاتر از اینها به شبانان جانها - جایگاه خاصی داده شود.

۳- به سبب این که خود گفتگو هدف نهایی نمی‌باشد، با تجربه‌ترین گروهها باید دقت کنند، موضوعاتی را انتخاب نمایند که تخصصی باشند. گفتگو باید از یک میل بر

حق به شناخت مشترک نسبت به یک رویداد یا وضعیت ناشی شود. این فقط یک بحث آکادمیک نیست. برای موضوعات تخصصی در سطح عالی باید به کارشناسانی که بتوانند اطلاعات لازم را ارائه دهند، توسل جست. اما اگر موضوعات برای گروهی که خود را برای آنها آماده نساخته، بسیار فنی بودند، یا اگر مرتباً به کارشناسان نیاز پیدا شد خطر به پایان رساندن گفتگو وجود خواهد داشت، زیرا شرکت کنندگان بیش از این قادر به اظهار خود به یکدیگر نخواهند بود.

۴- توجه به زندگی واقعی امری اساسی است همچون یک راهنما در انتخاب موضوعات و روش برخورد با آنها، برخی موضوعات پیشنهاد شده در اعلامیه در مورد وحدت گرایی کلیسا، شایسته توجه خاص خواهند بود، برای مثال: مطالعه کتاب مقدس، زندگی رازگونه و آیین نیایشی، توجه به فرصت‌های نیایشی مشترک یا حضور در مراسم آیین نیایشی کلیساها.^{۲۷}

موضوعات بیشتری ممکن است در دیگر اسناد مجمع یا شورای جهانی کلیساها یافت شوند: مکاشفه، کلیسا، مأموریت یا رسالت، کلیسا در جهان و غیره؛ و نیز موضوعات برانگیخته شده به وسیله زندگی نوین همچون مسائل صلح، ازدیاد جمعیت، ازدواج و تولد و غیره؛ به علاوه برخی جریانهای تفکر معاصر: فلسفه «مرگ خدا»، مارکسیسم، مواجه شدن با ادیان غیرمسیحی، پدیده دنیاگرایی یا برگشت از عقاید مذهبی و غیره. این موضوعات هر چه که باشند، در نور انجیل با آنها برخورد خواهد شد، همان طور که بر زندگی حال حاضر مسیحیان تأثیر گذاشته اند.

در برخی از کشورها، موضوعاتی که در خلال بحرانهای قرون یازدهم و شانزدهم قد علم نمود، امروزه دیگر مسائلی نیستند که زمانی وجود داشتند. با فراموش نکردن منشأهای تاریخی، گفتگو در مورد چنین موضوعاتی باید توجه را بر روشی که آنها این جا و اکنون خود را ظاهر می‌سازند، متمرکز نماید. بخصوص هنگامی که گفتگو به موضوعی در ارتباط با ایمان بستگی پیدا می‌کند، تمرین ثمربخشی خواهد بود برای شروع از شهادت کلیسایی شرکت کنندگان و برای کسب تصویر روشن تری از چگونگی به کار بستن این ایمان توسط ایشان در جماعت‌های امروزشان.

۶- اما گفتگو همچون هر تلاش انسانی دیگری، محدودیتهای خود را دارد. برخی تفاوتها میان کلیساها بر اطلاعات نظام تاریخی، روانشناسی و جامعه شناسی قرار می‌گیرند. احساس می‌شود که آنها هنوز کاهش نیافتنی هستند. تفاوت‌های عمیق تر به روشی بستگی دارند که در آن هر شخص ایمان خود را به تصویر می‌کشد و با آن زیست

می‌کند. در این جا گفتگو ضعیف به نظر می‌رسد. شرکت‌کنندگان درمی‌یابند که خدا ایشان را خطاب می‌کند تا در نیایش به سوی او بازگردند و این که او آنان را تعلیم می‌دهد تا اعتمادشان را تنها بر قدرت روح القدس قرار دهند.

۷) اقسام گفتگو

۱- فراوان‌ترین شکل گفتگو آن است که وقتی مسیحیان با یکدیگر ملاقات می‌نمایند، خود به خود حادث می‌گردد. در این جاست که احساس شناخت بهتر دیگران خود را نمایان می‌سازد، و این که تماسهای لازم برای جلسات سازمان یافته تر شکل می‌گیرند. تنظیم چنین تماسهایی، که بخش مکمل سبک نوین زندگی هستند، غیرممکن است. اما باید به مسیحیان کمک شود تا برای شناخت بهتر وضع یکدیگر، مسائل و مواضع آموزه‌ای همدیگر، از آنها استفاده نمایند.

۲- مخصوصاً این که در بسیاری از مراکز آموزشی و مطالعاتی، گفتگو به روشی خودبه‌خود و بی‌نظم اجرا می‌گردد. این وسیله آموزشی است که اجازه می‌دهد شرکت‌کنندگان، عقاید و نظرات دیگران را بهتر بشناسند و درک نمایند، و روش زندگی آنان را دقیق‌تر ببینند و انتخابهای گوناگونی که در پیش روی ایشان است بهتر انجام گیرند. بنابراین تشویق کاتولیکهای جوان به شرکت در چنین جلساتی چیز خوبی است، و همزمان با آن، آموزش و حمایت از آنان تا ایشان با تماس با یکدیگر غنی گردند و در چنین جلساتی شهادت خود را ابراز نمایند.

۳- گروههای غیرروحانی نیز در نور ایمان مسیحی با یکدیگر دیدار خواهند نمود تا با مسائل ایجاد شده به وسیله شغل و حرفه خود برخورد نمایند: مسائل حقوقی، پزشکی، سیاست، کار، فن‌آوری، تحقیقات علمی، علوم اجتماعی، مسائل اتحادیه بازرگانی و غیره. ابتکار چنین جلساتی، در حیطه مسؤولیت خود غیرروحانیون است. آنان برای موضوعاتی که خارج از صلاحیت شرکت‌کنندگان غیرمتخصص اند، سریعاً کارشناسانی را دعوت خواهند نمود.

۴- در این گروههای مختلف، مسیحیان که از مسائل امروز عمیقاً آگاه می‌باشند، اغلب آن مسائل را موضوع صحبت‌های خود قرار می‌دهند، همانند مسائل مربوط به کشور، یا یک زمان خاص یا آنچه منافع شغلی ایجاب می‌کند. نمونه چنین مسائلی: صلح، عدالت اجتماعی، گرسنگی، مسائل کشورهای توسعه نیافته، جریان شهرها، مشکلات خانواده‌های

جوان و غیره می‌باشند. اگر شرکت‌کنندگان متوجه روح انجیل باشند، طبیعتاً به سوی تحقیق مشترک هدایت می‌شوند، با دیدگاه انجام عمل مشترک در جهان و برای جهان؛ در اینجا برای افراد مسیحی از مشارکتهای مسیحی فرصتی به دست می‌آید تا شهادت مشترک خود را ادا نمایند.

۵- در نتیجه این جلسات، تمایل بر حق بهتر دانستن دیگر مسیحیان در ایمان و کلیسا و زندگی آیین نیایش ایشان ممکن است منجر به تشکیل گروههای بین‌کلیسایی خاصی شود یا به شرکت کردن در گروههای موجود منتهی گردد. این آرزوی ماست که این گروهها از تماسهای شخصی دوستانه و برادرانه میان مسیحیان جماعت‌های مختلف ناشی شود. کاتولیک‌ها جهت تعمیق ایمان خود و در متحد باقی ماندن با تفکر و خواست کلیسایشان متحمل رنج خواهند شد. نباید فراموش شود که روح القدس می‌تواند در شخص ایماندار، عطایایی قرار دهد که از طریق آنها وی قادر خواهد شد برای عمل کردن جهت خیریت کلیسا و جهان استفاده نماید. سازمان و اداره چنین جلساتی البته قابل واگذاری به اشخاص غیرروحانی آموزش دیده است، اشخاصی که هر کجا لازم باشد، از الهیدانان بهره خواهند گرفت.

۶- در خانواده‌هایی که ازدواج مختلط داشته‌اند، گفتگوی بین‌کلیسایی می‌تواند جایگاه خود را داشته باشد البته با حضور شبانان جماعت‌های مربوطه. چنین گفتگویی می‌تواند در خدمت تقویت زندگی مذهبی خانواده به کار رود و علاوه بر آن الگوی محبت بین‌کلیسایی خواهد بود.

۷- طبیعی است که روحانیون کلیساها و جماعات مختلف باید یکدیگر را برای تبادل نظر در مسائل شبانی که با آنها رو به رو هستند، ملاقات نمایند، در پی بهترین راه‌حلها برای مشکلات باشند، تا آنجا که شرایط و طبیعت مشکلات اجازه می‌دهد مواضع مشترکی اتخاذ نمایند و در صورتی که موقعیت ایجاب نماید در مورد یک روش عملی برای مراسم مشترک تصمیم‌گیری نمایند. اسقفان توجه خواهند نمود که اغلب در این جلسات شرکت نمایند و به شبانان نشان توصیه‌های لازم را بنمایند. چنین جلساتی در واقع به ایجاد محیط مطلوب برای برادری تمام مسیحیان و همچنین به جایگزین کردن رقابتهای ادوار گذشته با روابط و همکاری متقابل نیز کمک خواهند نمود. این جلسات در برخی کشورها اغلب در سازمانهای مشخص، همچون مجامع کلیسا و انجمنهای رسالتی صورت می‌گیرند.

۸- گفتگوی بین‌کلیسایی ممکن است میان الهیدانان شکل گیرد، برای مثال اعضای مؤسسات بین‌کلیسایی، دانشگاهها، دانشکده‌های الهیات و سمینارها. لازم به ذکر

نیست که چنین گفتگویی بر شرکت‌کنندگان کاتولیک ایجاب می‌نماید که آمادگی خیلی جدی و خاص برای مسائل مربوط به دستور کار از خود نشان دهند. دقت خواهد شد که به نفاوت‌های ضروری میان عقاید و اصول جزمی کلیسا، سنت‌های عظیم روحانی و آیین نیایشی و گزینه‌های مجاز در امر بحث آزاد و تحقیق، مورد توجه قرار گیرند.

۹- گفتگوها ممکن است دوطرفه یا چندطرفه باشند. تعداد و وفاداری ایمانی شرکت‌کنندگان، بر حسب موضوعات بررسی شده و امکانات محلی تصمیم‌گیری خواهند شد. در هر صورت، در طی گفتگو شرکت‌کنندگان باید به خاطر داشته باشند که سنت‌های مسیحی در میان آنان عنوان نگردند. انتقال اطلاعات مربوط به این جلسات به سازمان‌های بین‌الکلیسایی محلی و در صورتی که جلسات بیشتر حالت بین‌المللی داشته باشند انتقال این اطلاعات به دبیرخانه ارتقاء وحدت مسیحیان، ایده‌ای نیکو خواهد بود.

۱۰- در برخی گفتگوهای الهیاتی، شرکت‌کنندگان به واسطه سلسله مراتب منصوب می‌شوند که نه به صلاحیت شخصی بلکه به عنوان نمایندگان انتخاب شده کلیسایشان حضور یابند. چنین احکامی توسط سراسقف ناحیه، شورای اسقفی در حوزه اختیاری خود و توسط مقام پاپ قابل ارائه هستند. در این حالتها، شرکت‌کنندگان کاتولیک، مسؤلیت ویژه‌ای نسبت به مقامی که ایشان را فرستاده است، دارند.

۱۱- جلسات بین‌الکلیسایی، در تمام سطوح، وجود یک هیئت ادبی را مدنظر قرار خواهند داد، که به طور کل، گفتگوی میان مسیحیان را به شکل مکتوب درآورد. این گفتگوی مکتوب به ویژه زمانی ثمربخش است که انتشارات interconfessional باشند. اسقفان آن نشریات کاتولیک را مورد حمایت قرار می‌دهند که با خصوصیات درک و احترام و حس اشتیاق به راستی، توأم باشند. اینها خصوصیات است که باید هر نوع تعهد بین‌الکلیسایی را مشخص نماید.

۱۲- بدین علت که شرکت‌کنندگان وظیفه دارند نظارت نمایند که تجربه حاصله در این جلسات به نفع اعضای کلیسا باشد، آنان دقت خواهند نمود تا با شبانان کلیسا ارتباط برقرار نمایند و اطلاعات مربوط به فعالیت‌هایشان را به کمیسیون‌های مختلف مربوط به وحدت‌گرایی کلیسا انتقال دهند (دبیرخانه ارتقاء وحدت مسیحیان، کمیسیون‌های ملی، منطقه‌ای یا حوزه کلیسایی). ایشان سهم فعالی در ابتکارات مسئله بین‌الکلیسایی بر عهده خواهند گرفت، همچون اجتماعات، کتابخانه‌ها، نشریات، مجلات و غیره و آنچه در توان دارند برای کمک به تأثیر و انتشار گسترده‌تر آنها به کار خواهند گرفت.

در خصوص پذیرش مسیحیان دیگر در مراسم راز سپاسگزاری در کلیسای کاتولیک (۴۳)

In Quibus Rerum Circumstantiis

دبیرخانه ارتقاء وحدت مسیحیان، اول ژوئن ۱۹۷۲

(۱) سؤال

اغلب از ما سؤال می‌شود: «در چه وضعیت و در چه شرایطی اعضای کلیساهای دیگر و جماعات کلیسایی در مشارکت راز سپاسگزاری در کلیسای کاتولیک پذیرفته می‌شوند؟» این سؤال چندان تازگی ندارد. مجمع دوم واتیکان (در اعلامیه در مورد وحدت‌گرایی کلیسا (سند ۳۲)) و دستورالعمل بین‌کلیسایی Ecumenical Directory در این رابطه توضیح داده‌اند.

هدایت شبانی که در این جا ارائه شده، با هدف تغییر قوانین موجود نبوده بلکه جهت شرح و توضیح آنها آمده و اصول آموزه‌ای را نشان می‌دهد که قوانین بر روی آنها قرار دارند و کاربرد آنها را آسان‌تر می‌سازند.

(۲) راز قربانی مقدس و راز کلیسا

رابطه نزدیکی میان راز کلیسا و راز قربانی مقدس یا همان راز سپاسگزاری وجود دارد.

۱- راز سپاسگزاری شامل اساس موجودیت و اتحاد کلیساست: یعنی بدن مسیح، که در قربانی تقدیم شد و به عنوان نان حیات ابدی به ایمانداران ارائه گردید. راز مقدس بدن و خون مسیح، که برای بنای کلیسا به آن داده شده و بنا به طبیعت خود همراه با آن حامل: (a) قدرت رسالتی که مسیح به رسولان خود و جانشینان ایشان، یعنی اسقفان و همراه با آنان کشیشان، بخشید تا به صورت رازگونه‌ای عمل کهنانته خود او را مؤثر سازند- عملی که به واسطه آن یک بار و برای همیشه خود را در روح القدس به پدر تقدیم نمود و خود را برای ایماندارانش داد تا در وی یک شوند؛

(b) اتحاد خدمت رسالتی، که باید در نام مسیح اجرا شود که سر کلیساست و از این سبب در اتحاد سلسله مراتبی روحانیون؛

(c) ایمان کلیسا، که در خود مراسم عشای ربانی ابراز می‌گردد- ایمانی که به واسطه آن کلیسا در مفهوم واقعی خود به عطیه مسیح پاسخ و عکس‌العمل نشان می‌دهد.

راز قربانی مقدس، که در تمامیت خود با این سه عامل درک می‌شود، تداعی‌گر اتحادی است که توسط او به وجود آمده، اتحاد کلیسای مرئی مسیح که نمی‌توان آن را از دست داد.

۲- «برگزاری مراسم راز سپاسگزاری، عمل مسیح، و عمل قوم خدا با نظم سلسله مراتبی، کانون کل حیات مسیحی است هم برای کلیسای جهانی، هم برای کلیسای محلی و هم برای هر مسیحی.» «با برگزاری راز مسیح در مراسم راز سپاسگزاری، کلیسا راز خود را جشن گرفته و اتحاد خود را به طور واقعی نشان می‌دهد.

ایماندارانی که در قربانگاه جمع شده‌اند، قربانی را از طریق دستان کشیش که در نام مسیح عمل می‌نماید، تقدیم می‌کنند و جماعت قوم خدا را که در اقرار یک ایمان اتحاد یافته‌اند، معرفی می‌نمایند. از این رو ایشان یک نشانه و یک نوع نمایندگی جماعت بزرگتری را تشکیل می‌دهند.

برگزاری مراسم عشاء به خودی خود یک اقرار ایمان است که در آن کل کلیسا خود را ابراز نموده و به رسمیت می‌شناسد. اگر ما مفهوم شگفت‌انگیز نیایشهای راز قربانی مقدس و نیز دولت‌مندیهای شامل در بخشهای دیگر مراسم عشاء را در نظر بگیریم، چه آنها ثابت باشند یا به دلیل چرخه آیین نیایش متغیر؛ و در عین حال به یاد داشته باشیم که آیین نیایش کلام و آیین نیایش راز قربانی مقدس یک عمل واحد پرستشی را تشکیل می‌دهند، در این صورت می‌توانیم توضیح چشمگیر این اصل *lex orandi lex credendi* (قانون نیایش قانون ایماندار است) را در این جا ببینیم. بنابراین مراسم عشاء دارای قدرت تعلیماتی است که اصلاح آیین نیایشی اخیر بر آن تأکید نموده است. بار دیگر، کلیسا در جریان تاریخ دقت نموده تا در مراسم آیین نیایشی، موضوعات اصلی ایمان مشترک، و ثمرات عمده تجربه آن ایمان را معرفی نماید. کلیسا این کار را یا به وسیله متون جدید یا با برگزاری اعیاد جدید انجام داده است.

۳- رابطه میان برگزاری مراسم محلی راز قربانی مقدس و مشارکت جهانی کلیسایی همچنین به واسطه یادآوری مخصوص در نیایشهای راز سپاسگزاری توسط پاپ، اسقف منطقه و دیگر اعضای هیئت اسقفی مورد تأکید قرار می‌گیرد.

آنچه در این جا در مورد راز قربانی مقدس به عنوان هسته و اوج حیات مسیحی گفته شده است، در مورد کل کلیسا و هر یک از اعضای آن صادق است، اما به ویژه در مورد کسانی که نقش فعالی در برگزاری مراسم عشاء بر عهده می‌گیرند و بالاتر از آن کسانی که بدن مسیح را دریافت می‌دارند. بهره‌مندی از نان و شراب مقدس در طی مراسم عشاء در واقع کامل‌ترین شیوه مشارکت در راز قربانی مقدس است، زیرا حکم خداوند: «بگیرید و بخورید»، را به انجام می‌رساند.

۳) قربانی مقدس همچون طعامی روحانی

همچنین اثر راز قربانی مقدس، تغذیه روحانی کسانی است که آن را دریافت می‌دارند، همان طور که ایمان کلیسا می‌گوید، آن قربانی حقیقتاً - بدن و خون خداوند است که به عنوان طعام حیات ابدی داده می‌شود (ر. ک. یو ۶: ۵۴ - ۵۸). برای تعمید یافتگان، راز قربانی همانا طعام روحانی است، وسیله‌ای که با آن در حیات خود مسیح زیست می‌کنند، عمیق‌تر در او ملحق می‌شوند و در کل نظام راز نجات بخش او بیشتر سهیم می‌گردند. «کسی که جسم مرا می‌خورد و خون مرا می‌نوشد، در من می‌ماند و من در او» (یو ۶: ۶).

۱- راز قربانی مقدس به عنوان راز اتحاد کامل با مسیح و راز کمال حیات روحانی، برای هر مسیحی لازم و ضروری است: به گفته خداوند ما، «... اگر جسم پسر انسان را نخورید و خون او را نیاشامید، در وی حیات ندارید» (یو ۶: ۵۳). کسانی که قویاً در حیات فیض زیست می‌کنند، نیاز مبرمی به این خوراک روحانی دارند و خود کلیسا، مشارکت روزانه را مورد تشویق و حمایت قرار می‌دهد.

۲- با وجودی که راز قربانی مقدس، خوراک روحانی است که اثر آن پیوستن شخص مسیحی به عیسی مسیح است، اما وسیله‌ای صرفاً برای ارضاء آرزوهای شخصی نیست، هر چه قدر هم که بلند باشند. یکپارچگی سبب اتحاد در میان خود ایمانداران می‌گردد. پولس رسول اتحاد تمام ایمانداران را بر مشارکت ایشان از نان راز قربانی مقدس قرار می‌دهد: «زیرا ما که بسیاریم یک نان و یک تن می‌باشیم چون که همه از یک نان قسمت می‌یابیم» (۱- قرن ۱۰: ۱۷) و انسان به واسطه این راز در مسیح ملحق می‌گردد و با اعضای او می‌پیوندد.

ایمانداران با دریافت مکرر قربانی مقدس، هر چه بیشتر در بدن مسیح ملحق شده و به طور فزاینده‌ای در راز کلیسا سهیم می‌شوند.

۳- بنابراین نیاز روحانی به قربانی مقدس صرفاً یک امر رشد روحانی شخصی نیست: همزمان و همراه با آن، این راز به ورود عمیق‌تر ما به کلیسای مسیح مربوط می‌شود، «که بدن اوست یعنی پری او که همه را در همه پر می‌سازد» (افس ۱: ۲۳).

۴) اصول کلی اداره‌کننده نحوه پذیرش

در مراسم بهره‌مندی از نان و شراب مقدس آنجا که اعضای کلیسای کاتولیک مدنظر باشند، مابین در نظر گرفتن راز قربانی مقدس به عنوان مراسم کل جماعت کلیسایی متحد در یک ایمان و در نظر گرفتن آن به عنوان خوراک، و به عنوان پاسخ به نیازهای روحانی، شخصی و کلیسایی هر عضو یک توازن کامل وجود دارد.

همین مسئله در مورد تمام پیروان مسیح که در تنها کلیسای یگانه، در وقت کامل خداوند، دوباره به هم بپیوندند صادق خواهد بود. اما ما امروز چه باید بگوییم، که مسیحیان تقسیم می‌شوند؟ هر شخص تعمید یافته‌ای نیاز روحانی به راز قربانی مقدس دارد. کسانی که در مشارکت کامل با کلیسای کاتولیک نیستند به خادمین روحانی جماعت‌های خود توسل دارند، چنان‌که وجدانشان دستور می‌دهد. اما در مورد کسانی که نمی‌توانند این کار را انجام دهند (به روحانیون خود متوسل شوند) و کسانی که به این دلیل یا دلایل دیگر برای دریافت عشاء به نزد کشیش کاتولیک می‌آیند، چه باید کرد؟ دستورالعمل بین‌الکلیسایی (سند ۳۷ و ۴۰) قبلاً نشان نداده است که ما چگونه باید همزمان تمامیت اتحاد کلیسایی و خیریت جانها را محافظت نماییم. در پس دستورالعمل، دو عقیده عمده حاکم قرار دارند:

۱- رابطه محکم میان راز کلیسا و راز قربانی مقدس قابل تغییر و تبدیل نیست، با وجود هر نوع مقیاس شبانی که در شرایط معین مجبور به اتخاذ آنها باشیم. برگزاری راز قربانی مقدس، بنا به طبیعت خود، پری اقرار ایمان و پری اتحاد کلیسایی را معنی می‌دهد. این اصل نباید مخدوش شود بلکه باید راهنمای ما در این زمینه باقی بماند.

۲- این اصل مخدوش نخواهد شد اگر اجازه پذیرش در مشارکت راز قربانی مقدس کلیسای کاتولیک به موارد خاص آن مسیحیانی محدود شود که در هماهنگی با ایمان کلیسای کاتولیک به آن راز مقدس ایمان داشته باشند، کسانی که نیاز روحانی شدیدی به خوراک راز سپاسگزاری داشته باشند، کسانی که برای مدت طولانی به کشیش جماعت دینی خود دسترسی نداشته باشند، و کسانی که به رضایت خود تقاضای راز مقدس را می‌نمایند؛ تمام اینها مجاز شمرده می‌شوند به شرط آن که دریافت کنندگان به طور شایسته آماده شده و زندگی خود را درخور نام «مسیحی» بگذرانند. این نیاز روحانی باید در مفهوم تعریف شده فوق درک شود: نیاز به رشد در حیات روحانی و نیاز به مشارکت عمیق‌تر در راز کلیسا و راز اتحاد آن.

علاوه بر این، حتی اگر شرایط ایجاد شوند، شبانان مسؤولیت خواهند داشت تا نظارت نمایند که اجازه پذیرش دیگر مسیحیان در بهره‌مندی از نان و شراب مقدس، ایمان کاتولیکها را به مخاطره نینداخته یا مزاحم آن نشود.

۵) تفاوت‌های میان اعضای کلیساهای شرق و دیگر مسیحیان، از دیدگاه این اصول

دستورالعمل بین‌کلیسایی دستورات مختلفی برای پذیرش مسیحیان شرق جدا شده و دیگران در عشای مقدس دارد. دلیل آن این است که کلیساهای شرق، اگرچه از ما جدا شدند، دارای رازهای مقدس حقیقی هستند و بالاتر از همه به دلیل توالی رسولی، کهنات و راز قربانی مقدس، که ایشان را با روابط نزدیکی با ما می‌پیوندند، تا این که خطر تیره شدن رابطه میان مشارکت راز سپاسگزاری و مشارکت کلیسایی به نحوی کاهش یابد. اخیراً پاپ پدر مقدس خاطر نشان نمودند که: «میان کلیسای ما و کلیساهای محترم ارتدکس تقریباً اتحاد کاملی وجود دارد، گرچه هنوز به کمال خود نرسیده است: این اتحاد از الحاق مشترک ما در راز مسیح و کلیسای او حاصل می‌شود».

با مسیحیان جماعات دیگر که ایمان راز سپاسگزاری ایشان از ایمان کلیسای کاتولیک متفاوت است و راز مقدس مرتبت یابی را ندارند، پذیرش ایشان در راز قربانی مقدس متضمن خطر تیره شدن روابط حیاتی میان اتحاد راز سپاسگزاری و اتحاد کلیسایی است. به این دلیل است که دستورالعمل در مورد آنها متفاوت از مسیحیان شرق عمل می‌نماید و تنها در موارد استثنایی «نیاز فوری» این اجازه را متصور می‌شود. در این نوع حالتها از شخص مورد نظر خواسته می‌شود تا ایمان به راز سپاسگزاری هماهنگ با ایمان کلیسا را نشان دهد، یعنی ایمان به راز قربانی مقدس همان طور که مسیح آن را بنا نهاد و همان گونه که کلیسای کاتولیک آن را انتقال می‌دهد. این کار از یک فرد ارتدکس خواسته نمی‌شود، زیرا او به کلیسایی تعلق دارد که ایمان آن به راز قربانی مقدس، مطابق ایمان خود ماست.

۶) آنچه مقام مسوول در مورد حالت‌های خاص تصمیم می‌گیرد:

مفهوم دستورالعمل بین‌کلیسایی شماره ۵۵

شماره ۵۵ دستورالعمل به مقدار زیادی به مقام اسقفی اختیار می‌دهد تا در این مورد که آیا شرایط اضطراری برای این حالت‌های استثنایی وجود دارند یا خیر، نظر دهد. اگر حالت‌های نمونه در آن منطقه اغلب تکرار می‌شوند، شوراها اسقفی می‌توانند دستورات کلی صادر نمایند. اغلب بر عهده اسقف منطقه می‌باشد که تصمیم‌گیری نماید. او به تنهایی از تمام شرایط و حالات خاص آگاهی خواهد داشت.

دستورالعمل به غیر از مورد خطر مرگ، به دو نمونه اشاره می‌کند، کسانی که در زندان هستند و کسانی که در رنج و عذاب می‌باشند، اما بعد در مورد «حالات دیگر چنین ضرورت‌های فوری» سخن می‌گوید. چنین حالتی به وضعیت عذاب و خطر محدود نمی‌شوند. ممکن است مسیحیان خود را در نیاز شدید روحانی و به دور از حمایت جماعت خویش بیابند. برای مثال، در زمان ما که یکی از حرکت‌های گسترده مردمی را شامل می‌شود، پیش از هر زمان دیگری می‌تواند چنین اتفاق افتد که مسیحیان غیرکاتولیک در مناطق کاتولیک نشین پراکنده شوند. آنان معمولاً از کمک جماعت روحانی خود محروم می‌شوند و قادر به تماس با آن نمی‌باشند مگر با مشکل و صرف هزینه بسیار. اگر شرایط تنظیم شده در دستورالعمل تأیید شوند، می‌توان آنها را در مراسم عشاء راز سپاسگزاری پذیرفت، اما در حیطة اختیار اسقف خواهد بود تا هر مورد را بررسی نماید.

متن تفسیر «دستورالعمل مربوط به پذیرش مسیحیان دیگر در مراسم راز سپاسگزاری در کلیسای کاتولیک تحت شرایطی خاص» (۴۴)

Dopo la pubblicazione

دبیرخانه ارتقاء وحدت مسیحیان، ۱۷ اکتبر ۱۹۷۳

۱- پس از انتشار «دستورالعمل پذیرش دیگر مسیحیان در مراسم عشای راز سپاسگزاری کلیسای کاتولیک» در تاریخ اول ژوئن ۱۹۷۲، تفاسیر مختلفی از آن ارائه گشتند، که برخی از آنها به دور از سند و روح محتوای آن بودند. جهت احتراز از اشاعه چنین تفاسیر نادرست و نتایج آنها، مفید خواهد بود که چند نکته ای را یادآوری نمایم.

۲- به واسطه این دستورالعمل، با خصلت شبانی، دبیرخانه ارتقاء وحدت مسیحیان، قصد تغییر قوانین مصوب به وسیله اعلامیه وحدت گرای کلیسا متعلق به مجمع واتیکان و توضیح بیشتر در دستورالعمل بین الکلیمیایی Ecumenical Directory (سند ۳۷ و ۴۰) را ندارد. هدف، توضیح این مطلب بود که نظام موجود از خواسته های ایمان ناشی می شود و به این ترتیب قوت کامل خود را نگاه می دارد.

۳- اصول اساسی دستورالعمل عبارتند از:

(a) پیوندی جدا نشدنی میان راز کلیسا و راز قربانی مقدس، یا میان اتحاد کلیسایی و راز سپاسگزاری وجود دارد؛ برگزاری راز قربانی مقدس به خودی خود نشان دهنده کمال اقرار ایمان و مشارکت کلیسایی است.

(b) برای تعمید یافتگان، قربانی مقدس یک طعام روحانی است که ایشان را قادر می سازد در حیات مسیح زیست نمایند، و تا عمیق تر در او ملحق شوند و در کل نظام راز مسیح بیشتر سهم گردند.

۴- در اتحاد کامل ایمان، مشارکت راز سپاسگزاری همانا اظهار این اتحاد کامل است و بنابراین اظهار اتحاد ایمانداران؛ در عین حال وسیله نگاهداری و تقویت این اتحاد است. اما مشارکت راز سپاسگزاری، اجرا شده توسط کسانی که در اتحاد کلیسایی کامل با یکدیگر نیستند نمی تواند اظهار آن اتحاد کاملی باشد که راز قربانی مقدس بنا به طبیعت خود اعلام می دارد و در این صورت اتحادی وجود ندارد؛ به این دلیل چنین مشارکتی نمی تواند به عنوان وسیله ای مورد استفاده قرار گیرد که منجر به اتحاد کامل کلیسایی شود.

۵- به همین شکل، هم دستور بین‌الکلیسایی و طرز عمل آن، در مورد قوت آنچه قبلاً در سند مجمع واتیکان در خصوص وحدت‌گرایی کلیسا گفته شده است، امکان استثنائات را تا حدی اجازه می‌دهد، چنان‌که راز قربانی مقدس خوراک روحانی لازم حیات مسیحی است

۶- این مسئله در حیطه مسؤولیت سراسقف منطقه است که این استثنائات را محک زده و تصمیمات واقعی و بجا بگیرد. دستور (شماره ۶) خاطر نشان می‌سازد که دستورالعمل بین‌الکلیسایی به مقامات سراسقفی اختیار می‌دهد که در این موارد نادر تصمیم بگیرد که آیا شرایط لازم موجود هستند یا خیر. اختیار مقامات اسقفی در آزمایش و تصمیم‌گیری، توسط ملاکهای مصوب در دستورالعمل بین‌الکلیسایی اداره می‌شود (شماره ۵۵) و به میزان بیشتری در دستورالعمل راهنما توضیح داده شده: «... اجازه شرکت در مراسم عشاء راز سپاسگزاری کلیسای کاتولیک به حالات ویژه مسیحیانی محدود می‌شود که به رازهای مقدس در هماهنگی با کلیسای کاتولیک ایمان دارند، و کسانی که با نیاز جدی روحانی برای این خوراک عشاء ربانی مواجه می‌شوند و کسانی که به مدت طولانی قادر به توسل به کشیش جماعت کلیسایی خود نیستند و کسانی که به اراده خود خواستار آن می‌شوند؛ تمام این موارد به شرطی است که ایشان تمایلات صحیح داشته و زندگی شایسته یک مسیحی را می‌گذرانند».

این ملاک در صورتی رعایت می‌شود که تمام شرایط لازم تأیید شوند. یک آزمایش مسؤولانه شبانی و عینی، اجازه نخواهد داد که هیچ یک از این شرایط نادیده گرفته شوند. به این مطلب باید اشاره نمود که دستورالعمل راهنما از مواردی صحبت می‌کند که باید به طور انفرادی مورد آزمایش قرار گیرند. بدین لحاظ نه می‌توان آیین نامه کلی صادر نمود که یک مقوله را به حالت استثنایی تبدیل نماید، و نه این که امکان قانونی کردن بر اساس *epikeia* (تفسیر سهل‌انگارانه از قانون) با تبدیل آن به یک قانون کلی وجود دارد. با این وجود، اسقفان در شرایط مختلف می‌توانند در مورد نیازهایی که آن استثنائات را قابل اجرا می‌سازند، تصمیم‌گیری نمایند، یعنی آنچه که یک حالت یا مورد خاص را ایجاد می‌نماید و به این ترتیب می‌توانند نحوه تأیید را مشخص نمایند که آیا تمام شرایط لازم در چنین حالت خاصی انجام می‌پذیرند یا نه. هرگاه این حالت‌های خاص خود را در یک منطقه به طور متناوب نشان دهند، به صورت یک نمونه تکراری، شوراهای اسقفی می‌توانند برخی اصول راهنما را جهت بررسی این که تمام شرایط در حالت‌های ویژه تأیید می‌شوند یا نه، صادر نمایند. اما معمولاً، در حیطه صلاحیت سراسقف منطقه است که در چنین مواردی داوری نماید.

۷- برای این که دیگر مسیحیان در راز قربانی مقدس کلیسای کاتولیک پذیرفته شوند، دستورالعمل راهنما لازم می‌داند که ایشان ایمان به راز مقدس در هماهنگی با ایمان کلیسای کاتولیک را آشکار نمایند. ایمان، محدود به تأیید محض «حضور واقعی» در راز قربانی مقدس نمی‌شود، اما به طور ضمنی آموزه راز قربانی مقدس را همان طور که در کلیسای کاتولیک آموزش داده می‌شود، بیان می‌نماید.

۸- به این نکته باید اشاره شود که دستورالعمل راهنما این حقیقت را خاطر نشان می‌سازد که *Directorium Ecumenicum* (پاراگراف ۳۴ - ۵۴) برای ایمانداران جماعتهای شرقی که در اتحاد کامل با کلیسای کاتولیک نمی‌باشند قوانینی آماده می‌سازد که متفاوت از قوانین مربوط به مسیحیان دیگر هستند (پاراگراف. ۵۵ - ۶۳). برای مثال: (a) چون ایشان به جماعتی کلیسایی تعلق دارند که ایمان راز سپاسگزاری آنان در هماهنگی با ایمان کلیسای کاتولیک است، به اظهار شخصی در مورد ایمان به راز مقدس، هنگام پذیرش آنان نیازی نمی‌باشد:

در شخص مسیحی ارتدکس، این ایمان به طور مسلم پذیرفته شده است؛
 (b) چون کلیساهای ارتدکس دارای رازهای مقدس واقعی هستند و بخصوص، به واسطه توالی رسولی، رازهای کهنانت و قربانی مقدس را دارا می‌باشند، در مورد اعطای عشای ربانی باید رابطه متقابل قانونی و مجاز را مدنظر قرار دهند؛
 (c) دلایل برای توصیه کردن به مشارکت رازگونه آشکارا ضروری تر می‌باشند.

۹- موضوع رابطه متقابل فقط با این کلیساها مطرح می‌شود که ذات راز قربانی مقدس و راز مرتبت یابی، و توالی رسولی را نگاه داشته‌اند. از این روی یک فرد کاتولیک نمی‌تواند خواستار قربانی مقدس باشد مگر از کشیشی که به طور صحیح و معتبر منصوب شده است.

۱۰- تمایل مشارکت در راز قربانی مقدس، اساساً، بیانگر میل به اتحاد کامل کلیسایی تمام مسیحیان است که مسیح آن را اراده نمود. گفتگوی interconfessional در خصوص الهیات راز قربانی مقدس (به عنوان راز مقدس و قربانی)، و در خصوص الهیات خدمت روحانی و الهیات کلیسا در حال طی کردن مسیر خود در حوزه نهضت جهانی کردن کلیساست، که با وعده‌ها و نیایش خداوندان حمایت می‌شود؛ با محبت تحریک شده و زنده می‌گردد، و با روح القدسی که به ما بخشیده شده به درون قلبمان جاری می‌شود. ما امیدواریم که نهضت اتحاد کلیساها منجر به اقرار مشترک ایمان در میان مسیحیان شود تا به این ترتیب بتوانیم راز قربانی مقدس را در اتحاد کلیسایی برگزار نماییم و این عبارات را به فعل درآوریم «زیرا یک نان وجود دارد، ما که بسیاریم یک تن می‌باشیم» (۱ - قرن ۱۰: ۱۷).

بخش سوم: رهنمون‌های رسمی

الف- دستورالعمل مربوط به امور بین‌الکلیسایی (۳۷)

Ad Totam Ecclesiam

دبیرخانه وحدت مسیحیان، ۱۴ ماه مه ۱۹۶۷

مقدمه

۱- «توجه به تجدید اتحاد، کل کلیسا را در برمی‌گیرد، یعنی شامل ایمانداران و روحانیون با هم می‌باشد. هر کس بنا به استعدادش آنها را با خود مرتبط می‌سازد...» (سند وحدت‌گرایی کلیسا *Unitatis Redintegratio*، شماره ۵). دستورالعمل بین‌الکلیسایی در حالی منتشر می‌گردد که این توجه به اتحاد را تشویق و هدایت نماید، تا آنچه در این زمینه به وسیله اسناد مجمع دوم واتیکان منتشر شد، در سراسر کلیسای کاتولیک بهتر به مورد اجرا گذاشته شود. این کار باید به نحوی صورت پذیرد که با فکر کلیسا امین باشد. «فعالیت وحدت بین‌الکلیسایی نمی‌تواند عملی کامل و صادقانه باشد، مگر وفادار به راستی که ما از رسولان و پدران کلیسا دریافت داشته‌ایم، و در تطابق با ایمانی که کلیسای کاتولیک همواره اقرار نموده است، و در عین حال داشتن تمایل به پری که در آن خداوند ما می‌خواهد بدنش در طول زمان رشد نماید» (سند وحدت‌گرایی کلیسا، شماره ۲۴).

۲- سند مربوط به وحدت‌گرایی کلیسا در جاهای بسیاری اصرار می‌ورزد که این وظیفه مسند رسولی و اسقفان است، با توجه به اختیارات و حقوق پاتریارکها و مجامع اسقفی ایشان، که پس از بررسی تمام اوضاع و شرایط، در خصوص سیاست وحدت بین‌الکلیسایی تصمیم‌گیری نمایند (ر.ک. شماره ۴، ۸ و ۹). دقت لازم در این امور باید به عمل آید تا این که از خود نهضت وحدت کلیساها جلوگیری و ممانعت نشود و ایمانداران از خطر irenicism (ایرنیسیسم) کاذب و بی‌تفاوتی آسیب‌نبینند. زمانی مراقبت‌شسانی مؤثرتر واقع خواهد شد که ایمانداران مستحکم‌تر شده و در تعالیم و سنت موثق کلیسای کاتولیک و کلیساها و جماعت‌های جدا شده از آن، آموزش بیشتری داده شوند. این آگاهی از تعالیم و سنتها، محافظ‌بهتری علیه خطرات و آسیبی که ممکن است اتفاق افتد خواهد بود تا آن نوع بی‌خبری که اغلب به وسیله ترس بی‌دلیل حادث می‌شود: ترس از آن تعدیلاتی که، در تطابق با روح و تصمیمات مجمع دوم واتیکان، برای هر نوع اصلاح واقعی و درست کلیسا لازم می‌باشند.

نهضت وحدت جهانی کلیسا با اصلاحی آغاز می‌شود که توسط آن کلیسا به طور کامل‌تری، آن راستی و تقدسی را که از مسیح ناشی می‌شود، ابراز می‌نماید. هر یک از

ایمانداران، به عنوان عضوی از کلیسا، باید در محبت و راستی در این اصلاح شرکت نمایند تا در ایمان و امید و محبت رشد کند و در کلیسا به خدا و نجات دهنده ما عیسی مسیح، با زندگی خود، شهادت دهد.

از وقتی که این نهضت توسط روح القدس پا گرفته است، آنچه در این جایی گیری می شود با نیت و در حالتی به پیش می رود که برای اجرای حکم مربوط به وحدت گرایی کلیسا در خدمت اسقفان باشد، «بدون ایجاد مانع در طریق مشیت الهی و بدون پیش داوری الهامات آینده روح القدس» (سند مربوط به وحدت گرایی کلیسا، شماره ۲۴).

۱) استقرار کمیسیونهای بین‌الکلیسایی

(الف) کمیسیون حوزه کلیسایی

۳- بسیار مناسب و بجا می باشد که یک مجمع، کمیسیون یا دبیرخانه ای برای چند حوزه کلیسایی که با هم کار می کنند، یا هر جا لازم باشد، برای هر حوزه اسقفی تأسیس گردد تا مسؤول ارتقاء فعالیت بین‌الکلیسایی توسط کنفرانس اسقفی منطقه باشد. در آن حوزه هایی که نمی توانند کمیسیون خاص خود را دارا باشند، حداقل باید شخصی به نمایندگی اسقف جهت این وظایف حضور داشته باشد.

۴- این کمیسیون باید با مؤسسات و شرکتهای موجود بین‌الکلیسایی یا آنهایی که احتمالاً گشایش می یابند همکاری کند، و هر کجا که موقعیت ایجاب نماید از آنها کمک بگیرد. همچنین این کمیسیون در جهت کمک به دیگر کارهای حوزه کلیسایی و ابتکارات فردی باید، با تبادل اطلاعات و نظرات با کسانی که در این رابطه مشغول به کار هستند، جهت یک مزیت متقابل، مورد تشویق قرار گیرد. این کار باید کلاً در هماهنگی با اصول و موازین کلی که از قبل در این مورد وجود دارند انجام گیرد.

۵- جهت روشن تر ساختن و تقویت اتحادی که به طور کامل به کلیسا تعلق دارد، هر جا که امکان آن باشد، کمیسیون باید شامل اعضای همچون روحانیون حوزه کلیسایی و نیز ایمانداران از هر دو جنسیت و غیرروحانیون مستعد مرد و زن باشد.

۶- علاوه بر عملکردهای مشخص شده برای کمیسیون، باید:

(a) مطابق اوضاع منطقه، تصمیمات واتیکان دوم در رابطه با امور بین‌الکلیسایی را به مورد اجرا گذارد

(b) وحدت گرایی روحانی کلیسا را بر طبق اصول مصوب در سند مربوط به وحدت گرایی کلیسا تقویت نماید (ر.ک. ش. ۸) اصول مربوط به نیایش آشکار و پنهان

برای اتحاد مسیحیان؛

(c) تشویق و ارتقاء دوستی، همکاری و مودت میان کاتولیکها و برادرانشان که در این اتحاد و مشارکت نمی‌باشند

(d) شروع و هدایت گفتگو با ایشان، و به یاد داشتن انطباقاتی که باید نسبت به انواع شرکت‌کنندگان مطابق شماره‌های ۹ و ۱۱ سند مربوط به وحدت‌گرایی کلیسا، به عمل آید

(e) تشویق و ارتقاء شهادت مشترک به ایمان مسیحی با برادران جدا شده و همکاری در زمینه‌هایی همچون تحصیلات، اصول اخلاقی، امور اجتماعی و فرهنگی، یادگیری و هنر (ر.ک. سند مربوط به وحدت‌گرایی کلیسا، شماره ۱۲، نیز سند *Ad gentes*، شماره ۱۲)

(f) انتخاب کارشناسان جهت انجام بحث و گفتگو با کلیساها و جماعت‌های دیگر موجود در حوزه کلیسایی

(g) ارائه کمک و پشتیبانی جهت آموزش و تحصیلات روحانیون و عامه مردم و هدایت زندگی فرد در روح معاونت بین‌الکلیسایی، با تأکید خاص بر آماده‌سازی دانشجویان مدارس علوم دینی برای بشارت دادن، تعالیم دینی و انواع دیگر تعلیمات در این رابطه در سند مربوط به وحدت‌گرایی کلیسا، شماره ۱۰

(h) حفظ روابط با کمیسیون منطقه‌ای بین‌الکلیسایی (به پائین رجوع نمایید) انطباق مشورت و توصیه‌های اخیر با شرایط محلی مربوط به حوزه کلیسایی و، علاوه بر این، در صورتی که شرایط ایجاب نمایند، اطلاعات مفیدی که می‌توانند به دبیرخانه اخیر در اجرای کار آن کمک نمایند باید به دبیرخانه ارتقاء وحدت مسیحی در رم، ارسال شوند.

(ب) کمیسیون منطقه‌ای

۷- هر نوع کنفرانس اسقفی ملی و آنها که بر طبق شرایط، بیش از یک ملت را دربر می‌گیرند، می‌بایست در تطابق با قوانین خود یک کمیسیون از اسقفان جهت امور بین‌الکلیسایی دایر نمایند که توسط کارشناسان مورد حمایت نیز واقع شود. این کمیسیون باید از کنفرانس اسقفی منطقه حکمی داشته باشد تا بتواند در امور بین‌الکلیسایی و تعیین راه‌های واقعی عمل نمودن در راستای سند مربوط به وحدت‌گرایی کلیسا و دیگر احکام و رسومات مجاز، با در نظر داشتن زمان، مکان و اشخاص که در این رابطه می‌باشند و نیز جهت خیریت کلیسای جهانی، راهنمایی لازم را به عمل آورد. در صورت امکان، این کمیسیون باید توسط یک دبیرخانه دائمی مورد کمک و حمایت قرار گیرد.

۸- اعمال این کمیسیون تمام موارد لیست شده تحت شماره ۶ را شامل خواهد شد، تا آن‌جا که به صلاحیت کنفرانس منطقه‌ای اسقفان مربوط می‌باشد. علاوه بر این، این

کمیسیون وظایف دیگری را نیز می‌تواند به اجرا در آورد که از آن نمونه اینها را می‌توان برشمرد:

- (a) اجرای قوانین و دستورات مصوب توسط رسولانی در این امور.
- (b) مشاوره و کمک به اسقفانی که یک کمیسیون بین‌الکلیسایی در حوزه اسقفی خود دایر می‌نمایند.
- (c) ارائه کمک مادی و معنوی در صورت امکان به مؤسسات و شرکتهای بین‌الکلیسایی جهت ارتقاء در زمینه آموزش و تحقیق یا در زمینه امور شبانی و پیشرفت ترویج حیات مسیحی بر طبق اصول مشخص در سند مربوط به وحدت‌گرایی کلیسا، شماره‌های ۹-۱۱
- (d) انجام گفتگو و مشاوره با رهبران و مجامع بین‌الکلیسایی دیگر کلیساهای و جماعت‌هایی که در سطح ملی یا منطقه‌ای وجود دارند (متمایز از حوزه کلیسایی)
- (e) انتصاب کارشناسانی که، به وسیله حکم عمومی کلیسا برای گفتگو و مشاوره با کارشناسان جماعت‌های اشاره شده در قسمت (d) بالا در نظر گرفته شده‌اند.
- (f) در صورت لزوم، ایجاد یک کمیسیون تابعه برای روابط بین‌الکلیسایی با کلیساهای شرق.
- (g) حفظ روابط مابین سلسله مراتب روحانی منطقه‌ای و مقام اعظم کلیسا.

۲) اعتبار تعمیدی که توسط کشیشان کلیساهای و جماعت‌های کلیسایی جدا شده از ما اعطا می‌گردد

۹- عمل کلیسا در این خصوص با دو اصل اداره می‌شود: اول این که، تعمید برای نجات عملی ضروری است و دوم این که، فقط یک بار عطا می‌شود.

۱۰- اهمیت جهانی تعمید از اسناد مجمع دوم واتیکان آشکار و واضح است: «خود او (عیسی مسیح) صراحتاً لزوم ایمان و تعمید را اظهار داشت (مر ۱۶: ۱۶؛ یو ۳: ۱۵) و به آن وسیله لزوم کلیسا را برشمرد، که از طریق تعمید همچون یک در از آن وارد می‌شوند». (نظامنامه جزمی کلیسا (سند ۲۸)، شماره ۱۴).

کلیسا می‌داند که به طرق بسیار با افراد تعمید یافته‌ای که به عنوان مسیحیان مورد احترام قرار می‌گیرند اما ایمان را در تمامیت خود اقرار نمی‌نمایند یا اتحاد و مشارکت با جانشین پطرس را حفظ نمی‌کنند، مرتبط می‌شود».

«زیرا کسانی که به مسیح ایمان دارند و به طور صحیح تعمید یافته‌اند، اگرچه ناقص، اما به مشارکتی خاص با کلیسای کاتولیک وارد می‌شوند... تمام کسانی که به وسیله ایمان در تعمید، عادل شمرده می‌شوند، در مسیح شریک و ملحق می‌گردند: از

این روح مسیحی نامیده شدن را دارند و به این دلیل به عنوان برادران توسط فرزندان کلیسای کاتولیک پذیرفته می‌شوند». (سند مربوط به وحدت‌گرایی کلیسا، شماره ۳). «از سوی دیگر، کاتولیکها باید با خوشحالی، موهبت‌های مسیحی واقعی در میراث مشترکمان که باید در میان برادران جدا شده مان یافت شوند را اذعان نموده و مورد احترام قرار دهند».

۱۱- بنابراین تعمید رشته رازگونه اتحاد است، و در واقع بنیاد اتحاد میان تمام مسیحیان می‌باشد. از این رو منزلت، ارزش و طرز اجرای این راز، از اهمیت بسزایی برای تمام شاگردان مسیح برخوردار است. اما هنوز یک ارزیابی درست از راز مقدس و بازشناسی متقابل رازهای تعمید یکدیگر توسط جماعت‌های متفاوت اغلب دچار مانع می‌گردد و این به دلیل شک معقول در مورد تعمیدی است که در برخی موارد خاص اعطا می‌گردد. برای اجتناب از مشکلاتی که ممکن است در زمانی رخ نمایند که مسیحیان جدا شده از ما، در حالی که توسط فیض روح القدس و وجدان خود هدایت می‌شوند، در پی مشارکت کامل با کلیسای کاتولیک باشند، اصول راهنمای زیر ارائه می‌شوند.

۱۲- بدون شک می‌توان به اعتبار تعمیدی که در میان مسیحیان شرق جدا شده اعطا می‌گردد اعتماد نمود. بنابراین تأیید این حقیقت که راز تعمید اجرا گشت، کفایت می‌کند. زیرا در کلیساهای شرق، راز تثبیت (روغن مقدس) همیشه به طور مشروع توسط کشیش، همزمان با راز تعمید اجرا می‌شود، اغلب اتفاق می‌افتد که به تأیید یا تثبیت در اظهار قانونی راز تعمید هیچ اشاره‌ای نمی‌شود. البته این مورد جایی برای شک کردن باقی نمی‌گذارد که راز مقدس عطا گشته است.

۱۳- با توجه به مسیحیان دیگر یک نقطه شکی ممکن است به وجود آید:
(a) در رابطه با شکل و موضوع. تعمید با عمل غوطه‌ور ساختن در آب، به صورت ریختن یا پاشیدن، به همراه قاعده مربوط به تثلیث (*Trinitarian formula*)، در حد خود معتبر است. بنابراین اگر آداب و سنن عبادی و کتابهای مربوط به آیین نیایش یا رسومات تثبیت شده یک کلیسا یا جماعت خاصی، یکی از این راههای تعمید دادن را توصیه نمایند، زمانی شک و شبهه ایجاد می‌شود که کشیش مربوطه، مقررات جماعت یا کلیسای خود را مراعات ننماید. بنابراین، آنچه لازم و کافی است این است که کشیش تعمید دهنده به موازین جماعت یا کلیسای خود امین و وفادار باشد. به این خاطر، عموماً باید یک گواهی تعمید مکتوب، با نام کشیش دریافت شود. در موارد بسیاری از جماعت دیگری ممکن است خواسته شود تا، به طور کلی یا به طور خاص، در انتخاب کشیشی همکاری نماید که مطابق آداب و سنن عبادی مرسوم تعمید داده باشد.

(b) در رابطه با ایمان و نیت. به این علت که به تصور برخی افراد، کمبود ایمان یا نیت در کشیش می‌تواند در مورد تعمید شک ایجاد نماید، به این نکات باید توجه شود: کمبود ایمان کشیش، هرگز به خودی خود سبب بی‌اعتبار شدن تعمید نمی‌شود. باید چنین تصور شود که قصد و نیت کافی در یک کشیش تعمید دهنده وجود دارد، مگر دلیل کافی برای مشکوک شدن در این مورد موجود باشد که او به آنچه مسیحیان انجام می‌دهند تمایل دارد (ر.ک. پاسخ مقام مقدس، ۳۰ ژانویه ۱۸۳۳: «انجام آنچه مسیحیان انجام می‌دهند، کفایت می‌کند»؛ کنگره روحانی شورا. احکام توسط پیوس پنجم، به تاریخ ۱۹ ژوئن ۱۵۷۰، تصویب شد و در سال ۱۵۷۶ در فرانسه اتخاذ سند گردید).

(c) در رابطه با به کارگیری موضوع. هر کجا در مورد استعمال و به کارگیری مورد خاص، شک و شبهه ایجاد می‌شود، احترام به راز مقدس و طبیعت کلیسای جماعتی دیگر، چنین ایجاب می‌کند که تحقیق جدی از نحوه عمل جماعت و شرایط خاص تعمید، پیش از هر نوع قضاوت بر اعتبار تعمید به عمل آید، به دلیل نحوه اجرای آن.

۱۴- تعمید مشروط غیر مشخص تمام کسانی که مایل به اتحاد کامل با کلیسای کاتولیک می‌باشند، قابل تأیید نخواهد بود. راز مقدس تعمید قابل تکرار نیست (ماده قانونی کلیسا، ۷۳۲، ۱) و از این رو به طور مشروط مجدداً تعمید دادن اجازه داده نمی‌شود مگر شک معقولی از حقیقت یا اعتبار تعمیدی که قبلاً اجرا شده، وجود داشته باشد، (مجمع ترنت، جلسه ۷، قانون ۴؛ مجموعه قوانین کلیسایی، قانون ۷۳۲، ۲).

۱۵- اگر پس از تحقیق مفصل در مورد این که تعمید به طور صحیح اجرا شده است یا نه، شک و شبهه معقول هنوز موجود باشد، و لازم باشد تا به طور مشروط تعمید داده شود، کشیش باید توجه لازم را به این آموزه که تعمید یگانه است داشته باشد: (a) توضیح مناسب علت تعمید به طور مشروط و اهمیت مراسم تعمید شرطی به آن شخص (b) اجرای مراسم مطابق شکل اختصاصی آن (قانون ۷۳۷، ۵۲).

۱۶- کل موضوعات الهیات و نحوه اجرای تعمید باید در گفتگو میان کلیسای کاتولیک و کلیساهای و جماعت‌های جدا شده، مطرح شود. توصیه می‌شود که کمیسیون‌های بین‌کلیسایی، چنین بحث‌هایی را با کلیساهای یا مجامع کلیساهای مناطق مختلف به انجام رسانند و هر جا که مناسب باشد، به یک موافقت مشترک در این زمینه دست یابند.

۱۷- با احترام به راز مقدس خرقة پوشی (initiation) که خداوند آن را برای عهد جدید قرار داد، و به جهت روشن شدن آنچه برای اجرای صحیح آن لازم است، مناسب‌ترین کار این است که گفتگو با برادران جدا شده مان به موضوع خاص: «چه عواملی برای تعمید

معتبر لازم می‌باشند»، محدود نشود. همچنین باید توجه لازم را به پری‌نشانه راز گونه و حقیقت تداعی شده مبذول نمود (یا *res sacramentum*)، همان‌گونه که این موارد از عهد جدید سر بر می‌آورند؛ و این کار به توافق رسیدن کلیساها در مورد به رسمیت شناختن متقابل راز تعمید را آسان تر می‌سازد.

۱۸- ارزش مناسب گذاشتن بر تعمیدی که توسط کشیشان کلیساها و جماعت‌های جدا شده از ما اعطا می‌گردد، از اهمیت جهانی برخوردار است؛ به این وسیله، راز تعمید به عنوان «رشته رازگونه اتحاد و پیوند‌دهنده تمام کسانی که به وسیله آن احیا می‌شوند»، آشکار می‌گردد. (سند مربوط به وحدت‌گرایی کلیسا، شماره ۲۲؛ نظامنامه جزمی مربوط به کلیسا، شماره ۱۵). بنابراین امید می‌رود که تمام مسیحیان به طور مستمر در احترام و وفاداری بیشتر به آنچه خداوند برقرار نمود، در رابطه با برگزاری آن، رشد نمایند.

۱۹- سند مربوط به وحدت‌گرایی کلیسا روشن می‌سازد که برادران متولد شده و تعمید یافته در خارج از مشارکت مشهود کلیسای کاتولیک، باید دقیقاً مورد تشخیص قرار داده شوند نسبت به کسانی که با وجود تعمید یافتن در کلیسای کاتولیک، به طور عمدی و آشکار از ایمان کلیسا دست کشیده‌اند. بر طبق حکم سند (شماره ۳) «نمی‌توان کسانی را که در این جماعتها متولد می‌شوند و در آنها به مسیح ایمان می‌آورند به گناه جدایی متهم نمود». بدین لحاظ، در نبود چنین ملامتی، اگر به اختیار خود می‌خواهند که ایمان کاتولیک را بپذیرند، نیازی به تبرئه شدن از تکفیر ندارند، بلکه پس از اقرار نمودن ایمان خود بر اساس مقررات مصوب توسط سراسقف ناحیه، باید در مشارکت کامل کلیسای کاتولیک پذیرفته شوند. آنچه قانون ۲۳۱۴ تجویز می‌نماید تنها برای کسانی قابل استفاده است که، پس از انصراف از ایمان و مشارکت کاتولیک توبه نموده و خواستار مصالحه با کلیسای مادر باشند.

۲۰- آنچه در مورد عفو و بخشش از محکومیتها گفته شده است، آشکارا و به همان دلیل برای دست کشیدن از ارتداد نیز صادق است.

۳) تقویت وحدت‌گرایی روحانی کلیسا در کلیسای کاتولیک

۲۱- «این تغییر قلبی و تقدس زندگی، همراه با نیایش آشکار و نهان برای اتحاد مسیحیان، باید به عنوان روح کل جنبش بین‌الکلیسایی در نظر گرفته شده و شایسته نام، «وحدت‌گرایی روحانی» باشد». (سند مربوط به وحدت‌گرایی کلیسا، شماره ۸). این سند در این عبارات، وحدت‌گرایی روحانی را تعریف نموده و اهمیت آن را مورد

تأکید قرار می‌دهد تا این که مسیحیان هم در نیایش و هم در برگزاری شکرگزاری و در واقع در کل زندگی روزانه‌شان، هدف اتحاد را به دقت مد نظر داشته باشند. هر مسیحی، اگرچه در میان برادران جدا شده زندگی نمی‌کند، همیشه و همه جا سهم خود را در این نهضت بین‌الکلیسایی ایفا می‌نماید، یعنی از طریق احیای کل حیات مسیحی بر طبق روح انجیل، به نحوی که توسط مجمع دوم واتیکان آموزش داده شده است - که در واقع چیزی از میراث مشترک مسیحی را ناگفته نمی‌گذارد. (ر.ک. سند مربوط به وحدت‌گرایی کلیسا، شماره ۶: سند مربوط به عمل رسالتی کلیسا، شماره ۳۶).

۲۲- کافی است که نیایش برای اتحاد به طور مرتب در زمان معین ادا شود، برای نمونه:

(a) ۱۸ الی ۲۵ ژانویه، که هفته نیایش برای وحدت مسیحیان نامیده می‌شود، و اغلب کلیساها و جماعت‌های بسیاری در این هفته در نیایش به خدا برای اتحاد، شرکت می‌نمایند

(b) ایام بین صعود مسیح به آسمان تا روز پنطیکاست (نزول روح القدس)، که جماعت در اورشلیم را، که در انتظار آمدن روح القدس برای تثبیتشان در اتحاد و مأموریت جهانی بود، گرامی می‌دارد.
نمونه‌های دیگر عبارتند از:

(a) ایام عید تجلی، هنگامی که ظهور مسیح به جهان و رشته متصل‌کننده بنیاد کلیسا با اتحاد را گرامی می‌داریم
(b) پنج‌شنبه مقدس، که در آن برقراری راز شکرگزاری، راز مقدس اتحاد نیایش مسیح خداوند را در اتاق شام برای کلیسا و وحدت آن، گرامی می‌داریم
(c) جمعه پیش از قیام، یا عید تجلیل صلیب مقدس، که راز صلیب مقدس را که با آن فرزندان پراکنده خدا با هم متحد می‌شوند گرامی می‌داریم
(d) عید قیام، که مسیحیان با یکدیگر در شادی رستاخیز خداوند سهیم می‌شوند
(e) در هنگام جلسات یا حوادث مهم بین‌الکلیسایی دیگر یا مشابه آن جهت اهداف بین‌الکلیسایی.

۲۳- «این یک رسم شناخته شده نزد کاتولیک‌هاست که به طور مکرر برای اتحاد کلیسا با هم نیایش نمایند همان طور که خود نجات‌دهنده در شب مرگ خویش با حدت از پدر درخواست نمود که ایشان همه یک شوند» (سند مربوط به وحدت‌گرایی کلیسا، شماره ۸). بنابراین، اجازه دهید همه برای اتحاد به طریقی متناسب با نیایش مسیح در شام آخر دعا نمایند: تا تمام مسیحیان به «آن پری اتحادی که آرزوی عیسی مسیح است» دست یابند.

۲۴- شبانان باید نظارت نمایند، تا بر طبق شرایط مکان و اشخاص، اجتماعات

ایمانداران کاتولیک برای نیایش کردن جهت اتحاد تشکیل شوند؛ و چون راز سپاسگزاری، آن راز مقدس عجیب است «که به وسیله آن اتحاد کلیسا تداعی شده و به اجرا در می‌آید» (سند مربوط به وحدت‌گرایی کلیسا، شماره ۲)، بسیار ارزنده است که به ایمانداران در مورد اهمیت آن یادآوری شود؛ نیایشهای آشکار برای اتحاد مسیحیان باید در مراسم عشای ربانی مورد تشویق و حمایت قرار گیرند (برای مثال، در طی نیایش ایمانداران یا در دعاهای تهلیل داری که *Ecteniae* نامیده می‌شوند) و نیز در برگزاری عشاها نذری برای اتحاد مسیحیان. همچنین، آن مراسم عبادتی که دعاهای آیین نیایشی خاص استرحام دارند همچون *Litia* و *Moleben* و مناجات شبیه آنها قابل استفاده جهت نیایش برای اتحاد هستند.

۴) شراکت در فعالیت و منابع روحانی با برادران دینی جدا شده

(الف) مقدمه

۲۵- محبت برادرانه در روابط زندگی روزانه برای تقویت تجدید اتحاد در میان تمام مسیحیان کافی نمی‌باشند. این مطلب درست و صادق است که باید یک *communicatio in spiritualibus* مجاز دانسته شود- یعنی این که مسیحیان باید قادر به مشارکت در آن میراث روحانی باشند که در آن اشتراک دارند، به صورت و به میزانی مجاز و مناسب در حالت تقسیم شده فعلی ایشان. از آن عوامل و موهبتهایی که با هم کلیسا را بنا نموده و به آن زندگی می‌بخشند، بسیاری از آنها ممکن است خارج از مرزهای قابل رؤیت کلیسای کاتولیک موجود باشند (سند مربوط به وحدت‌گرایی کلیسا، شماره ۳). این عوامل «که منشأ آنها مسیح است و به خود او نیز منتهی می‌شوند، به حق به کلیسای یگانه مسیح تعلق دارند»؛ آنها می‌توانند به نحو شایسته‌ای در درخواست ما برای فیض اتحاد دخیل باشند؛ و می‌توانند رشته‌هایی که هنوز کاتولیکها را به برادران جدا شده ایشان می‌پیوندند، آشکار نموده و قوت بخشند.

۲۶- اما این موهبتهای روحانی، به طرق مختلف در چندین جماعت مسیحی یافت می‌شوند و مشارکت در فعالیت و منابع روحانی نمی‌تواند مستقل از این تنوع باشد؛ طرز عمل آن باید بر طبق شرایط مردم، کلیساها و جماعت‌های درگیر، تغییر نماید. برای شرایط حال حاضر، اصول راهنمای زیر ارائه می‌شوند:

۲۷- اگر قرار باشد مشارکت در فعالیت و منابع روحانی، حتی در محدودیتهای مشخص شده، با روح حسن نیت متقابل و محبت و در رشد هماهنگی میان مسیحیان سهیم شود، باید داد و ستد (رابطه متقابل) مشخصی در نظر گرفته شود. گفتگو و مشاوره در رابطه با

موضوع، میان مقامات محلی یا منطقه‌ای کاتولیک و مقامات جوامع دیگر، قویاً توصیه می‌شود.

۲۸- در برخی مناطق و جوامع، گروهها و شخصیتها، جنبش وحدت‌گرایی کلیساها و آرزوی صلح با کلیسای کاتولیک، هنوز به طور قوی رشد ننموده‌اند (سند مربوط به وحدت‌گرایی کلیسا، شماره ۱۹)، و در نتیجه این رابطه و درک متقابل با مشکل مواجه می‌شوند؛ سراسقف منطقه یا در صورت نیاز، مجمع اسقفی، می‌تواند مقیاسهای مناسبی را جهت ممانعت از خطرات بی‌تفاوتی و جدیدالایمانی در میان ایماندارانشان در این اوضاع و شرایط برشمارند. اما باید امیدوار بود که به واسطه فیض روح القدس و مراقبت محتاط شیانی اسقفان، حس اتحاد. کلیسا و توجه متقابل، در میان کاتولیک‌ها و برادران جدا شده آنان افزایش یابد و نیاز به این مقیاسهای خاص به تدریج از میان برود.

۲۹- اصطلاح مشارکت در فعالیت و منابع (*communicatio in spiritualibus*) جهت پوشش دادن به کل نیایش ارائه شده در اشتراک، استفاده مشترک از اماکن و اجناس روحانی، و نیز کل مشارکت در عبادت آیین نیایشی (*communicatio in sacris*) در مفهوم دقیق به کار می‌رود.

۳۰- *communicatio in sacris* زمانی وجود دارد که هر کس در پرستش آیین نیایش یا در رازهای مقدس کلیسای دیگر یا جماعت کلیسایی شرکت نماید.

۳۱- «پرستش مربوط به آیین نیایش» به معنی، عبادت اجرا شده بر طبق کتب، دستورات یا رسومات یک کلیسا یا جماعت که توسط یک کشیش یا نماینده چنین کلیسا یا جماعتی، در صلاحیت او به عنوان خادم روحانی آن جماعت، برگزار شود.

(ب) نیایش مشترک

۳۲- «در برخی شرایط خاص، همچون مراسم نیایشی «برای اتحاد» و در طی گردهماییهای بین‌الکلیسایی، اجازه داده می‌شود که کاتولیکها در نیایش با برادران جدا شده خود ملحق شوند. چنین نیایشهای مشترکی، یقیناً وسیله بسیار مؤثر طلب فیض اتحاد هستند و جلوه‌ای واقعی از روابطی که هنوز کاتولیکها را با برادران جدا شده خود پیوند می‌دهند» (سند مربوط به وحدت‌گرایی کلیسا، شماره ۸). این سند مربوط است به نیایشهایی که در آن اعضا و حتی کشیشان جوامع مختلف نقش «فعال» را به عهده می‌گیرند. در رابطه با کاتولیکها این نوع شراکت به هدایت و تشویق سراسقفان منطقه مربوط می‌گردد. موارد زیر باید مورد توجه قرار گیرند.

۳۳- امید است که کاتولیکها و برادران دیگرشان، در نیایش برای هر مورد مشترکی

که می‌توانند در آن همکاری نمایند، ملحق شوند - برای نمونه، صلح، عدالت اجتماعی، محبت متقابل در میان انسانها، منزلت خانواده و غیره. همین مورد را در مواردی می‌توان به کار برد که ملت یا جماعتی، بر طبق شرایط، مایل به شکرگزاری یا درخواست مشترک از خدا باشد، همچون در یک روز عید ملی، در زمان یک فاجعه عمومی و آشکار یا سوگواری در یک روز خاص به یاد کسانی که برای کشورشان جان باخته‌اند. این نوع نیایش همچنین تا آن‌جا که مقدور است در اوقاتی توصیه می‌شود که مسیحیان جلسات مطالعه یا فریضه مشترک برپا می‌دارند.

۳۴- اما، نیایش مشترک باید بالاخص با تجدید اتحاد مسیحیان در ارتباط باشد. این نیایش می‌تواند بر این موارد تمرکز نماید: راز کلیسا و اتحاد آن، تعمید به عنوان رشته رازگونه اتحاد اما نه به طور کامل، اصلاح زندگی شخصی و اجتماعی به عنوان راهی ضروری برای دستیابی به اتحاد، و دیگر زمینه‌های مشخص شده در شماره ۲۲.

۳۵- نحوه و شکل خدمت روحانی.

(a) نمایندگان کلیساها و جماعت‌های مربوط، باید در تدارک چنین نیایشی موافقت نموده و در آن همکاری نمایند - یعنی در تصمیم‌گیری برای کسانی که باید شرکت نمایند، در مورد موضوعات، سرودها، متون کتاب مقدس، نیایشها و موارد شبیه آن که باید مورد استفاده قرار گیرند.

(b) در چنین خدمتی، فضای کافی برای خواندن متن، نیایش و سرود وجود دارد که ایمان یا زندگی روحانی مشترک میان تمام مسیحیان را آشکار می‌نماید. محلی برای درخواستها، عریضه یا تعمق کتاب مقدسی که از میراث مشترک مسیحی اقتباس شده در آنجا وجود دارد که منجر به حسن نیت متقابل و ارتقاء وحدت میان مسیحیان می‌شود.

(c) مطلوب است که ساختار خدماتی از این نوع، چه محدود به کاتولیکها باشد، یا در اشتراک با برادران جدا شده ما، باید با نمونه نیایش جماعتی توصیه شده به وسیله احیای آیین نیایش منطبق باشد. (ر.ک. نظامنامه آیین نیایش مقدس، برای مثال شماره‌های ۳۰، ۳۴، ۳۵).

(d) زمانی که این خدمات برای انجام یافتن در یک کلیسای شرق تدارک دیده می‌شوند، باید به خاطر داشت که یک شکل آیین نیایش رسمی در میان شرقیها در نظر گرفته می‌شود که بخصوص با نیایش استرحام سازگاری دارد، از این رو توجه خاصی باید به نظام آیین نیایشی این کلیسا مبذول داشت.

۳۶- مکان

(a) مکانی باید انتخاب شود که از نظر تمام شرکت کنندگان مقبول باشد. دقت شود که همه چیز به طور مرتب تهیه شده و موجب دعا و وقف خود شود.

(b) اگر چه ساختمان کلیسا محلی است که در آن جماعتی معمولاً عادت به برگزاری آیین نیایش خود دارند، اما در آنجا چیزی وجود ندارد که مانع خدمات عبادتی مشترک ذکر شده در شماره های ۳۲ - ۳۵ شوند، در کلیسای این یا آن جماعت مورد نظر، در صورتی که به این کار نیاز باشد و سراسقف منطقه تأیید نماید. در واقع شرایط می توانند آن را عملی مطلوب سازند.

(c) به هنگام تدارک خدمات نیایشی با برادران ارتدکس شرق، باید به یاد داشت که تمام مسیحیان شرق، کلیسا را به عنوان مناسب ترین مکان برای نیایش عمومی مورد توجه قرار می دهند.

۳۷- لباس. مخالفتی برای استفاده از لباس گر وجود ندارد، البته هر کجا که شرایط ایجاب نمایند و میان شرکت کنندگان موافقت عمومی وجود داشته باشد.

(ج) شراکت در عبادت آیین نیایشی

۳۸- «مشارکت در عبادت آیین نیایش (*communicatio in sacris*) نباید به عنوان وسیله ای با کاربرد غیر مشخص برای تجدید اتحاد در میان مسیحیان تلقی شود. دو اصل مهم وجود دارد که اجرای چنان مراسم پرستشی مشترکی به آنها بستگی دارد؛ اول، آن اصل اتحاد کلیسا که باید ابراز گردد؛ و دوم، اصل سهیم شدن در وسیله فیض. اظهار اتحاد به صورت خیلی کلی مانع آیین پرستش مشترک می گردد. فیضی که باید به دست آید اغلب آن اتحاد را مورد ستایش قرار می دهد» (سند مربوط به وحدت گرایی کلیسا، شماره ۸).

۱: مشارکت در مراسم آیین نیایش به همراه برادران شرقی جدا شده ما

۳۹- «اگر چه این کلیساها (شرقی) از ما جدا گشته اند، اما رازهای مقدس صحیح و معتبر را دارا می باشند، به ویژه - به واسطه توالی رسولی - کهانت و راز سپاسگزاری، که به این وسیله این کلیساها هنوز در پیوند صمیمی با ما قرار دارند. از این رو مشارکت در مراسم عبادتی آیین نیایش (*communicatio in sacris*)، که دارای شرایط مناسب و تأیید مقام کلیساست، صرفاً ممکن نمی باشد اما مورد تشویق و حمایت قرار می گیرد (همچنین رجوع کنید به سند مربوط به کلیساهای کاتولیک شرق، شماره های ۲۴ - ۲۹)

۴۰- میان کلیسا و کلیساهای شرق جدا شده از ما، هنوز مشارکت نزدیک در امور

ایمان وجود دارد. (ر.ک. سند مربوط به وحدت‌گرایی کلیسا، شماره ۴۴)؛ به علاوه، «از طریق برگزاری راز سپاسگزاری خداوند در هر یک از این کلیساها، کلیسای خدا در قامت رشد می‌نماید» و «اگر چه این کلیساها از ما جدا شده‌اند، رازهای مقدس صحیح و معتبر را دارند، بخصوص - به واسطه توالی رسولی - راز کهنات و راز سپاسگزاری را...».

این خود زمینه‌های کلیسا شناسی و زمینه مربوط به رازهای مقدس را ارائه می‌دهد که مجوز و مشوق، مشارکتی چند در مراسم عبادتی آیین نیایش است - حتی در راز سپاسگزاری - با این کلیساها «در شرایط مناسب، مشخص و با تأیید مقام صالح کلیسا» (سند مربوط به وحدت‌گرایی کلیسا، شماره ۱۵).

شبانان باید به دقت ایمانداران را آموزش دهند تا به طور روشنی از دلایل منطقی چنین مشارکتی در مراسم عبادتی آیین نیایش، آگاهی یابند.

۴۱- اصول کنترل‌کننده این مشارکت که در سند مربوط به کلیساهای کاتولیک شرق قرار دارند (شماره‌های ۲۶ - ۲۹) با احتیاط و دوراندیشی که این سند توصیه می‌کند باید رعایت شوند؛ موازینی که برای کاتولیکهای شرق معتبر می‌باشند، به طور یکسانی برای ایمانداران هر آداب مذهبی دیگری نیز، حتی مناسک لاتین، کاربرد دارند.

۴۲- به جا خواهد بود که مقام کاتولیک؛ چه مقام منطقه‌ای باشد یا مجمع اسقفی یا شورای کلیسایی اجازه دریافت یا اجرای رازهای مقدس توبه، شکرگزاری یا تدهین بیماران را صادر ننمایند مگر بعد از مشورتهای رضایت بخش با مقامات صلاحیت‌دار (حداقل منطقه‌ای) کلیسای شرق جدا شده.

۴۴- علاوه بر هنگام ضرورت، زمینه‌های معقولی برای تشویق و حمایت مشارکت رازگونه وجود خواهد داشت اگر شرایط خاصی از نظر مادی و معنوی ایجاب نماید که ایمانداری به مدت طولانی امکان دریافت رازهای مقدس را در کلیسای خود نداشته باشد، و بدون دلیل منطقی از ثمره روحانی رازهای مقدس محروم بماند.

۴۵- چون نحوه عمل در موارد عشاها مکرر، اقرار پیش از مشارکت در عشا ربانی و روزه راز سپاسگزاری، مابین کاتولیکها و مسیحیان شرق تفاوت می‌کند باید دقت شود که از افترا و بدگمانی در میان ارتدکسها که توسط کاتولیکهای مخالف روش ارتدکسها ایجاد می‌شوند، اجتناب گردد. کاتولیکی که قانوناً با کلیسای ارتدکس در موارد تصور شده در این جا ارتباط دارد، باید تا آنجا که می‌تواند نظام کلیسای ارتدکس را رعایت نماید.

۴۶- مسیحیان شرقی که، با وجود کافی نبودن تعداد کشیشان اعتراف‌گیرنده در کلیسای خود، به اختیار خویش تمایل به انجام این کار دارند، می‌توانند به یک کشیش

کاتولیک مراجعه نمایند. در شرایط مشابه یک فرد کاتولیک باید نزد کشیش اعتراف گبرنده کلیسای شرق برود که از مسند فرشتین رسولی در رم جدا شده است. رابطه متقابل در این جا نیز باید حفظ شود. البته هر دو جناح باید مراقب باشند باعث بد گمانی جدید الایمانان نگردند.

۴۷- کاتولیکی که گهگاه، به دلیل ذکر شده در زیر (ر.ک. شماره ۵۰) در آیین نیایش مقدس (عشای ربانی) روز یکشنبه یا ایام تعهد در یک کلیسای ارتدکس حضور می یابد، ملزم به شراکت در مراسم عشای یک کلیسای کاتولیک نمی باشد. و این فرصت خوبی است که اگر کاتولیکها در چنین ایامی به دلائل معقول نمی توانند به مراسم عشای کلیسای خود بروند در آیین نیایش مقدس برادران شرق جدا شده خود، در صورت امکان، شرکت نمایند.

۴۸- به دلیل روابط نزدیک کلیسای کاتولیک و کلیساهای شرق جدا شده، چنان که در بالا ذکر گردید (شماره ۴۰)، یک عضو کلیسای شرق مجاز است به عنوان پدر یا مادر تعمیدی به همراه یک پدر یا مادر تعمیدی کاتولیک، در تعمید یک طفل یا جوان کاتولیک عمل نماید، مادام که برای تعلیم و تربیت کاتولیکی فرد تعمید یابنده پیش بینی لازم به عمل آمده باشد، و بدیهی است که پدر یا مادر تعمیدی شخص مناسب و مستعدی باشد. شخص کاتولیک نیز از عمل نمودن به عنوان پدر یا مادر تعمیدی در یک کلیسای ارتدکس منع نمی گردد، اگر چنین از او دعوت می شود. در این صورت، وظیفه پیش بینی تعلیمات مسیحی شخص تعمید یافته در وهله اول به پدر یا مادر تعمیدی مربوط می گردد که به کلیسایی که در آن جا طفل تعمید داده می شود، تعلق دارد.

۴۹- برادران کلیساهای دیگر می توانند به عنوان ساقدوش عروسی در یک کلیسای کاتولیک عمل نمایند. یک شخص کاتولیک نیز می تواند در مراسم ازدواجی که به طور صحیح در میان برادران جدا شده برگزار شود، به عنوان ساقدوش عمل نماید.

۵۰- به کاتولیکها اجازه داده می شود که در مراسم آیین نیایش ارتدکس حضور یابند، در صورتی که زمینه های معقولی در این رابطه داشته باشند، برای مثال، به دلیل وظیفه یا عمل عمومی، روابط خویشاوندی، دوستیها، تمایل به آگاهی بهتر یافتن و غیره. در این صورت مانعی سر راه ایشان برای شرکت نمودن در پاسخهای متداول، سرودها و فرایض کلیسایی که در آن میهمان می باشند، وجود ندارد. اما دریافت عشای مقدس، تابع آنچه در بالا در شماره های ۴۲ و ۴۴ تصویب شده، خواهد بود. به دلیل روابط نزدیکی که قبلاً اشاره شد (شماره ۴۰)، سراسقفان منطقه می توانند به یک کاتولیک اجازه دهند در صورتی که از وی دعوت شود، در مراسم آیین نیایش متونی را قرائت نماید. همین اصول در مورد ارتدکسی که در مراسم کلیساهای کاتولیک شرکت می نماید، صادق است.

۵۱- با توجه به شراکت در مراسم و جشنهایی که مشارکت رازگونه را طلب نمی‌کنند، موارد زیر باید رعایت شوند:

(a) در جشنهایی که توسط کاتولیکها برگزار می‌شوند، یک روحانی شرقی که معرف کلیسای خود می‌باشد باید جایگاه و احترامی را دارا باشد که کاتولیکهای هم‌رتبه و هم‌شان وی دارا می‌باشند.

(b) یک روحانی کاتولیک که با صلاحیت رسمی در مراسم عبادتی ارتدکس حضور دارد، اگر از سوی میزبانان خود مورد قبول واقع شود، می‌تواند لباس گُر یا آرم مرتبه کلیسایی خود را به تن کند.

(c) توجه دقیقی باید به ظاهر روحانیون و ایمانداران کلیساهای شرق مبذول داشت، همچنین به مراسمی که ممکن است بر حسب زمان، مکان، اشخاص و شرایط تغییر نمایند.

۵۲- به دلیل مشارکت در فرائض روحانی، استفاده از اجناس و اماکن مقدس، همراه با تمام برادران شرقی جدا شده، به دلیل منطقی مجاز می‌باشد (ر.ک. سند مربوط به کلیساهای کاتولیک شرق، شماره ۲۸)، توصیه می‌شود که با تأیید سراسقف منطقه، کشیشان و جماعت‌های جدا شده مجازند تا از کلیساهای کاتولیک و همچنین از ساختمانها و گورستانها و وسایل لازم دیگر جهت شعائر دینی خود استفاده نمایند، البته در صورتی که آنها خود این را درخواست نمایند و محلی که در آن بتوانند فرائض مقدس را به درستی و با منزلت برگزار نمایند، در اختیار نداشته باشند.

۵۳- مقامات مدارس و مؤسسات کاتولیک باید در ارائه هرگونه تسهیلات به روحانیون ارتدکس همت گمارند، تا ایشان بتوانند خدمت روحانی و رازگونه خود را به ایمانداران نشان که در چنین مدارس و نهادهایی حضور می‌یابند، به عمل آورند. تا آنجا که شرایط اجازه می‌دهند و با اجازه سراسقف منطقه، این تسهیلات قابل ارائه در ساختمانهای کاتولیکها، همچون کلیسا، می‌باشند.

۵۴- در بیمارستانها و نهادهای مشابه که تحت اداره کاتولیکها می‌باشند، مقامات باید بی‌درنگ کشیش ارتدکس را از حضور ایماندار او در بیمارستان مطلع سازند و تسهیلاتی فراهم نمایند تا شخص بیمار را ملاقات کند و رازهای مقدس را در شرایط موقر و احترام‌آمیز برای وی اجرا نماید.

۲: مشارکت در مراسم عبادتی آیین نیایش با دیگر برادران جدا شده

۵۵- برگزاری رازهای مقدس، عمل جماعت برگزارکننده است، که درون جماعت به انجام می‌رسد، و تداعی‌کننده اتحاد در ایمان، پرستش و زندگی جماعت است. آنجا که

این اتحاد ایمان رازگونه ضعیف است، مشارکت برادران جدا شده با کاتولیکها، بخصوص در رازهای مقدس سپاسگزاری، توبه و تدهین بیماران، ممنوع می باشد. با این وجود، چون رازهای مقدس، هم نشانه اتحاد و هم منشأ فیض هستند (ر.ک. سند مربوط به وحدت گرایی کلیسا، شماره ۸)، کلیسا به دلایل کافی می تواند اجازه دستیابی رازهای مقدس را به یک برادر جدا شده بدهد. این اجازه ممکن است هنگام خطر مرگ یا در هنگام ضرورت (در طی اعدام، در زندان) داده شود که برادر دینی جدا شده، دستیابی به کشیش مسلک خود نداشته باشد و به اختیار خود، یک کشیش کاتولیک را برای رازهای مقدس درخواست نماید مادام که او در این رازهای مقدس، ایمانی هماهنگ با ایمان کلیسا را اعلام دارد و آماده و مستعد آن باشد. در موارد دیگر، داور این نیاز ضروری باید اسقف حوزه کلیسایی یا شورای کلیسایی باشد. یک شخص کاتولیک در شرایط مشابه، این درخواست برای رازهای مقدس را به عمل نمی آورد مگر از یک کشیش که به طور صحیح و معتبر گمارده شده باشد.

۵۶- یک برادر جدا شده نباید خواننده کتاب مقدس باشد یا در طی برگزاری راز سپاسگزاری موعظه نماید. همین مطلب باید در مورد یک کاتولیک گفته شود، در برگزاری شام خداوند یا در اجرای مراسم اصلی آیین نیایش کلام که توسط مسیحیان جدا شده از ما برگزار می شود. در خدمات روحانی دیگر، حتی مراسم مربوط به آیین نیایش، اجرای برخی اعمال مجاز می باشد، البته با اجازه قبلی سراسقف منطقه و موافقت مقامات جماعت مربوطه.

۵۷- با وجود استثنایی که قبلاً در بالا ذکر گردید (شماره ۴۸)، عضو یک جماعت جدا شده مجاز به عمل کردن به عنوان پدر یا مادر تعمیدی در مفهوم آیین نیایشی و قانونی کلیسا در هنگام تعمید یا تثبیت نمی باشد. دلیل آن این است که پدر یا مادر تعمیدی صرفاً مسؤولیت تربیت مسیحی شخص تعمید یافته یا تثبیت شده را به عنوان یک رابط یا دوست بر عهده نمی گیرد- او همچنین، به عنوان نماینده ایمان یک جماعت، و به عنوان ضامن ایمان فرد داوطلب نیز مسؤول می باشد. به همین ترتیب، یک فرد کاتولیک نمی تواند این عمل را در مورد عضو یک جماعت جدا شده به انجام رساند. اما، به دلیل روابط خویشاوندی و یا دوستی، یک مسیحی جماعت دیگر، چون به مسیح ایمان دارد، می تواند توسط یک پدر یا مادر تعمیدی کاتولیک به عنوان شاهد مسیحی مراسم تعمید، پذیرفته شود. در شرایط مشابه یک کاتولیک می تواند همان کار را برای عضو یک جماعت جدا شده انجام دهد. در این حالتها، مسؤولیت تربیت مسیحی داوطلب به خودی خود برعهده پدر یا مادر تعمیدی می باشد که عضو کلیسایی است که در آن شخص داوطلب تعمید می یابد. شبانان باید دقیقاً به ایمانداران در مورد دلایل بین الکلیسایی و انجیلی این تعهد، توضیح دهند، تا از تمام سوء تفاهمات جلوگیری شود.

۵۸- برادران دینی جدا شده ممکن است به عنوان شاهد «رسمی» (ساقدوش) در یک ازدواج کاتولیک عمل نمایند، و کاتولیکها در ازدواجی که به طور صحیح مابین برادران جدا شده ما برگزار می‌شود.

۵۹- کاتولیکها مجازند گهگاه در مراسم عبادی آیین نیایش برادران دینی دیگر حضور یابند، در صورتی که زمینه معقول داشته باشند، برای مثال: به دلیل وظیفه یا عمل عمومی و آشکار، رابطه خویشاوندی یا دوستی، تمایل به آگاهی بهتر یافتن، تجمع بین‌الکلیسایی و غیره. در این حالتها، با توجه به آنچه در بالا گفته شد، مانعی برای شرکت نمودن کاتولیکها در پاسخهای مشترک و معمول، سرودها و فرائض آن جماعتی که در آن مهمان می‌باشند، وجود ندارد- مادام که با ایمان کاتولیک مغایر نباشند. همین اصل بر حالتی حاکم است که در آن برادران دینی جدا شده ما در مراسم عبادتی کلیساهای کاتولیک شرکت نمایند. این مشارکت، که دریافت قربانی مقدس از آن مستثنی است، باید شرکت‌کنندگان را به احترام گذاشتن به دولت‌مندیهای روحانی که ما به طور مشترک داریم رهنمون سازد و در عین حال ایشان را از اهمیت جداییهایمان آگاه تر سازد.

۶۰- هنگام شرکت در مراسمی که نیازی به مشارکت رازگونه ندارد، کشیشان دیگر جماعتها می‌توانند، با موافقت متقابل، جایگاه مناسبی را برای منزلت و شان خویش اختیار نمایند. از این رو، کشیشان کاتولیک که در تشریفات و رسوم برگزار شده توسط جماعات دیگر حضور می‌یابند نیز می‌توانند، با توجه به رسوم محلی، لباس گر به تن نمایند.

۶۱- اگر برادران دینی جدا شده مکانی در اختیار ندارند که در آن مراسم مذهبی خود را به درستی و با قدر و منزلت برگزار نمایند، سراسقف منطقه می‌تواند، اجازه استفاده از یک بنا، گورستان یا کلیسای کاتولیک را صادر نماید.

۶۲- مقامات مدارس و مؤسسات کاتولیک باید دقت نمایند که هر نوع تسهیلاتی را به کشیشان جماعت‌های دیگر ارائه دهند تا ایشان بتوانند خدمت روحانی و رازگونه خود را به مشارکت‌کنندگان خود که در نهادهای کاتولیکی حضور می‌یابند، به انجام رسانند. این خدمات روحانی را می‌توان در بناهای کاتولیکها ارائه داد، بر طبق آنچه بالا در شماره ۶۱، عنوان گردید.

۶۳- در بیمارستانها و مؤسسات مشابه که توسط کاتولیکها اداره می‌شوند، مقامات مسؤول باید بی‌درنگ در مورد حضور اعضای کلیساهای دیگر به کشیشان ایشان اطلاع دهند و هر نوع تسهیلاتی را جهت عیادت بیماران و ارائه خدمات روحانی و رازگونه به ایشان، در اختیارشان بگذارند.

ب- دستورالعمل مربوط به امور اتحاد بین کلیساها (۴۰) وحدت‌گرایی کلیسا در تحصیلات عالی *Spiritus Domini*

دبیرخانه ارتقاء وحدت مسیحیان، ۱۶ آوریل ۱۹۷۰

مقدمه

۶۴- روح خداوند در جنبش اتحاد بین کلیساها در حال حاضر مشغول به کار است تا هنگامی که موانع سدکننده اتحاد کامل کلیسایی پشت سر گذاشته شوند،^۱ و اتحاد تمام مسیحیان در نهایت حفظ شده و آشکار گردد،^۲ زیرا همه دعوت می‌شوند که یک قوم جدید باشند، یک عیسی، نجات‌دهنده و خداوند، را اعتراف نموده، یک ایمان را اقرار کنند و یک راز قربانی مقدس را برگزار نمایند^۳ تا همان‌طور که خداوند گفت «تا جهان ایمان آورد که تو مرا فرستادی» (یو ۱۷: ۲۱).

تمام مسیحیان باید از یک فکر کلیسایی برخوردار باشند، اما بالاخص آنهایی که وظایفی خاص و مسؤولیت‌هایی در این دنیا و در جامعه دارند؛ به دلیل اصول وحدت‌گرایی کلیسا که توسط مجمع دوم واتیکان تصویب شده باید به طور صحیحی در تمام مؤسسات آموزش عالی وارد شوند.^۴ در واقع، بسیاری افراد خواستار برخی اصول و خط‌مشی‌های عملی شده‌اند که به همه در همکاری برای خیریت عمومی کلیسای کاتولیک و کلیساهای دیگر و جوامع کلیسایی، کمک نمایند.

۶۵- اسقفان مسؤولیت خاصی برای ارتقاء نهضت جهانی کردن کلیسا دارند و در حیطه اختیار ایشان است که اصول راهنمای لازم را به تصویب رسانند. اما به دلیل تنوع مؤسسات آموزش عالی، توصیف چنین اصول راهنمایی چندان آسان نخواهد بود؛ تفاوت‌هایی میان ملل و مناطق مختلف وجود دارد، تفاوت‌هایی که از بلوغ و تجربه فردی گوناگون ناشی می‌شوند، همچنین تفاوت‌هایی که نتیجه وضعیت متنوع ارتباطات است، چه در حیطه کلیساشناسی و یا در حیطه همکاری میان کلیسای کاتولیک و کلیساهای دیگر یا جوامع کلیسایی. از این رو، بر عهده اسقفان و شوراهای اسقفی است که اصول کلی را

۱. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۴.

۲. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۱.

۳. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۴.

۴. منظور از مؤسسات آموزش عالی در این سند تمام دانشکده‌ها، نهادهای فرهنگی، مؤسسات، مراکز یا خانه‌هایی برای آموزش مذهبی برای مردان و زنان است، و بنابراین مدارس تعلیم دستور زبان، مدارس متوسطه و دبیرستانها را شامل نمی‌شود.

برای اجرا ترجمه نمایند و تعهداتی که قبلاً به مورد اجرا درآمده‌اند با شرایط موجود تنظیم گردند، یعنی شرایطی که این مردم و موضوعات را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند - و حتی، چنانچه شرایط ایجاب نمایند، تعهدات جدیدی را آغاز کنند. قویاً توصیه می‌شود که مقامات اسقفی در این وظیفه خطیر باید تعدادی از افراد ارشد ایماندار، مردان و زنان و نیز کشیشان و مدیران، متخصصین در تعلیمات دینی و معلمین شاغل را با خود همراه نمایند - و باید نمایندگان دانش‌آموزان را هنگام نیاز برای مشورت فراخوانند.

۶۶ - علاوه بر این، چون کل عمل بین‌الکلیسایی به وسیله وضعیت غیرعادی که کلیساها و جوامع کلیسایی در آن درگیر هستند مشروط می‌گردد، این کلیساها و جوامع تقسیم شده و در عین حال تلاش‌هایشان برای حفظ اتحاد جهت می‌گیرند، اصول وضع شده در زیر اغلب، به دلیل شرایط متغیر، به طور تازه‌ای در عمل به وسیله مقام صلاحیت‌دار به کار بسته خواهند شد، و خط‌مشی‌های سیاسی به نحوی انطباق داده می‌شوند که همیشه در خدمت هدفی باشند که برای آن تنظیم شده‌اند.

۱) اصول و کمک‌های جامع و کلی به آموزش بین‌الکلیسایی

۶۷ - گرچه برخی تعهدات جهت تقویت تحصیلات مربوط به اتحاد بین‌الکلیسایی عمدتاً مربوط به دانشکده‌های الهیاتی و دانشگاه می‌شود - که بیشتر بر روی آن کار خواهد شد - برخی اقسام عمل بین‌الکلیسایی وجود دارند که برای تحصیلات عالی قابل اجرا می‌باشند. به دانشجویان و معلمینی که در این نوع تعهدات شرکت می‌جویند یادآوری می‌شود که باید با طیب خاطر و سخاوت‌مندانانه خودشان را با آموزش سخت مذهبی و بلوغ فکری و مهارت واقعی که طبیعت این طرح ایجاب می‌کند، مجهز سازند.

(الف) هدف برنامه‌های بین‌الکلیسایی

۶۸ - هدف برنامه‌هایی از این نوع باید افزایش شناخت عمیق‌تر ایمان، معنویت و کل حیات و آموزه کلیسای کاتولیک در میان دانشجویان باشد، تا به طور خردمندانانه و ثمربخش در گفتگوی بین‌الکلیسایی شرکت جویند، هر یک برطبق تواناییهای خود^۵، و تا این که توجهشان را به اصلاح درونی کلیسای کاتولیک معطوف نمایند که به میزان زیادی به ارتقاء وحدت میان مسیحیان کمک خواهند نمود و به آن امور زندگی خود یا حیات کلیسا بیشتر توجه نمایند که مانع پیشرفت اتحاد شده یا آن را کند می‌سازد^۶؛ هدف دیگر

۵. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۳، ۵.
۶. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۴، ۶، ۷.

این است که دبیران و دانشجویان در مورد کلیساها و جماعات دیگر بیشتر بیاموزند و آنچه مسیحیان را اتحاد می‌بخشد و آنچه ایشان را جدا می‌سازد، بهتر درک نموده و به طور صحیح‌تری به آن دست یابند؛^۷ سرانجام، چون این تلاشها صرفاً اموری ذهنی نیستند، هدف این خواهد بود که شرکت‌کنندگان در آنها باید وظیفه تقویت اتحاد میان مسیحیان را بهتر درک نمایند و به این ترتیب در جهت دستیابی هرچه مؤثرتر به آن مشغول به کار شوند. ایشان همچنین هدایت می‌شوند تا آنچه در توانشان است برای به هم پیوستن مسیحیان و شهادت دادن به دنیای معاصر، به کار گیرند.

(ب) کمک‌هایی جهت دستیابی به این اهداف

۶۹- (a) چون ممکن است برخی موضوعات آموزشی با وحدت‌گرایی کلیسا ارتباط داشته باشند، تذکرات زیر، که ممکن است به عنوان نمونه تلقی گردند، باید در نظر گرفته شوند:

هر جا که دوره‌ها یا سخنرانیهای مربوط به دین در اقسام گوناگون به دانشجویان ارائه می‌شوند، چه به عنوان برنامه درسی یا به صورت اتفاقی، ارائه‌دهندگان آن مطلب باید از آنچه در پایین در مورد جنبه‌های بین‌الکلیسایی تعلیمات الهیاتی گفته می‌شود، آگاه باشند.

رشته‌های مربوط به فلسفه، در حالی که درک منسجم و استواری از بشر، جهان و خدا ارائه می‌دهند که بر اساس میراث فلسفی با ارزش پایدار قرار دارد، باید همچنین تحقیقات فلسفی معاصر را در نظر گیرند، و دانشجویان به طور مناسبی به اصول حاکم بر اینها آگاهی داده شوند.^۸ زیرا ایشان باید آن اصول فلسفی که اغلب اساس دیدگاه‌های الهیاتی و تفسیری موجود میان کلیساهای گوناگون و جوامع مسیحی هستند را به طور صحیحی بدانند و ارزیابی نمایند.

سبک و روش تدریس تاریخ باید مورد تجدید نظر قرار گیرد تا در رابطه با جامعه مسیحی، توجه خاصی به جوامع مسیحی مختلف داده شود و روش کلی زندگی ایشان شناخته شود. حوادث و بدگوئیهای شامل در اختلاف دینی گوناگون، باید عادلانه مورد بررسی قرار گیرند، و تلاشهای بسیار جهت حفظ اتحاد و ایجاد اصلاح در کلیسا، نباید از نظر دور داشته شوند.

در موضوعات دیگر، می‌توان توجه را به آن عوامل معنوی معطوف داشت که بخشی از میراث مسیحی مشترک می‌باشند و باید آنها را در میان جوامع مسیحی دیگر جستجو نمود، برای مثال، در زمینه ادبیات، هنر و موسیقی.

(b) تا حد امکان، کاتولیک‌هایی که به طور صحیح آموزش دیده‌اند، مادام که به طور قاطع میراث کاتولیکی خود را حفظ می‌کنند، باید تشویق شوند تا وظایفی را در زمینه مطالعات دینی که توسط دانشگاه‌های غیرایمانی مطرح می‌گردند برعهده گیرند.

۷. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۳.

۸. واتیکان دوم، سند ۵۴، شماره ۱۵.

(c) معمولاً بین اقسام گوناگون فعالیت‌های مربوط به مؤسسات آموزشی (آکادمیک)، برخی از آنها با ارتقاء نهضت جهانی کردن کلیسا، تناسب بیشتری دارند. برخی نمونه‌ها را در زیر می‌آوریم:

جلسات مشاوره یا مطالعه روزانه در ارتباط مخصوص با موضوعات بین‌الکلیسایی، نشست‌ها یا انجمن‌ها برای تحقیق و مطالعه، برای کار مشترک یا برای رفاه اجتماعی که بتوانند فرصتی جهت بحث و گفتگو در امور بین‌الکلیسایی فراهم آورند، یا جهت آزمایش اصول مسیحی این عمل اجتماعی و کمک به عملی ساختن آن اصول. آن جلسات و انجمن‌ها، چه محدود به کاتولیک‌ها باشند و یا مسیحیان دیگر را نیز شامل شوند، باید آنچه را در توان دارند برای همکاری با جوامع دانشجویی موجود به کار بندند. در سالن‌های اقامت مربوط به بناهای آموزشی، اوضاع و شرایط باید تبادلات میان کاتولیک‌ها را ایجاب نمایند، صادقانه به ایمانشان شهادت دهند، و دانشجویان مسیحی دیگر بدین وسیله، با هدایت مناسب، در روح عمیق‌تر اتحاد بین‌الکلیسایی با هم زیست نمایند.

در نشریات و مقالات دانشگاه، می‌توان فضایی برای اخبار بین‌الکلیسایی مشخص نمود و یا حداقل بعضی مواقع برای مقالات جدی‌تر در موضوعات بین‌الکلیسایی این کار را انجام داد.

(d) از جمله فعالیت‌هایی که باید توجه خاصی به آن مبذول داشت، نیایش برای اتحاد است که نه تنها در طی هفته نیایش برای اتحاد مسیحی بلکه در اوقات مناسب دیگر در طول سال می‌تواند صورت گیرد. بسته به شرایط منطقه‌ای یا شخصی، و قوانین مصوب در مورد عبادت آیین نیایشی مشترک، اعتکاف‌های مشترکی می‌توان برای یک یا دو روز تحت نظر یک استاد اعتکاف، سازماندهی کرد.

(e) زمینه گسترده‌تری برای شهادت مشترک در کار اجتماعی و رفاهی وجود دارد. دانشجویان باید برای این نوع همکاری و درخواست شرکت در آن آماده شوند. این عمل تأثیر بیشتر و دقیق‌تری خواهد داشت در صورتی که دانشجویان الهیات و نیز دانشجویان رشته‌های دیگر (همچون، حقوق، جامعه‌شناسی، اقتصاد سیاسی) نیروی خود را جهت ارتقاء و اجرای این کار به هم ببیوندند.

(f) کشیشانی که در این مؤسسات گوناگون دارای مسؤولیتی هستند (کشیش، معلم، مشاور دانشجویی)، وظیفه خطیری را در امر روابط بین‌کلیسایی برعهده می‌گیرند. این وظیفه برایشان ایجاب می‌نماید که هم شناخت عمیق‌تری از آموزه کلیسا داشته و هم معلومات و تجربه خاصی در موضوعات آکادمیک داشته باشند. همچنین اعتدال و احتیاط ثابت به دست آورند، تا بتوانند به طور مفیدی دانشجویان و دانش‌آموزانی را که

می‌خواهند با داشتن رفتاری مثبت و باگشاده‌رویی نسبت به دوستان دانشجوی خود، صداقت واقعی و کامل را برای جماعت مسیحی خود حاصل نمایند، راهنمایی و ارشاد نمایند.

۲) بُعد بین‌الکلیسایی تحصیلات مذهبی و الهیاتی

(الف) تشکیلات روحانی

۷۰- چون باید چنین در نظر داشت که روح القدس در نهضت جهانی کردن کلیسا در حال کار است، اولین چیزی که در تحصیلات بین‌الکلیسایی باید به آن دقت شود، توبه قلبی است- زندگی روحانی و احیای آن، زیرا «از تازگی فکر، از خودگذشتگی و از تراوش نامحدود محبت، آرزو و خواسته اتحاد ناشی شده و رشد می‌کند».^۹ این تجدید شدن باید در زندگی خود کلیسا، در آیین نیایش و رازهای مقدس ریشه گیرد؛ و در جهت نیایش برای اتحاد تمام مسیحیان و اجرای عملکرد کلیسا در جهان، هدایت گردد. زندگی روحانی کاتولیکها باید خالص و واقعی باشد: محور آن مسیح نجات‌دهنده بوده و در پی جلال خدای پدر باشد، این نوع زندگی برای کل اعمال و فرائض مذهبی تعیین‌گشته و اهمیت شایسته و خاص آنها را معین خواهد ساخت.

جهت دادن اهمیت و تأکید کافی به خصلت رسالتی و جامع کلیسا^{۱۰}، زندگی روحانی بین‌الکلیسایی کاتولیکها باید از خزانه‌های سنتهای بسیار، گذشته و حال، که در دیگر کلیساها و جماعات کلیسایی زنده هستند تغذیه شود؛ و همین‌طور نیز از خزانه‌هایی که در آیین نیایش، رهبانیت و سنت اسرارآمیز مسیحیان شرق، در آیین پرستش و دینداری کلیسای انگلستان، و در نیایش انجیلی و معنویت پروتستانها وجود دارد.

اما این پیوند با سنن روحانی دیگر، در صورتی که قرار نباشد در زمینه نظری باقی بماند، باید به وسیله آشنایی عملی با آنها در جایی که اوضاع و شرایط این اجازه را بدهند، کامل شود. بدین لحاظ نیایش مشترک و مشارکت در عبادات عمومی باید در هماهنگی با قوانین مصوب به وسیله مقام صلاحیت‌دار مورد تشویق قرار گیرند.

(ب) تحصیلات آموزه‌ای

وحدت‌گرایی کلیسا باید به تمام نظامهای الهیاتی به عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده ضروری آن مربوط باشد؛^{۱۱} که برای تجلی دولتمندتر پری مسیح به کار رود. با این همه، وحدت‌گرایی کلیسا به عنوان موضوعی مجزا باید یا موضوع یک رشته خاص سخنرانیها را

۹. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۷.

۱۰. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۳.

۱۱. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۹، ۱۰.

پیش‌بینی نماید- در صورتی که فرصت آن ایجاد شود- یا حداقل موضوع برخی سخنرانیها که در رشته‌های جزئی اصلی ارائه می‌شوند، قرار گیرد.

(ج) جنبه اتحاد کلیساها (وحدت‌گرایی) در تعالیم الهیاتی

۷۲- وحدت‌گرایی کلیسا باید در برگزیده ویژگیهای زیر باشد:

(a) آن عوامل میراث مسیحی راستی و تقدس که در تمام کلیساها و جوامع مسیحی به طور مشترک یافت می‌شوند. ۱۲ اگرچه اغلب جلوه الهیاتی متفاوتی به آنها داده می‌شود. ۱۳

(b) خزانه روحانی و ثروت آموزه‌ای که هر جماعت مسیحی برای خودش دارد، و می‌تواند تمام مسیحیان را به درک عمیق‌تر طبیعت هدایت نماید. ۱۴

(c) هرآنچه در امور ایمان، سبب مناقشه و اختلاف شود، ممکن است برانگیزنده آزمایش عمیق‌تر کلام خدا باشد، که هدف آن بر آشکار نمودن تناقضهای واقعی در اعلام راستی و آنچه به نظر می‌رسد باشد، قرار گرفته است.

(د) جنبه اتحاد کلیساها در شاخه‌های الهیات

۷۳- در هر شاخه از الهیات، دیدگاهی بین‌کلیسایی برای بررسی ارتباط میان موضوع و راز موجود اتحاد کلیسا باید به عمل آید. علاوه بر این، هنگامی که موضوع شرح داده می‌شود، باید حس و مفهوم پری سنت مسیحی در آموزه، معنویت و نظام کلیسا به شاگردان داده شود. آنان از این امر آگاه خواهند شد هنگامی که سنت خودشان با دولتمندیهای سنتهای مسیحی شرق و غرب مربوط شود، هم در شکل کلاسیک (سبک قدیمی) و هم در جلوه‌های جدیدشان.

این روش توجه نشان دادن به میراث کلیساهای مسیحی دیگر و جوامع کلیسایی بدون شک مهم است: در مطالعه کتاب مقدس، منشأ مشترک ایمان تمام مسیحیان؛ در مطالعه سنت رسولی همان طور که در نوشته‌های پدران کلیسا و نوشته‌های کلیسایی شرق و غرب یافت می‌شود در تعالیم آیین نیایشی که مقایسه تحقیقی اشکال گوناگون آیین پرستشی الهی و اهمیت آموزه‌ای و روحانی آنها را ارائه می‌دهد؛ در توضیح الهیات جزئی و اخلاقی، با توجه خاص به موضوعات ایجاد شده به وسیله نهضت جهانی کردن کلیسا؛ در تاریخ کلیسا، هنگامی که اتحاد خود کلیسا از طریق تغییرات به عمل آمده توسط زمان در آن تاریخ به دقت دنبال می‌شوند، و علل اختلاف میان مسیحیان نیز پی‌گیری می‌شوند؛ در

۱۲. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۳.

۱۳. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۱۳.

۱۴. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۴.

تعالیم قانون کلیسایی، آنجا که عناصر قانون الهی باید دقیقاً از عناصر قانون صرفاً کلیسایی که ممکن است به دلیل گذشت زمان یا به دلیل طبیعت، فرهنگ یا سنت^{۱۵} تغییر یابند، متمایز شوند سرانجام، در آموزش شبانی و رسالتی و در وظایف اجتماعی توجه دقیق به وضعیتی که در آن مسیحیان خود را با نیازمندیهای دنیای معاصر مواجه می‌بینند، باید به عمل آید. به این ترتیب پری مکاشفه الهی بهتر و کاملتر اظهار می‌شود و وظیفه‌ای که مسیح به کلیسایش سپرد تا در جهان رساند، اجرا می‌شود.^{۱۶}

(هـ) شرایط يك ذهن بين‌الکلیسای واقعی در الهیات

۷۴- عمل اتحاد بین کلیساها «نمی‌تواند باشد مگر این که عمل کاتولیک صادقانه باشد- یعنی، وفادار به راستی که ما از رسولان و پدران دریافت داشته‌ایم، و در هماهنگی با ایمانی که کلیسای کاتولیک همیشه بدان معترف بوده است».^{۱۷} اما ما باید همیشه ترتیب درجات را حفظ نماییم، یعنی ترتیب «سلسله مراتب» در راستیهای آموزه کاتولیک که گرچه همه آنها عقیده شایسته ایمان را ایجاب می‌کنند، اما همه دارای همان جایگاه عمده یا مرکزی در راز مکشوف عیسی مسیح نمی‌باشند، زیرا در ارتباطشان با اساس ایمان مسیحی متفاوت هستند.^{۱۸}

دانشجویان باید بیاموزند که میان راستیهای آشکار شده تفاوتها را تشخیص دهند، و این که همه مستلزم همان عقیده ایمان و آموزه‌های الهیاتی هستند. بدین لحاظ به آنان باید آموخت تا «ودیع خود ایمان، یا راستیهایی که در آموزه قابل احترام ما وجود دارند» را از روشی که راستیها در آن به وضوح شرح داده می‌شوند^{۱۹}، تمیز دهند و نیز راستی که باید شرح داده شود را از روشهای گوناگون درک و توضیح روشن تر آن تشخیص دهند^{۲۰} و سنت رسولی را از سنت صرف کلیسایی بازشناسند. دانشجویان، از قبل یعنی از زمان آموزش فلسفی شان، باید در یک قالب فکری قرار گیرند تا تشخیص دهند که روشهای مختلف شرح و توضیح هر چیز در الهیات نیز، مجاز و منطقی می‌باشد، و این به دلیل تنوع سبکها و روشهایی است که به وسیله آنها الهیدانان، مکاشفه الهی را درک نموده و بیان می‌دارند. به این ترتیب است که این قواعد گوناگون مربوط به الهیات اغلب حالت مکملی دارند تا در تضاد با یکدیگر باشند.^{۲۱}

۱۵. واتیکان دوم، سند ۲۸، شماره ۱۳.

۱۶. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۱۲.

۱۷. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۲۴.

۱۸. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۱۱.

۱۹. پاپ ژان بیست و سوم، خطابه، ۱۱ اکتبر ۱۹۶۲.

۲۰. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۱۷.

۲۱. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۱۷.

(و) وحدت‌گرایی کلیسا به عنوان شاخه خاص مطالعه

۷۵- با وجودی که کل آموزش الهیاتی دارای جنبه اتحاد بین کلیساهاست، دوره‌های مربوط به وحدت‌گرایی کلیسا اضافی نمی‌باشند. موارد زیر می‌توانند به عنوان عناصر چنین رشته‌هایی به شمار روند، با فضای کافی برای توسعه در صورتی که شرایط و زمان ایجاب نمایند:

- (a) Ecumene، «وحدت‌گرایی کلیسا» - منابع تاریخی و مفهوم فعلی آن؛
- (b) اساس آموزه‌ای وحدت‌گرایی کلیسا، با ارجاع مخصوص به رشته‌های اتحادی که هنوز میان کلیساها و جوامع کلیسایی وجود دارند
- (c) هدف و روش وحدت‌گرایی کلیسا، اقسام گوناگون اتحاد و همکاری، امید حفظ اتحاد، شرایط اتحاد، اتحاد تمام و کامل، اجرای وحدت‌گرایی، بخصوص در زمینه عمل اجتماعی
- (d) تاریخ وحدت‌گرایی کلیسا، بخصوص تاریخ تلاش‌های گوناگون به عمل آمده در طول زمان جهت حفظ اتحاد، و بررسی مشخصه‌های مثبت و منفی آنها.
- (e) گزارشی از جنبه «سازماندهی» و حیات فعلی جوامع مختلف مسیحی گرایش‌های آموزه‌ای آنها، دلایل واقعی اختلافات، اقدام رسالتی، معنویت، اقسام آیین پرستش الهی.
- (f) موضوعات بی‌شمار در خصوص وحدت‌گرایی کلیسا؛ مسائل خاصی که جنبش جهانی کردن کلیسا آنها را برمی‌انگیزد در مورد علم تعبیر و تفسیر کتاب مقدس، خدمت روحانی، آیین پرستش الهی، «عشای ربانی مشترک»، سنت، «تبلیغ دینی» و ترویج واقعی انجیل، irenicism کاذب، غیرروحانیون، خدمات روحانی زنان در کلیسا و غیره
- (g) گرایش روحانی به وحدت‌گرایی کلیسا، بخصوص اهمیت نیایش برای اتحاد و اشکال گوناگون وحدت‌گرایی روحانی کلیسا
- (h) روابط موجود میان کلیسای کاتولیک و کلیساها و جوامع کلیسایی دیگر یا فدراسیونهای کلیسا، و روابطی که تمام اینها با یکدیگر دارند.
- (i) اهمیت نقش ویژه‌ای که شورای جهانی کلیساها در جنبش اتحاد جهانی دارد و روابطی که میان کلیسای کاتولیک رومی و شورای جهانی کلیساها موجود است.

(۳) رهنمودهای ویژه برای تحصیلات بین‌کلیسایی

(الف) گفتگو میان مسیحیان در سطح تحصیلات عالی

۷۶- آزمایش دقیق اصول جامع حاکم بر گفتگو میان مسیحیان روشن می‌سازد که مدارس علوم دینی، دانشکده‌های بین‌کلیسایی هستند، و خود گفتگو در این مؤسسات کمکی است برای اجرای عملکردهای ایشان که به تحصیلات جوانان مربوط می‌باشند.

اما گفتگو به عنوان یک عامل از تحصیلات مستلزم:

(a) وفاداری محکم و صادقانه به ایمان خود، که بدون آن گفتگو به یک مکالمه تنزل می‌یابد که در آن هیچ طرفی به صورت واقعی دخیل نمی‌باشد.

(b) یک فکر باز و آماده جهت قرار دادن عمیق‌تر زندگی بر ایمان شخصی، به دلیل شناخت کامل تری که از گفتگو با دیگران ناشی می‌شود، یعنی با کسانی که با ما در نام درست مسیحی سهیم هستند.

(c) بررسی روشها و ابزار تلاش جمعی جهت برقراری روابط و حفظ اتحادی که بر روی بی‌تفاوتی یا irenicism کاذب سازش آسان با نیازهای این عصر قرار نمی‌گیرد، بلکه بر وفاداری عظیم‌تر به انجیل و اقرار واقعی مذهب مسیحی استوار می‌گردد که نیازهای راستی و محبت را ارضاء می‌گرداند.

(d) مشاوره و همکاری با شبانان کلیسا و احترام شایسته به جهت راهنمایی‌ها و نصایحشان، زیرا گفتگو هرگز یک تبادل محض میان اشخاص و مؤسسات نیست، بلکه بنا به طبیعت آن، کل کلیسا را شامل می‌گردد.^{۲۲}

(e) آمادگی برای اذعان این مطلب که اعضای کلیساهای گوناگون و مجامع کلیسایی به طور کل برای تعمیق صحیح آموزه و حین اتحادشان، مجهز می‌شوند.

(f) توجه به وجدان و عقاید محکم دیگران در توضیح دیدگاه و آموزه کلیسای آنان یا روش درک مکاشفه الهی بر ایشان.

(g) آمادگی جهت اذعان این مطلب که همه به طور برابر برای گفتگو مجهز نمی‌باشند در آموزش ذهنی، بلوغ فکری، پیشرفت روحانی، تفاوت‌هایی وجود دارند به این دلیل برنامه‌های درسی و سخنرانیها باید به نحوی مورد تجدید نظر قرار گیرند که با نیازهای واقعی دانشجویان تطبیق یابند.

(ب) کسانی که وظایف بین‌کلیسایی خاصی بر عهده دارند

۷۷- کلیسا جهت انجام مسؤولیت بین‌کلیسایی خود، باید به تعداد کافی متخصص در امور بین‌کلیسایی در اختیار داشته باشد- روحانیون و ایمانداران، مردان و زنان روحانی. همه جا به آنان نیاز می‌باشد، حتی در مناطقی که کاتولیکها بخش عمده جمعیت را تشکیل می‌دهند.

۲۲. واتیکان دوم، سند ۳۲، شماره ۴.

از جمله وظایفی که ممکن است به ایشان محول شود، می‌توان اینها را برشمرد: کمک به اسقف، کشیش و مقامات منطقه‌ای جهت آماده ساختن ایمانداران برای کسب ذهنیت صحیح بین‌الکلیسایی، کمک یا راهنمایی به کمیسیونهای گوناگون بین‌الکلیسایی در حوزه کلیسا یا در آن منطقه، ایجاد روابط مناسب با جماعات مسیحی دیگر؛ ارائه سخنرانی‌های خاص در مورد وحدت‌گرایی کلیسا در مدارس علوم دینی و بناهای آموزشی دیگر، سازماندهی فعالیت بین‌الکلیسایی در مدارس و مؤسسات کاتولیکی؛ تقویت آموزش مبلغین به خاطر نوع خاص کار بین‌الکلیسایی ایشان.

از این متخصصین علاوه بر آموزش عمومی الهیاتی آنان، درخواست می‌شود که:

(a) آموزش پیشرفته خاصی در شاخه‌ای از تحقیق و مطالعه داشته باشند - همچون

الهیات، علم تفسیر کتب آسمانی و متون مذهبی، تاریخ، فلسفه، جامعه‌شناسی دینی؛

(b) باید به طور صحیحی در اصول حال حاضر نهضت جهانی کردن کلیسا و در

موضوعات مربوط به آن در آنچه این نهضت به دست آورده و هنوز باید به آن دست یابد، آموزش یابند. بالاتر و مهمتر از آنچه ایشان می‌توانند از سخنرانیها و تحقیق بیاموزند، این است که به مشارکت هر چه بیشتر در روابط بین‌الکلیسایی تشویق شوند، به وسیله تشکیل جلسات، کنفرانسها، مراکز یا مؤسسات تحقیقات بین‌الکلیسایی و غیره.

(c) باید به طور صحیح در سنتهای آن دسته از مسیحیان، که دوشادوش آنان

زندگی و کار می‌کنند، تعلیم داده شوند. این نوع تحقیق و مطالعه باید تا حد ممکن با تماس مرتب با کسانی که این سنتها را می‌شناسند و با آنها زندگی می‌کنند، انجام گیرند.

(ج) آنان که در رسالت شبانی مشغول به کار هستند

۷۸- در اجرای سیاست مشخص آموزش شبانی برای روحانیون از طریق شوراهای

دینی، نهادهای مخصوص، اعتکافها، ایام یادآوری یا بحث شبانی، اسقفان و مقامات ارشد مذهبی به طور جدی از ایشان درخواست می‌شود تا اطمینان یابند که دقت لازم در مورد وحدت‌گرایی کلیسا و نیز در به یاد داشتن این نکات خاص، مبذول می‌گردد.

در صورت امکان، تعلیم خاصی برای کشیشان، دینداران و غیرروحانیون در مورد

مرحله فعلی نهضت جهانی کردن کلیسا باید تدارک دیده شود تا ایشان بیاموزند که دیدگاهی بین‌الکلیسایی در موعظه، آیین پرستش الهی، تعالیم دینی و حیات مسیحی به مقدار وسیع داشته باشند. به علاوه، باید تا جائی که ممکن باشد از کشیش کلیسا یا جماعت دیگری برای شرح سنت خود یا صحبت در مورد مسائل شبانی، که اغلب برای تمام کشیشان مشترک هستند، دعوت به عمل آید.

در صورت معقول بودن و موافقت سراسقف، باید از روحانیون کاتولیک دعوت شود تا در جلسه ویژه‌ای با کشیشان کلیساها و جماعات دیگر، حضور یابند - به منظور آشنایی بیشتر با یکدیگر و حل مسائل و مشکلات شبانی به وسیله یک تلاش مشترک مسیحی. این نوع فعالیت اغلب زمانی به کار خود ادامه می‌دهد که مجامع و معاشرتها تشکیل می‌شوند، همچون شوراها و روحانی محلی یا منطقه‌ای، «گردهمایی‌های برادرانه روحانی» و غیره، یا هنگامی که مردم در گردهمایی‌های موجود از این نوع شرکت می‌جویند. دانشکده‌های الهیاتی، آموزشگاههای علوم دینی و دیگر جایگاههای یادگیری، می‌توانند سهم بسزایی در تلاش اتحاد بین کلیساها داشته باشند، هم با تدارک دوره‌های درسی برای روحانیون با انجام کار شبانی و هم با درخواست از پرسنل تدریس ایشان برای مشارکت جدی در تحقیقات و رشته‌های سازمان یافته به وسیله دیگران.

(د) مقامات ارشد مربوطه و پرسنل آموزشی در مؤسسات تحصیلات الهیات

۷۹- اصول کلی که در فصل ۲ تنظیم گردیده باید شکل یافته، هدایت شود و محرکی باشد برای آموزش تمام کسانی که جهت تدریس الهیات و موضوعات مربوطه در نظر گرفته می‌شوند، تا ایشان به اندازه کافی آموزش دیده و برای وظیفه تربیت کشیشان جوان تر و دانشجویان علوم روحانی، ایمانداران و غیرروحانیون آماده باشند. برای کمک به پرسنل آموزش دهنده جهت انجام مسؤلیتهای بین‌الکلیسایی خود، اسقفان چه در حوزه تحت اقتدار خود یا به همراه اسقفان منطقه و کشور، مقامات ارشد دینداران و مسؤلین آموزشگاههای علوم دینی، دانشگاهها و نهادهای مشابه باید زحمت بکشند تا نهضت جهانی کردن کلیسا را ارتقاء بخشند و از هیچ تلاشی برای نظارت بر این که مدرسین ایشان با پیشرفتهای حاصله در فکر و عمل اتحاد کلیساها در ارتباط باشند، کوتاهی ننمایند. به علاوه، باید دقت نمود که تعداد کافی کتاب، مقالات، مجلات و نشریات مشابه، کاتولیک یا غیرکاتولیک، در دسترس باشند.

در برنامه ریزی مطالعات، به نکات زیر باید توجه کامل شود:

- (a) به نظر مناسب می‌رسد که مدت کوتاهی بعد از آن که مطالعات الهیاتی شروع شده باشد، آموزش خاصی در مورد وحدت‌گرایی کلیسا ارائه گردد: دانش گسترده‌ای از امور بین‌الکلیسایی به دانشجویان در درک عمیق‌تر موضوعات ویژه کمک خواهد نمود.
- (b) جهت صرف وقت بیشتر در مورد وحدت‌گرایی کلیسا و ارتقاء آشنایی با کل نهضت طلب وحدت کلیسا، مفید خواهد بود که از ابتدا فرصتهایی به منظور برپائی کنفرانسهایی برای دانشجویان در نظر گرفته شوند. همچنین مدرسین در کلاس می‌توانند

به طور مفیدی مقالات و تمرینهای دیگری در خصوص موضوعات اتحاد بین کلیساها مطرح و تعیین نمایند.

(c) کتابهای درسی و کمکهای آموزشی دیگر باید با دقت خاصی انتخاب و یا نوشته شوند. این کارها باید صادقانه، عقاید و نظرات دیگر مسیحیان را در امور الهیات، تاریخ و معنویت، نظم بخشند، اموری که نباید جدای از زندگی در نظر گرفته شوند بلکه به عنوان سنتی که انسانها به وسیله آن زندگی می‌کنند.

(d) بسیار مهم است آن دانشجویانی که برای کهنات یا زندگی مذهبی آموزش می‌بینند پیاموند که چگونه خود را در ارتباطات شبانی آینده با دیگر مسیحیان، هدایت نمایند - برای مثال، چگونه به ایشان در برخی نیازهای روحانی کمک نمایند و در عین حال به آزادی وجدان و فیض روح القدس در ایشان احترام گذارند.

(e) کتابخانه‌های مدارس دینی و دیگر مؤسسات آموزش عالی، باید به میزان کافی از کتابها و نشریات بهره‌مند باشند، کتابهایی که کاملاً در ارتباط با وحدت‌گرایی کلیسا می‌باشند و آنهایی که ارتباط خاصی با موضوعات مربوط به اتحاد محلی بین کلیساها دارند یا به اهمیت هدف خاص آن مؤسسه یا نهاد مربوط می‌شوند.

۴ همکاری سازمانی و شخصی میان کاتولیکها و دیگر مسیحیان

۸۰ - بسته به شرایطی که از محلی به محل دیگر تفاوت می‌کنند و اصولی که قبلاً به اجرا درآمده‌اند، همکاری میان مؤسسات آموزش عالی و روابط در سطوح مختلف میان مدرسین و دانشجویان کلیساها و جماعت‌های متفاوت، می‌تواند دارای مزایای بسیاری باشد، هم در مورد نهضت وحدت کلیساها در سطح گسترده و هم در مورد تحصیلات بین‌الکلیسایی مدرسین و دانشجویان آنها.

۸۱ - این نوع همکاری میان مسیحیان در زمینه تحصیلات عالی می‌تواند به سود مؤسسات تابعه باشد؛ در واقع این همکاری کمک می‌کند به:

شناخت کامل‌تر الهیات (به ویژه در امر کمکهای مفید برای علم تعبیر و تفسیر کتاب مقدس)، و نیز موضوعات دیگری که در مؤسسات آموزش عالی مطرح می‌باشند؛ کمک به دانشکده آموزشی، از طریق استفاده بهینه از کتابها و کتابخانه‌ها، با پیش‌بینی و آماده ساختن تعداد زیادی از مدرسین واجد شرایط؛ با کاهش رشته‌های غیرمفید و تکراری، مربوط به دستوراتی که در زیر ارائه شده؛

افزایش منابع مادی آن‌جا که نیاز باشد، برای مثال، استفاده مشترک از بناها، بخصوص کتابخانه‌ها و کلاسهای درسی؛ با افزایش کمکی که آن مؤسسه یا نهاد می‌تواند

به طور کامل به جامعه ارائه دهد: زیرا انسانها با اختیار و آزادانه به اقتدار و نفوذ فلان عمل مشترک مسیحی بیشتر توجه خواهند نمود تا کار آن مؤسسات منفردی که به تنهایی عمل می نمایند؛ تقویت گواهی کردن ارزش مدلل مؤسسات به مسیحیان دیگر - یعنی همان چیزی که مردم از چنین آموزشی انتظار دارند، مهمتر و بالاتر از کیفیت صرفاً آموزشی تدریس.

۸۲- این همکاری و عادت به تبادلات با همکاران دیگر از جماعت‌های مسیحی، به طور مستمر مسیرهای تازه‌ای از درخواست محقق را برای مدرسین می‌گشاید و به ایشان در تدریس بهتر کمک می‌نماید. علاوه بر این، دانشجویان می‌توانند تا اندازه‌ای از قبل در سرتاسر دوره آموزشی خود برای کار آینده بین‌الکلیسایی آماده شوند، و با کمک مدرسین واقعاً کارشناس کاتولیک بهتر بیاموزند تا بر چنین مشکلات فکری و روحی که ممکن است از تبادلاتی از این نوع حاصل شوند فائق آیند.

۸۳- در این همکاری دو طبقه از اشخاص باید از هم تشخیص داده شوند:
(a) فارغ‌التحصیلان و کسانی که آموزش عمومی الهیات را طی نموده‌اند
(b) کسانی که هنوز برنامه آموزشی متداول را کامل نکرده‌اند.

۸۴- شوراهای اسقفی، در تنظیم برنامه آموزشی برای کهنات، مطابق سند *Optatam Totius* (سند ۵۴) باید قوانین جامع وضع نمایند، در خط مشی‌هایی که بعداً در مورد حالات خاص همکاری میان آموزشگاه‌های مذهبی کاتولیک و آموزشگاه‌های مسیحیان دیگر، تصویب خواهند شد. اما چون مؤسسات آموزشی اعضای مراتب مذهبی نیز می‌توانند در این همکاری شرکت نمایند، مقامات ارشد یا نمایندگان ایشان باید نسبت به تنظیم قوانین مطابق با سند *Christus Dominus* (سند ۴۵)، شماره ۳۵، مواد ۵ و ۶، همکاری نمایند. اگر موارد خاصی در ارتباط با یک آموزشگاه یا مؤسسه مطرح شد، سراسقفی که بر آن مسئله اختیار قضایی دارد، باید بر طبق خط‌مشی‌های مصوب به وسیله مجمع اسقفان، تصمیم بگیرد که کدام تعهدات به تأیید وی نیاز دارند و کدام یک قابل واگذاری به مسوولین آموزشگاه‌های علوم روحانی است.

(الف) فارغ‌التحصیلان و کسانی که آموزش جامع الهیات را به اتمام رسانیده‌اند
۸۵- گفتگو و عمل بین‌الکلیسایی باید به وسیله تأسیس مؤسسات و مراکز بین‌الکلیسایی در مناطق و کشورهای مختلف و در صورت فراهم بودن شرایط، با تأیید مقام قانونی به پیش برده شود. این مؤسسات، یا «مراکز» می‌توانند جداگانه دایر شوند،

یا به عنوان بخشی از یک دانشکده یا با همکاری میان دانشکده‌ها یا دانشگاه‌های موجود، برقرار گردند. ساختار و اهداف این مراکز ممکن است گوناگون باشند. اما هنگام طرح و برنامه‌ریزی آنها خوب است که به طور کل مورد اتحاد بین‌کلیسایی را در تمام جنبه‌هایش به یاد داشته باشیم.

(ب) از این قسم مؤسسات این انواع را می‌توان برشمرد

۸۶- (a) مراکز تحقیق بین‌کلیسایی که در آنها موضوعات الهیاتی در یک مورد خاص کاملاً به بحث گذاشته شده و به یک جواب دست می‌یابند، و از طریق تحقیق و جستجو در منابع، تبادل محقق و مکتوبات منتشر شده، به گفتگوی بین‌کلیسایی هدایت می‌شوند. (b) مؤسسات بین‌کلیسایی مربوط به الهیات که در آنها دانشجویانی که آموزش جامع الهیات خود را به اتمام رسانده‌اند می‌توانند انتخاب شوند تا کار مخصوصی در الهیات بین‌کلیسایی انجام دهند، به وسیله رشته‌های خاص و سمینارها. چنین مؤسساتی ممکن است برای امور کلی بین‌کلیسایی طرح شده باشند، یا به مطالعه و تحقیق خاص در یک موضوع اختصاص یافته باشند (برای مثال، الهیات کلیساهای شرق، الهیات پروتستان، الهیات کلیسای انگلیکن و غیره)، اما در این صورت نیز به هیچ وجه مسئله اتحاد بین‌کلیسایی به عنوان یک کل نباید مورد غفلت قرار گیرد.

(c) انجمنهایی برای تحقیق و مطالعه مشترک در موضوعات الهیاتی و شبانی، به وسیله کشیشان کلیساها و جماعت‌های مختلف که برای بحث در مورد جنبه‌های الهیاتی و شبانی رسالت خویش در میان مردم خود و نیز در مورد شهادت مشترکشان به جهان، با یکدیگر ملاقات می‌کنند.

(d) اتحادیه‌های دانشگاه‌ها و مؤسسات دیگر جهت تسهیل در امر استفاده بهینه از کتابخانه‌ها و دیگر منابع و جهت برقراری روابط نزدیک‌تر میان مدرسین و دانشجویان در طرح برنامه‌های مطالعاتی.

(ج) مؤسسات بین‌الایمانی (Interconfessional)

۸۷- بسته به شرایط زمان و مکان، مؤسسات و مراکزی که در بالا به آنها اشاره شد، ممکن است توسط کاتولیک‌ها یا پیروان چندین ایمان به طور همزمان اداره شوند. مؤسسات که مشترکاً عمل می‌کنند بخصوص در جایی مفید هستند که کلیساها یا جوامع کلیسایی، نیاز به آزمایش برخی موضوعات با هم دارند (برای مثال، کار هیئتی، سروکار داشتن با مذاهب غیرمسیحی، موضوعاتی در مورد الحاد و ناباوری، استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی، معماری و هنر روحانی و در زمینه الهیات، توضیح و تشریح کتاب مقدس، تاریخ نجات، الهیات شبانی و غیره) که اگر به طور صحیح حل شوند، می‌توانند اتحاد

مسیحیان را تسریع نمایند. انتصابات و امور و اجرایی این مؤسسات باید معمولاً به کسانی واگذار شود که آنها را اداره می‌کنند، و حقوق مقام صلاحیت دار کلیسایی را حفظ می‌نمایند.

۸۸- مؤسسات کاتولیک می‌توانند، هر جا که معقول به نظر رسد، مطابق با شماره ۸۴ بالا، عضو مجامع تعیین شده برای ارتقاء استاندارد تحصیلات الهیاتی شوند، برای آموزش بهتر کسانی که به جهت رسالت شبانی تعیین شده‌اند و همکاری بهتر میان مؤسسات مذهبی برای آموزش عالی. اما دقت لازم باید به عمل آید تا ترکیب چنین مجمعی، استقلال مؤسسه یا نهاد کاتولیک را در امور برنامه مطالعات، محتوای آموزه‌ای موضوعاتی که باید تدریس شوند، آموزش روحانی و کهناتی دانشجویان همه و همه دست نخورده باقی بمانند، تا حدی که این چیزها به واسطه هدف مؤسسه و قوانین مصوب به وسیله مقام قانونی کلیسایی تعیین می‌شوند.

(د) کسانی که هنوز آموزش کلی الهیات را به اتمام نرسانیده‌اند

۸۹- در سرتاسر دوره آموزش کلی الهیات، هر گاه موضوع همکاری دانشجویان کاتولیک در شکل‌گیری عقلانی ایشان با دیگر دانشجویان مسیحی مطرح می‌گردد، اصول تنظیم شده در فصل ۳، شماره ۱، باید مخصوصاً مدنظر قرار گیرند. زیرا این تبادلات (ناشی از مطالعات مشترک، نیایش، عمل اجتماعی و غیره) نسبتاً ثمربخش خواهند بود. هر گاه تمام کسانی که در آن دخیل می‌باشند، به طور استواری در ایمان و سنت خود بنا شده و همچنین از هدف وحدت‌گرایی کلیسا و نیازهای گفتگوی بین‌کلیسایی آگاه باشند.

۹۰- مدارس علوم روحانی کاتولیک، مدارس الهیاتی، انجمنها و دانشکده‌های آموزشی برای مردان و زنان روحانی می‌توانند با مؤسسات مسیحیان دیگر از این نوع همکاری نمایند. بر حسب شرایط محلی و خصلت مؤسسات مربوطه، این همکاری ممکن است اشکال گوناگون به خود گیرد؛ برای نمونه، تعویض گهگاه مدرسین، بازشناسی متقابل برخی رشته‌ها، انواع مختلف اتحادیه‌ها و وابستگی به یک دانشگاه. در تمام این موارد، باید دقت شود که خصلت بومی نهاد کاتولیکی همراه با حق تربیت دانشجویان خود و توضیح و تعمیق آموزه کاتولیک، حفظ گردد، و آنچه در زیر گفته می‌شود در شماره ۹۲ در نظر گرفته شود.

۹۱- از کارشناسان وحدت‌گرایی کلیسا در جماعت‌های دیگر دعوت شود تا در مؤسسات کاتولیک کنفرانس دهند و حتی برخی رشته‌ها را اداره نمایند، مادامی که خصلت مناسب و در خور مؤسسه مربوطه، مورد احترام و توجه قرار می‌گیرد.

مدرسین کاتولیک باید، در صورتی که از ایشان خواسته شود، به هر وسیله‌ای آماده ارائه همین خدمات برای دیگران باشند.

۹۲- به دانشجویان کاتولیک اجازه داده شود تا در سخنرانیهای مؤسسات و حتی سمینارهای دیگر مسیحیان، مطابق با اصول راهنمای زیر، حضور یابند. این موارد باید در نظر گرفته شوند: (a) مفید بودن رشته و کمک مؤثری که به طور کل در آموزش ایشان به کار خواهد برد؛ (b) شهرت و اعتبار عمومی، مهارت داشتن در موضوع و تفکر بین‌الکلیسایی آن مدارس؛ (c) آمادگی قبلی شاگردان؛ (d) بلوغ روانی و روحی؛ و به ویژه (e) طبیعت شعبات مطالعاتی مربوطه. برای آن که جنبه آموزه‌ای بیشتری وارد موضوع مورد بحث شود احتیاط بیشتری در مورد اجازه حضور یافتن شاگردان باید به عمل آید. بدین لحاظ در حینی که آموزش منظم و معمول توسط مدرسین کاتولیک ارائه می‌گردد، بخصوص در ارتباط با علم تفسیر کتاب مقدس و الهیات جزئی و اخلاقی، شاگردان کاتولیک می‌توانند در کلاسهای مربوط به موضوعات عملی همچون، زبانهای کتاب مقدسی، رسانه‌های ارتباط جمعی، جامعه‌شناسی مذهبی تا حدی که این علم جدید بر اساس مشاهده واقعیتها قرار می‌گیرد و غیره، حاضر باشند. بسته به نظر مسوولین، همان طور که قبلاً گفته شد، باید آمادگی علمی و روحانی ایشان را ارزیابی نمایند، در این صورت دانشجویان می‌توانند در سخنرانیهای مفید مشترک، حتی با داشتن جنبه خاص آموزه‌ای حضور داشته باشند - برای نمونه تاریخ کلیسا را می‌توان عنوان نمود. این وظیفه مقامات ارشد می‌باشد که پس از مشورت با دانشجویان در این امور تصمیم‌گیری نمایند، مطابق با مقررات جامع آموزشگاه دینی و راهنمایی که توسط سراسقف ناظر بر آموزشگاه ارائه می‌گردد.

چنین برنامه‌هایی حقیقتاً در عمل مثمرتر خواهند بود اگر مدرسین کاتولیک شناخت بیشتری از نوشته‌ها، عقاید، و دیدگاه بین‌الکلیسایی آن مدرسین جماعات دیگر مسیحی داشته باشند، که به شاگردان اجازه حضور در کلاسهای ایشان داده می‌شود. این عمل آسان‌تر خواهد بود اگر ایشان را اغلب ملاقات نمایند و از مؤسساتشان بازدید به عمل آورند. به علاوه، توصیه می‌شود که مقامات آموزشگاه هر چند وقت یکبار با کارمندان و مدیران امور روحانی خود جلسه داشته باشند تا برنامه مطالعات را بازنگری نموده، تغییرات لازم را پیشنهاد و با مشکلاتی که احتمالاً بروز نموده برخورد نمایند. جلسات و بحثهای مشابه با همکاران آموزشگاههای مسیحی دیگر نیز توصیه می‌گردد.

۹۳- در بخشهای مختلف جهان، الگوی تحصیلات عالی در حالت انتقال و تغییر است و طرحهای بسیاری برای آمیختن مؤسسات مختلف جهت مطالعات مذهبی در دانشگاههای

عمومی و غیرفرقه‌ای در حال اجرا شدن می‌باشند. در حیطه اختیار شوراهای استقفا است تا، به واسطه ابزار مناسب و مشورت صحیح، نظر دهند که دانشجویان روحانی چه بخشی را در این طرحها و نقشه‌ها برعهده گیرند. در آزمایش دقیق این موضوع، آنان باید توجه خاصی به حق و تربیت درست فکری و روحی دانشجویان کهنانت و نیز شاگردان دیگر داشته باشند که البته تحت هدایت مقام کاتولیک خواهد بود؛ همچنین این توجه خاص باید به مشارکت فعال مدرسین کاتولیک در این برنامه‌ها؛ سرانجام به آزادی کامل و تضمین شده تعالیم رسمی کلیسا نیز معطوف گردد تا آموزه‌ها و سنتهای واقعی ایمان کاتولیک مشخص شوند.

اگر این کارهای مشترک نتیجه بخش باشند، آرزویمان این است که هیئتهای اداره‌کننده دانشگاهها و دانشکده‌ها، اعضای کاتولیک فعالی (غیرروحانیون، روحانیون و غیره) که واقعاً در زمینه تخصصی خود و در گفتگوی بین‌الکلیسایی کارشناس هستند، دارا باشند.

۹۴- مؤسسات دیگر کاتولیک که آموزش مذهبی هم برای دانشجویان مدارج الهیات و هم برای دانشجویان دانشکده‌های دیگر ارائه می‌دهند باید تحت کنترل همین اصول باشند، اما منطبق با خصلت خود و با شرایط و نیازمندیهای دانشجویانشان. آنچه قبلاً در مورد آموزش پیش‌مذهبی و بلوغ فکری شاگردان، و در مورد صلاحیت ویژه و قابلیت کلی مدرسین گفته شده است، در این مؤسسات نیز به همان شکل قابل اجرا هستند.

ج - رهنمودی جهت به کار بردن اصول و قوانین در باره وحدت‌گرایی

۱- جستجوی اتحاد مسیحیان

۹- جنبش بین‌الکلیسایی تصمیم دارد که پاسخی به عطای فیض خدا باشد که مسیحیان را به ایمان به رازهای کلیسا در راستای نقشه خدا دعوت می‌نماید تا آن که انسان‌ها به نجات و اتحاد در مسیح از طریق روح القدس دست یابند. این جنبش همه مسیحیان را به امید تحقق دعای مسیح توجه می‌دهد که دعا نمود «تا همه یک گردند».^۱ هم چنین آنها را دعوت می‌نماید که در نیکوکاری به شکلی که فرمان نوین مسیح است شراکت داشته و عطای خدا را که از طریق روح القدس همه انسان‌ها را با ایمان یگانه به یکدیگر پیوند می‌دهد دریافت نمایند. مجمع واتیکان دوم به روشنی، تمامی کاتولیک‌ها را به محبت با مسیحیان دیگر دعوت می‌نماید تا از طریق نیکوکاری و همدلی بر همه آنچه که آنها را از یکدیگر جدا می‌سازد در روح راستی فائق آیند. از دیدگاه مجمع، کاتولیک‌ها باید با امید و در دعای دائمی در جهت تحقق اتحاد مسیحیان بکوشند. آنها باید بر اساس ایمان خود به راز مسیح متحد شده و در فعالیت بین‌الکلیسایی خود از روح درک و تفاهم راستین از کلیسا به عنوان «راز و نشانه صمیمیت با خدا و اتحاد با تمامی بشریت» هدایت یابند.^۲

۱۰- تعالیم کلیسا در مورد فعالیت بین‌الکلیسایی، همانند تشویق به امید و دعوت به محبت، رسماً در شکل اسناد مجمع واتیکان دوم، و به طور مخصوص در «نور جهان» (*Lumen Gentium*) و (*Unitatis Redintegratio*) یعنی اتحاد جهانی تشریح شده‌اند. اسنادی که متعاقب آن به این فعالیت‌های کلیسایی مربوط می‌شوند که این مجموعه نیز از آن دسته است (۱۹۷۰-۱۹۶۷) که بر پایه قواعد الهیاتی-روحانی و نظرگاه‌های شبانی بنا شده‌اند که در اسناد اصلی مجمع به آنها اشاره شده است. این اسناد به شرح و بررسی برخی از موارد ذکر شده در اسناد اولیه پرداخته، مسائل الهیاتی آن را به تفصیل بررسی نموده و اصول دقیق‌تر و موشکافانه‌تری را برای فعالیت یافته‌اند که همه آنها بر اساس تعلیم مجمع واتیکان دوم استوار هستند. بر روی هم همه این اسناد اصول تعالیمی را پایه‌گذاری می‌کنند که در این فصل به طور خلاصه معرفی خواهند شد. این تعالیم پایه و اساس این مجموعه را تشکیل می‌دهند.

۱ یو ۱:۱۷، ۲، افس ۴:۴.

۲ - *Lumen Gentium* (LG)، نور ملل) بند ۱.

الف) کلیسا و اتحاد آن در نقشه خدا

۱۱- مجمع، راز کلیسا را در قلب راز حکمت و نیکویی خدا که همه مردمان را در برمی گیرد و تمامی خلقت را به اتحاد با خود فرا می خواند، درک و تفسیر می نماید.^۳ در جهت این هدف غایی، خدا پسر یگانه خود را به جهان فرستاد، که بر صلیب رفت و به جلال داخل شده و روح القدس را عطا فرمود که از طریق آن، قوم پیمان نوین را به اتحاد در ایمان و امید و نیکویی دعوت می کند و این قوم پیمان نوین همانا کلیسا نام دارد. مسیح دوازده شاگرد خود را به رهبری پطرس در صدر همه آنان برگزید تا خدمت تعلیم، هدایت و تقدیس را به انجام رسانیده و کلیسای مقدس او را در همه جای جهان و تا زمانی که انقضای جهان فرارسد بنا نمایند. این اراده مسیح است که از طریق موعظه وفادارانه انجیل، برگذاری نیایش ها و پیوند در محبت که توسط رسولان انجام گردید و تحت هدایت روح القدس توسط جانشینان آنها تداوم یافت، این قوم تازه تشکیل شده رشد نمایند و پیوند آنها روز به روز کامل تر و قوی تر گردد.^۴ مجمع، کلیسا را به عنوان قوم نوین خدا باز می شناسد که در اتحاد با خدا با تمامی تفاوت هایشان و از تمامی ملل و نژادهای بشری و با وجود تمام تفاوت های فرهنگی به عطایای مقدس روحانی و فیض پوشانده شده و با یکدیگر متحد هستند و به مأموریت بشارت نجات در جهان که به آنها داده شده آگاه می باشند.^۵ آنها کلمه خدا را به ایمان پذیرفته و در مسیح تعمید یافته و با روح پنطیکاست او تأیید گردیده و همراه با هم نیایش بدن و خون او را در قربانی مقدس انجام می دهند:

«این روح القدس است که در همه آنان که ایمان دارند ساکن است و در تمامی کلیسا می خرامد و آن را رهبری می کند و پیوند ایمانداران را هدفمند نموده و آنها را به یکدیگر در صمیمیت مسیح پیوند می دهد از آن رو که او پایه اتحاد کلیساست. از طریق اعطای انواع عطایای روحانی و خدمت های متنوع، او کلیسای عیسی مسیح را پربار ساخته و به اعمال و عجایب مختلف آراسته می سازد «تا آن که مقدسین را برای کار و خدمت تقویت نموده و برای بنای جسد مسیح به کار گیرد».^۶

۱۲- قوم خدا در حیات مشترک خود در ایمان و شراکت در رازها توسط خدمت های خاص: اسقفان، کشیشان، و خادمان هدایت می شوند.^۷ به این ترتیب از طریق اتحاد در رشته سه گانه ایمان، حیات رازگونه و خدمات مختلف کلیسایی قوم خدا به آن چه که سنت ایمان از پیمان نوین^۸ به این سو همواره آن را پیوند *koinonia* نامیده است، دست

۳- LG بند ۱-۴.

۴- Unitatis Redintegratio (UR) بند ۲.

۵- LG بندهای ۲ و ۵.

۶- UR بند ۲؛ افس ۴: ۱۲.

۷- LG فصل ۳.

۸- ا.ع ۲: ۴۲.

می‌یابند. این نظرگاه کلیدی روح مجمع واتیکان دوم را الهام بخشیده هدایت نموده است، و تعالیم اخیر از سوی مقام پاپ آن را با اهمیت نموده است.

ب) کلیسا به عنوان جامعه پیوند

۱۳- پیوند در مفهومی که مسیحیان به آن ایمان داشته، امید دارند، به معنای عمیق آن عبارت است از اتحاد آنها با پدر از طریق پسر و روح القدس. از عید پنجاهه به این سو، روح القدس به کلیسا اعطا شده است، کلیسایی که جماعت مقدسین خدا به شمار می‌رود. کلیسا به جلال کامل آسمانی پوشانیده شده و در عین حال موجودیتی زمینی است که سفر خود را به سوی کامل شدن طی می‌نماید. آنها که در ایمان، امید و محبت در اتحاد با یکدیگر و در خدمت صمیمانه، تعلیم مشترک و نیایش‌های هماهنگ تحت رهبری شبانان روحانی خود زندگی می‌کنند^۹ قسمتی از جماعتی را تشکیل می‌دهند که کلیسای خدا نامیده می‌شود. این جماعت‌ها در قالب کلیساهای خاص شناخته می‌شوند که یکایک در کنار اسقف خویش به حیات در ایمان زیست می‌کنند. در هر یک از اینها «کلیسای واحد، مقدس، جامع و رسولی مسیح حقیقتاً به ظهور رسیده زنده و فعال است»^{۱۰} سرشت درونی این جامعه آنها را به صورت جامعه یک پارچه جهانی متشکل می‌سازد.

۱۴- پیوند بین کلیساها به شکل یک پیوند بین اسقفان آنها به ظهور رسیده و تداوم می‌یابد. آنها در ارتباط با یکدیگر مدرسه تعلیمی خاصی را بنا می‌کنند که پیرو و دنباله روی مدرسه و مکتب رسولان است. این پیوند اسقفان در سر حلقه خود، اسقف رم را به عنوان جانشین پطرس و به عنوان سرپرست خویش می‌پذیرند.^{۱۱} بدین سان اسقفان هر کلیسا، تداوم راه و حیات کلیسای خویش را در کلیسای واحد مسیح که بر پایه رسولان بنا شده است، تضمین می‌نمایند. آنها نیروهای روحانی و عطایا و استعدادهای جماعت‌های خود را هماهنگ نموده و به سوی بنای کلیسا و تجربه کامل بشارت آن گام برمی‌دارند.

۱۵- هر کلیسا منفرداً و متحد در درون خود و با کلیسای واحد، مقدس، جامع و رسولی، به نام مسیح و به قوت روح فرستاده می‌شود تا انسان‌های بیشتری را با انجیل ملکوت خدا آشنا ساخته و آنها را به پیوند با خدا دعوت نماید. با قبول این پیوند این اشخاص هم چنین به پیوند با همه آنانی که این ایمان و پیوند را پذیرفته‌اند، داخل شده و خانواده اصیل مسیحی را پایه می‌ریزند. از طریق این اتحاد و یگانگی خانوادگی آنها به پیوند

۹- LG بند ۱۴.

۱۰- دستور العبل خدمت شبانی (CD) شماره ۱۱.

۱۱- LG بند ۲۲.

خود با خدا در یک خانواده شهادت می دهند. از طریق این مأموریت بشارتی کلیسا، دعای عیسی تحقق یافته کامل می شود، زیرا که او دعا کرد «ای پدر، تا همه آنها یک گردند و همه آنها در ما یکی باشند. چنان که تو در من هستی و من در تو آنان نیز باشند و ایمان بیاورند که تو مرا فرستادی».^{۱۲}

۱۶- پیوند در کلیساهای خاص به صورت منفرد و جمعی هدیه خداست. این هدیه بایستی با شکرگزاری و شادمانی پذیرفته و با مراقبت بارور گردد. این موهبت در کلیسا توسط آنهايي که به خدمت مخصوص شبانی گماشته می شوند، حفظ می شود. اتحاد کلیساها در ژرفای این تفاوتها نمایان می شود. این تفاوتها در کلیسا یکی از ابعاد جهانی بودن آن به شمار می رود. گاهی اوقات این تفاوتها ممکن است به بروز اختلافهایی در جامعه مسیحی منجر گردد. با این همه به رغم این همه فشارها و اختلافات روح به فعالیت و کار خود در کلیسا ادامه داده و مسیحیان را با همه تفاوت هایشان به اتحادی هرچه ژرف تر فرامی خواند.

۱۷- کاتولیکها بر این باورند که کلیسای یگانه مسیح از کلیسای جامع تشکیل شده است «که تحت هدایت جانشین پطرس و اسقفان همکار و هم خدمت او و در پیوند با او بسر می برد».^{۱۳} آنها به کاملیت حقیقت مکاشفه شده، رازهای کلیسا، و خدمتی که او برای بنای کلیسای خویش و انجام مأموریت بشارتی آن به کلیسای کاتولیک داده است، ایمان دارند. البته کاتولیکها می دانند که به تنهایی نخواهند توانست و نتوانسته اند از عطایای خدا که به کلیسا داده است استفاده نمایند. با تمام اینها اعتماد به نفس خود را در کلیسا از دست نمی دهند. ایمان آنها، به آنها این اطمینان را می بخشد که کلیسا «عروس شایسته مسیح می ماند و پیوسته خود را به هدایت و کار روح القدس تازه می گرداند و از طریق صلیب به نوری دست می یابد که فناپذیر است».^{۱۴} بنابراین هنگامی که کاتولیکها واژه های «کلیساها»، «کلیساهای دیگر»، «کلیساها و جماعت های مسیحی دیگر» و غیره را در مورد کسانی که در پیوند کامل با کلیسای کاتولیک نیستند به کار می برند این دیدگاه ایمانی باید پیوسته در نظر گرفته شود.

ج) جدایی و شقاق میان مسیحیان و بازسازی اتحاد

۱۸- حماقت انسان و گناه او بارها در برابر یگانگی و هدف اتحاد که از سوی روح القدس تعیین شده، مقابله و نیروی عشق را که بر فشارهای حیات زمین فائق می آید، تضعیف نموده است. از آغاز کار کلیسا، این شقاقها به وجود آمدند. بعدها در طول

۱۲- یوحنا ۱۷: ۲۱.

۱۳- LG بند ۸.

۱۴- LG بند ۸ و ۹.

تاریخ تضادهای جدیدتر پدیدار شد و کلیساهای شرق به سرعت از پیوند کامل و توافق با دیدگاه رم و یا کلیسای غرب دور شدند.^{۱۵}

بعدها در کلیسای غرب شقاق‌های عمیق‌تری موجب پیدایش جماعت‌های روحانی دیگر گردید. این شکاف‌ها با سئوالات و مشکلاتی در حوزه الهیات یا آموزه کلیسایی و یا نظامنامه کلیسا و حتی درباره سرشت کلیسا به وجود آمده‌اند.^{۱۶} توافقنامه جنبش بین‌الکلیسایی مجمع واتیکان دوم اعتراف می‌کند که گاهی مشکلاتی وجود دارند «که هر دو سوی آن را می‌توان مورد انتقاد قرار داد».^{۱۷} با این همه اشتباهات انسانی در بیشتر موارد به پیوند و اتحاد صدمه زده، اما هرگز نتوانسته آن را به کلی از بین ببرد. در واقع کاملیت اتحاد کلیسای مسیح در قلب کلیسای کاتولیک باقی مانده است، در حالی که دیگر کلیساها و جماعت‌های روحانی هر چند در پیوند کامل با کلیسای کاتولیک به سر نمی‌برند، لیکن در واقع همگامی و پیوند با آن را تجربه می‌کنند. مجمع اعلام می‌دارد: «این اتحاد به اعتقاد ما در کلیسای کاتولیک به گونه‌ای است که این کلیسا هرگز آن را از دست نخواهد داد و امید ما آن است که تا پایان زمان این اتحاد تداوم و افزایش یابد».^{۱۸} اسناد مجمع به عناصری اشاره می‌کنند که بین کلیسای کاتولیک و کلیساهای شرق^{۱۹} از یک سو و کلیسای کاتولیک و دیگر کلیساها و جماعت‌های روحانی از سوی دیگر مشترک است:^{۲۰} «روح مسیح ابا ندارد که آنها را به عنوان وسیله‌های نجات به کار بندد».^{۲۱}

۱۹- با این همه هیچ یک از مسیحیان نباید به این شکل مصاحبت و پیوند قانع باشند. این اشکال مصاحبت اراده کامل مسیح را به جا نمی‌آورند و کلیسای او را در تجربه بشارتی ضعیف می‌کنند. فیض خداوند، بسیاری از اعضای کلیساهای مختلف و جماعت‌های روحانی را بخصوص در زمینه مسائل این قرن الهام بخشیده به تلاش برای غلبه بر جدائی‌هایی که میراث تلخ گذشته هستند و بنای مصاحبت محبت‌آمیز از طریق دعا

۱۵- UR بندهای ۳، ۱۳.

۱۶- UR بند ۳: «بدون شک، تفاوت‌های موجود میان آنها (ایمانداران دیگر در مسیح) و کلیسای کاتولیک - خواه در آموزه و گاه در نظام، و خواه در ساختار کلیسا- در راه پیوند کامل کلیسایی موانعی ایجاد می‌کنند، که گاه نیز بسیار جدی می‌باشند. جنبش بین‌الکلیسایی بر این موانع فایق خواهد آمد.» اداهم چنین اختلافات گاهی اوقات تقسیمات جدیدی را باعث می‌شود.

۱۷- UR بند ۳.

۱۸- UR بند ۴.

۱۹- UR بندهای ۱۴-۱۸. کلیساهایی که واژه «ارتدکس» در موردشان بکار می‌رود آن گروه از کلیساهای شرق هستند که تصمیمات شوراهاى افسس و کلسدون را پذیرفته‌اند. امروزه، به هر حال، این عنوان به دلایل تاریخی به آن کلیساهایی که دستورالعمل‌های جزمی یک یا هر دو این شوراها را نپذیرفته‌اند نیز اطلاق می‌شود، (ر.ک UR بند ۱۳). بنابراین، در این مجموعه بطور کلی، واژه «کلیساهای شرق» به کلیساهایی از سنت‌های مختلف شرقی گفته می‌شود که در اتحاد کامل با کلیسای روم نمی‌باشند.

۲۰- UR بندهای ۲۱-۲۳.

۲۱- UR بند ۳.

و توبه و اعتراف گناهان نزد یکدیگر و اعلام نفرت از جدائی‌ها چه در گذشته و چه در زمان حال و داشته است و از طریق نشست‌ها و گفتگوهای الهیاتی این هدف به ثمر نشسته است. اینها همان اهداف و فعالیت‌هایی هستند که اصطلاحاً جنبش بین‌الکلیسایی لقب گرفته‌اند.^{۲۲}

۲۰. کلیسای کاتولیک با وقار تمام در فعالیت‌های اتحاد مسیحیان از دید مجمع واتیکان دوم شرکت جسته است. سند *Unitatis Redintegratio* چگونگی برقراری اتحاد مورد نظر مسیح برای کلیسای خود را از طریق «موعظه و فادارانۀ انجیل توسط رسولان و جانشینان آنها، اسقفان، به همراه جانشین پطرس در رأس آنها - و از طریق اجرای نیایش‌ها و اداره کلیساها تحت محبت کامل» تشریح نموده و این اتحاد را شامل «اعتراف یک ایمان...، نیایش مشترک با پرستش آسمانی... هماهنگی برادرانه در خانواده خداوند» می‌داند.^{۲۳} این اتحاد که در سرشت اصیل خود نیازمند پیوند کامل تمامی مسیحیان است، هدف غایی جنبش و فعالیت‌های بین‌الکلیسایی به شمار می‌رود. مجمع اعلام می‌دارد که این اتحاد هیچ نیازی به قربانی کردن گنجینه عظیم تفاوت‌ها در زمینه روحانی، نظامنامه آیین‌های نیایشی و مکاشفات مختلف راستی و حقیقت که در میان مسیحیان تا حد امکان و ظرفیت وفاداری به سنت رسولان گسترش یافته، نخواهد داشت و ندارد.^{۲۴}

۲۱. از زمان تشکیل مجمع واتیکان دوم، فعالیت‌های بین‌الکلیسایی در تمام کلیساهای کاتولیک توسط اسناد مختلف و بیانیه نظرگاه مقدس رم و در کلیساهای خاص با اسناد و اطلاعیه‌های اسقفان، بیانیه‌های کلیسای کاتولیک شرق و نشست‌های اسقفان مورد تأیید قرار گرفته تشویق و هدایت شده‌اند. همچنین باید توجه داشت که در جنبه‌های مختلف فعالیت‌ها و گفتگوهای بین‌الکلیسایی پیشرفت‌های زیادی حاصل شده است. با عاریه گرفتن کلمات بیانیه اسقفان در شورای سال ۱۹۸۵، فعالیت جنبش بین‌الکلیسایی «در ذهن کلیسا و آگاهی آن عمیقاً جا افتاده و مقبول واقع گردیده است».

د) فعالیت‌های بین‌الکلیسایی در زندگی مسیحیان

۲۲. جنبش بین‌الکلیسایی فیض خداست که توسط پدر در پاسخ به دعای عیسی^{۲۵} و درخواست کلیسای الهام گرفته از روح القدس عطا شده است.^{۲۶} در حالی که این جنبش در متن مأموریت بشارتی عمومی کلیسا برای یگانگی انسان‌ها در مسیح فعال است، حوزه

۲۲- UR بندهای ۴ و ۱۵-۱۶.

۲۳- UR بند ۲؛ LG بند ۱۴.

۲۴- UR بندهای ۴، ۱۵-۱۶.

۲۵- یو ۱۷:۲۱.

۲۶- روم ۸:۲۶-۲۷.

۲۷- UR بند ۵.

اصلی و خاص آن به بقای اتحاد میان مسیحیان مربوط می‌باشد.^{۲۷} کسانی که به نام مسیح تعمید یافته‌اند در حقیقت برای جستجوی این اتحاد دعوت شده و می‌شوند.^{۲۸} مصاحبت تعمید آغاز شرکت در مصاحبت روحانی عمومی به شمار می‌رود. زندگی در تعمید، در واقع اسیر دعوت مسیح بودن است که برای اتحاد و یگانگی همه چیز ما را دعوت نموده است.

۲۳- کاتولیک‌ها دعوت می‌شوند که بر اساس رهنمودهای شبانان روحانی خود، در هماهنگی و مصاحبت کامل و با شکرگزاری با انواع فعالیت‌های بین‌الکلیسایی در کلیساهای مختلف و جماعت‌های روحانی کوچک‌تر و در تمام سازمان‌های متبوع خود شرکت جسته و اتحاد مسیحیان را تحقق بخشند. هر جا که فعالیت بین‌الکلیسایی وجود ندارد یا حتی به طور مؤثر در جریان نیست، کاتولیک‌ها باید برای احیای آن اقدام نمایند. هر جا که در برابر آن مخالفت دیده می‌شود یا توسط تعصبات فرقه‌ای محدود شده است و مشکلات و مسائل موجب جدایی بیشتر در بین کسانی می‌شوند که به نام مسیح اعتراف می‌کنند، آنها باید با صبوری و آرامش فعال باشند و از صدمات بیشتر جلوگیری نمایند. خادمان محلی،^{۲۹} بیانیه‌های کلیساهای کاتولیک شرق^{۳۰} و نشست‌های اسقفان ممکن است بارها نیاز به رویارویی با مشکلات بی‌تفاوتی یا مسئله مخالفت با ایمان کلیسا را احساس کنند.^{۳۱} این موضوع بیشتر ممکن است در مورد کلیساهای جوان اتفاق بیفتد. کاتولیک‌ها باید در تمام روابط خود با اعضای کلیساها یا جماعت‌های روحانی دیگر با صداقت و غرور آگاهی از مصوبات مجمع، رفتار نمایند. این احساس آمادگی و ادامه دادن همراه با مراقبت و توجه نداشتن به مشکلات، نیز به نوبه خود می‌تواند عاملی برای جلوگیری از افتادن در دام وسوسه بی‌تفاوتی و مخالفت با ایمان و سنت کلیسا باشد، که خود نوعی انحراف از روح و اهداف پیوندهای بین‌الکلیسایی خواهد بود.

۲۴- وضعیت کلیسای محلی هرچه باشد، کاتولیک‌ها باید در صورت علاقمندی به انجام وظایف و مسئولیت‌های خود به نحو احسن، همراه با هم و براساس نظر اسقفان خود عمل کنند. بیش از همه آنها بایستی کلیسای خود را به خوبی شناخته و قادر به ارائه صحیح تعالیم، نظامنامه و قوانین آن درباره فعالیت‌های بین‌الکلیسایی باشند. بیش و پیش از دانستن این موارد، اعضای کلیسای کاتولیک باید به خوبی از عهده مباحثه و ارائه برهان کافی و کامل در برابر مسیحیان دیگر برآیند. هم چنین باید اطلاع دقیق و کاملی از

۲۸- بندهای ۹۲-۱۰۱.

۲۹- در اینجا اصطلاح مسئولین محلی تنها در مورد کلیساهای شرق به کار رفته است.

۳۰- شورای اسقفان کاتولیک شرق یعنی عالی‌ترین مقامات روحانی این کلیسا.

۳۱- *Dignitatis Humanae* (DH)، کرامت انسان‌ها) بند ۴.

تعلیم و وضعیت کلیساهای دیگر داشته و در روابط با آنها این دانسته‌ها را به کار بندند، توجه دقیق و کامل بایستی نسبت به نیازهای اولیه هرگونه فعالیت مشترک بین‌الکلیسایی که در سند مجمع واتیکان دوم به آنها اشاره شده، مبذول گردد.^{۳۲}

۲۵- از آن جایی که فعالیت‌های بین‌الکلیسایی با تمام نیازهای انسانی و اخلاقی خود، در عملکرد اسرارآمیز خدای پدر از طریق پسر و به قدرت روح القدس ریشه دارد، این فعالیت‌ها با ژرفای هستی و روح مسیحی در ارتباط تنگاتنگ قرار می‌گیرد. این جنبش به «تغییر قلوب و تقدیس حیات همراه با دعاهای فردی و دسته جمعی برای اتحاد مسیحیان» که بیانیه روابط بین‌الکلیسایی مجمع واتیکان دوم آن را «فعالیت روحانی مشترک کلیسایی» و یا «محور مرکزی جنبش بین‌الکلیسایی» می‌نامد، دعوت می‌نماید.^{۳۳} آنانی که با مسیح در پیوند عمیق به سر می‌برند باید با دعای او و به خصوص دعای اتحاد هماهنگ باشند، آنها که به روح زندگی می‌کنند باید خود را در معرض تغییر و تحول ناشی از الهام روح محبت که «همه چیز را تحمل می‌کند، همه را باور می‌نماید، در همه چیز امیدوار و در همه حال بردبار است»^{۳۴} قرار دهند. آنانی که و شقاق‌ها حساس بوده و برای بخشایش این گناهان دعا نمایند، آنها که در جستجوی تقدس هستند باید قادر به شناسایی ثمرات این تقدس فراتر از مرزهای کلیسای خود باشند.^{۳۵}

آنهايي که چنین کنند حقیقتاً خدای یگانه را که قادر است این اتحاد را تحقق بخشد خواهند شناخت، که او پدر همگان است.

ه) سطوح مختلف فعالیت‌های بین‌الکلیسایی

۲۶- فرصت‌ها و نیازهای فعالیت‌های کلیسایی به حوزه کلیساهای کوچک یا دوائر اسقفی یا سازمان‌های منطقه‌ای و ملی دوائر اسقفی و حتی در سطح کلیسای جهانی محدود و متوقف نمی‌شوند. روح جنبش بین‌الکلیسایی به همکاری تمام قوم خدا در کلیه سازمان‌های روحانی - مذهبی و تحت قوانین مناسب برای هر سطح از فعالیت نیاز دارد.

۲۷- در دوائر اسقفی تحت نظر یک اسقف و در کلیساهای کوچک و همچنین در گروه‌ها و جماعت‌های روحانی مختلف اتحاد مسیحیان روز به روز عمیق‌تر شکوفا و ظاهر می‌گردد:^{۳۶} مردان و زنان کلام خدا را به ایمان شنیده، در دعا و رازهای کلیسا پیوند می‌یابند، یکدیگر را خدمت کرده و انجیل نجات را به آنانی که هنوز ایمان ندارند اعلام نموده و ارائه می‌دهند.

۳۲- UR بندهای ۹-۱۲، ۱۶-۱۸.

۳۳- UR بند ۸.

۳۴- ۱. قرن ۱۳: ۷.

۳۵- UR بند ۳.

۳۶- LG بند ۲۳؛ CD بند ۱۱.

با این وجود هنگامی که اعضای یک خانواده از کلیساها و جماعت‌های روحانی متفاوتی هستند و وقتی که مسیحیان نمی‌توانند همراه همسر و فرزندان و یا دوستان خود، قربانی مقدس دریافت دارند، زخم جدایی به مهلک‌ترین شکل ممکن خود را آشکار نموده، نیاز به دعا و فعالیت‌های بین‌کلیسایی هرچه ژرف‌تر خودنمایی می‌کند.

۲۸- این حقیقت که گردهمایی کلیساهای خاص که به مشاکت جهانی کاتولیک تعلق دارند، با هدف تشکیل قسمتی از بدن این مجموعه کلیسایی همچون نشست کلیساهای کاتولیک شرق و نشست‌های اسقفان برگزار می‌شود، نشانه‌ای از پیوند موجود بین چنین کلیساهایی می‌باشد. این گونه گردهمایی‌ها می‌توانند به طرز مؤثر و عمیق‌گسترش روابط بین‌کلیسایی مؤثر و مفید را با کلیساها و جماعت‌های روحانی منطقه‌ای که خارج از پیوند جهانی کاتولیک هستند تسهیل نمایند. همانند مشترکات فرهنگی و سنت‌های ملی، آنها از یک میراث مشترک روحانی بهره می‌برند که قبل از بروز جدایی‌ها وجود داشته‌اند. نشست‌های اسقفان کلیساهای کاتولیک شرق و کنفرانس‌های اسقفان پیش از پیش با این عوامل فرهنگی منطقه‌ای یا ملی در فعالیت‌های بین‌کلیسایی درگیر هستند و چنین موضوعی کمتر برای کلیسای خاص رخ می‌دهد و به همین دلیل آنها ممکن است به سازماندهی گرایش‌ها و بنای مؤسسات بین‌کلیسایی علاقه‌مند بوده و کوشش‌های منطقه‌ای را هدایت نمایند به گونه‌ای که فعالیت‌های کلیساهای خاص را حمایت و با پیروی از اساسنامه فعلی کاتولیک در فعالیت‌های بین‌کلیسایی آنها را امداد نمایند.

۲۹- شورای اسقفان و دیدگاه مقدس و رسولی رم، امر قضاوت درباره شکل نهایی و شیوه رفتار و پاسخ به نیازهای پیوند جهانی را به عهده دارد. در این سطح، تجربه فعالیت‌های بین‌کلیسایی در مورد همه کلیساهای کوچک مجموعاً ارزیابی و موارد خاص بررسی و هماهنگی لازم برای مأموریت بشارتی کلیسایی و اهداف جنبش بین‌کلیسایی در سطح جهانی فراهم شده و کلیه فعالیت‌های آن و رهنمودهای تجربی ارائه شده در جهت هدایت و انتظام این فعالیت‌های بین‌کلیسایی در مجموع به کار گرفته می‌شوند. اغلب در این سطوح کلیساها و مجامع روحانی دیگر فرصت می‌یابند خود را معرفی نموده و با پیوند جهانی کاتولیک همراه گردند. هم چنین در این سطح تصمیمات نهایی در رابطه با احیای هر گونه فعالیتی اتخاذ می‌شوند.

و) دشواری‌ها و جدایی‌ها در ارتباطات بین‌کلیسایی

۳۰- جنبش بین‌کلیسایی در جستجوی اطاعت از کلام خدا و هدایت‌های روح القدس و تحت فرمان کسانی که خدمت آنان به بقای وفاداری ایمانداران کلیسا به

سنت رسولان منجر شده و آن را تضمین می‌کند جهت‌گیری خود را تعیین می‌نماید، روایت و سنتی که در آن کلام خدا و عطایای روحانی از طریق نظام نیایشی دریافت می‌شوند. هدف، جستجوی پیوندی است که قلب رازهای کلیسا را تشکیل می‌دهد و به همین دلیل به رهنمودهای خدمت رسولی اسقفان در جهت تعیین چگونگی فعالیت‌های بین‌کلیسایی نیازمند است. موقعیت‌های موضوع تصمیمات بین‌کلیسایی اغلب نامشخص بوده و از منطقه به منطقه و نسبت به زمان تغییر می‌کند. محرکات و ابتکارات ایمانداران در حوزه فعالیت‌های بین‌کلیسایی بایستی تشویق شوند. اما همواره نیاز به بازنگری و نظارت کسانی که مسئول مسائل عقیدتی و نظام کلیسا هستند وجود دارد. اسقفان، تشویق و تأمین امکانات اجرای ابتکارات مسئولانه را به عهده داشته و باید بر اجرای آنها بر طبق قواعد بین‌کلیسایی کاتولیک نظارت نمایند. هم‌چنین باید افرادی را که در اثر بروز اختلافات دلسرد شده‌اند، تشویق نموده دلگرم نمایند و فعالیت‌های آرام و بی‌علاقه کسانی را که به نظراتشان توجه نمی‌شود احیا نموده آنها را دلگرم نمایند و مشکلات جدی موجود فراروی راه بازسازی اتحاد را بررسی و راه حلی برای آنها بیابند. شورای اسقفان برای ترغیب اتحاد مسیحیان که در تعیین خط مشی و نظارت بر فعالیت‌های بین‌کلیسایی نقش و مسئولیت مؤثری دارند همین خدمات را نسبت به کلیسا ارائه می‌دهد.

۳۱. سرشت درونی فعالیت‌های بین‌کلیسایی در یک منطقه خاص ممکن است توسط موقعیت ملی و شخصیت رهبران کلیسا نیز تحت تأثیر قرار گیرد. گزینش راه‌های مناسب برای فعالیت‌های بین‌کلیسایی بر عهده اسقف است که باید بر خدمات خاص و دلمشغولی‌های منطقه و دایره اسقفی خود نظارت داشته باشد. امکان بررسی همه موقعیت‌های متفاوت در اینجا وجود ندارد بنابراین به بررسی چند نمونه عمومی‌تر می‌پردازیم.

۳۲. در کشورهای کاتولیک نشین وظیفه جنبش بین‌کلیسایی به گونه‌ای متفاوت با کشورهای با مذهب انگلیکن یا کشورهای با فرقه‌های کلیسای شرق و یا پروتستان جلوه‌گر می‌شود. این وظیفه در کشورهای غیرمسیحی نیز متفاوت خواهد بود. اگر جنبش بین‌کلیسایی در کلیساهای سراسر جهان در نظر گرفته شود وظیفه فوق برای کشورهای کاتولیک اهمیت حیاتی خواهد یافت.

۳۳. به همین ترتیب، وظیفه جنبش بین‌کلیسایی بر حسب موضوع تعلق همکاران مسیحی به کلیساهای شرق به نسبت جوامع مسیحی اصلاح شده نیز تفاوت خواهد داشت. هر یک از این موارد امکانات و دینامیسم درونی خاص خود را دارد. عوامل دیگری نیز وجود دارند که اعم از آنکه ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی و قومی داشته باشند، شکل فعالیت‌ها را در این زمینه تحت تأثیر قرار خواهند داد.

۳۴. مجموعه عوامل خاص محلی اغلب ویژگی‌های متفاوت کارکرد فعالیت‌های بین‌کلیسایی را تعیین می‌کنند. آنچه در این کوشش مشترک اهمیت دارد آن است که کاتولیکها در سراسر جهان یکدیگر را در دعا و تشویق‌های صمیمانه تقویت و حمایت نمایند به طوری که تحقق هدف اتحاد در اطاعت از فرمان خداوند ما در تمام زمینه‌ها ممکن گردد.

فرقه‌ها و جنبش‌های نوین مذهبی

۳۵. افق دیدگاه‌های مذهبی و تنوع آنها یکی از مهم‌ترین مسائل جهان ما در دهه‌های اخیر بوده که به صورت گسترده‌ای در برخی نقاط دنیا موجب رشد فرقه‌ها و جنبش‌های مذهبی گردیده است که اکثریت آنها فاقد گرایش‌های صلح‌آمیز با جهان کاتولیک هستند یا این علاقه در آنها بسیار ضعیف است. در سال ۱۹۸۶ یک گزارش مشترک^{۳۷} با همکاری شورای کاتولیک رم منتشر گردید که در آن لزوم تشخیص و تفاوت قائل شدن بین فرقه‌ها و جنبش‌های نوین مذهبی از یک سو و کلیساها و جوامع مذهبی مسیحی از سوی دیگر مورد تأکید واقع شده بود. مطالعات وسیع‌تر در این مورد به صورت گسترده‌ای در حال انجام است.

۳۶. موقعیت فرقه‌ها و جنبش‌های نوین مسیحی بسیار پیچیده بوده و از فرهنگی به فرهنگ دیگر تغییر می‌نماید. در برخی کشورها این فرقه‌ها در جوامعی که بیش از اندازه به سوی دنیوی شدن حرکت می‌کنند شکوفا می‌شوند، اما در عین حال این جوامع بافتی ساده‌انگار و خرافی دارند. برخی از این فرقه‌ها اساساً غیرمسیحی هستند و برخی از آنها روحانی بوده و گروهی نیز خود را مسیحی می‌دانند و ممکن است که از کلیسای یک پارچه جدا شده و یا ارتباط ضعیفی با آن داشته باشند. واضح است که اسقفان، مجمع اسقفان کاتولیک شرق و نشست‌های اسقفان مسئول چگونگی برخورد با این فرقه‌ها و بررسی چالش‌های هر منطقه خاص می‌باشند. اما باید تأکید نمود که قواعد پیوندها و فعالیت‌های مندرج در این مجموعه تنها به کلیساها و مجامع روحانی مربوط می‌شود که کلیسای کاتولیک با آنها روابط بین‌کلیسایی برقرار نموده است. بدیهی است که خواننده این متن می‌داند که تنها پایه و اساس ممکن برای چنین پیوندها و همکاری‌هایی، شناخت پیوند قطعی، هرچند ناکامل، است که هم اکنون وجود دارد. گشاده‌رویی و احترام صمیمانه نشانه‌های منطقی وجود چنین درک و شناختی به شمار می‌روند.

۳۷. فرقه‌ها یا جنبش‌های مذهبی نوین: مبارزه‌ای شبانی.

۲- سازمانهای کلیسای کاتولیک برای خدمات اتحاد مسیحیان

الف) مقدمه

۳۷- کلیسای کاتولیک از طریق کلیساهای تابع خود در محل ها و منطقه های متفاوت حضور داشته و در کنار کلیساها و جماعت های مذهبی دیگر زندگی می کند. چنین مناطقی ویژگی های قومی، سیاسی، روحانی و فرهنگی خاص خود را دارند. در بسیاری از موارد در چنین منطقه هایی با برتری و اقتدار کلیساها و جماعت های دیگر روبه رو هستیم این گونه مناطق اغلب با یک مجمع اسقفان کاتولیک شرقی و یا یک نشست اسقفان در ارتباط و پاسخگوی آن هستند.

۳۸- بنابراین هر کلیسای کاتولیک محلی، و یا هر مجموعه ای از کلیساهای محلی که با یکدیگر همکاری نزدیک دارند خود را در وضعیت مناسبی برای ایجاد روابط با کلیساها و جماعت های دیگر خواهند یافت. در چنین شرایطی آنها خواهند توانست روابط بین الکیسایی پر بار و ثمر بخشی را فراهم آورده و امکانات فعالیت های وسیع تر در این زمینه را ایجاد کنند.^{۳۸}

۳۹- مجمع واتیکان دوم، وظیفه هدایت فعالیت های بین الکیسایی را در هر جای جهان «به طور اختصاصی به اسقفان سپرده است که در زمینه رهبری و اقتدار آن شرایط کاملاً مناسبی دارند».^{۳۹} روش رهبری خاصی که در حال حاضر توسط اسقفان به طور انفرادی، و یا مجمع اسقفان کلیساهای کاتولیک شرق و هم چنین نشست های اسقفان انجام گرفته است، براساس قوانین مقدس کلیسای لاتین ماده ۷۵۵ تنظیم و ترتیب یافته است. در این ماده قانون چنین می خوانیم:

۱- اسقفان درباره کلیه وظایف محوله طبق دیدگاه رسولی اختیار نام دارند که فعالیت های کاتولیک ها را در زمینه بین الکیسایی سازمان داده، هدایت کنند که هدف آن بازسازی و احیای اتحاد مسیحیان است که به نوبه خود کلیسا آن را به عنوان اراده نیکوی مسیح باز می شناسد.

۲- به همین ترتیب براساس همین قوانین (= قانون مقدس) بر عهده اسقفان یا شورای اسقفان است که با استفاده از الگوی این قانون برحق، در مورد نیازها و فرصت های مناسب برای هدایت و پیشبرد همین اتحاد در مقابله با قواعد متناقض و

۳۸- ر.ک همین مجموعه بندهای ۱۶۶-۱۷۱.

۳۹- UR بند ۴.

دست و پا گیر اقدام نموده اطلاعیه صادر نمایند و برطبق دستورات عالی‌ترین مقامات کلیسا عمل کنند.

در مورد کلیساهای کاتولیک شرق مواد قانون شماره ۹۰۲-۹۰۴ مصوبه CCEO چنین اعلام می‌نمایند: ۱- شماره ۹۰۲- از آن جایی که اتحاد مسیحیان موضوعی مربوط به تمامی کلیساها می‌باشد، تمامی ایمانداران مسیحی به خصوص شبانان کلیساها باید برای تحقق و کامل شدن این اتحاد که اراده خدایوند و فیض روح القدس است دعا نمایند.

شماره ۹۰۳- کلیساهای کاتولیک شرق در حفظ اتحاد بین مسیحیان تمام کلیساهای شرق نقش و وظیفه خاصی برعهده دارند که قبل از هر چیز در دعاها، یا الگوی زندگی، یا از طریق هماهنگی قلبی عمیق با سنت‌های کهن کلیسای کاتولیک شرق و هم چنین با درک بهتر یکدیگر و نهایتاً در همکاری و احترام برادرانه به روح و در عمل، باید به انجام آن همت گمارند.

شماره ۹۰۴- ۱- نتایج هر نوع فعالیت در بین کلیساها در هر کلیسای *sui iuris* بایستی توسط قوانین خاص مورد حمایت و تشویق قرار گرفته و نهایتاً زیر نظر دیدگاه رسولی رم این وظیفه در کلیسای جهانی به انجام رسد.

۴۰- در پرتو این اختیار ویژه، برای تشویق و هدایت وظایف بین‌الکلیسایی، برقراری نظام‌ها یا الگوهای خاص مشروح زیر که سازمان‌های مربوطه باید وظایف خود را بر اساس آن انجام دهند، از مسئولیت‌های مستقیم اسقف محلی در دایره اسقفی متبوع خود و یا مجمع اسقفان کلیساهای کاتولیک شرق و یا شوراهای اسقفان به شمار می‌رود. هم چنین نظارت بر اجرای این قوانین نیز شامل این اختیارات ویژه است. علاوه بر این در اعطای مسئولیت‌ها به افراد باید شایستگی و دانش کافی آنان در باره نظامنامه بین‌الکلیسایی کلیسای کاتولیک ثابت شده و با جدیت به انجام وظایف خویش و حوزه این وظایف آشنا و مشغول باشند.

ب) مسئول بین‌الکلیسایی در دوائر اسقفی

۴۱- در دوائر اسقفی، اسقف می‌بایستی شخصی جدی و مسئول را برای پاسخگویی به سؤالات مربوط به فعالیت‌های سرپرستی این فعالیت به کار بگمارد. شخص مورد نظر به مدیریت کمیسیون بین‌الکلیسایی دایره اسقفی ذریعاً برگیرنده شده، هدایت کلیه موارد موضوع ماده شماره ۴۴ در مورد فعالیت‌های این کمیسیون (یا در صورت فقدان چنین ساختاری مسئولیت انجام وظیفه مستقیم) را بر عهده خواهد داشت. به عنوان یکی از همکاران نزدیک اسقف و با معاونت و همکاری شایسته‌ای این شخص فعالیت‌های مختلف دایره اسقفی خود را در زمینه دعاها برای اتحاد مسیحیان تشویق نموده و در جهت

ارزیابی تأثیرات چنین فعالیت‌هایی در دایره اسقفی خویش، اعلام نیازهای ویژه، و اطلاع دادن به دایره اسقفی در این موارد انجام وظیفه خواهد کرد. این مسئول هم‌چنین نمایندگی جماعت کاتولیک را در رابطه با کلیساها و جماعت‌های دیگر مسیحی و رهبران آنها به عهده داشته و این‌گونه ارتباطات را بین اسقفان، مقامات مذهبی و افراد عادی کلیساها برنامه‌ریزی و تسهیل می‌نماید. او در نقش مشاور امور مربوط به فعالیت‌های بین‌الکلیسایی با اسقف و دیگر خادمان دایره اسقفی خود عمل کرده و تجربیات فعالیت‌های کلیسا را با اسقف، شبانان و سازمانهای کلیسایی به مشارکت می‌گذارد. هم‌چنین این فرد به تداوم ارتباط‌ها با نمایندگان کلیساها و جماعت‌های دیگر در دوائر اسقفی کمک خواهد کرد. حتی در مناطقی که کاتولیک‌ها در اکثریت قرار دارند و یا در دایره‌های اسقفی که فاقد پرسنل کافی و محروم از امکانات هستند، شایسته است شخصی در این مقام، هدایت فعالیت‌های مذکور را تا حد امکان تسهیل نموده و راههای مناسب را برای این انجام فعالیتها بیابد.

ج) شورای بین‌الکلیسایی دایره اسقفی یا دبیر اجرایی آن

۴۲- علاوه بر مسئول فعالیت‌های بین‌الکلیسایی، اسقف باید شورایی یا فردی در معاونت خویش را برای اجرای این فعالیتها و هدفمند و جهت‌دار کردن آنها و به‌طور کلی برای هرگونه سازماندهی این فعالیت‌ها به منصب خاصی بگمارد.

۴۳- این شورا از افراد مختلف اعم از خدام‌الدین، مردان روحانی و افراد عادی با گرایش‌های مختلف و به‌ویژه افرادی که در زمینه فعالیت‌های کلیسایی از تخصص برخوردارند، تشکیل می‌گردد. حضور نمایندگان شورای مشایخ، شورای شبانان و نمایندگان دانشکده‌های الهیاتی منطقه‌ای یا وابسته به دایره اسقفی خاص در میان اعضای این کمیسیون باید استقبال گردد.

این کمیسیون باید با سازمان‌ها و مؤسسات بین‌الکلیسایی موجود همکاری نموده و یا از آنها در موقع لزوم کمک بگیرد. این شورا باید آمادگی هرگونه فعالیت دیگری را به‌طور انفرادی برای ایجاد فضای تفاهم و انتقال اندیشه‌ها و آرای متفاوت دارا باشد. ارتباط با کلیساهای محلی و کوچک با استفاده از ابتکارات منطبق بر دیدگاه رسولی و در ارتباط با گروه‌های مختلف خادمان و هم‌چنین زندگی مقدس و نظارت بر حالت و وضعیت روحانی افراد عامی و روحانی در کلیسا نباید از نظر دور بماند.

۴۴- علاوه بر فعالیت‌های ذکر شده، این شورا باید:

الف) تعالیم و رهنمودهای مجمع دوم واتیکان را دربارهٔ فعالیت‌های بین‌کلیسایی بر طبق تصمیمات اسقف عملاً به اجرا درآورده و اسناد صادر شده از سوی دیدگاه مقدس رم، یا شورای اسقفان کاتولیک شرق و یا نشست‌های اسقفان را نیز به اجرا درآورد؛

ب) روابط بین شوراهای همنام را در مناطق مختلف تقویت و تداوم بخشیده دستورات صادره از این شوراها را با شرایط تطبیق دهد. (ذیلاً به آن اشاره خواهد شد). در شرایط مناسب و مقتضی باید اطلاعات لازم دربارهٔ تجربیات و نتایج فعالیت‌ها را به اطلاع شورای اسقفان رهبری‌کنندهٔ اتحاد مسیحی برساند؛

ج) بر طبق موافقتنامهٔ بین‌کلیسایی و دیگر قسمت‌های این مجموعه، فعالیت‌های روحانی را برای اتحاد مسیحیان ترتیب دهد؛

د) از طریق کارگاهها و محل‌های آموزشی خاص برای تربیت گروههای خادمان و تعلیم افراد عامی در جهت شناخت و درک ابعاد مختلف و اهمیت فعالیت‌های بین‌کلیسایی مساعدت نموده و بر شیوهٔ آماده‌سازی افراد خاص جهت موعظه، تعلیم حق‌جویان و انواع دیگر تعلیم و فعالیت‌های شبانی (مثلاً خدمات شبانی در مورد ازدواج‌های مختلط و غیره) نظارت خاص اعمال کند؛

ه) امکانات همکاری‌های نیکوکارانه و روابط دوستانه را بین کاتولیک‌ها و دیگر مسیحیان که پیوند کامل با آنها هنوز عملی نشده است، بر طبق رهنمودهای ذیل فراهم سازد (به خصوص بندهای ۲۰۵-۲۱۸)؛

و) ایجاد امکانات و هدایت مباحث و مشاوره با در نظر گرفتن تطابق عقاید متفاوت شرکت‌کنندگان و موضوع گفتگوها؛^{۴۰}

ز) برانگیختن افراد متخصص و آگاه برای گفتگو در سطوح بالا با کلیساها و مجامع روحانی؛

ح) ایجاد امکانات همکاری متقابل با دیگر دوائر اسقفی و دیگر مسیحیان پیوندکننده در اعتراف ایمان مسیحی تا حد امکان و هم‌چنین همکاری در حوزه‌های تعلیم و تربیت، اخلاق فردی و اجتماعی، عدالت اجتماعی، موضوعات فرهنگی، آموزشی و مسائل هنری؛^{۴۱}

ط) ترغیب اسقفان به تبادل نیروهای متخصص و میهمانان در مناسبت‌های خاص، کنفرانس‌ها، شوراها، انتصاب رهبران مذهبی و موقعیت‌های مشابه.

۴۰- UR بند ۹ و ۱۱.

۴۱- UR بند ۱۲.

۴۵. در حوزه فعالیت دوائر اسقفی، کلیساهای کوچکتر باید برای شرکت در فعالیت های بین الکیسایبی ابتکاری در سطح مناسب خود و در صورت امکان در تشکیل گروههای فعال در این زمینه (ذیلاً بند ۶۷) تشویق شوند. آنها باید با مقامات حوزه روحانی خود ارتباط نزدیک داشته دانسته ها و تجربیات خود را با آنها و با دیگر کلیساهای مشابه به مشارکت گذارند.

د) نشست بین الکیسایبی اسقفان کلیساهای کاتولیک شرق و شوراهای اسقفان

۴۶. هر یک از مجمع های اسقفان کاتولیک شرق و کنفرانس های اسقفان بر طبق نظام کاری خود بایستی یک کمیسیون اسقفی بین الکیسایبی با شرکت متخصصین زن و مرد که از بین خادمان و ایمانداران و افراد عادی انتخاب می شوند تشکیل دهند. در صورت امکان شورا بایستی یک دبیر دائمی داشته باشد. این شورا که روش کار آن توسط مجمع اسقفان یا کنفرانس یقین خواهد شد، باید فرد مسئولی را در جهت هدایت در مسائل بین الکیسایبی و تعیین روش های کار بر طبق قوانین موجود کلیسایبی انتخاب نماید که باید قادر به تشخیص امکانات و رسوم محلی باشد. این مجمع باید اعتقادات و سنت های قومی افراد محلی را که با آنها سر و کار خواهد داشت همراه و مطابق با رسوم و سنت های کلیسای جهانی در نظر بگیرند. هنگامی که امکان تشکیل چنین کمیسیونی وجود نداشته باشد حداقل یک اسقف باید برای تصدی مسئولیت فعالیت ها و وظایفی که در بند ۴۷ بیان می شوند انتخاب گردد.

۴۷. اعمال این کمیسیون باید شامل موارد ذکر شده در بند ۴۴ و تا حد امکان در تطابق با نظرات مجمع اسقفان کلیساهای کاتولیک شرق یا مجمع اسقفان باشد. علاوه بر این این کمیسیون وظایف دیگری نیز برعهده دارد که برخی نمونه های آن ذیلاً ارائه شود:

الف) اجرای قواعد و الگوهای فعالیتی تصویب شده بر طبق نظرگاه مقدس رم در این موارد.

ب) مشاوره و کمک به اسقفان عضو کمیسیون بین الکیسایبی و تشویق هرگونه همکاری میان کمیسیون های دوائر اسقفی مختلف و مسئولان آنها مثلاً گردهمایی های دوره ای این مسئولان و نمایندگان حوزه های اسقفی.

ج) ترغیب و در موارد لزوم، همکاری و امداد رسانی به دیگر کمیسیون های شورای اسقفان کلیساهای کاتولیک شرق برای احیای اندیشه موجود در فعالیت های بین الکیسایبی و بیانیه های عمومی و غیره.

د) دعوت به همکاری بین مسیحیان برای مثال از طریق کمکهای مادی و معنوی هم به بنیادهای بین الکیسایبی موجود و هم به بنیانگذاران چنین مؤسساتی و حمایت آنها در زمینه های تحقیقی یا مراقبت های شبانی و عمیق تر کردن هدف و زندگی مسیحی بر اساس موافقتنامه شورای بین الکیسایبی مندرج در بندهای ۹-۱۲.

ه) تشکیل مجالس مشورت و گفتگو با رهبران کلیسا و شوراها ی کلیسایی در سطح ملی یا منطقه ای (دور از ناحیه اسقفی) و ایجاد نظام های کافی و مطلوب برای اینگونه گفتگوها.

و) تداوم روابط و فعالیت های پویا با این سازمان های بین الکللیسایی که توسط شورای اسقفان و سازمان های خدمات مسیحی تأسیس شده یا اداره می شوند و هم چنین با دیگر سازمانهای کاتولیک در سطح منطقه.

ز) سازماندهی و تبادل گروههای میهمان در مناسبت های ویژه کلیسایی و موقعیت های مشابه در سطح منطقه ای - ملی.

ح) گزارش کلیه پیشرفت های حاصل شده در گفتگوهای منطقه به مجمع اسقفان، و به مشارکت گذاردن این گزارش با شورای اسقفان رم برای اتحاد مسیحی چنان که تبادل نظرات و تجربیات در محیطی صمیمانه ممکن گردد و نتایج آن در گفتگوها و بالعکس انعکاس یابد.

ط) به طور کلی تداوم روابط بین الکللیسایی بین مجمع اسقفان کاتولیک شرق و نشست اسقفان و شورای اسقفان رم برای اتحاد مسیحیان و کمیسیون های منطقه ای.

ه) سازمانهای بین الکللیسایی در مورد دیگر مسائل و زمینه ها

۴۸- سازمانهای فوق ملی که به شکل های مختلف برای ایجاد زمینه های همکاری و همدلی بین شورای اسقفان فعالند هم چنین بایستی برخی سازمان های کوچک تر را برای بررسی وضعیت تلاش های بین الکللیسایی تأسیس نمایند. حوزه تلاش ها و فعالیت های این سازمان ها و شکل آنها به میزان فعالیت و نوع خدمتی که دارند وابسته است و امکانات منطقه ای نیز در آن باید در نظر گرفته شود.

۴۹- جوامع ویژه و سازمانهای خاصی در بدنه کلیسای کاتولیک وجود دارند که ارتباط وجودی آنها با مسائل زندگی روحانی کلیسا حدود وظایف آنها را تعیین می کند. اگرچه آنها مستقیماً قسمتی از سازمان های کلیسایی پیش گفته به حساب نمی آیند، حوزه وظیفه آنها رابطه تنگاتنگی با ابعاد بین الکللیسایی دارد و از این رو باید سازماندهی آنها دقیق و در حد مطلوب باشد تا هدف های اساسی کل مجموعه به ثمر بنشیند. در میان این گونه سازمانها، مؤسسات زندگی مقدس (دیرها) جوامع زندگی رسولی و سازمان های مختلف ایمانداران کاتولیک وجود دارند.

و) مؤسسه تقدیس زندگی و جوامع زندگی رسولی

۵۰. از آن جایی که موضوع اتحاد، کلیه کلیسا را در بر می گیرد اعم از آنکه خادمان و مردم عادی در آن فعال باشند.^{۴۲} نظام های مذهبی و جماعت ها و گروه های حیات رسولان که از نظر کارکرد داخل کلیسایی و خارج از آن از اهمیت برخوردارند، از نظر اصالت وجود خود امکانات و شرایط ویژه ای را در زمینه تفکر و عمل در فعالیت های بین کلیسایی فراهم می آورند. برطبق سازماندهی و اهداف ویژه روحانی آنها - که برخی از آنها شامل از بین بردن جدائی ها بین مسیحیان است - و در پرتو روح و اهداف خود این سازمانها و فعالیت آنها در حدود امکانات و محدودیت های شیوه زندگی خود تشویق می شوند و در زمینه های زیر کار می کنند.

الف) ایجاد و تأمین زمینه های آگاهی از اهمیت تلاشهای بین کلیسایی و مشکلات خاص آن در زندگی از نقطه نظر ایجاد حالات تغییر قلبی، دعای شخصی و خدمات خاص نسبت به کلیسا و دنیا، محور و مرکز تلاشهای بین کلیسایی را تشکیل می دهند.

ب) تشریح و تبلیغ اهداف دعوتهای بین کلیسایی برای همه مسیحیان در جهت تقدس زندگی و ایجاد موقعیت های خاص برای تشکیل گروه های فعال روحانی برای تمرکز، مراقبه، تشکر و سپاسگزاری خداوند و خدمت به همسایه و عمومی کردن این فعالیت ها؛

ج) پرداختن به مسائل منطقه ای و مشکلات شخصی، سازماندهی مسیحیان کلیساهای مختلف و جوامع روحانی برای نیایش و دعا، جمع آوری اعانه و تجربیات روحانی ویژه و ایجاد زمینه برای درک عمیق سنت های روحانی مسیحی؛

د) پاسداشت و ادامه روابط دیرها و جوامع دارای زندگی مشترک در بین دیگر مسیحیان برای تبادل نظر در زمینه زندگی روحانی و اندیشه ها و ابتکارات فکری عمیق، و از این جهت رشد و گسترش اهداف مذهبی در این جوامع عامل مساعدی در تمامیت تلاش بین کلیسایی خواهد بود. این فعالیت ها به ایجاد روحیه مثبت مذهبی خواهد انجامید؛

ه) سرپرستی کلیه مؤسسات فرهنگی متفاوتی که زیر نظر آنها قرار دارند و ایجاد تفکرات بین کلیسایی بر طبق قواعدی که پس از این اشاره خواهد شد در این مؤسسات؛
و) همکاری با همه مسیحیان در زمینه کار مشترک برای عدالت اجتماعی، پیشرفت اقتصادی، رشد بهداشتی فرهنگی، حفظ محیط زیست و تلاش برای صلح و آشتی میان ملل و جوامع مختلف.

ز) تاحدی که شرایط مذهبی اجازه می دهند، تشویق و ترغیب فعالیت های

بین‌الکلیسایی باید انجام شود تا آنکه «در حالی که از هر نوع اختلاف و تفرقه و یا اغتشاش و رقابت بی‌معنا اجتناب می‌شود، کاتولیک‌ها باید با برادران جدا شده تا حد امکان همکاری نمایند و در مقابل ملل مختلف به ایمان مشترک خود به خداوند و عیسی مسیح اعتراف نمایند و در تلاش برادرانه دو جانبه در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، و مذهبی، تا آنجا که بر طبق اساسنامه فعالیت بین‌الکلیسایی اجازه می‌دهد، شرکت جویند. این فعالیت به خصوص باید به جهت یگانگی خداوند مشترک آنها یعنی مسیح انجام گیرد. تا آنکه نام او آنها را متحد گرداند».^{۴۳}

در انجام این فعالیت‌ها آنها به قواعدی برای کار مشترک کلیسایی دست خواهند یافت که توسط اسقف مربوطه و یا شورای اسقفان کلیسای کاتولیک شرق و یا نشست سراسری اسقفان تعیین شده بود (به عنوان عاملی برای کار مشترک آنها در منطقه). آنها هم‌چنین در ارتباط دائمی و نزدیک با اسقف‌های دیگر یا کمیسیون‌های ملی بین‌الکلیسایی دیگر و در صورت لزوم با شورای اسقفان برای اتحاد مسیحی قرار خواهند داشت.

۵۱- در جهت کمک به این حرکت بین‌الکلیسایی، فرصت مغتنمی خواهد بود که سازمان‌های مختلف فعال در این زمینه از جمله جوامع رشد روحانی و گروه‌های زندگی رسولی تشکیل شوند که در سطح اختیارات خود کمیته‌ای برای هدایت و ادامه فعالیت‌های آنها بر کار آنها نظارت خواهد نمود. عمل این کمیته‌های نمایندگی ایجاد فعالیت‌ها و زمینه‌های این فعالیت در بین اعضا، اعم از عادی و تخصصی و کمک گرفتن از کلیه کسانی خواهد بود که قادرند در این زمینه و موارد مختلف مربوط به آن پیشنهادها سودمند و مفید به مقامات محلی و هدایت‌کننده این جوامع ارائه دهند، به طور خاص برای هدایت و ایجاد زمینه پیشرفت در فعالیت‌های فوق‌الذکر (بند ۵۰).

ز) سازماندهی ایمانداران

۵۲- سازماندهی ایمانداران کاتولیک در یک منطقه یا در بین یک قومیت خاص همانند سازماندهی‌های در سطح جهانی که اهداف خاص خود را دنبال می‌کنند یعنی مثلاً تجدید حیات روحانی، فعالیت برای صلح و عدالت اجتماعی، تلاش برای زمینه‌های فرهنگی، کمک اقتصادی به کشورها و مؤسسات و غیره، باید در زمینه اصلی فعالیت بین‌الکلیسایی هدفمند شود. آنها باید ثمرات فعالیت‌های خود را حتی در مورد سازمانها و موقعیت خود به طور مؤثر ببینند. در انجام فعالیت‌های بین‌الکلیسایی آنها باید با کمیته‌ها و کمیسیون‌های محلی - منقطه‌ای مرتبط باقی مانده و در صورت امکان و نیاز با شورای اسقفان برای اتحاد مسیحیان جهت تبادل تجربیات و نظریات ارزشمند ارتباط داشته باشند.

۴۳- بیانیه درمورد فعالیت بشارتی کلیسا، *Ad Gentes* (AG) بند ۱۵.

ح) شورای اسقفان برای اتحاد مسیحیان

۵۳ - در سطح کلیسای جهانی، این شورا که شاخه‌ای از رهبری رم است، وظیفه و اختیارات ویژه‌ای برای فعال کردن همه مسیحیان در جهت اتحاد دارد. سازمان Pastor Bonus (=شبان نیکو) (بند ۶ فوق الذکر) از یک سو فعالیت روح بین‌الکلیسایی را در کلیسای کاتولیک جهت داده و از سوی دیگر نتیجه‌ای از مجموع این فعالیت‌ها در همکاری با کلیساها و جماعت‌های دیگر به دست می‌دهد.

الف) این شورا تفسیر عمیق و واضح اهداف جنبش بین‌الکلیسایی و ایجاد امکانات اجرای عملی آنها را به عهده دارد، این سازمان با در نظر گرفتن مفاد تصمیمات واتیکان دوم درباره فعالیت بین‌الکلیسایی، فعالیت گروه‌های ملی و جهانی را در جهت اتحاد مسیحیان ترغیب نموده و به ایجاد زمینه‌ها و امکانات همکاری بین آنها کمک می‌نماید.

ب) ترتیب دادن گفتگوها با کلیساها و جماعت‌های روحانی دیگر در سطح بین‌المللی از وظایف دیگر این شورا است، این شورا نمایندگی کاتولیک‌ها را در سطح بین‌المللی نیز بر عهده دارد، این شورا نمایندگانی را به کنفرانس‌ها و نشست‌های مختلف دیگر سازمان‌های بین‌الکلیسایی فرستاده و از آنها نیز برای شرکت در نشست‌های کاتولیک در صورت امکان دعوت می‌نماید.

۵۴ - برای تکمیل و تحقق این فعالیت‌ها، این شورا به منظور پیشبرد اتحاد کلیساها رهنمودهایی را که در تمام کلیسای کاتولیک باید اجرا شوند ارائه می‌دهد. علاوه بر این ارتباط میان شورای اسقفان کاتولیک شرق و نشست‌های اسقفان را با تمامی سازمان‌های مربوط و ذیربط کاتولیک برقرار نگه می‌دارد. هماهنگی فعالیت‌های بین‌الکلیسایی در مجموعه کلیسای کاتولیکی ایجاب می‌نماید که این ارتباط دو سویه باشد. بنابراین، این شورا باید در جریان کلیه فعالیت‌ها در سطوح مختلف کلیسای جهانی قرار گیرد، به طور مخصوص هنگامی که این فعالیت‌ها و نتایج آن جنبه جهانی دارد و این آگاهی لازم به نظر می‌رسد، مثلاً در مورد ترتیب دادن گفتگوها در سطوح ملی و منطقه‌ای که با کلیساها و جماعت‌های روحانی دیگر برقرار شده است. تبادل صمیمانه دانسته‌ها و پیشنهادات در سطوح جهانی به سود فعالیت بین‌الکلیسایی خواهد بود چنان که در زندگی و سطوح مختلف فعالیت‌های کلیسای اصلی نیز مؤثر است. هر چه که رشد و هماهنگی فعالیت‌های فعلی بین‌الکلیسایی را تقویت کند نیز ارتباط بین کلیساهای کاتولیک را الزامی تر می‌نماید.

۳- سازمان‌های بین‌الکلیسایی در کلیسای کاتولیک

لزوم و هدف سازمان بین‌الکلیسایی

۵۵. «حفظ اتحاد در کل کلیسا، به ایمانداران و خادمان در یک سطح مربوط می‌شود. این وظیفه برطبق توانایی‌های هر شخص به او مربوط می‌شود، خواه در زندگی فردی مسیحی و یا در زمینه الهیاتی و یا در زمینه تاریخی باشد»^{۴۴} با در نظر گرفتن کارکرد سرشتی کلیسای کاتولیک، ایمانداران در صورت پیروی از مفاد مجمع واتیکان دوم، باید مسائل و راه‌های سازماندهی فعالیت‌های خود را یافته و در جهت انفرادی یا جمعی آن را تحقق بخشند. به این ترتیب اتحاد همگان در مسیح نتیجه رشد همگام و مشارکت و بلوغ فکری خواهد بود. زیرا دعوت خدا به تغییر دلها^{۴۵} و تجدید حیات روحانی^{۴۶} در کلیسا اساسی و مهم بوده و کسی را فراموش نمی‌کند.

به این دلیل همه ایمانداران به فعالیت شخصی و فعال در جهت افزایش مشارکت و پیوند با مسیحیان دیگر دعوت می‌شوند. اما این فعالیت به طور خاص بر عهده کسانی است که با موضوع مستقیماً در ارتباط قرار می‌گیرند. مثلاً اشخاصی که مدیریت آموزشگاهها را به عهده دارند و یا تحصیلات بالاتری دارند. کسانی که مسئولیت‌های شبانی را بر عهده دارند، به خصوص کشیشان کلیساهای کوچک و دیگر خادمان رسمی کلیسا، نیز در این مورد نقش و فعالیت ویژه‌ای دارند. وظیفه اسقف است که همراه با شورای اسقفان کاتولیک شرق و یا نشست‌های اسقفان رهنمودهای عمومی را در این ارتباط ارائه نمایند.

تطبیق تعلیم و وضعیت اشخاص

۵۶. فعالیت بین‌الکلیسایی همه را به تجدید و تازگی رفتار و انعطاف‌پذیری در روشهای جستجوی اتحاد دعوت می‌نماید. اختلاف سلیقه و شخصیت افراد، فعالیت‌ها و موقعیت‌ها و حتی ویژگی‌های خاص کلیساها نیز پژوهش فرهنگی است که با شیوه زندگی و توانایی‌های افراد و گروهها تطبیق داده می‌شود و نیاز به پیشرفت تدریجی در تجدید حیات مداوم روحانی و تغییرات در رفتار را ایجاب می‌نماید.

۵۷. نه فقط معلمین بلکه همه کسانی که در کار شبانی فعالند نیز در کار پیوسته برطبق رهنمودهای ذیل شخصیت خود را خواهند ساخت:

() UR - بند ۵.
() UR - بند ۷.
(*) UR - بند ۶.

الف) دانستن کتاب مقدس و نظام اعتقادی همراه با درک تاریخچه و وضعیت فعالیت‌های بین‌الکلیسایی در کشوری که شخص در آن زندگی می‌کند بسیار مهم است.

ب) دانش کافی درباره تاریخچه اختلافات و جدائی‌ها و کوشش‌هایی که در جهت ایجاد آشتی انجام شده‌اند و هم‌چنین وضعیت اعتقادی - الهیاتی کلیساها، تجزیه و تحلیل مسائل و مشکلات اجتماعی - فرهنگی و در نظر گرفتن آنها در فعالیت‌های کلیسایی و حل بحران جدایی کلیساهای منفک از کاتولیسیم (کلیسای کاتولیک) را ممکن می‌سازد.

ج) در این دیدگاه نتایج روشن شدن نقطه نظرهای الهیاتی در گفتگوها و مطالعات تحقیقی علم به وضوح بررسی می‌شود. هم‌چنین باید مسیحیان تاریخچه زندگی و علت جدائی‌ها و راه‌حل‌های حل مسئله و تلاشهای خود را در جهت اتحاد برای یکدیگر به رشته تحریر درآورند.

د) از این راه خطر تجزیه و تحلیل یکسونگرانه و ذهنی، هم در ارائه ایمان کاتولیک و هم در درک ایمان از سوی کاتولیک و زندگی کلیساهای دیگر قابل اجتناب می‌گردد.

ه) فعالیت‌های بین‌الکلیسایی تا آنجا که در حال پیشرفت هستند موجب افزایش توجه به اتحاد کلیسای کاتولیک و کلیساهای دیگر و جدایی ناپذیر بودن آنها می‌شود.

و) واضح است که برای این اتحاد و به شراکت گذاشتن آن کاتولیک‌ها باید روابط خود را به مسیحیان شرق و مسیحیان جوامع اصلاح شده مسیحی عمیق‌تر نمایند.

ز) روش تعلیم باید امکان رشد و پیشرفت تدریجی را فراهم آورد. چنین روشی تشخیص و تقسیم پرسشها را جهت تحقیق ممکن ساخته و در مراحل مختلف تعلیم الهیاتی حتی تجربه بین‌الکلیسایی شخص نیز در نظر گرفته می‌شود. بنابراین، همه کسانی که در فعالیت‌های شبانی دخالت دارند باید به سنت مقدس و زنده کلیسا که منبعی برای خلاقیت کلیسا به شمار می‌رود وفادار باشند. آنان باید قادر باشند که حقیقت را در هر کجا که یافت می‌شود ارزیابی نموده پذیرا باشند، «تمامی حقیقت از هر کس شنیده یا گفته شود از روح القدس الهام یافته است».

تعلیم تمامی جماعت ایمانداران

۵۸ - دیدگاه اتحاد در درک و فهم کلیسا از عوامل اساسی به شمار می‌آید. ذهنیت موجود در تعلیم بین‌الکلیسایی تصدیق تمام مسیحیان با تمامی تفاوت‌ها و خدمات مختلف و وظایف اجتماعی آنها به پیروی از روح فعالیت‌های متحد بین کلیساهای می‌باشد. در زندگی ایمانداران تحت الهام روح مسیح، عطایی که مسیح برای آن دعا کرد، یعنی «عطای اتحاد» در درجه اول اهمیت قرار دارد. این اتحاد قبل از هر چیز اتحاد با

مسیح در یک حرکت ساده نیکوکارانه است که هم با پدر و هم با همسایه باید تحقق یابد. ثانیاً این یک پیوند عمیق و فعال و زنده افراد ایماندار است که با کلیسای جهانی از طریق یک کلیسای خاص که شخص در آن حضور دارد به انجام می‌رسد. و ثالثاً این پیوند شکل قابل رؤیت و ملموس اتحادی را نشان می‌دهد که توسط کلیساهای دیگر نیز جستجو می‌شود.

ابزارهای تعالیم

۵۹. شنیدن و مطالعه کلام خدا - کلیسای کاتولیک همواره متون مقدس را در نظر داشته و همراه با سنت و روایت‌های خود به کار برده و به عنوان «قانون ایمان» شناخته و آن را «غذای روح و منبع پاک و مقدس حیات روحانی»^{۴۷} برای فرزندان خود به حساب آورده است. برادران و خواهران ما در کلیساها و جماعت‌های دیگر ایمانی نیز به این متون مقدس احترام گذاشته و آنها را قبول دارند. موقعیت‌های مطالعه عمیق کتاب مقدس توسط آنها همواره وجود داشته است.^{۴۸} کلام خدا که به این ترتیب برای تمام مسیحیان همان کلام و کاملاً یکسان است راه را برای اتحاد هموار خواهد ساخت و تحقق آن به میزان توجه و تمرکز و مطالعه عمیق بستگی دارد.

۶۰. موعظه - دقت خاصی در مورد موعظه باید مبذول گردد اعم از آنکه در درون پرستش و یا جدا از آن ارائه می‌شود. چنان‌که پل ششم می‌گوید: «به عنوان شهادت‌دهندگان و سفیران بشارت ما باید ایمانداران و وفادار به مسیح باشیم، و تصویر گروهی جدا از هم را که در میان خود گرفتار جنگ‌های نامقدس هستند رها کرده و نشانی از انسانهای بالغ در ایمان باشیم که به نقاط مشترک فکری دست یافته و فراتر از مشکلات و به یمن شوق صمیمانه برای جستجوی حقیقت در اتحاد با یکدیگر زندگی می‌کنند». قسمت‌های مختلف تقویم نیایشی فرصت‌های مناسبی برای گسترش موضوعات اتحاد مسیحیان را ارائه نموده و تا حد امکان اتحاد مورد نظر را به شکلی ملموس و قابل رؤیت نشان می‌دهد. در موعظه از استفاده‌های نابجا از متون مقدس باید اجتناب شود.

۶۱. تعلیم - این قسمت از تعلیم تنها شامل تعلیم نقطه نظرهای اعتقادی کلیسا نمی‌شود بلکه باید آن را آشناسازی خود با زندگی مسیحی به صورت یک کل یکپارچه تلقی نمود که لزوماً به شراکت کامل در رازهای کلیسا منجر می‌گردد. اما چنان‌که در بیانیه رسولی پاپ ژان پل دوم نشان داده شده است (*Catechesi Tradendae*) (بندهای ۳۲-۳۳)، این تعلیم می‌تواند به فعال‌تر شدن امور بین‌کلیسایی با در نظر گرفتن موارد ذیل منجر گردد:

۴۷. نظامنامه جزمی درباره مکاشفه الهی، *Dei Verbum* (DV) بند ۲۱.

۴۸. UR-۴۸ بند ۲۱.

الف) اولاً این تعلیم بایستی به روشنی کامل در محیطی صمیمانه و عمیق تمام اعتقادات کلیسای کاتولیک را که به روشی خاص نظام حقایق میراث خود را حرمت می‌دارد بیان و تشریح نماید.^{۴۹} از بیان و تشریح مبهم این عقاید در این تعلیم باید خودداری نمود.

ب) هنگام صحبت از کلیساها و جماعت‌های روحانی دیگر، ارائه تعلیم آنها به شکل صادقانه و صحیح حائز اهمیت فراوانی است. در میان عناصری که کلیسا را تشکیل داده و آن را زندگی بخشیده، برخی - و حتی بسیاری و ارزشمندترین آنها - را می‌توان در خارج از محدوده قابل رؤیت کلیسای کاتولیک یافت.^{۵۰} بنابراین روح مسیح ابایی ندارد که این جوامع را به عنوان وسایل نجات مورد استفاده قرار دهد. چنین رفتاری تمامی حقایقی را که درباره ایمان در اعترافات متفاوت با کاتولیک وجود دارند روشن خواهد ساخت. هم چنین این برخورد به کاتولیک‌ها کمک خواهد کرد تا ایمان خود را عمیق تر نموده و دیگر مسیحیان را ارزش گذاشته بشناسند. بدین سان جستجوی راهی برای اتحاد مسیحیان در راستی کامل آسان تر خواهد شد.

ج) تعلیم حق جویان در صورتی که با هدف اتحاد و تغذیه کامل ایمانی و روحانی انجام پذیرد از ارزش‌های والایی در زمینه فعالیت‌های بین‌الکلیسایی برخوردار بوده و این ارزش در صورت تلاش راستین برای فروتنی و پاکسازی درونی اهمیت بیشتری خواهد یافت، باشد که از این طریق نقاط ابهام رفع شده و تنها به الهیات محض و عقیده خاص کلیسا پافشاری نشود بلکه هدف اصلی و نهایی همان اتحادی باشد که خداوند با به کار بردن تمامی وسیله‌ها اراده تحقق آن را دارد.

د) تعلیم حق جویان علاوه بر این از دیدگاه بین‌الکلیسایی ارزشمند خواهد بود، اگر با هدف تربیت کودکان، جوانان و افراد بالغ برای پیوند با مسیحیان دیگر و با دیدگاه بلوغ روحانی به عنوان یک کاتولیک و با احترام به ایمان دیگران انجام گردد.

ه) این تعلیم از طریق توجه به امکانات و روش‌های بیان ایمان و ارتباط حقایق روحانی با یکدیگر وظیفه اتحاد را انجام خواهد داد،^{۵۱} و با اشتیاق کامل برای درک و تفهیم آنچه نیکوست و جستجوی آن در الهیات دیگران و نیز با روشن ساختن روابط تازه‌ای که گفتگوها به وجود آورده‌اند، و با درک کامل و دقیق آنها، می‌تواند به همکاری و صلح بیانجامد.^{۵۲}

و) بیانیه رسولی *Catechesi Tradendae* در مرکز توجه هر نوع همکاری در تعلیم حق جویان قرار دارد که در کلیساهای محلی و تحت نظر اسقفان تعلیم می‌یابند.

۴۹- UR و دائرة المعارف عمومی تعلیمات مذهبی و بندهای ۷۵، ۱۷۶ همین مجموعه.

۵۰- UR بندهای ۳ و ۴.

۵۱- UR بند ۶ و هم چنین نظامنامه شبانی درمورد کلیسا در دنیای امروز، *Gaudium et Spes* (GS).

۵۲- بندهای ۱۸۸-۱۹۰ همین مجموعه.

۶۲- آیین نیایشی - آیین نیایشی «منبع اصلی و اولیه و غیرقابل انکار روح حقیقی مسیحی برای ایمانداران»^{۵۳} به شمار می‌رود و از این جهت نقشی اساسی و بسیار مهم در اتحاد مسیحیان بازی می‌کند. آیین نیایشی نوعی نمایش و برگذاری و نشانه‌ای از اتحاد است که اگر به درستی درک و تفهیم شود و همه در آن به طور کامل شراکت جویند «وسیله‌ای است مناسب برای نشان دادن و بیان راز مسیح و حقیقت وجودی کلیسا در زندگی ایمانداران که برای دیگران آشکار می‌شود».

الف) از آن جایی که قربانی مقدس «رازی شگفت‌انگیز» است... «که از طریق آن اتحاد کلیسا تضمین شده و نشان داده می‌شود»،^{۵۴} بسیار مهم است که در اجرای آن کوشا بوده و از امکان شرکت همه ایمانداران در آن اطمینان حاصل نمائیم، زیرا «با تقدیم قربانی والا و بی‌مثال نه فقط با دست‌های کشیش بلکه همراه با او، ایمانداران می‌آموزند تا خود را نیز به شایستگی تقدیم نمایند. از طریق مسیح که واسطه عهد جدید است، ایمانداران روز از پی روز به اتحاد هرچه نزدیک‌تر و ژرف‌تر با خدا و با یکدیگر دست می‌یابند تا آنکه در فرجام کار خدا کل در کل باشد».^{۵۵}

ب) بجا و مناسب خواهد بود اگر دعای صمیمانه برای اتحاد مسیحیان تقویت و تشویق گردد و برطبق متن این مجموعه که آیین نیایشی در جاهای مختلفی - مثلاً در نیایش کلمه خدا که در نیایش شرق به نام «لیتیا» و «مولبن» (Litia, Moleben) شناخته شده و یا به طور مخصوص در طول قربانی مقدس - در دعای ایمانداران یا استغاثه (Ectenie) و یا هم‌چنین در برگذاری نیایش اتحاد کلیسا که به یاری شکل‌های خاص نیایشی اجرا می‌شود، به آنها اشاره می‌نماید. یک تعلیم مؤثر می‌تواند از طریق برنامه ریزی برای دعاها در زمانهای خاص نیز ارائه گردد که این زمانهای خاص هفته اتحاد (۱۸-۲۵ ژانویه) و یا هفته بین عید صعود و عید پنطیکاست هستند، چنان‌که روح القدس بتواند کلیسا را با خود جمع کرده و در صفت رسولی آن را در مأموریت جهانی نجات‌یاری بخشد.

۶۳- زندگی روحانی - در جنبش بین‌الکلیسایی لازم است به پدیده تغییر قلب اولویت داد و سپس نوبت به زندگی روحانی و تجدید حیات ایمانی - روحانی می‌رسد. «این تغییر قلب و تقدس زندگی همراه با دعاهای فردی و جمعی برای اتحاد مسیحیان، روح فعالیت‌های بین‌الکلیسایی به شمار آمده و دقیقاً و به درستی می‌توان آن را «فعالیت

۵۳- شورای مقدس نیایش‌ها، Sacrosanctum Concilium (SC) بند ۱۴.

۵۴- UR بند ۲.

۵۵- SC بند ۴۸.

بین‌الکلیسایی روحانی» نامید.^{۵۶} مسیحیان به طور انفرادی تا زمانی که از زندگی روحانی عمیق و پر برکت برخوردار و با مسیح نجات دهنده ارتباط عمیقی داشته و او را محور زندگی خود و جلال خدا را هدف خود بدانند قادر خواهند بود که همواره و در هر جا عمیقاً در فعالیت بین‌الکلیسایی پیوند مفید داشته باشند و به انجیل مسیح در زندگی خود شهادت دهند.

الف) کاتولیک‌ها هم‌چنین بایستی به عناصر و عوامل خاصی ارزش داده و نیکویی‌هایی را منبع زندگی روحانی بدانند که در دیگر کلیساها و جماعت‌های روحانی مسیحی یافت می‌شوند و به کلیسای یگانه مسیح تعلق دارند: متون مقدس و رازهای نیایشی و اعمال مقدس دیگر، ایمان، امید، نیکوکاری و دیگر ثمرات روح القدس.^{۵۷} این عطایا برای مثال در سنت رازگونه مسیحیان شرق و گنجینه‌های روحانی زندگی دیرنشینان، در پرستش و رأفت انگلیکن‌ها و در دعای بشارتی و شکل‌های متفاوت ایمان روحانی پروتستانها ثمرات خود را نشان داده است.

ب) این قدردانی نباید فقط در سطح حرف باقی بماند، بلکه در شرایط مخصوص و مناسب باید با افزایش دانش روحانی و نگهداشت سنت‌های آن کامل گردد. بنابراین شراکت در دعا و برخی انواع نیایش‌های جمعی و اعمال روحانی مسیحیان دیگر از ارزش والایی برخوردار خواهد بود.^{۵۸}

۶۴- اعمال ابتکاری دیگر - همکاری در اعمال و ابتکارات اجتماعی و نیکوکارانه در مواردی چون مدرسه‌ها، بیمارستان‌ها و زندان‌ها، ارزش تعلیمی خود را نشان داده‌اند. هم‌چنین کار برای صلح جهانی و در مناطق خاص که درگیر مشکلات هستند و برای حقوق بشر و آزادی مذهبی^{۵۹} نیز این اثرات را داشته‌اند. این فعالیت‌ها با هدایت درست به طرز مؤثر می‌توانند کاربرد اجتماعی انجیل و نیروی عملی تلاش‌های بین‌الکلیسایی و حساسیت آن را در موارد و مکانهای مختلف نشان دهند. تعمق دوره‌ای بر بنیادهای مسیحی چنین تلاش‌هایی و آزمون کیفیت و ثمرات آنها همراه با تصحیح اشتباهات نیز آموزنده و سازنده خواهد بود.

دانش مناسب و کافی برای تعلیمات

۶۵- در این نقاط است که بلوغ انسانی و مسیحی، احساس همراهی و پیوند قدم به قدم رشد می‌کنند. در میان این نمونه‌ها خانواده، کلیسا، مدرسه، گروه‌های مختلف هم‌قطار، جمعیت‌ها و جنبش‌های معنوی از اهمیت خاصی برخوردارند.

۵۶- UR بند ۸.

۵۷- LG بند ۱۵؛ UR بند ۳.

۵۸- بندهای ۱۰۲-۱۴۲ همین مجموعه.

۵۹- بندهای ۱۶۱-۲۱۸ همین مجموعه.

۶۶ - خانواده، که مجمع واتیکان دوم آن را «کلیسای خانگی» می‌نامد،^{۶۰} اولین مکانی است که اتحاد را تقویت یا تضعیف می‌کند، جایی که فرد هر روزه با اشخاص برخورد می‌کند که هر چند تفاوت‌های زیادی دارند یکدیگر را در پیوند محبت پذیرا می‌شوند. هم‌چنین در این جاست که می‌توان از بروز تعصبات جلوگیری نمود و برعکس جستجوی حقیقت را در همه چیز آموخت.

الف) آگاهی از هویت مسیحی و مأموریت بشارتی آن، خانواده را به جامعه‌ای برای دیگران تبدیل می‌کند، جامعه‌ای که نه فقط به کلیسا بلکه حتی به جامعه انسانها نیز باز می‌شود، جامعه‌ای که برای گفتگو و فعالیت اجتماعی آماده است. کلیسای خانواده نیز سازمانی است که در آن انجیل انتقال و نشان داده می‌شود، در واقع نور ملل *(Lumen Gentium)* می‌گوید که در کلیسای خانگی «والدین باید با کلام و نمونه رفتار خویش اولین موعظه‌کنندگان ایمان برای فرزندان خود باشند» (LG بند ۱۱).

ب) ازدواج‌های مختلط خانواده‌ها، وظیفه بیان و تشریح مسیح در یک تعمید مشترک و به طور کامل را به عهده دارند، آنها هم‌چنین وظیفه حساس بنای اتحاد را باید انجام دهند.^{۶۱} «تعمید مشترک آنها و پویایی درونی فیض، زوج‌های این گونه ازدواج‌ها را برای بیان یگانگی و اتحاد خود در دائره اخلاق و ارزش‌های روحانی آماده و مجهز می‌نماید».^{۶۲}

۶۷ - کلیسا، واحدی روحانی است که به گرد قربانی مقدس جمع شده است و باید خود را به عنوان مکان شهادت‌های سنتی کلیسایی معرفی نماید. بنابراین یکی از وظایف مهم کلیسا تعلیم اعضای آن با روح پیوند فعال بین‌کلیسایی است. این موضوع، بر مراقبت در مورد مضمون و شکل موعظه و به خصوص در مورد دقت بیشتر در وعظ و تعلیم حق جویان، تأکید می‌کند. هم‌چنین بایستی برای ارائه خدمت شبانی برنامه‌ریزی نمود و این موضوع نیازمند کسی است که فعالیت‌های بین‌کلیسایی را برنامه‌ریزی نماید و در ارتباط کامل با کشیش کلیسا فعالیت نماید و این کار شکل‌های مختلف همکاری با کلیساهای دیگر را جهت خواهد داد. نهایتاً کلیسا نباید با مشکلات و بحث و جدل‌های داخلی تکه تکه شود و قطب‌های عقیدتی و فضای انتقاد جویانه نباید میان مسیحیان به وجود آید، بلکه هرکس بر طبق روح و دعوت خود در محبت راستی را خدمت کند.

۶۸ - مدرسه، از هر نوع و هر پایه‌ای که باشد، باید در تعلیمات خود ابعاد فعالیت بین‌کلیسایی را منظور نماید و به شیوه خود دلها و ذهن‌ها را در انسانیت و ارزش‌های اخلاقی تربیت نماید و برای گفتگو و صلح و آشتی در روابط شخصی تعلیم دهد.^{۶۳}

۶۰ - LG بند ۱۱.

۶۱ - بندهای ۱۴۳-۱۶۰ همین مجموعه.

۶۲ - پاپ ژان پل دوم سخنرانی درباره خانواده، بند ۷۸.

۶۳ - اطلاعیه شورایی تعلیم و تربیت، (GE) *Gravissium Educationis* بندهای ۶-۹.

الف) روح نیکوکاری و احترام و گفتگو به حذف عامل تفاوت‌های زبانی و تعصبات بیهوده که تصویر مسیحیان دیگر را خراب می‌کند نیاز دارد. این موضوع به خصوص کاتولیک‌ها را دربر می‌گیرد که در آنها شخص باید در ایمان، دعا و تمرین برای به کار بستن انجیل اتحاد رشد نماید. افراد بایستی در فعالیت پویای بین‌الکلیسایی تعلیم یافته و بر طبق اعتقادات کلیسای کاتولیک تربیت شوند.

ب) در صورت امکان و با همکاری دیگر معلمان موضوعات مختلف مثل تاریخ و هنر به شیوه‌ای که به مسائل و فعالیت‌های بین‌الکلیسایی مربوط شود و با روح گفتگو و اتحاد، تدریس شوند. در این مورد لازم است که تعلیم دهندگان خود به حد کفایت از مسائل بین‌الکلیسایی، ریشه‌ها، تاریخ و اعتقادات کلیساهای دیگر به خصوص کلیساهای منطقه خود آگاهی داشته باشند.

۶۹- گروهها، جمعیت‌ها و جنبش‌های معنوی - زندگی مسیحی و به طور خاص زندگی کلیساهای خاص در طول تاریخ از طریق شیوه‌های بیانی نگرش‌های روحی و برخورد با خطرات گوناگون و به هدایت روح در بنای کلیسا رشد کرده و پربار شده و وظیفه سنگینی را در خدمت جامعه به انجام رسانیده است. کسانی که در چنین گروهها، جنبش‌ها و جماعت‌هایی فعال هستند، باید دارای روح خدمت بین‌الکلیسایی بوده و در زندگی بر اساس تعمیم خود آن را در جهان به نمایش بگذارند،^{۶۴} که خواه از طریق اتحاد کاتولیک‌ها از راه گفتگو و پیوند با جنبش‌ها و جمعیت‌های مشابه - یا از طریق پیوند وسیع‌تر با دیگر کلیساهای و با جنبش‌ها و گروههای الهام یافته از روح القدس به انجام می‌رسد. این کوشش‌ها باید بر پایه تعلیم کلامی و در پرتو حکمت مسیحی و اعمال پر از حکمت جهت یابند.

B تعلیم کسانی که به کار شبانی اشتغال دارند

الف) کسانی که به خدمت منصوب شده‌اند (خادمان رسمی)

۷۰- از وظایف اصلی هر خادم رسمی در آینده خدمت‌ش شکل دادن شخصیت خود مهمترین نقش را دارد که تا حد امکان در روش خدمت او به دیگران برای ملاقات مسیحی به شیوه‌ای خاص جلوه‌گر می‌شود. در این جهت، شخص نامزد سمت خادم نیاز دارد که به طور کامل ویژگی‌های انسانی، که شخص به واسطه آنها قابل پذیرش و اعتماد در بین مردم می‌گردد، را در خود به وجود آورد و به طور دائم و منظم بایستی شیوه گفتار و توانایی گفتگو را در خود پرورش دهد تا خدمت خود را به شایستگی به انجام برساند.

اگر این موضوع در مورد یک معلم و شبان در کلیسایی خاص، مثلاً یک اسقف یا یک کشیش که نگهبان روح انسانها به شمار می‌رود، الزامی باشد، در مورد خادم به هیچ‌رو از اهمیت آن کاسته نمی‌شود و این روش خاص زندگی یک خادم رسمی و دائمی به شمار می‌رود که برای خدمت به جماعت ایمانداران دعوت شده است.

۷۱- در برخوردها و واکنش‌های خویش، خادم باید وفادارانه به کلیسا خدمت نماید و به موقعیت دیگران احترام بگذارد و با پیروی از اصول زندگی خادمان کلیسا که به کمک آن در جنبش بین‌الکلیسایی در سطح جهانی و در کلیساهای محلی وظیفه خود را انجام می‌دهند، از بنای اتحاد مسیحی و دوری آن از تعصبات کور و تصمیمات نادرست اطمینان حاصل نماید.

۱- تعلیم و اعتقادات

۷۲- شوراهای اسقفان باید از اثرات مناسب طرح‌های مطالعه کلام در جهت روح بین‌الکلیسایی در هر موضوع خاص اطمینان حاصل نموده و به طور خاص برای مطالعه بین‌الکلیسایی مطالعاتی ترتیب دهند، آنها هم‌چنین باید از محتوای مطالعات و هماهنگی آن با موارد مندرج در این مجموعه مطمئن شوند.

۷۳- تلاش‌های بین‌الکلیسایی «باید به طور صمیمانه کاتولیک باشند که معنی آن وفاداری به حقیقتی است که ما از رسولان و پدران یافته‌ایم و با تعلیم و ایمان کلیسای کاتولیک همگونی دارد». ۶۵

۷۴- دانش‌آموزان باید تعلیم یابند که بتوانند مابین حقایق مکشوف شده که نیازمند ایمان هستند و شیوه بیان این حقایق و الهیات و اعتقادات کلیسایی تمایز قائل شوند. ۶۶ تا آنجا که نظام اعتقادی در نظر باشد، باید توجه کاملی به آنچه که در بیانیه همایش کلیسای شرق (*Mysterium Ecclesiae*) بیان گردیده مبدول شود (بند ۵): «حقایقی که کلیسا از طریق نظام‌های اعتقادی خود تعلیم می‌دهد بدون شک با نظرات متغیر زمانهای مختلف متفاوت هستند و می‌توانند بدون آنها بیان شوند اما ممکن است بتوان آنها را با استفاده از همین نظریات نیز بیان نمود. توجه به این نظرات باید قبل از تعلیم برای آنها مناسب تشخیص داده شود، آنها که برای بیان عقاید کلیسا استفاده شده‌اند، بدون تغییر مانده‌اند. هم‌چنین باید از این‌گونه نظریات، تفسیر کامل و درستی ارائه شود». ۶۷

۶۵- UR بند ۲۴.

۶۶- GS بند ۶۲.

۶۷- کلیسای سری، *Mysterium Ecclesiae* (ME) بند ۵.

بنابراین دانش‌آموزان بایستی تعلیم داده شوند که فاصله بین «گنجینه ایمان و حقایق موجود در اعتقادات قابل احترام ما و روش طبقه بندی و ارائه این تعلیم را درک نمایند،^{۶۸} و تفاوت مابین حقایقی که باید بیان شوند و روش‌های مختلف بیان آنها را درک نموده و آنها را در نور این روش‌ها مطالعه کنند، هم‌چنین تفاوت بین سنت رسولان و سنت‌های روحانی کلیسا و در عین حال احترام به ارزش روش‌های بیان تعلیم کلیسایی را بیاموزند. از زمان تکمیل تعلیم فلسفی آنها، دانش‌آموختگان باید برای برخورد با تنوع عقاید الهیاتی که ناشی از روش‌های مختلف مطالعه و زبان‌های متفاوت الهی دانان است آماده بوده و از این ابزارها برای بیان و تشریح رازهای الهی بهره‌جویند. از آنچه گفتیم باید توجه داشت که روش‌های بیانی متفاوت برای مطالب الهیاتی یکدیگر را کامل می‌نمایند و هیچ تناقضی با هم ندارند.

۷۵- علاوه بر این «حقایق میراثی» کلیسای کاتولیک همواره باید مورد احترام باشد، این حقایق همه به ایمان مربوط می‌شوند، با این حال همه آنها به حد راز مکاشفه شده در عیسی مسیح از اهمیت محوری برخوردار نیستند زیرا که این حقایق در ارتباط با بنای ایمان مسیحی تغییر و تبدیل حاصل می‌کنند.^{۶۹}

۱ - ۲. ابعاد کلی بین‌کلیسایی قوانین الهیاتی

۷۶- گشاده رویی و دیدگاه باز بین‌کلیسایی یکی از اصلی‌ترین ابعاد تعلیم کشیشان و خادمان آینده را تشکیل می‌دهد: «الهیات مقدس و شاخه‌های دیگر دانش به خصوص شاخه‌های تاریخی علم بایستی با توجه به نظرگاه تلاش‌های بین‌کلیسایی تعلیم داده شوند تا آنکه تا حد امکان با حقیقت تطبیق داشته باشند».^{۷۰} ابعاد نظرات بین‌کلیسایی در تعلیم الهیات نباید به دایره تعلیمات مختلف محدود شود: زیرا ما از تعلیم هم‌قاعده و نه فقط از «چند قاعده» سخن می‌گوئیم. این شیوه، همکاری متقابل استادان و تطبیق دو جانبه را می‌طلبد. در مورد هر موضوع، حتی در مورد موضوعات اصلی دیدگاه‌های ذیل مورد تأکید قرار می‌گیرند:

الف) عناصر پدر شناسی مسیحیت، درباره حقیقت و تقدس که در بین تمام کلیساها و جماعت‌های روحانی مورد توافق است، حتی اگر به شیوه‌های متفاوت الهیاتی بیان شوند؛

ب) گنجینه‌های نیایش، نگرش‌های روحانی و اعتقادات خاص هر جماعت، که می‌توانند مسیحیان را در شناخت عمیق‌تر سرشت کلیسا یاری نمایند؛

ج) نکات تفاوت و عدم توافق در موضوعات ایمان و اخلاقیات که بی‌تردید

۶۸- همین مجموعه چاپ ۱۹۷۰ بند ۷۴.
 ۶۹- ME بند ۴، و همچنین بندهای ۶۱ الف و ۱۷۶.
 ۷۰- UR بند ۱۰.

می‌توانند به تحقیق ژرف کلام خدا و شناخت حقیقت و بیرون کشیدن مطالب صحیح در میان تناقضات کمک نمایند.

۱ - ۳. ابعاد بین‌الکلیسایی قوانین الهیاتی انفرادی

۷۷- در هر نظام الهیاتی، جستجوی نقاط مشترک بین‌الکلیسایی می‌تواند به یافتن رشته ارتباطی خاص میان موضوعی خاص و راز اتحاد کلیسا منجر گردد. علاوه بر این شخص معلم بایستی حس اعتماد و صداقت را نسبت به موضوعات الهیاتی، اخلاقی، روحانی و قواعد الهی در سنت مسیحی در دانش آموز خود تزریق نموده به وجود آورد. هنگامی که دانش‌آموزان نگرش‌های پدرشناسی خود را با منابع دیگر سنت‌های مسیحی شرقی و غربی اعم از شکل قدیمی و شکل نوین بیانی آن، مقایسه می‌کنند، آنان این کاملیت ایمان را عمیقاً خواهند شناخت.^{۷۱}

۷۸- این گونه مطالعات مقایسه‌ای در تمام موضوعات اهمیت دارد: در مطالعه متون مقدس که منبع مشترک ایمان همه مسیحیان است، در مطالعه سنت رسولی پدران کلیسا و دیگر نویسندگان کلیسای شرق و غرب درباره آیین نیایشی، که در آنها شیوه‌های مختلف نیایشی و پرستش و اهمیت اعتقادی - روحانی آنها به طریقه‌ای علمی مورد مقایسه قرار گرفته‌اند، در الهیات نظری و اخلاقیاتی، به خصوص در رابطه با مسائل به وجود آمده در جنبش‌های بین‌الکلیسایی، در تاریخ کلیسا که باید به شکل یک خواست عمیق برای اتحاد کلیسا و بررسی علل جدایی‌ها ارائه شود، در نظام برحق کلیسایی که باید تفاوت بین قوانین الهی و آنچه که در طول زمان یا تحت تأثیر فرهنگ و سنت محلی تغییر می‌یابد، را بیان نماید، و بالأخره در تربیت شبانان و مبشرین و مطالعات جامعه‌شناسی که بایستی به شرایط مشترک همه مسیحیان در رویارویی با جهان امروز توجه کافی مبذول دارد. بنابراین کاملیت مکاشفه خدا به کمک این وسائل به شکلی بهتر و کاملتر بیان می‌شود و ما قادر خواهیم بود مأموریت بشارت را در جهانی که مسیح به کلیسا بخشید به انجام رسانیم.

۱ - ۴. يك موضوع تخصصی درباره کوشش‌های بین‌الکلیسایی

۷۹- اگرچه دیدگاه بین‌الکلیسایی باید در مورد همه انواع تعالیم الهیاتی انعطاف پذیر باشد، تشکیل و ارائه موضوع کلیسای جهانی در یک کلاس خاص از اهمیت خاصی برخوردار است. چنین درسی باید اجباری باشد. در حوزه کلمات وسیع و اصطلاحات قابل کاربرد در آنها باید مضمون و مشخصات ذیل را داشته باشند:

الف) مفهوم جهانی بودن کلیسا، از نقطه نظر جنبه مرئی و پنهان اتحاد کلیساها، کلیسای جهانی (oecumene)، فعالیت بین‌کلیسایی درباره ریشه تاریخی و ادامه آن تا مفهوم امروزی دیدگاه کلیسای کاتولیک؛

ب) پایه اعتقادی فعالیت‌های بین‌کلیسایی با اشاره خاص به رشته‌های اتحاد فعلاً موجود بین کلیساها و جماعت‌های کوچک مسیحی؛^{۷۲}

ج) تاریخچه کلیسای جهانی که شامل موضوع جدائی‌ها و شقاق‌ها و تلاش‌های انجام شده برای اتحاد در طول قرن‌ها و شیوه اجرای آنها و دلایل شکست‌ها و هم‌چنین موقعیت فعلی اتحاد و جستجوی آن می‌باشد؛

د) هدف و روشمندی جهانی شدن کلیسا، شکل‌های مختلف اتحاد و همکاری، امید احیای اتحاد، شرایط اتحاد، نظریه اتحاد کامل؛

ه) نظریه «اساسی» زندگی معاصر مسیحیان در کلیسا و جماعت‌های مختلف مسیحی: نگرش‌های آموزه‌ای، دلایل اصلی جدائی‌ها، کوشش‌های بشارتی، نگرش روحانی، شکل‌های پرستش، نیاز به دانش بهتر درباره الهیات شرق و نوع نگرش روحانی آن.^{۷۳}

و) برخی مشکلات تخصصی هم‌چنین پرستش مشترک، انحراف از ایمان، مطالعه چگونگی اتحاد، آزادی مذهبی، ازدواج‌های مختلط، نقش افراد عادی و به طور خاص زنان در کلیسا.

ز) موضوع بین‌کلیسایی روحانی، به خصوص ارزش دعا برای اتحاد و شکل‌های متفاوت جستجوی اتحادی که دعای مسیح نشان می‌دهد.

۸۰- مطالعاتی که باید طبق برخی طرحها ارائه شوند:

الف) بسیار مناسب خواهد بود که مقدمه‌ای عمومی و کلی درباره بین‌کلیسایی قبلاً ارائه شود تا آنکه دانش‌آموختگان نسبت به موضوع حساس شوند و از همان ابتدای مطالعات الهیاتی در مورد ابعاد حرکت‌های بین‌کلیسایی در مطالعات خود بیندیشند.^{۷۴} چنین مقدمه‌ای باید به پرسش‌های اساسی درباره بین‌کلیسایی بپردازد؛

ب) قسمت اختصاصی تعلیمات بین‌کلیسایی باید جای خاص خود را در هر یک از دوره‌های الهیاتی تا پایان آن بیابد، اعم از آنکه در ابتدای دوره یا در قسمت‌های تخصصی‌تر ارائه شود به طوری که دانشجویان ضمن دریافت آگاهی‌های وسیع‌تر باشند به ارتباط و نتیجه خاصی از بین‌کلیسایی در رابطه با اعتقاد الهیاتی خود دست یابند؛

۷۲- UR. فصل اول.

۷۳- UR. فصل سوم.

۷۴- بندهای ۷۶-۸۰ همین مجموعه.

ج) متون مرجع و کتابهای مربوط به موضوع و هم‌چنین روش‌های دیگر باید به دقت انتخاب شوند این کتابها باید تعالیم کلیساهای دیگر را در مورد تاریخ، الهیات و دیدگاه روحانی با صداقت ارائه کنند تا آنکه امکان مقایسه صحیح و به دور از تعصب فراهم آمده و به عمیق‌تر شدن اعتقادات کاتولیکی منجر شود.

۸۱- مناسب و مفید خواهد بود اگر از سخنرانان و متخصصین سایر سنت‌های مسیحی دعوت به عمل آید تا در مورد رهنمودهای همکاری‌های مشترک بین مؤسسات کاتولیک و مراکز تحت نظر دیگر مسیحیان اظهار نظر نمایند.^{۷۵} در مورد مشکلات خاص که ممکن است در کلاس‌های الهیات یا مؤسسات خاص بروز کند تصمیم به عهده اسقف محل است که بر اساس تصمیمات و مصوبات شورای اسقفان و پس از اطمینان از میزان تخصص و موقعیت اخلاق سخنرانان کلیساهای دیگر که این نیز تحت نظر و به مسئولیت مستقیم مدیریت آموزشگاهها مربوط می‌شود، تصمیم لازم را اتخاذ نماید. در این گونه مبادلات فرهنگی تداوم ویژگی کاتولیک بودن مؤسسه مورد سؤال و هم‌چنین حق وظیفه انتخاب و تعلیم کاندیداها و تعلیم اعتقادات کاتولیکی بر طبق الگوهای کلیسای همواره باید در نظر گرفته شود.

۲- تجربیات بین‌کلیسایی

۸۲- در دوران تعلیم، از آن جایی که مطالعه فعالیت بین‌کلیسایی از زندگی جدا نبوده و بلکه بر عکس ریشه در تجربیات جماعت‌های روحانی دارد، بحث و برخوردهای لازم می‌توانند به طور مناسب با دیگر مسیحیان ترتیب داده شوند و در سطح محلی یا جهانی با در نظر گرفتن الگوهای نسبی کلیسای کاتولیک ارائه گردند. نمایندگان کلیساهای دیگر با آمادگی روحانی و تخصصی کامل و روح بین‌کلیسایی لازم جهت یک گفتگوی صمیمانه و سازنده می‌توانند دعوت شوند. ملاقات با دانشجویان کلیساها و جماعت‌های روحانی دیگر نیز می‌تواند ترتیب داده شود.^{۷۶} مؤسسات تعلیمی بسیار متفاوتند و ممکن نیست بتوان قوانین یکسانی برای این همه موضوع ارائه نمود. در واقع، واقعیت حاکم به دیدگاههای متفاوت می‌انجامد که بر طبق تفاوت ملل و مناطق و هم‌چنین اختلاف در شیوه ایجاد ارتباط بین کلیسای کاتولیک و کلیساها و جماعت‌های روحانی دیگر در سطح دانش روحانی، همکاری و گفتگوها، طبیعی به نظر می‌رسد. در این جا هم‌چنین آهستگی و لزوم تطابق بسیار مهم و غیرقابل اجتناب است. مقامات رده بالای کلیسا باید قوانین عمومی لازم را در جهت تطبیق این موارد بر طبق موقعیت‌های خاص خود ارائه نمایند.

۷۵- بندهای ۱۹۴-۱۹۵ همین مجموعه.

۷۶- بندهای ۱۹۲-۱۹۴ همین مجموعه.

ب) مسئولیت‌ها و همکاری‌های غیررسمی

۱- تعلیم اعتقادی

۸۳- علاوه بر خدمت‌های تأیید شده و رسمی، همکاری‌های شناخته شده غیررسمی دیگری نیز در کار شبانی - از جمله تعلیم حق جویان، معلمین و دیگر یاوران خادم - وجود دارند. کلیساهای محلی دارای مؤسسات تعلیم علم الهیات، مؤسسات شبانی و مراکز دیگر تعلیماتی یا «aggiornamento» یا جنبش بیداری کلیسا برای تربیت آنها هستند. برنامه‌های مطالعاتی و قواعد مؤسسات الهیاتی در این جا نیز معتبر است، اما باید در سطح این گونه محافل و با نیاز آنها مطابقت داده شوند.

۸۴- به طور اخص با به دست دادن قواعد و الگوهای کار دیرها، مؤسسات زندگی تقدیسی، و محافل تجربه زندگی رسولی حائز اهمیت فراوانی است که «تمامی جماعت‌های ایمانی در زندگی کلیسا پیوند جویند. بر طبق ویژگی خاص خود هر کلیسا باید مستقلاً و به هر طریق ممکن با ذهنیات و مسائل و مشکلات کلیسا روبه رو شده و بارور شود». که شامل شراکت در «زمینه روابط بین‌کلیسایی» نیز می‌گردد.^{۷۷}

در اینجا تعلیم باید از مراحل اولیه آغاز شده و تا پایان ادامه یابد و روح ابتکار در آن در نظر گرفته شود. تعلیم نسبی (*Ratio formationis*) در مؤسسات مختلف باید در هماهنگی با هدف کلی وظایف خادمان هم بر ضرورت و دیدگاه‌های بین‌کلیسایی و هم بر ایجاد یک درس خاص در این رابطه اقدام نماید که به خوبی با شرایط محلی هماهنگ باشد. در عین حال خیلی مهم است که مقام مسئول مؤسسه بر تعلیم متخصصین در مورد فعالیت بین‌کلیسایی نظارت نماید تا نتیجه مطلوب برای شراکت بین‌کلیسایی در کل مؤسسه حاصل آید.

۲- تجربه بین‌کلیسایی

۸۵- برای ترجمان مطالعات به تجربه زنده، بسیار مناسب است که روابط و تبادلات بین دیرهای کاتولیک و جوامع روحانی و دیگر کلیساها و جماعت‌ها مورد تشویق واقع شود. این تبادلات می‌توانند در زمینه‌های مختلفی از جمله اطلاعات، زمینه روحانی و حتی گاهی اوقات کمک مادی باشند و یا می‌توانند به شکل تبادل فرهنگی ارائه شوند.

۸۶- با در نظر گرفتن اهمیت نقش مردم عادی (= اعضای عادی کلیسا) در کلیسا و جامعه، این گونه افراد با مسئولیت‌های بین‌کلیسایی باید برای گسترش ارتباط با دیگر کلیساها و جماعت‌های روحانی و تبادلات مختلف بر طبق الگوهای ارائه شده در این مجموعه تشویق شوند.^{۷۸}

C- تعلیمات اختصاصی

۸۷- اهمیت تعالیم کلاسیک در گفتگوها - با توجه به تأثیر و نفوذ مؤسسات فرهنگی برتر، واضح است که دانشکده‌های الهیات و سایر سازمانهای تحصیلات عالی نقش خاص و مهمی در آمادگی افراد برای هدایت گفتگوهای بین‌کلیسایی و برای پیشرفت به سوی اتحاد مسیحی که گفتگو نیز در به وجود آمدن آن سهم است ایفا می‌نمایند. در آمادگی تربیتی ویژه برای گفتگوها باید نیازهای ذیل در نظر گرفته شوند:

الف) شراکت صمیمانه شخصی، در تجربه زنده ایمان که بدون آن هیچ گفتگویی میان برادران و خواهران متصور نیست و تنها نوعی تمرین کلاسی وجود خواهد داشت؛

ب) جستجوی راه کارهای جدید و وسایل نوین برای بنای روابط صمیمانه دو جانبه و احیای اتحادی که بر صلح و سلامتی انجیل و صداقت اعتراف سنتی ایمان مسیحی بر پایه حقیقت و راستی تأکید دارد.

ج) توجه به این که گفتگوهای بین‌کلیسایی موضوعی شخصی و انفرادی ما بین اشخاص و گروهها نیست بلکه در قالب شراکت تمامیت کلیسا شکل می‌گیرد و باید به شکلی منطبق با تعلیمات شبانان کلیساها و به صورتی زنده صورت پذیرد؛

د) آمادگی برای تشخیص این که اعضای کلیساهای مختلف می‌توانند در درک بهتر و تفاهم بیشتر و روشن نمودن عقاید و شیوه زندگی جماعت‌ها به ما کمک کنند؛

ه) احترام به شعور و آگاهی و دعوت شخصی افراد که در مورد قسمتی از تعلیمات کلیسایی، در کلیسای خود و یا روش خاص خود از درک مکاشفه الهی اظهار نظر می‌کنند؛

و) درک و شناخت این واقعیت که هر کسی آمادگی و قابلیت شرکت در گفتگوها را ندارد زیرا درجات مختلف تحصیلاتی و بلوغ ذهنی و رشد روحانی آنها متفاوت است.

نقش دانشکده‌های الهیاتی

۸۸- بنیاد رسولی *Sapientia Christiana* که دانشکده الهیاتی مهمی است نظر می‌دهد که در اولین دوره دانشکده الهیاتی، الهیات بنیادی در ارتباط با مسائل بین‌کلیسایی باید مورد مطالعه قرار گیرد.

در مرحله دوم این تعلیمات نیز «مسائل بین‌الکلیسایی باید به دقت مورد مطالعه قرار گیرند و تحت نظر مدیریت مؤسسه یا مقامات بالاتر ارائه شوند»، به زبان ساده تر فرصت مناسبی خواهد بود تا دروس تخصصی درباره فعالیت بین‌الکلیسایی ارائه شوند که علاوه بر موارد ذکر شده در بند ۷۹، موارد ذیل را نیز باید در نظر بگیرند:

(الف) وضعیت حال حاضر روابط بین کلیسای کاتولیک و کلیساهای دیگر باید بر اساس مطالعات روی نتایج گفتگوها بررسی شود؛

(ب) مطالعه سیستم پدرشناسی و سنت‌های کلیساهای دیگر اعم از شرقی و غربی باید در نظر گرفته شود؛

(ج) اهمیت حرکت بین‌الکلیسایی شورای جهانی کلیساهای و وضعیت زمان حال کلیسای کاتولیک و روابط آن با شورای نامبرده؛

(د) نقش شوراهای ملی - منطقه‌ای کلیساهای، فعالیت‌ها و مشکلات آنها؛ هم‌چنین باید به یاد داشت که ابعاد بین‌الکلیسایی باید در تعالیم الهیاتی و متون تحقیقاتی ارائه شوند.

نقش دانشگاه‌های کاتولیک

۸۹- این نکات نیز در مورد تعالیم الهیاتی و رابطه آن با فعالیت بین‌الکلیسایی باید در نظر گرفته شوند. مثال‌هایی درباره معیارهای این گونه دانشگاهها به شرح ذیل است:

(الف) بر اساس مناسبت موضوع در روش‌های ارائه مطالب ابعاد بین‌الکلیسایی رعایت گردد؛

(ب) تعیین مباحث و روزهای مطالعاتی در رابطه با مسائل بین‌الکلیسایی؛

(ج) در نظر گرفتن نشست‌ها و کنفرانس‌ها برای مطالعات مشترک، کار و فعالیت اجتماعی، اختصاص زمان مناسب به بررسی وضعیت مسیحیان و تعالیم مسیحی در فعالیت‌های اجتماعی و راههای عملی کردن این دیدگاهها. این موقعیت‌ها خواه تنها در مورد کاتولیک‌ها و خواه به صورت مشترک بین کاتولیک‌ها و مسیحیان دیگر، باید به همکاری تا حد امکان با دیگر مؤسسات منطقه منجر گردند؛

(د) در تالارهای دانشگاهی، فرصت‌های مناسبی برای روابط بین کاتولیک‌ها و دیگر جماعت‌ها و کلیساهای و دانشجویان این گروهها وجود دارد. با هدایت و سازماندهی مناسب در این فرصت‌ها آنان می‌توانند در این روابط، زندگی با یکدیگر را در یک روح عمیق بین‌الکلیسایی و شهادت‌های وفادارانه ایمان خود بیاموزند؛

(ه) تأکید بر روی دعا برای اتحاد مسیحیان بسیار لازم و حیاتی است که نه فقط در هفته اتحاد که به این منظور اختصاص یافته بلکه در موقعیت‌های دیگر در طول سال نیز

می‌تواند انجام شود. براساس قوانین و شرایط مکانی و روابط شخصی و در ارتباط با قوانین موجود دربارهٔ پرستش مشترک، گردهمایی‌های چند جانبه نیز می‌توانند مورد نظر باشند؛

و) زمینه‌های وسیع پیوند و شهادت در فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی وجود دارند. نه فقط دانشجویان الهیات حتی دانشجویان دیگر رشته‌ها همانند حقوق، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی نیز در این مورد تشویق و به همکاری ترغیب شوند. با پیوند این دانشجویان، می‌توان به شناخت موقعیت‌های مناسب برای این ابداعات فکر دست یافت؛

ز) مشاوران دانشجویان، اساتید و مدیران آموزشگاه‌های الهیاتی باید توجه دقیقی به اجرای تکالیف و وظایف بین‌کلیسایی خود مبذول دارند و به خصوص با درک برخی از موارد فوق به روح پیوند بین‌کلیسایی دست یابند. این اجبار و تکلیف جدی آنان را به سوی درک عمیق‌تری از تعلیم کلیسایی و هم‌چنین درک کافی از موضوعات تعلیمی مؤسسهٔ آموزشی هدایت می‌نماید و رفتار متعادل و شخصیت کاملی را در آنها به وجود می‌آورد: همهٔ این امکانات و کیفیت‌های وجودی انسانی باید آنها را در هماهنگ نمودن زندگی ایمانی خود با گشاده‌رویی با دیگران امداد نماید.

نقش مؤسسات خاص بین‌کلیسایی

۹۰- کلیسا برای انجام وظیفهٔ خود در زمینهٔ بین‌کلیسایی به تعداد زیادی متخصص در این زمینه - اعم از زن و مرد و کشیش و فرد عادی - نیاز دارد. وجود این گونه افراد حتی در محل‌هایی که کاتولیک‌ها در اکثریت می‌باشند نیز اهمیت دارند.

الف) این موضوع نیاز به مؤسسات خاص با شرایط و امکانات ذیل دارد:

- ارائهٔ اسناد کافی دربارهٔ جنبش بین‌کلیسایی به خصوص در مورد گفتگوهای در جریان در حال حاضر و برنامه‌های آیندهٔ آن؛

- و گروه معلمان ورزیده و قابل، هم در زمینهٔ بین‌کلیسایی و هم در تعلیمات کاتولیک.

ب) این گونه مؤسسات باید در تحقیق دربارهٔ فعالیت‌های بین‌کلیسایی در صورت امکان با همکاری متخصصین دیگر فرقه‌های مسیحی و ایمانداران آنها فعال باشند، این مؤسسات باید از فعالیت‌ها و نشست‌های بین‌کلیسایی از جمله کنفرانس‌ها و همایش‌ها آگاهی داشته باشند و با کمیسیون‌های محلی و ملی و با شورای اسقفان برای اتحاد مسیحیان در تماس دائمی باشند، تا از آخرین جریان‌ها و فعالیت‌ها در گفتگوهای بین‌کلیسایی و پیشرفت‌های موجود در این زمینه اطلاع یابند.

ج) متخصصین ورزیده باید افرادی را در زمینه بین‌الکلیسایی برای تشویق و ترغیب این‌گونه فعالیت‌ها در کلیسای کاتولیک به کار بگمارند، خواه این افراد اعضای کلیسا هدایت‌کنندگان و رهبران حوزه‌اسقفی باشند، یا افراد سازمان‌های ملی و یا جهانی و حتی ممکن است معلمین موضوعات بین‌الکلیسایی و افراد مؤسسات روحانی که در راه ایجاد فعالیت‌ها و زمینه‌های متفاوت فعالند.

8 - تعلیمات دائمی

۹۱- تعلیمات کلیسایی و تجربیات آموزشی به دوره‌دانشگاه محدود نمی‌شوند، بلکه نیازمند استفاده از *aggiornamento* های دائمی و خدمات رسمی و شبانی مختلف هستند تا پیشرفت دائمی و بی‌وقفه در مسائل بین‌الکلیسایی به دست آید. اسقفان و مافوق‌های مذهبی هنگام ترتیب و نظم دادن به برنامه‌های شبانی - از طریق نشست‌ها و مجالس و روزهای یادبود و غیره و هم‌چنین مطالعه مشکلات شبانی - باید به مسئله جنبش بین‌الکلیسایی توجه کافی داشته باشند. موارد ذیل نیز باید به نکات اضافه شوند:

الف) تعلیم منظم کشیشان، رهبران کلیسا و خادمان و افراد عامی در شرایط حاضر در فعالیت‌های بین‌الکلیسایی، چنان‌که آنان قادر باشند نقطه نظرات بین‌الکلیسایی را در شکل موعظه، تعلیم حق‌جویان، دعا و زندگی مسیحی به طور عمومی بیان نمایند. در صورت امکان و اگر مناسب باشد می‌توان از سرپرست کلیسای دیگری دعوت کرد تا سنت روحانی کلیسای خود را بیان نموده و یا درباره مسائل کار شبانی که معمولاً مشترک است سخن گوید.

ب) در فرصت‌های مناسب و تحت نظر اسقف مربوطه، کشیشان کاتولیک و کسانی که مسئولیت شبانی را بر عهده دارند می‌توانند در گردهم‌آیی‌های مشترک با هدف گسترش روابط دوجانبه شرکت نمایند و برای حل مسائل و مشکلات وظیفه شبانی با یکدیگر همکاری داشته باشند. برای تنظیم و ترتیب دادن این‌گونه اقدامات ایجاد شوراهای محلی یا منطقه‌ای سرپرستان کلیساها و غیره و یا پیوستن به شوراهای حاضر، سودمند خواهد بود.

ج) آموزشگاه‌های الهیات و مؤسسات تحصیلات عالییه همانند مدرسه‌ها و مؤسسات دیگر تعلیماتی می‌توانند برای تدریس و تعلیمات دائمی خواه از طریق ترتیب دادن دروس برای کسانی که به کار شبانی مشغولند و خواه با مهیا ساختن معلمین و یا اعطای بورسیه‌ها به شاگردان و یا ارائه درس‌هایی توسط دیگران اقدام نمایند.

د) هم‌چنین موارد ذیل سودمند خواهند بود: آگاهی دقیق از طریق کلیسای محلی و در صورت امکان از طریق وسائل دنیوی، تبادل دانسته‌ها از طریق خدمات ارتباطی

کلیساها و جماعت‌های روحانی دیگر، روابط پیوسته و منظم با کمیسیون‌های دوائر اسقفی و کمیسیون‌های محلی بین‌الکلیسایی که می‌توانند اسناد و مدارک روز را دربارهٔ پیشرفت‌های فعالیت کاتولیک‌ها در این حوزه در اختیار قرار دهند.

ه) از وسایل مختلف از جمله نشست‌های روحانی برای بررسی عناصر ایمان مشترک همانند آنچه که خاص کلیسای مخصوصی می‌باشد باید حداکثر استفاده را نمود. این ملاقات‌ها فرصت‌های مناسبی برای تمرکز بر روی اتحاد و دعا برای مصالحه و آشتی تمام مسیحیان به وجود می‌آورند. شرکت اعضای کلیساها و جماعت‌های مختلف در چنین ملاقات‌ها و نشست‌هایی می‌تواند به تفاهم عمیق دو جانبه و رشد پیوند روحانی منجر گردد.

و) و بالاخره بسیار مناسب خواهد بود که یک ارزیابی دوره‌ای از ثمرات و پیشرفت‌های فعالیت‌های بین‌الکلیسایی به طور مرتب انجام شود.

۴- مشارکت در زندگی و فعالیت روحانی میان تعمید یافتگان

A - راز تعمید

۹۲- از طریق راز تعمید شخص به طور حقیقی با مسیح و با کلیسای او پیوند نموده و برای شراکت در حیات الهی از نو تولد می‌یابد.^{۷۹} تعمید، به این ترتیب رشتهٔ اتحاد همهٔ کسانی را که از طریق آن تولد تازه یافته‌اند تداوم می‌بخشد. تعمید به خودی خود آغاز راه است، زیرا هدف آن جستجوی کاملیت حیات در مسیح است. بدین سان تعمید برای اعتراف ایمان در جماعت و برای شهادت به کار نجات بخش مسیح مقدر گردیده است و شراکت در قربانی مقدس را ممکن می‌سازد.^{۸۰} تعمید که توسط خود خداوند پایه‌گذاری شده، شامل توبه، ایمان، بخشایش گناهان و عطای فیض می‌باشد.

۹۳- تعمید با آب و به نام پدر و پسر و روح القدس انجام می‌پذیرد. بنابراین راز تعمید برای شاگردان مسیح چنان اهمیت داشت که به شیوه‌ای خاص توسط همه انجام می‌شود و شاید تنها موردی باشد که تمامی کلیساها و جماعت‌های روحانی در اجرای آن و ارزش و سودمندی آن توافق نظر دارند.

۹۴- گفتگو دربارهٔ اهمیت و ارزش اجرای دقیق آیین تعمید بین رهبران کاتولیک و شوراهای کلیساها و جماعت‌های دیگر روحانی در سطوح شوراهای اسقفان انجام گردیده و

۷۹- UR بند ۲۲.

۸۰- UR بند ۲۲.

بر اهمیت آن تأکید شده است. بنابراین امکان دستیابی به یک توافق و بیانیه مشترک که در آن تعمیم مورد توافق همگان باشد درست مثل تمام روندهای دیگری که به طور خاص در آن ارزش تعمیم مورد شک واقع شود یا دست کم نوع خاصی از آن مورد تردید باشد وجود دارد.

۹۵- در این بیانیه‌های مشترک نکات ذیل باید مورد نظر باشد:

(الف) تعمیم به شیوه غوطه ور شدن یا از طریق ریختن آب همراه با فرمول نام سه گانه اقدس به خودی خود ارزشمند و معتبر است. بنابراین اگر آیین‌ها، کتب نیایشی و یا رسوم کلیسا یا جماعت روحانی خاصی یکی از این روش‌ها را برگزیند مشروط بر آنکه دلایل محکمی برای تردید در رعایت اصول کلیسایی از سوی سرپرست موجود نباشد تعمیم انجام شده معتبر تلقی می‌گردد.

(ب) عدم ایمان کافی در سرپرست مسئول آیین تعمیم، به خودی خود تعمیم را بی اعتبار خواهد کرد. توجه مخصوص و کافی سرپرست باید تأیید شود، مگر آنکه تردید جدی درباره تطابق عمل کشیش یا فرد مسئول با سنت کلیسا موجود باشد.

(ج) هر کجا که شکی درباره چگونگی به کار بردن آب برای تعمیم وجود داشته باشد،^{۸۱} احترام به آیین انجام شده و شرکت در این جماعت‌ها نیازمند تحقیق و بررسی بسیار جدی درباره زندگی جامعه‌ای در برابر هر دادگاهی برای اثبات اعتبار تعمیم می‌باشد.

۹۶- بر اساس وضعیت محلی و در فرصت ممکن کاتولیک‌ها بایستی در پیوند با مسیحیان دیگر تعمیمی را که آنها را متحد می‌سازد یادآوری نموده زندگی روحانی را که توسط تعمیم به آنها عطا شده است و هم چنین وعده‌های تعمیم خود را تجدید نمایند و از طریق همدلی در فیض روح القدس و با روحیه همکاری برای شفای جدائیهای مسیحیان تلاش کنند.

۹۷- از آن جایی که از طریق تعمیم، شخص با مسیح و با کلیسای او متحد می‌شود، این راز تنها در یک کلیسا یا جماعت روحانی انجام می‌شود. بنابراین تعمیم هرگز نباید توسط دو سرپرست متعلق به دو جماعت یا کلیسای متفاوت انجام شود. علاوه بر این بر طبق سنت روحانی و نیایشی کاتولیک تعمیم فقط توسط یک نفر انجام می‌شود. به دلایل مربوط به خدمت شبانی در شرایط خاص نظام محلی گاهی ممکن است اجازه دهد که مسئول کلیسای دیگری در اجرای این مراسم از طریق قرائت یک متن، یا یک دعا و غیره شرکت نماید. این کارکرد دو جانبه تنها هنگامی ممکن است که تعمیم در جماعت دیگری با قواعد کلیسای کاتولیک در تضاد نباشد.^{۸۲}

۸۱- در ارتباط با مسیحیان، اعتبار وقتی ساقط است که تعمیم گروهی و از سر عجله در کار بوده باشد.

۸۲- ر.ک همین مجموعه (چاپ ۱۹۶۷).

۹۸- در شیوه‌درک کاتولیک، والدین تعمیدی به مفهومی مقدس، خود باید اعضای کلیسایی باشند که تعمید در آن انجام می‌شود، آنها تنها یک مسئولیت ساده را به عهده نمی‌گیرند که مثلاً در تعلیم شخص تعمید یافته (یا تأیید شده) به عنوان یک رابطه‌دوستانه ظاهر می‌گردد، بلکه آنها نمایندگان جامعه‌ای ایمانی هستند که ضامن ایمان فرد تعمید یافته و شوق او برای رابطه‌های بین‌کلیسایی نیز هستند.

الف) با وجود این براساس تعمید مشترک و به دلیل رشته‌های پیوند قلبی دوستانه، شخص تعمید یافته که به جماعت دیگری تعلق دارد مجاز خواهد بود تا شاهد تعمید باشد اما این نیز باید همراه با یک پدر تعمیدی کاتولیک باشد. فرد کاتولیک نیز ممکن است همین عمل را درباره‌ی فرد تعمید یافته در کلیسای دیگر انجام دهد.

ب) به دلیل پیوند نزدیک بین کلیسای کاتولیک و کلیساهای ارتدکس شرق، تنها اعضای چنین کلیسایی مجاز به ایفای نقش والدین تعمیدی هستند، که همراه با یک پدر تعمیدی کاتولیک خواهند بود، در تعمید یک فرد کاتولیک خواه خردسال و خواه بالغ تا حد امکان نظارت کافی کلیسای کاتولیک در جهت تعلیم فرد تعمید یافته وجود خواهد داشت و واضح است که پدر تعمیدی برای چنین وظیفه‌ای مناسب‌ترین فرد به حساب می‌آید.

برای یک فرد کاتولیک، شرکت در تعمید کلیساهای ارتدکس در نقش پدر تعمیدی میمانعتی ندارد، البته در این مورد وظیفه‌ارائه‌ی تعالیم مسیحی در وهله‌ی اول به عهده‌ی عضو کلیسایی است که کودک در آن تعمید می‌یابد.

۹۹- هر فرد مسیحی حق دارد که با آگاهی کامل و دلایل ایمانی کافی در پیوند کاتولیک وارد شده شرکت جوید.^{۸۳} وظیفه‌آماده‌سازی و پذیرش فردی که متقاضی شراکت در کلیسای کاتولیک است در سرشت اصیل خود نوعی فعالیت بین‌کلیسایی به شمار می‌رود.^{۸۴} آیین‌آشناسازی بالغین مسیحی روشی برای پذیرش چنین افرادی به پیوند کاتولیک می‌باشد. با این وجود در چنین مواردی همانند مسئله‌ی ازدواج‌های مختلط، کلیسای کاتولیک ممکن است در مورد اعتبار تعمید اشخاص تحقیق را نیاز ببیند. یادآوری‌های ذیل باید در این موارد رعایت شوند.

الف) در اعتبار تعمید کلیساهای شرق هیچ‌گونه تردیدی وجود ندارد. تنها تحقیق در مورد انجام تعمید لازم است. در این گونه کلیساهای آیین‌تأیید (تقدیس) همزمان با تعمید انجام می‌شود. اغلب اتفاق می‌افتد که هیچ‌ذکری از تأییدیه تعمید نشده است. این موضوع دلیلی برای تردید در اجرای آیین به دست نمی‌دهد.

۸۳- UR بند ۴.

۸۴- UR بند ۴.

ب) با توجه به وضعیت مسیحیان کلیساهای دیگر پیش از تأیید اعتبار تعمید یک فرد مسیحی، باید اطمینان حاصل شود که اساساً آیا با تعمید توافقی صورت گرفته (بند ۹۴ که پیش از این اشاره شد) و کلیساهای مورد نظر محلی یا منطقه‌ای در مورد این تعمید آگاهی دارند و یا بر طبق این توافق تعمیدی انجام شده است. باید توجه داشت که صرفاً به دلیل فقدان چنین توافق و اظهار نظری نمی‌توان در اصالت و اعتبار تعمید شخص تردید کرد.

ج) با توجه به وضع این مسیحیان اگر توجه روحانی خاصی ارائه شده باشد، دلیلی برای تردید در اصالت تعمید کلیساهای مورد نظر این بند وجود ندارد در غیر این صورت یک آزمون بسیار ساده به وضوح یک دلیل جدی برای تردید در یکی از موارد ذیل به دست می‌دهد: موضوع و شکل کلمات استفاده شده در تأیید تعمید شخص، دقت و تشخیص یک فرد تعمید یافته بالغ یا یک مسئول کلیسا.^{۸۵}

د) اگر حتی پس از تحقیق کامل و دقیق، شک جدی در مورد انجام درست و کامل تعمید، وجود داشته باشد و نتیجه داورها بر تجدید مشروط تعمید قرار بگیرد سرپرست کاتولیک باید توجه دقیقی به مسئله اعتقادی به تعمید یگانه و غیرقابل تکرار داشته و موضوع را به فرد توضیح دهد، زیرا او در این موارد تعمید مشروط و تشریح ارزش و معنای آیین تعمید مشروط را باید در نظر گرفته باشد. علاوه بر این آیین تعمید مشروط باید به طور خصوصی و خارج از جماعت انجام شود.

ه) بجاست که مجمع اسقفان کاتولیک شرق و کنفرانس‌های اسقفان رهنمودهایی برای پذیرش افراد در پیوند کاتولیک در صورتی که تعمید در کلیسای دیگری انجام شده باشد ارائه دهند. باید به یک حقیقت توجه داشت که آنها حق جو نیستند و میزان آگاهی و تجربه ایمان مسیحی آنان مورد سؤال است.

۱۰۰- مطابق آیین آشناسازی مسیحی، بالغین کسانی که برای نخستین بار با مسیح آشنا می‌شوند به طور عادی در طول مراقبه و روزه قبل از عید رستاخیز تعمید خواهند یافت. هنگامی که این آیین شامل پذیرش شخص در پیوند کامل کاتولیک باشد باید این گونه اشخاص از کسانی که هنوز تعمید نیافته‌اند جدا شوند.

۱۰۱- در موقعیت فعلی روابط ما با کلیساهای اصلاح شده در قرن شانزدهم، هنوز به توافقی درباره ارزش و اهمیت سرشت نیایشی و یا حتی شکل اجرای آیین تأیید دست نیافته‌ایم. بنابراین در شرایط حاضر کسی که از یکی از این کلیساها بخواهد وارد پیوند کاتولیک شود باید آیین تأیید بر طبق تعلیم و آیین کاتولیکی پیش از دریافت قربانی مقدس درباره او انجام شود.

B- پیوند در فعالیت‌های روحانی و خدمات کلیسایی

قوانین کلی

۱۰۲- مسیحیان باید برای شرکت در فعالیت‌ها و خدمات کلیسایی از جمله، شراکت در میراث مشترک روحانی کلیسا با در نظر گرفتن وضعیت جدایی آنها و به روشی خاص تشویق و ترغیب شوند.^{۸۶}

۱۰۳- اصطلاح «پیوند در فعالیت‌ها و خدمات کلیسایی» به معنای مواردی چون دعای مشترک، شرکت در پرستش به مفهوم خاص آن، چنانکه در بند ۱۱۶ خواهیم دید، همراه با استفاده مشترک از مکان‌های مقدس و همه لوازم مورد نیاز می‌باشد.

۱۰۴- قوانین هدایت‌کننده این پیوندها به شرح ذیل هستند:

الف) به رغم مشکلات جدی که مانع از پیوند روحانی کامل هستند، واضح است که همه کسانی که از طریق تعمید با مسیح پیوند دارند در بسیاری از عناصر زندگی مسیحی مشترک هستند. بنابراین، یک پیوند حقیقی و هر چند ناقص بین مسیحیان وجود دارد که قابل بیان به روش‌های مختلف می‌باشد که شامل پیوند در دعاها و پرستش هستند،^{۸۷} که در قسمت بعدی به آن اشاره خواهد شد.

ب) بر طبق ایمان کاتولیک، کلیسای کاتولیک به برکات تمامیت حقیقت مکاشفه شده و تمامی وسایل نجات آراسته شده و این عطیه‌ای است که هرگز از دست نخواهد رفت.^{۸۸} با این وجود در میان عطایا و رحمت‌های خدا که به کلیسای کاتولیک تعلق دارند (از جمله کلام مکتوب خدا، زندگی پر از فیض، ایمان، امید و نیکویی و غیره) بسیاری از آنها ممکن است خارج از محدوده قابل رؤیت آن به دست آیند. کلیساها و جماعت‌های روحانی خارج از دایره پیوند کاتولیک به هیچ روی بی‌ارزش و فاقد برکات راز نجات به حساب نمی‌آیند، زیرا روح مسیح عار ندارد که آنها را به عنوان وسایل تحصیل نجات به کار برد.^{۸۹} بر طبق شرایط متفاوت کلیساها و جماعت‌های روحانی که به انواع مختلف تفاوت‌هایی دارند، نیایش‌ها و آیین‌های آنها می‌توانند خوراک روحانی اعضای آن کلیساها را فراهم آورند، به نوع و در حدی که در این آیین‌ها شرکت می‌کنند و این آیین‌ها می‌توانند جماعت نجات یافته را هدایت کنند و بر تعداد آنها بیفزایند.^{۹۰}

۸۶- UR بند ۸.

۸۷- UR بندهای ۸ و ۳؛ و نیز بند ۱۱۶ همین مجموعه.

۸۸- LG بند ۸؛ UR بند ۴.

۸۹- UR بند ۳.

۹۰- UR بندهای ۳، ۱۵، ۲۲.

ج) پیوند در فعالیت‌ها و خدمات روحانی کلیسا در حال حاضر در بین مسیحیان دیده می‌شود، بنابراین این حقایق دوگانه را باید به یاد داشت:

۱- پیوند واقعی در حیات روحانی در بین مسیحیان دیده و در پرستش و دعاهای آنها آشکار می‌شود؛

۲- ویژگی ناکامل بودن این پیوندها به دلیل تفاوت ایمان و شیوه ادراک نمی‌تواند یک پیوند نامحدود در برکات آسمانی به حساب آید؛

د) صداقت در برابر این حقیقت مقرر نمودن الگوهایی را برای پیوند روحانی با وضع فعلی چنین کلیساهایی به یک نیاز اساسی و مبرم تبدیل می‌نماید، تا آنکه هم‌چنان که مسیحیان از برکات روحانی مشترک بهره‌مند می‌شوند، روز به روز بیشتر از نیاز غلبه بر جدائی‌های موجود نیز آگاه شوند.

ه) از آن جایی که پیوند در قربانی مقدس نمود ظاهری و قابل دیدن پیوند کامل در ایمان، پرستش و حیات مشترک جماعت‌های کاتولیک به حساب می‌آید، و توسط سرپرست‌های آن کلیسا بیان می‌شود برگذاری این آیین به طور مشترک با کلیساها و جماعت‌های دیگر مجاز نیست.

۱۰۵- نوعی خاص از «رابطه دوجانبه» باید در حین پیوند در فعالیت‌ها و خدمات روحانی کلیسایی حتی در محدوده‌های تشریح شده وجود داشته باشد که شراکت در یک روح و اراده متقابل صلح‌آمیز برای نیکوکاری و رشد هماهنگی میان مسیحیان مختلف به حساب می‌آید.

۱۰۶- یادآوری می‌شود که مشاوره‌های لازم درباره این پیوندها در سطوح عالی کلیسای کاتولیک و نمایندگان دیگر پیوندها برای جستجوی امکانات یک پیوند دوجانبه کامل برطبق تعالیم و سنت‌های کلیساها و جماعت‌های مختلف انجام می‌پذیرد.

۱۰۷- کاتولیک‌ها باید احترام صمیمانه‌ای به نیایش‌ها و نظام رازگونه کلیساهای دیگر قائل باشند و این کلیساها نیز به نوبه خود بایستی همان حد احترام را برای نظام کاتولیک نشان دهند. یکی از هدف‌های مشاوره فوق‌الذکر درک و تفاهم متقابل از نظام‌های نیایشی هر دو سو و حتی توافق بر چگونگی تحمل وضعیتی که نظام یک کلیسا در نظر دارد و یا تضادهای موجود بین دو نوع نگرش و نظام روحانی می‌باشد.

دعای مشترک

۱۰۸- در موقعیت‌های مناسب کاتولیک‌ها باید بر طبق نظام کلیسای خود برای پیوستن به دعای مشترک با مسیحیان کلیساها و جماعت‌های روحانی دیگر ترغیب شوند. چنین دعا‌های مشترکی در واقع امکان بسیار مناسبی برای دعای متحد برای اتحاد بوده و صور بیانی فعال رشته‌های ارتباطی کاتولیک‌ها با دیگر مسیحیان به شمار می‌آیند.^{۹۱} دعای مشترک به خودی خود راهی برای مصالحه و آشتی نیز هست.

۱۰۹- دعای مشترک برای کاتولیک‌ها و دیگر مسیحیان چنانکه آنها به همراه یکدیگر مسائل، نیازها و خواسته‌های مشترک خود از جمله صلح، مسائل اجتماعی، نیکوکاری دوجانبه، حفظ حرمت خانواده، تأثیرات سوء فقر، گرسنگی و خشونت در جوامع و غیره - را به حضور خداوند بیاورند. به همین شکل می‌توان دربارهٔ موقعیت‌هایی سخن گفت که بر اساس شرایط، نژاد، منطقه و یا جامعه‌ای اراده دارد که به شکلی مشترک از اعمال خدا تشکر و سپاسگزاری نماید، در مورد تعطیلات ملی، یا در زمان وقوع یک سانحهٔ طبیعی یا موقعیت سوگواری در روزهای یادبود آنهایی که برای کشور جان باخته‌اند و غیره چنین وضعیتی وجود دارد. این نوع دعا نیز هنگامی که مسیحیان ملاقات‌های مشترک را برای مطالعه یا عمل مشترک برنامه‌ریزی می‌کنند باید مورد توجه باشد.

۱۱۰- با این همه دعای مشترک، باید به طور خاص با حفظ اتحاد مسیحی همراه باشد. به عنوان مثال می‌توان بر محور راز کلیسا و اتحاد آن، یا تعمید به مثابهٔ رشتهٔ رازگونه اتحاد، و یا در تجدید حیات فردی یا زندگی جمعی به عنوان اصل لازم فعالیت جدی و علمی در راه اتحاد آن را برنامه‌ریزی نمود. این گونه دعاها به طور خاص در «هفتهٔ دعای اتحاد مسیحیان» یا در هفتهٔ بین عید صعود و عید پنجاهه برگزار می‌شوند.

۱۱۱- نمایندگان کلیساها، جماعت‌های مذهبی و یا گروه‌های دیگر ذکر شده باید به همراه هم، چنین دعا‌هایی را ترتیب دهند. آنها باید دربارهٔ روش و شیوهٔ مشارکت هر یک، انتخاب موضوعات و قرائت‌های خاص از متون کتاب مقدس، سرودها و دعاها در میان خود تبادل نظر نموده تصمیم بگیرند.

الف) در چنین شرایطی فضای کافی برای هرگونه مطالعه، دعا و سرود که نشانی از ایمان یا حیات روحانی مشترک بین همهٔ مسیحیان است وجود دارد. فضا برای استغاثه یا تمرکز و تعمق در کلام خدا و میراث مشترک مسیحیان شرایط برای ایجاد فضای اتحاد و ارادهٔ همسوی مسیحیان وجود خواهد داشت.

ب) می بایست توجه کافی در مورد انواع چاپ‌های کتاب مقدس مبذول شود تا متن قابل قبول برای همه و ترجمه‌های اصیل و وفادارانه از متون و زبان اصلی ارائه گردد.

ج) بجا و مناسب است که شکل ظاهری این نیایش‌ها و مراسم حاوی فرصت برای همه شیوه‌های دعای جمعی در هماهنگی با تجدید شیوه‌های نیایشی در کلیساها و جوامع مسیحی باشد و توجه خاصی به میراث مشترک، سرودها، متون برداشت شده از راهنمای مطالعه کتاب مقدس در کلیسا و دعا‌های آیین نیایشی مبذول شود.

د) هنگامی که نیایش‌ها بین کاتولیک‌ها و یک کلیسای شرق ترتیب داده شد باید به نظام نیایشی هر کلیسا به طور خاص توجه کرد و بر طبق بند ۱۱۵ که ذیلاً خواهد آمد عمل نمود.

۱۱۲- اگرچه ساختمان کلیسا محلی است که عادتاً جماعت برای اجرای نیایش در آن جمع می‌شوند و به آن عادت دارند، نیایش‌های مشترک ذکر شده می‌توانند در کلیساهای یکی از طرفین مورد نظر برگزار شوند، البته در صورتی که شرکت‌کنندگان آن را بپذیرند. هر مکانی که مورد استفاده قرار گیرد باید برای همه قابل قبول و هم‌چنین باید قابلیت و آمادگی اجرای نیایش‌ها در آن موجود باشد.

۱۱۳- هرگاه شرکت‌کنندگان در مورد موضوعی توافق نموده باشند، همه کسانی که در نیایش مسئولیتی دارند باید لباس مخصوص حالت و درجه روحانی خود را دربر کنند که مناسبت نوع مراسم هم باشد.

۱۱۴- تحت رهنمودهای اشخاص تعلیم‌دیده و با تجربه، مناسب خواهد بود که پیوندهایی در روزهای یادبود خاص و تمرین‌های خاص روحانی، گروه‌های مطالعه و پیوند در سنت‌های روحانی و جماعت‌های پایدارتر برای جستجو و تفتیش عمیق یک حیات روحانی مشترک برگزار گردند. توجه جدی باید همواره بر آنچه در مورد شناخت نقاط حقیقی اختلاف تعلیمی موجود و هم‌چنین تعالیم و نظام کلیسای کاتولیک در مورد پیوندهای مشترک گفته می‌شود، در نظر گرفته شود.

۱۱۵- به دلیل آنکه نیایش قربانی مقدس در روز خداوند، مرکز و بنیاد تمامی سال نیایشی به حساب می‌آید،^{۹۲} کاتولیک‌ها - و هم‌چنین کلیساهای شرق بر طبق سنت خود - باید در آن روز و رزهای خاص نیایش قربانی را برگزار نمایند. بنابراین نمی‌توان روز یکشنبه را برای پیوندهای بین‌کلیسایی برگزید و باید به خاطر داشت که حتی هنگامی که کاتولیک‌ها در نیایش‌های بین‌کلیسایی کلیساهای دیگر شرکت می‌کنند اجبار به شرکت در مراسم قربانی مقدس در این روزهای خاص هم‌چنان پابرجاست.

پیوند در نیایش به شیوه غیر نمازنامه‌ای

۱۱۶- اصطلاح پرستش نمازنامه‌ای به نوعی از پرستش اطلاق می‌شود که برطبق کتاب خاصی و به شیوه و سنت یک کلیسای خاص برگزار می‌شود، که رهبری آن را نماینده‌ای از همان کلیسا به عهده دارد. این شیوه پرستش ممکن است غیر رازگونه و یا شامل اجرای یک یا چند راز از رازهای مسیحی باشد. منظور ما در این جا نوع غیر رازگونه آن است.

۱۱۷- در بعضی مواقع دعای رسمی کلیسا ممکن است بر شیوه نیایش‌های بین‌الکلیسایی ترجیح داده شود که به طور خاص برای موقعیتی مخصوص ترتیب داده می‌شوند. شراکت در چنین پرستش‌هایی تحت عنوان پرستش صبحگاهی یا عصرگاهی، تعمق‌های ویژه و غیره انجام شود که افراد از طریق سنت‌های مختلف نیایشی - کاتولیک، شرقی، انگلیکن و پروتستان قادر به درک دعای جماعت‌های خود می‌شوند و هم چنین می‌توانند به شیوه‌ای ژرف‌تر در سنت‌هایی که اغلب از ریشه‌های مشترک مشتق شده‌اند، شرکت جویند.

۱۱۸- در نیایش‌های نمازنامه‌ای که در کلیساهای دیگر انجام می‌گیرند کاتولیک‌ها تشویق می‌شوند تا در مزامیر، پاسخ‌های دعاها سرودها و اعمال مشترک کلیساهایی که در آنها میهمان هستند شرکت جویند. در صورت دعوت از سوی میزبانان خود می‌توانند در قرائت کلام یا موعظه شرکت نمایند.

۱۱۹- با توجه به تأکید بر نیایش نمازنامه‌ای به این شیوه، توجه دقیقی باید بر حساسیت‌های افراد همه جوامع مسیحی مورد نظر اعم از شبانان، سرپرستان و مردم عادی و هم چنین سنت‌های محلی که ممکن است در طول زمان و بر حسب مکان، اشخاص و قوانین تغییر نمایند ابراز گردد. در یک پرستش کاتولیکی سرپرستان کلیساهای دیگر ممکن است شرکت جسته و احترام روحانی لازم مناسب با مقام و نقش کلیسایی آنان در صورت لزوم باید رعایت شود. کشیشان کاتولیک که به شرکت در نیایش کلیساهای دیگر دعوت شده‌اند باید لباس یا علائم مخصوص خدمت روحانی خاص خود را طبق توافق با میزبانان در برکنند.

۱۲۰- در احترام به نظام روحانی محلی، نمازهای تدفین کلیسای کاتولیک می‌تواند برای یک کلیسای یا جماعت کلیسایی غیرکاتولیک اجرا گردد، مگر آنکه به روشنی مخالف اراده و رأی آنان باشد و به شرطی که مسئول سرپرستی مراسم انتخاب شده از سوی آنان در دسترس نباشد، و این که باید دیدگاه‌های کلی قوانین کلیسایی آن را منع نکرده باشند.

۱۲۱- تقدیس مخصوص کاتولیکی نیز در صورت درخواست می‌تواند برای کلیساهای دیگر به کار گرفته شود و این بستگی به نوع و وضعیت تقدیس درخواستی دارد. دعای عمومی برای مسیحیان دیگر اعم از زنده یا مرده و برای نیازهای خاص و تقاضای کلیساهای دیگر و رهبران روحانی آنها می‌تواند در خلال دعای استغاثه یا قسمت‌های خاص آیین نیایشی گنجانیده شود، اما نیایش قربانی مقدس از این دسته جدا می‌شود. سنت‌های نیایشی کهن مسیحی ذکر خاص این موارد را در قربانی مقدس تنها در موارد نام اشخاصی که در ارتباط با قربانی مقدس به طور دائمی فعالند مجاز می‌شمارند.

پیوند در زندگی نیایشی، به خصوص در قربانی مقدس

۱- پیوند در نیایش با کلیساهای شرق

۱۲۲- بین کلیسای کاتولیک و کلیسای شرق که در پیوند کامل با آن قرار ندارد، پیوند نزدیکی در مسائل ایمانی وجود دارد. ۹۳ علاوه بر این، «از طریق برگزاری قربانی مقدس خداوند در هر یک از این کلیساهای، کلیسای خدا در سرشت نهانی خود بنا می‌شود و رشد می‌یابد» و این کلیساهای «اگرچه از ما جدا شده‌اند، هنوز از اجرای رازهای حقیقی و بیش از همه - از سلالهٔ رسولان - و سیستم کشیشی و قربانی مقدس ... بهره‌مندند». ۹۴ این موضوع پایه‌های مشترک نیایشی روحانی را برطبق تفسیر کلیسای کاتولیک بنا می‌کند و اجازه می‌دهد و حتی پیوند با این کلیساهای را تشویق می‌نماید و «بر اساس شرایط خاص و توافق کلیسا و رهبران روحانی آن» مجاز می‌شمارد. ۹۵ با این وجود، دیده می‌شود که کلیساهای شرق بر پایهٔ فهم سنت روحانی خود ممکن است قوانین سخت‌تری را در این مسائل در نظر بگیرند که قابل احترام هستند. شبانان کلیسا بایستی به دقت ایمانداران را چنان تربیت نمایند که آنها به روشنی از دلایل خاص این نوع پیوندها در پرستش با آیین نیایشی ویژه و قوانین خاصی که در این مورد ممکن است وجود داشته باشند، آگاه گردند.

۱۲۳- در صورت نیاز یا پیشنهاد مناسب روحانی، و با اثبات این که از خطا و اشتباه و بی‌تفاوتی جلوگیری می‌شود برای هر کاتولیک که سرپرست کاتولیک از نظر اخلاقی یا به دلایل فیزیکی در دسترس او نیست مجاز است با برگزاری آیین توبه و اعتراف گناهان از یکی از سرپرستان کلیسای شرق قربانی مقدس دریافت نماید.

۱۲۴- نظر به این که نیایش بین کاتولیک‌ها و مسیحیان شرق از نظر تعداد دفعات برگزاری قربانی مقدس اعتراف قبل از قربانی مقدس و روزهٔ قربانی مقدس متفاوت است

۹۳- UR بند ۱۴.

۹۴- UR بند ۱۵.

۹۵- UR بند ۱۵.

کاتولیک‌ها باید توجه نمایند تا در بین مسیحیان شرق اسباب رسوایی و سوءظن فراهم نکنند که بر اثر عدم دریافت صحیح قربانی مقدس ممکن است رخ دهد. هر فرد کاتولیک که بخواهد با مسیحیان شرق پیوند داشته باشد باید به نظام نیایشی شرق احترام گذارده و از دریافت قربانی مقدس در صورتی که آن کلیسا تنها اعضای خود را شرکت می‌دهد اجتناب نماید.

۱۲۵- سرپرستان کاتولیک مجازند راز اعتراف و قربانی مقدس و تقدیس و تدهین بیماران را برای اعضای کلیساهای شرق انجام دهند و البته باید درخواست این رازها از سوی آنان و به اراده‌آزاد باشد. در این موارد خاص نیز توجه خاص باید به نظام نیایشی کلیسای شرق مبذول شود و از هرگونه پیشنهاد برای پیوستن به کاتولیک‌ها باید خودداری شود. ۹۶

۱۲۶- کاتولیک‌ها مجازند در یک نیایش رازگونه کلیساهای شرق در صورت دعوت به قرائت کلام بپردازند. یک مسیحی شرقی نیز ممکن است به دعوت کلیساهای کاتولیک قرائت متن را به عهده بگیرد.

۱۲۷- هر سرپرست کاتولیک می‌تواند در یک راز ازدواج در بین مسیحیان شرق یا بین یک کاتولیک و یک عضو کلیساهای شرق حضور یافته و حتی آن را اجرا نماید و این البته منوط به دعوت از سوی کلیسای شرق، در صورت تطابق با قوانین مربوط به ازدواج‌های مختلط خواهد بود.

۱۲۸- یک عضو کلیسای شرق می‌تواند به عنوان شاهد ازدواج از سوی عروس یا داماد در یک ازدواج در کلیسای کاتولیک حضور یابد، و یک کاتولیک نیز مجاز است شاهد ازدواج در یک کلیسای شرق باشد در صورتی که نماز ازدواج به درستی انجام پذیرد. در تمام موارد، این موضوع باید با قوانین هر دو کلیسا با توجه به نیاز به شرکت در چنین ازدواج‌هایی مطابقت داشته باشد.

۲- شراکت در زندگی نیایشی با مسیحیان کلیساهای دیگر

۱۲۹- یک راز، عبارت از عمل مسیح و کلیسا از طریق روح القدس است. برگذاری آن در یک جامعه ایمانی نشانه‌ای بر واقعیت اتحاد آن در ایمان، پرستش و زندگی جمعی می‌باشد. رازها علاوه بر علامت و نشانه بودن - به طور خاص قربانی مقدس - منبع اتحاد جامعه مسیحیان و منشأ زندگی روحانی هستند، و هم چنین وسائل بنای کلیسا به حساب

می آیند. به این ترتیب پیوند قربانی مقدس به طور جدایی ناپذیری با پیوند روحانی کامل مرتبط بوده و بیان قابل رؤیت آن به شمار می آید.

در عین حال کلیسای کاتولیک تعلیم می دهد که در تعمیم اعضای کلیساهای دیگر به یک رابطه حقیقی هرچند نا کامل با کلیسای کاتولیک وارد می شوند،^{۹۷} و این که «تعمید که نشانه رسته اتحاد میان همه کسانی است که از طریق آن دوباره تولد یافته اند ... تماماً به سوی حیات زنده و کامل در مسیح هدایت می نماید».^{۹۸} برای فرد تعمید یافته، قربانی مقدس خوراک روحانی است که افراد را قادر می سازد تا برگناه غلبه یافته و حیاتی همچون حیات مسیح را تجربه نمایند و عمیقاً با او متحد شده و سهم بیشتری از شراکت در راز مسیح را دریافت نمایند. در پرتو این دو قاعده اساسی، که باید همواره با هم در نظر گرفته شوند، کلیسای کاتولیک پذیرش قربانی مقدس و رازهای توبه و اعتراف و تدهین بیماران را تنها برای کسانی مجاز می شمارد که در ایمان و پرستش و حیات روحانی متحد باشند.^{۹۹} به دلایل مشابهی تحت شرایط خاصی و به طور استثنایی حضور در این رازها برای مسیحیان کلیساهای دیگر مجاز شمرده می شود.

۱۳۰- در صورت خطر مرگ، سرپرستان کاتولیک ممکن است این رازها را هنگامی که شرایط ذیل (بند ۱۳۱) برقرار باشد اجرا نمایند. در موارد دیگر، اسقف مربوطه باید با در نظر گرفتن تمام قوانین که ممکن است در این موضوع توسط مجمع اسقفان یا توسط شورای اسقفان کاتولیک شرق وضع شده باشند، قواعد کلی برای داوری این گونه وضعیت ها را در حالت نیاز جدی و سنگین و با تأیید و تأکید شرایط ذیل (بند ۱۳۱) ارائه نماید.^{۱۰۰} بر طبق قوانین برحق این قواعد کلی تنها پس از مشاوره با حداقل یکی از مقام های هر کلیسای دلخواه دیگر می توانند اجرا شوند. سرپرستان کاتولیک در مورد موضوعات شخصی داوری نموده و این رازها را تنها در مواردی که مطابق قوانین برحق جاری باشند اداره و اجرا می کنند. در غیر این صورت آنها باید از مفاد این مجموعه تبعیت کنند.

۱۳۱- شرایطی که برحسب آن یک سرپرست کاتولیک می تواند قربانی مقدس و هم چنین آیین اعتراف و تدهین بیماران را در مورد شخص تعمید یافته برگذار نماید. چنان که ممکن است شرایط شخص در موارد فوق الذکر یافت شوند. ناتوانی این شخص از دسترسی به سرپرستی از کلیسای خود است، چنین شخصی نیازمند برگذاری مراسم و آیین ها و شیوه آشنا برای او می باشد در نتیجه شخص در این شرایط ویژه قادر خواهد بود که بر طبق ایمان کاتولیک خود از برگذاری رازها به نحو احسن بهره مند شود.

۹۷- UR- بند ۳.

۹۸- UR- بند ۲۲.

۹۹- UR- بند ۸.

۱۰۰- سند مجوزی برای دریافت قربانی مقدس توسط اعضای کلیساهای دیگر در کلیسای کاتولیک.

۱۳۲- بر پایهٔ تعالیم کاتولیک، دربارهٔ برگذاری رازها و اعتبار آنها، هر فرد کاتولیک در شرایط ذکر شده (بندهای ۱۳۰ و ۱۳۱) تنها باید از کشیش یا سرپرستی برگذاری این رازها را خواستار شود، که در کلیسایش این رازها اعتبار داشته باشند، و یا از کسی که دستگذاری یا نوع خدمت او بر طبق تعالیم کاتولیک تأیید شده باشد.

۱۳۳- قرائت کلام مقدس در نیایش قربانی مقدس در تعالیم کلیسای کاتولیک بایستی توسط اعضای همان کلیسا انجام شود. در موارد استثنایی اسقف مسئول ممکن است به عضوی از کلیسای دیگر اجازهٔ انجام این وظیفه را بدهد.

۱۳۴- در نیایش قربانی مقدس کاتولیک، موعظه که قسمتی از نیایش را تشکیل می‌دهد به خودی خود به عهدهٔ کشیش یا خادم است، زیرا موعظه در واقع نشان دادن و ظاهر کردن الگوهای زندگی مسیحی بر طبق تعلیمات و سنت کاتولیک است.

۱۳۵- برای قرائت کلام و موعظه در غیر از نیایش قربانی مقدس، قواعد ارائه شده در (بند ۱۱۸) باید در نظر گرفته شوند.

۱۳۶- اعضای کلیساها و جماعت‌های دیگر می‌توانند شاهد اجرای مراسم ازدواج در کلیسای کاتولیک باشند. کاتولیک‌ها نیز می‌توانند شاهد همین مراسم در کلیساهای دیگر باشند.

پیوند در منابع دیگر حیات و فعالیت‌های روحانی

۱۳۷- کلیساهای کاتولیک عبارت از ساختمان‌های تقدیس و تبرک شده‌ای هستند که از ارزش الهیاتی و نیایشی خاص در بین جامعهٔ کاتولیک برخوردارند. از این رو آنها همواره به پرستش کاتولیکی اختصاص یافته‌اند. با این وجود اگر کشیشان، سرپرستان و جماعت‌هایی که در پیوند کامل کاتولیک قرار ندارند مکانی برای پرستش و یا وسائل لازم نیایشی را نداشته باشند تا بتوانند پرستش خود را به شایستگی انجام دهند اسقف می‌تواند به آنان اجازه دهد که از فضای کلیسا و یا ساختمان متعلق به کاتولیک‌ها استفاده نمایند و حتی وسائل نیایشی لازم را به امانت بدهد. تحت شرایط مشابه اجازهٔ استفاده از گورستان کاتولیک‌ها را برای اجرای مراسم خاص می‌توان صادر نمود.

۱۳۸- به دلیل گسترش جوامع، رشد سریع جمعیت و پدیدهٔ شهرنشینی به انگیزهٔ کسب درآمد، هنگام وجود روابط بین‌کلیسایی مساعد و فضای تفاهم بین جماعت‌های مختلف، شراکت در استفاده از محل یا مالکیت آن در مدت زمانی طولانی به موضوعی مورد علاقهٔ طرفین تبدیل می‌شود.

۱۳۹- اگر اسقف استفاده از محل و یا شراکت در مالکیت آن را بر اساس الگوهای مصوب شورای اسقفان و یا نظر مقدس رم به کسی واگذار نماید و یا اجازه دهد، نظارت کاملی باید بر شیوه استفاده از محل و برگذاری رازها اعمال شود، تا آنکه این مسئله بر پایه الهیات رازگونه با احترام لازم حل شود و در عین حال باید به حساسیت های کسانی که از ساختمان استفاده خواهند نمود از جمله ساختن اتاق مستقل برای محل پرستش، توجه گردد.

۱۴۰- پیش از برنامه ریزی در مورد یک ساختمان مشترک، رهبران جماعت ها بایستی ابتدا به توافق درباره قوانین حاکم بر روابط بین دو طرف دست یافته باشند که به خصوص در زمینه توجه به نیایش ها اهمیت خواهد داشت. علاوه بر اینها یک توافقنامه کتبی که به روشنی در مورد تمام مسائل مالی و شرایط و مشکلات احتمالی که برای کلیسا پیش خواهد آمد و هم چنین قوانین کشوری صحبت کرده باشد، باید به امضای طرفین برسد.

۱۴۱- در مدارس و مؤسسات کاتولیک هر نوع تلاشی برای احترام به ایمان و شعور و ادراک دانشجویان یا استادانی که به کلیساها و جماعت های دیگر تعلق دارند باید به کار گرفته شود. بر طبق موقعیت ثابت خود مدیران چنین مدارس و مؤسساتی باید بکوشند تا کشیشان جماعت های دیگر از همه گونه وسائل و تسهیلات لازم برای برگذاری نیایش ها با ایمانداران خود که در این مؤسسات یا مدارس به تحصیل مشغولند برخوردار باشند. تا آن جا که امکان داشته باشد با اجازه اسقف این تسهیلات باید اعم از کلیسا یا مکان نیایشی دیگر بر اساس قوانین کاتولیک ارائه گردند.

۱۴۲- در بیمارستان ها، خانه های سالمندان و مؤسسات مشابه که توسط کاتولیک ها اداره می شوند مسئولان و سرپرستان این اماکن باید به کشیشان جماعت های دیگر حضور افرادی از ایمانداران این جماعت ها را اعلام و تمامی تسهیلات لازم را برای پذیرایی از این اشخاص فراهم نموده و امکانات پرستشی را در نهایت احترام و با شرایط مناسب از جمله استفاده از مکان نیایشی برایشان فراهم آورند.

C - ازدواج های مختلط

۱۴۳- در این مجموعه از اسناد بین الکیسایی قصد نداریم درباره وظایف مختلف و پرستش های زیادی که از نظر کار شبانی در برگذاری راز ازدواج مسیح و یا مراقبت های شبانی درباره خانواده مسیحی مطرح می شود صحبت کنیم و فهرست طولانی ارائه نماییم، زیرا چنین پرستش هایی قسمتی از وظایف عمومی اسقف مربوطه یا شورای اسقفان است. در آنچه که پس از این خواهد آمد به برخی مطالب مهم مربوط به ازدواج های مختلط توجه

خاص خواهیم داشت و موضوع در حین پیشرفت متن روشن‌تر خواهد شد. اصطلاح «ازدواج مختلط» به هرگونه پیوند زناشویی بین یک فرد کاتولیک و هر مسیحی تعمید یافته‌ای اطلاق می‌شود که در ارتباط پیوند با کلیسای کاتولیک نیست.

۱۴۴- در هر ازدواجی، مسئله اصلی کلیسا عبارت از دوام و پایداری و جدایی ناپذیری رشته اتحاد ازدواج و حمایت از زندگی خانواده است که از این ازدواج به وجود می‌آید. اتحاد کامل و پیوند کامل در زندگی که مفهوم ازدواج را ایجاد می‌کند هنگامی مطمئن و بادوام خواهد بود که هر دو شخص به یک جماعت ایمانی تعلق داشته باشند. به علاوه تجربه عملی و بررسی‌های انجام شده در گفتگوهای بین نمایندگان کلیسا و جماعت‌های روحانی نشان می‌دهند که ازدواج مختلط اغلب مشکلاتی برای هر دو زوج و فرزندان آنها و برای بقای خانواده و هماهنگی آن و ایمان مسیحی افراد به وجود آورده است. به دلایل فوق، ازدواج بین دو نفر از یک کلیسا یا جماعت روحانی مشترک به عنوان هدف تأیید شده و تشویق می‌شود.

۱۴۵- با این وجود در مورد موضوع ازدواج‌های مختلط در بسیاری از نقاط جهان، کلیسا با مشکل زوج‌هایی روبه‌رو شده است که به چنین ازدواجی رسیده‌اند یا تصمیم به چنین ازدواج‌هایی دارند و این یکی از اصلی‌ترین مشکلات و مسائل خدمت شبانی به حساب می‌آید. این‌گونه ازدواج‌ها حتی اگر مسائل خاص خود را داشته باشند «عناصر متعددی دارند که می‌توانند به پیشرفت و ترقی ارزش‌های قلبی و شرکت فعال در فعالیت بین‌الکلیسایی منجر شوند. این موضوع وقتی صحت دارد که هر دو طرف به وظایف ایمانی خود وفادار باشند تعمید مشترک آنها و پویایی فیض روابط زوج‌ها را در چنین ازدواج‌هایی بر پایه خلاقیت برای نشان دادن اتحاد در فضایی سرشار از اخلاق و ارزش‌های اخلاقی و روحانی شکل می‌دهد».

۱۴۶- این مسئولیت دائمی همگان به خصوص کشیشان و خادمین و کسانی که در خدمات شبانی آنها را کمک می‌کنند است که قواعد خاص و حمایت لازم از اعضای کلیسای کاتولیک در حیات ایمانی فراهم آورده و هم‌چنین برای زوج‌هایی که ازدواج مختلط را برگزیده‌اند هم برای آمادگی برای ازدواج و انجام مراسم آن و هم برای زندگی مشترکی که پس از ازدواج ساخته می‌شود نیز این امکانات را مهیا کنند. این خدمات شبانی خاص، باید شرایط ایمانی و روحانی هر یک از طرفین را در نظر گرفته و رشد روحانی و شیوه عملی اجرای تجربیات روحانی آنها را با مراقبت دنبال نماید. در عین حال

احترام کامل به شرایط و وضعیت هر یک از دو نفر در مسائل خاص وجدان طرفین و تقدس راز ازدواج باید رعایت شود. هر جایی که مناسب به نظر برسد، اسقفان، مجمع اسقفان کاتولیک شرق و شوراهای محلی اسقفان رهنمودهای تخصصی تر را در مورد نظارت شبانی و مسئولیت‌های آن مقرر خواهند نمود.

۱۴۷- برای انجام کامل این مسئولیت، در مواقع لزوم در صورت امکان، ارتباطاتی با مسئولین کلیساها و جماعت‌های کلیسایی دیگر، هر چند به سادگی امکان پذیر نیست. فراهم و گام‌های مثبتی در این راه برداشته شود. به طور کلی، مشاوره‌های دو جانبه بین شبانان کلیساهای مسیحی برای حمایت از چنین ازدواج‌هایی و پاسداشت ارزش آنها یکی از زمینه‌های همکاری بین کلیساها را تشکیل می‌دهد.

۱۴۸- در آمادگی برای مقدمات لازم جهت ازدواج، کشیش یا خادم و همکاران آنها، باید بر روی جنبه‌های مثبت آنچه که زوج ازدواج کرده به عنوان مسیحی در زندگی پر از فیض، و در ایمان، و در امید و محبت در آن شریک یکدیگر می‌شوند و هم‌چنین سایر عطایای خاص روح القدس تأکید نمایند. ۱۰۱ هر یک از طرفین ضمن وفاداری به ایمان شخصی خود و تداوم تجربه آن باید به جستجوی همه آنچه که موجب اتحاد و هماهنگی در زندگی می‌شود برآمده و از کوچک شمردن تفاوت‌ها و بی‌اهمیت دانستن آنها و هم‌چنین از افتادن در دام و سوسه بی تفاوتی پرهیز نماید.

۱۴۹- در صورت تمایل به حصول تفاهم و اتحاد و هماهنگی بیشتر و پربارتر، هر دو طرف باید درباره شیوه برگذاری آیین‌ها و نوع نگرش ایمانی شریک زندگی خود و تعالیم و روش بیان ایمان کلیسای طرف مقابل آگاه باشند. برای کمک به تفاهم و زندگی پربار مشترک بین دو زوج و ایجاد زمینه درک میراث‌های مشترک ایمانی هر دو آنها، باید آنها را به دعای مشترک برای تجربه هماهنگی روحانی و تقویت ایمان و هم‌چنین مطالعه کلام خدا و تأکید بر اهمیت آن تشویق و ترغیب نمود، در دوران آماده سازی کوشش‌های هر دو نفر برای درک سنت‌های روحانی و وضعیت ایمانی طرف مقابل خود و توجه دقیق به تفاوت‌های موجود می‌تواند و باید به اعتماد و صداقت بیشتر، نیکوکاری و تفاهم متقابل درباره این واقعیت‌ها و هم‌چنین درک اهمیت و مفهوم اصلی ازدواج منجر گردد.

۱۵۰- هرگاه بنا به دلایل درست و منطقی، درخواست موافقت با یک ازدواج مختلط ارائه می‌شود، هر دو طرف بایستی به نتایج نهایی و شرایط ازدواج آگاه باشند که از طرف یکی از آن دو نمی‌تواند کنار گذاشته شود. علاوه بر این طرف کاتولیک، باید سوگند یاد کند (بر اساس شکل مصوبه قانون خاص کلیساهای کاتولیک شرق و یا شورای اسقفان)

که او برای جلوگیری و پرهیز از تمامی خطرات از دست رفتن ایمان آماده است و باید عهد نماید که با تمام وجود خود تمامی توان خود را به کار خواهد برد تا فرزندان خود را در کلیسای کاتولیک تعمید دهد. طرف مقابل نیز باید آگاه باشد که چنین وعده‌ها و مسئولیت‌هایی وجود دارند. در عین حال باید توجه نمود که طرف غیرکاتولیک ممکن است به احساسی شبیه اجبار گرفتار شود که دلیل آن، ایمان مسیحی متفاوت اوست. ضمناً باید دقت کرد که برطبق قوانین برحق کلیسا تعهد کتبی یا رسمی از این شخص مورد نیاز نیست.

کسانی که خواهان ازدواج مختلط هستند در رابطه با روابط این‌چنینی، باید به مباحثه دعوت و تشویق شوند و دربارهٔ تعمید و تعلیم کاتولیک فرزندان خود به بحث پردازند و در صورت امکان پیش از ازدواج به این پرسش‌ها پاسخ داده با آن روبه‌رو شوند. قضاوت دربارهٔ وجود یا عدم یک «دلیل عادلانه و راستین» با توجه به صدور مجوز این‌گونه ازدواج‌ها به عهدهٔ رهبران کلیسای محلی بوده و پیش از هر چیز حق طرف غیرکاتولیک برای انصراف واضح از تصمیم خود محفوظ می‌ماند.

۱۵۱- در راه انجام این وظیفهٔ انتقال ایمان کاتولیک به فرزندان، والدین کاتولیک با احترام به آزادی مذهبی و وجدان والدین دیگر و با توجه عمیق به اتحاد و جاودانی بودن راز ازدواج و برای بقای پیوند خانواده این وظیفه را به نحو احسن انجام خواهد داد. اگر با تمام کوشش‌های والدین کاتولیک، فرزندان در کلیسای کاتولیک تعمید نگیرند و پرورش نیابند برای والدین خطایی برحسب قوانین برحق کاتولیک به حساب نخواهد آمد. در عین حال این حالت اجبار او برای شراکت در ایمان کاتولیک با فرزندان خود متوقف نشده است. این حالت و این وظیفه هم‌چنان تداوم می‌یابد و مثلاً می‌تواند در ایفای نقش فعال در ایجاد فضا و روحیهٔ مسیحی در محیط خانه تحقق یابد، که انجام آن فقط به زبان و با نمونهٔ عملی در زندگی ممکن است و دیگر اعضای خانواده را قادر می‌سازد که ارزش سن کاتولیک را دریافته و گام‌های لازم را در جهت آگاهی کامل از ایمان او (فرزند یا طرف مقابل) برداشته و قادر به تشریح ایمان از طریق بحث و جدل، دعای خانوادگی برای فیض اتحاد مسیحی، چنان که خداوند اراده می‌فرماید، باشند.

۱۵۲- با به‌خاطر داشتن تفاوت‌های تعلیمی که در مفهوم و معنای نیایش‌ها و رازها بین کلیسای کاتولیک و کلیساهای ارتدکس شرق تفاوت ایجاد می‌کند، در مسئلهٔ ازدواج مختلط بین کاتولیک‌های کلیساهای ارتدکس شرق، نسبت به تعلیم دائمی ایمان که باید به «صحت اجرای رازهای کلیسایی و بالاتر از همه سلالهٔ رسولی، سیستم کشیش و قربانی مقدس» بیانجامد، «در حالی که آنها با ما روابط صمیمانه هم دارند»، باید دقت فراوان داشت ۱۰۲.

در صورت ارائه خدمات مناسب شبانی نسبت به اشخاصی که چنین ازدواجی داشته اند، هر دو طرف درخواست خواهند یافت که چگونه فرزندان آنها باید با ایمان مسیحی آشنا شده و از منبع رازهای مسیح تغذیه گردند. تعلیم آنها برطبق اعتقاد سنتی مسیح و روش های زندگی مسیحی در هر دو کلیسا تا حدود زیادی مشابه خواهند بود. اختلاف در روش نیایشی و ایمان شخص می تواند به جای از بین بردن اتحاد خانواده مشوق آن باشد.

۱۵۳- هر ازدواجی بین یک کاتولیک و یکی از اعضای کلیسای شرق اگر توسط سرپرست دستگذاری شده برگذار شده باشد معتبر تلقی می شود، و این تا زمانی که قوانین جدیدی ارائه نشده اند به قوت خود باقی است. زیرا در این موارد، قانونی بودن، منوط به اجرای مراسم برطبق قوانین کلیسا می باشد. شکل برحق برای اجرای مراسم، تأیید آن را برای ازدواج های بین کاتولیک ها و مسیحیان کلیساها و جوامع روحانی دیگر ممکن می سازد.

۱۵۴- مسئولان محلی کلیسای طرف کاتولیک، پس از مشاوره با گروه مسئولان محلی که ازدواج باید در آن جا برگزار شود، ممکن است به دلیل و یا دلایل خاصی و بدون تعصب نسبت به قوانین کلیساهای شرق، طرف کاتولیک را از نظارت برحق این ازدواج محروم کنند. در بین این دلایل ممکن است حفظ مصلحت بقای خانواده و هماهنگی آن، شناخت و یا یافتن خطایی در طرف غیرکاتولیک یا رابطه خونی او با یکی از مسئولان کلیسای مقابل یا جماعت روحانی دیگر و یا دیدگاه پدران راجع به این ازدواج را نام برد. شوراها و اسقفان برای چنین مواردی از محرومیت و برای صحت آن در شرایط مختلف باید قواعدی ارائه نمایند.

۱۵۵- اجبار تحمیل شده توسط بعضی کلیساها یا جماعت های مذهبی برای نظارت به شیوه خود بر ازدواج به هیچ رو دلیلی برای محرومیت از شکل برحق اجرای مراسم کاتولیک نمی شود. چنین موارد خاصی باید موضوع گفتگوی بین کلیساها دست کم در سطوح محلی قرار بگیرد.

۱۵۶- شخص باید متوجه باشد که اگر ازدواج در عین محرومیت از شکل برحق مراسم، اجرا شود، برای اعتبار یافتن ازدواج برخی مراسم اجتماعی نیز لازم است. تأکید بر اتحاد موجود در ازدواج به معنای مجوز دریافت دو نوع متفاوت مراسم مذهبی نیست که اراده شخص در آن دوباره تأیید شود و یا حتی یک مراسم که به دو شیوه مختلف دوبار این موضوع را متحداً در کنار هم برگزار نماید نیز منظور نیست.

۱۵۷- با نظارت و توافق قبلی مسئولان محلی و در صورت دعوت، یک کشیش یا خادم کاتولیک مجاز است به نوعی خاص در اجرای مراسم ازدواج‌های مختلط، شرکت نماید و این در مورد ازدواج‌های محروم از شکل برحق مراسم نیز مصداق دارد. در این موارد تنها باید یک مراسم وجود داشته باشد که شخص مسئول در آن باید پیمان‌های ازدواج را نظارت نماید. به دعوت این خادم، کشیش یا خادم کاتولیک دعوت شده می‌تواند دعاهای خاصی را قرائت نموده و یا قرائت کلام و یا تبرک زوجین را انجام دهد.

۱۵۸- بر اساس تقاضای زوجین، مسئولان محلی می‌توانند به کشیش یا خادم کاتولیک اجازه دهند تا سرپرستی از کلیسا یا جماعت روحانی دیگر را دعوت نماید تا در مراسم شرکت کند و یا قسمتی از کلام را قرائت نموده و یا تبرک ازدواج و یا موعظه را انجام دهد.

۱۵۹- به دلیل مشکلات ناشی از پیوند در قربانی مقدس به دلیل حضور فرد و یا مبهمان غیرکاتولیک، ازدواج مخلوط خارج از نیایش قربانی مقدس انجام می‌شود. با این وجود به دلایل مشخصی، اسقف مجاز است برگذاری نیایش قربانی مقدس را نیز در نظر بگیرد. در این مورد تصمیم‌گیری درباره‌ی دریافت قربانی مقدس از سوی فرد غیرکاتولیک منوط به تطابق آن با قوانین عمومی و هم‌چنین قوانین کلیساهای شرق^{۱۰۳} و مسیحیان فرقه‌های دیگر است،^{۱۰۴} که با توجه به وضعیت خاص دریافت و اجرای راز ازدواج توسط دو فرد مسیحی اتخاذ می‌شود.

۱۶۰- اگرچه طرفین در یک ازدواج مختلط در آیین تعمید و ازدواج پیوند دارند، شراکت در قربانی مقدس استثناست و در هر مورد قوانینی که قبلاً درباره‌ی فرد غیرکاتولیک و دریافت قربانی مقدس ذکر شده،^{۱۰۵} مثل قوانین مربوط به شرکت یک کاتولیک در قربانی مقدس کلیساهای دیگر،^{۱۰۶} باید در نظر گرفته شوند.

۵- همکاری بین‌کلیسایی: گفتگوها و شهادت‌های مشترک

۱۶۱- مسیحیان هنگام دعا و در زندگی مشترک به شکل ارائه شده در فصل چهارم، به ایمان مشترک خود و تعمید یگانه به نام خدا پدر همگان و در پسر او عیسی نجات‌دهنده همه و به نام روح القدس که تبدیل‌کننده و بخشنده اتحاد همه چیز از طریق محبت است، شهادت می‌دهند. بر اساس این پیوند در حیات و عطایای روحانی انواع دیگری از فعالیت‌های بین‌کلیسایی وجود دارند که بیان‌کننده و موجد اتحاد و شهادت به قدرت نجات بخش انجیل است که توسط مسیحیان به جهان ارائه می‌شود. با همکاری مسیحیان

۱۰۳- بند ۱۲۵ همین مجموعه.

۱۰۴- بندهای ۱۲۹-۱۳۱ همین مجموعه.

۱۰۵- بندهای ۱۲۵، ۱۳۰ و ۱۳۱ همین مجموعه.

۱۰۶- بند ۱۳۲ همین مجموعه.

در مطالعه و تبلیغ پیام کتاب مقدس، در مطالعات نیایشی، در تعلیم حق جوینان، تحصیلات عالی، در مراقبت‌های شبانی، در بشارت انجیل از طریق خدمت یا نیکوکاریها نسبت به جهان که به دنبال عدالت و صلح و محبت است، مسیحیان آنچه را که هدف توافقنامه بین‌الکلیسایی بوده است در بوتۀ آزمایش عملی به ظهور می‌رسانند.

«پیش از جهان، بگذاریم تمامی مسیحیان ایمان خود را به خدا اعتراف نموده و خدای سه‌گانه (یک در سه) را در پس خدای مجسم شده، نجات دهنده ما مسیح نشان دهند. متحد در کوشش‌های خود و با احترام متقابل بگذاریم تا به امید مشترک ما که ما را فریب نمی‌دهد شهادت دهند. نظر به این که در زمانه ما همکاری در زمینه‌های اجتماعی به طور وسیع در حال انجام است همه بدون استثنا به کوشش همگام دعوت شده‌اند. کسانی که به خدا ایمان دارند دعوت قوی تری نیز دارند، اما بیشترین ادعاها و مسئولیت‌ها نیز بر عهده مسیحیان گذاشته شده است، زیرا آنان با نام مسیح تأیید و مهر شده‌اند. همکاری میان همه مسیحیان به طرز پویا و زنده، رشته اتحاد را که آنها را پیوند می‌دهد نشان داده و به وضوح ما را به نشان دادن ویژگی‌های مسیح، آن خادم، سوق می‌دهد.»^{۱۰۷}

۱۶۲- مسیحیان نمی‌توانند و نباید قلب و چشم خود را به روی نیازهای جهان معاصر بسته نگهدارند. در مواردی که آنها امکان همکاری دارند فعال بوده و در زندگی اجتماعی انسانها دخالت نموده و نجات مسیح را به نمایش بگذارند و هنگامی که این اتحاد در آنها دیده شود این لباسها کاملاً موثر خواهند شد. بنابراین آنها با کمال میل همه تلاش‌هایی را که برطبق ایمان خود مجاز باشند به کار خواهند بست. عدم حضور تمامی جماعت مسیحیان کلیساهای مختلف و برخی جوامع روحانی، تفاوت‌هایی که هنوز هم در تعالیم کلیسایی در رابطه با ایمان و اخلاقیات موجودند، ذهنهای زخمی و میراث تاریخی جدائی‌ها - همه اینها موانعی بر راه آنچه مسیحیان می‌توانند در این زمان انجام دهند به شمار می‌آیند. همکاری مسیحیان می‌تواند به آنان کمک کند، بنابراین باید بر محدودیت‌ها و موانع اتحاد کامل فائق آمده و در عین حال تلاش‌های خود را برای بنای زندگی و خدمت مسیحی و شهادت مشترک در رابطه با خدمت مشترکی که بر عهده دارند، همسو سازند:

«در این اتحاد در خدمت که در اصل توسط مسیح تصمیم آن گرفته شده، همه مسیحیان باید آنچه را که هم اکنون باعث اتحاد آنها می‌شود حتی پیش از تحقق اتحاد کامل، دریافت نموده و عمل نمایند.»

شکل‌ها و ساختار همکاری‌های بین‌کلیسایی

۱۶۳- همکاری بین‌کلیسایی می‌تواند به شکل شرکت در کلیساهای مختلف و در برنامه‌های جاری هر یک از آنها ظاهر شود. و یا ممکن است به صورت همگامی اعمال مستقل، با خودداری از دوگانگی و چندگانگی غیرضروری شیوه‌های اجرای مراسم جلوه کند، و یا ممکن است به صورت اهداف مشترک نشان داده شود. روش‌های مختلف و انواع شوراها و کمیته‌ها ممکن است تشکیل شده و به شکل دائمی یا موقتی برای تسهیل روابط بین‌کلیسایی و جماعت‌های روحانی و تشویق همکاری‌ها و شهادت مشترک آنها دیده شوند.

۱۶۴- شرکت کاتولیک‌ها در اشکال گوناگون ملاقات‌های بین‌کلیسایی و برنامه‌های همکاری باید با احترام به قوانین مقامات روحانی محلی همراه باشد. پیش از هر چیز توجه به آنچه که در سطح منطقه‌ای یا ملی درباره آن تصمیمی اتخاذ شده و قضاوت قابل قبول بودن یا مناسبت آن با فعالیت‌های بین‌کلیسایی منطقه‌ای بر عهده اسقف است. اسقفان مستقل، مجامع اسقفان کاتولیک شرق و یا شوراهای اسقفان باید برطبق نظر مقدس رم و به طرز خاص در هماهنگی با شورای اسقفان برای اتحاد مسیحیان عمل نمایند.

۱۶۵- ملاقات‌های نمایندگان تام‌الاختیار کلیساها و مجامع روحانی که به صورت دوره‌ای یا به مناسبت‌های خاص انجام می‌شود می‌تواند کمک بزرگی به گسترش همکاری‌ها بنماید. هم‌چنان که خود نقش مهمی در شهادت به فعالیت مشترک آنها که در گسترش اتحاد مسیحیان فعالند، ایفا می‌کنند، آنها می‌توانند مهر تأیید بر فعالیت‌های اعضای کلیساها و مجامع روحانی دیگر بزنند. هم‌چنین می‌توانند موقعیت‌های مناسب برای آزمون مسائل و مشکلات و نیازهای فعالیت‌های بین‌کلیسایی و ارائه رهنمودها و تصمیمات لازم برای هماهنگی فعالیت‌های جاری را به وجود آورند.

شوراهای کلیسایی و شوراهای مسیحیان

۱۶۶- شوراهای کلیسایی و شوراهای مسیحیان سازمان‌های دائمی هستند که برای فعالیت اتحاد و همکاری بین‌کلیسایی به وجود آمده‌اند یک شورای کلیسایی از کلیساها تشکیل می‌شود،^{۱۰۸} و مسئول نظارت بر کلیساهای عضو است. شورای مسیحیان از مسیحیان دیگر گروه‌ها و سازمان‌ها از جمله کلیساها تشکیل شده است. هم‌چنین سازمانها و مؤسسات همکاری مشابه نیز با نامهای دیگر وجود دارند. عموماً شوراهای سازمان‌های مشابه اعضای خود را به کار گروهی دعوت و تشویق نموده و به گفتگو و غلبه

۱۰۸- اصطلاح کلیسا در این جا به مفهوم عام به کار رفته است.

بر اختلافات و سوء تفاهم‌ها و دعا و کار برای اتحاد هدایت می‌نمایند و تا حد امکان از آنها شهادت و کار مشترک را انتظار دارند. آنها را بر اساس فعالیت‌هایشان باید ارزیابی نمود و به اندازه درک سازمان از خود انتظار داشت. آنها تنها قدرت اعمال مسئولیت در حوزه‌ی اعضای خود را دارند. به عنوان قاعده‌ی کلی آنها مسئولیتی در قبال مذاکرات مربوط به اتحاد کلیساها ندارند.

۱۶۷- از آن جایی که کلیسای کاتولیک علاقمند است برای سطوح مختلف روابط خود با کلیسا و مجامع روحانی دیگر مفهومی بیابد و از آن جایی که شوراهای کلیسایی و شوراهای مسیحیان مهم‌ترین شکل‌های همکاری بین‌کلیسایی را تشکیل می‌دهند، روابط گسترده‌ی کلیسای کاتولیک با چنین سازمانهایی باید مورد پذیرش باشند.

۱۶۸- تصمیم پیوستن واقعی به شوراهای از مسئولیت‌های اسقفان منطقه است که مسئول شوراهای خود نیز هستند تا از شراکت فعال کاتولیک‌ها نیز در شوراهای فوق‌اطلاع و اطمینان حاصل کنند. شوراهای ملی عموماً شوراهای اسقفان مستقل یا مجمع اسقفان کلیساهای کاتولیک شرق هستند (به استثنای مواردی که فقط یک دایره اسقفی در منطقه وجود دارد) با در نظر گرفتن پرسش‌ها درباره‌ی عضویت در این شوراهای، مقامات محلی باید در تماس دائمی با شورای اسقفان برای اتحاد مسیحیان باشند، تا بتوانند تصمیمات لازم را اتخاذ کنند.

۱۶۹- دیدگاه شبانی در پیوستن به شوراهای یکی از عوامل چندگانه‌ی لازم است که باید مورد توجه قرار گیرد. هم‌چنین باید به روشنی درباره‌ی شراکت در زندگی و حالت روحانی شورا و تطبیق آن با تعالیم کلیسای کاتولیک اطمینان حاصل شود، و تنها به عنوان خشک و خالی آن توجه نگردد. موضوع اساسی و اولیه باید روشنی و وضوح تعالیم باشد به خصوص تا جایی که مسئله‌ی روحانی در بین باشد. شوراهای کلیسا و شوراهای مسیحیان، حتی در قلب خود در واقع شروع یک کلیسای تازه که ممکن است جانشین کلیسای کاتولیک فعلاً موجود شود، نیستند. ادعای آنها کلیسای مستقل بودن و یا داشتن اختیارات مستقل برای برگزاری مراسم و رازها نیست. باید توجه کامل داشت که سیستم شوراهای شیوه‌ی رأی‌گیری در آنها و مراحل تصمیم‌گیری و هم‌چنین شیوه‌ی اعلام نظر و اعتبار اطلاعیه‌های آنها کنترل شده باشد. موافقت‌های واضح و روشن در این مسائل پیش از عضویت در این شوراهای باید کسب شده باشد.

۱۷۰- عضویت کاتولیک در یک شورای منطقه‌ای ملی یا محلی موضوعی مستقل از مسئله‌ی روابط بین کلیسای کاتولیک و شورای جهانی کلیساها می‌باشد. شورای جهانی ممکن است در واقع شوراهای منتخب را دعوت نماید که «به روابط کاری با شوراهای متمرکزتر در سطح عالی وارد شوند» اما این شورا هیچ‌گونه کنترلی بر شوراهای اعضای کلیساها نخواهد داشت.

۱۷۱- پیوستن به یک شورا باید با در نظر گرفتن مسئولیت‌های بعدی انجام شود. کلیسای کاتولیک باید توسط اشخاص مناسب و تعلیم دیده معرفی شود. در برخورد با مسئولان خود کاتولیک‌ها باید به روشنی از محدودیت‌های کلیسایی و این که نمی‌توانند از حوزه اطاعت از مسئولان خارج شوند، آگاه باشند. توجه بیشتر و کامل‌تر در کار در این شوراها به کار اعضا، موجب شراکت فعال‌تر و مؤثرتر شورا در فعالیت بین‌کلیسایی خواهد گردید.

گفتگوی بین‌کلیسایی

۱۷۲- گفتگو بر محور همکاری‌های بین کلیساها قرار دارد و همه شکل‌های آن را دربر می‌گیرد. گفتگو به معنای شنیدن و پاسخ دادن و جستجویی برای فهمیدن و فهماندن، گفتگو آمادگی برای پرسیدن و برای پاسخ دادن به پرسش‌هاست. پیش آمدن و وفادارانه به دیگران گوش کردن است. طرفین گفتگو باید آماده باشند تا عقاید و نظرات خود را به روشنی بیان نموده، آنها را از نظر کارکرد در زندگی و عمل تشریح کنند و اجازه دهند که روح محبت و راستی، آنها را رهبری کند. شراکت دو جانبه و صمیمانه عناصر اساسی یک گفتگو را تشکیل می‌دهد که در آن دو سوی رابطه حق برابر دارند. ۱۰۹ گفتگوی بین‌کلیسایی به اعضای کلیساهای مختلف اجازه می‌دهد یکدیگر را بازشناخته و موضوعات ایمان و عمل را در حد مشترک و نقاط تفاوت را درک کنند. آنها در جستجوی درک ریشه‌های چنین اختلافاتی برآمده و نقاط ابهام ذهن خود را روشن می‌نمایند و به ایمان مشترک تکیه می‌کنند. با درک تفاوتها به عنوان مانع واقعی پیوند آنها به جستجوی راهی برای غلبه بر این مشکلات در پرتو نقاط مشترک ایمان برمی‌آیند.

۱۷۳- کلیسای کاتولیک ممکن است در گفتگوها در سطح اسقفان یا در سطح شورای اسقفان و یا مجمع اسقفان کاتولیک شرق و در سطح کلیسای جهانی شرکت جوید. سازمان کلیسای کاتولیک به عنوان مصاحبتی جهانی در ایمان و زندگی نیایشی اجازه ابراز وجود یک موقعیت واحد را در هر یک از این سطوح به کلیسای کاتولیک می‌دهد. هنگامی که تنها یک کلیسا در گفتگو شرکت دارد گفتگو دو جانبه و با تعداد بیشتر کلیساها گفتگوها چند جانبه خواهد بود.

۱۷۴- در سطح محلی فرصت‌های بی‌شمار تبادلات بین مسیحیان وجود دارد که از گفتگوهای رسمی که در زندگی عادی رخ می‌دهند تا گفتگو برای تصمیمی مشترک در ابعاد مسیحی در زندگی محلی و یا با دیدگاه گروه‌های تخصصی (پزشکان، فعالان اجتماعی، والدین، مسئولان تعلیمات) را دربر می‌گیرد و مطالعه گروهها برای انواع فعالیت‌های بین کلیسایی نیز از آن دسته است. گفتگوها ممکن است توسط گروهها و

افراد عادی گروههای رهبران کلیساها، و یا گروههای الهی دانان و متخصصین و یا با ترکیبی از آنها صورت پذیرد. خواه رسمی (در نتیجه تأیید مقامات عالی مرتبه کلیسایی) و خواه بدون این حالت این مبادلات باید همواره تحت توجه روحانی دقیق باشند، کاتولیک‌هایی که در این گفتگوها حضور می‌یابند، باید با اطلاع کافی از ایمان خود و ژرف شدن در تعمق در آن در زندگی خود، شرکت جویند و باید با کلیسای خود پیوند ناگسستنی داشته باشند.

۱۷۵- شرکت کنندگان در گفتگوها توسط مقامات عالی برگزیده می‌شوند تا نه در سطح فردی بلکه به عنوان نماینده کلیسا در این گفتگوها شرکت نمایند. چنین کسانی باید توسط مسئولان محلی تأیید شده باشند و یا شورای اسقفان کاتولیک شرق آنها را هدایت نموده و برگزیده باشد و یا توسط شورای اسقفان و یا نظرگاه مقدس رم گسیل شده باشند. در این موارد شرکت کنندگان کاتولیک مسئولیت خاصی در برابر مافوق خود خواهند داشت. تأیید این اقتدار حتی در تصمیمات رسمی نیز باید ادامه یابد.

۱۷۶- شرکت کنندگان کاتولیک باید قوانین الهیات کاتولیک برطبق *Unitatis Redintegratio* (UR) را رعایت نمایند.

«شیوه بیان ایمان کاتولیک چه در رفتار و چه از نظر نظم نباید برای برادران مبهم باشد، البته لازم است که تعالیم کاتولیک روشن بیان شوند. هیچ چیز بیش از ارائه غلط تعالیم و جستجوی مصالحه که به سلامت اعتقاد کاتولیک لطمه خواهد زد و مفهوم آن را مبهم می‌سازد با روح بین‌الکلیسایی در تضاد قرار ندارد. علاوه براین، الهی دانان کاتولیک شرکت کننده در گفتگوها در عین حال که بر تعالیم و مواضع کلیسای کاتولیک پافشاری می‌کنند و با برادران جدا شده به جستجوی رازهای الهی برمی‌آیند باید با روح محبت و راستی با همدلی و فروتنی سخن بگویند. هنگام مقایسه اعتقادات مختلف آنان باید توجه کنند که در تعالیم کاتولیک «میراثی» از حقایق وجود دارند که از آنجا که با پایه‌های ایمان مسیحی ارتباط مستقیمی ندارند کاملاً متفاوت خواهند بود. بنابراین راه برای این نوع رقابت برادرانه و دعوت همگان به درک عمیق‌تر و روشن‌تر روش‌های بیان غیرقابل وصف برکات مسیح وجود دارد و باز است».^{۱۱۰}

مسئله میراث حقایق هم‌چنین در سند ملاحظاتی در گفتگوهای بین‌الکلیسایی به چند پیشنهاد نیز اشاره شده است. «نه در زندگی و نه در تعالیم کلیسای جهانی هیچ چیز در یک سطح بیان نشده است. البته تمام حقیقت مکاشفه شده پذیرش یک ایمان را ایجاب می‌نماید ولی برطبق اولویتهای موجود بر پایه حقایق مکاشفه رازهای مسیح، ترتیب آنها با توجه به تعالیم یکدیگر و ارتباطات مختلف متفاوت خواهد بود».

۱۷۷- موضوع گفتگو ممکن است حوزه وسیعی از اعتقادات را در طول زمان وسیعی دربرگیرد. یا موضوعی خاص مربوط به یک دوره کوچک تر و در قالب زمانی محدودتر، و یا یک مسئله شبنانی که کلیسا علاقمند به رسیدن به نقطه مشترک در آن موضوع است و به کاستن از اختلافات و رسیدن به روابط دو جانبه و شهادت مشترک منجر خواهد شد، باشد. در برخی مسائل گفتگوی دوجانبه مؤثرتر به نظر می‌رسد و در مورد بقیه گفتگوی چند جانبه نتایج بهتری می‌دهد. تجربه نشان داده است که این دو نوع گفتگو یکدیگر را کامل نموده و وظیفه پیچیده هدایت اتحاد مسیحی را ممکن می‌سازند. نتایج گفتگوی دو جانبه باید با تمام کلیساها به اشتراک گذاشته شوند.

۱۷۸- کمیسیون یا کمیته‌ای که برای گفتگوها از سوی دو یا چند کلیسا ترتیب داده می‌شود ممکن است به درجات مختلفی از توافق دست یابند. حتی قبل از چنین توافقی‌ها گاهی اوقات باید درباره نتایج آن داوری کمیسیون لازم باشد تا نتایج نهایی شفاف و روشن و بدون اختلافات منجر به درک بهتر موضوع و تصمیم‌گیری بهتر گردد و گاهی موضوع به گفتگوهای بعدی موکول شود. تمامی بیانی‌ها یا گزارشات کمیسیون‌های گفتگوها به کلیساها اطلاع داده می‌شود. بیانی‌های کمیسیون‌ها به دلیل موقعیت تصویب‌کنندگان آن ارزش داخلی خواهند داشت. با این وجود آنها به کلیسای کاتولیک ارجاع نمی‌شوند مگر پس از آنکه توسط جماعت‌های روحانی تصویب شده باشند.

۱۷۹- هنگامی که نتایج گفتگوها بررسی می‌شوند تا برای جماعت اعلام و ارزیابی شوند اعضای کلیسا برطبق نقش خود در کلیسا در این مرحله دخالت داده می‌شوند، درواقع ایمانداران به تمرین خاصی دعوت می‌شوند: «ارزیابی غیرعادی ایمان (*sensus fidei*) جماعت هنگامی که، از اسقف گرفته تا آخرین فرد کلیسا، نظر جهانی خود را در موضوعات ایمان و اخلاق بیان می‌کنند. با این ارزیابی ایمان، به روح راستی تصمیم گرفته می‌شود و قوم خدا توسط قدرت تعلیم دهنده هدایت‌کننده (*magisterium*) و با اطاعت از آن، تنها کلام انسان را دریافت ننموده بلکه حقیقتاً کلام خدا را می‌شنود»^{۱۱۱} ایمانی که یک بار برای همیشه به مقدسین عطا شده است.^{۱۱۲} قوم بدون خطا به این ایمان وفادار بوده عمیقاً و با داوری راستین آن را می‌پذیرد و در زندگی به کار می‌بندد.^{۱۱۳}

همه کوشش‌ها برای یافتن راهی برای انتقال نتایج گفتگوها به حوزه تفکر اعضای کلیسا به کار گرفته می‌شوند. تا آنجایی که ممکن باشد توضیحی برای دیدگاه‌های ایمانی جدید ارائه می‌شوند و روش‌های نوین شهادت ایمان، راه‌های بیانی جدید نتیجه

۱۱۱- ر.ک ۱-تسا ۱۳:۲.

۱۱۲- ر.ک یهو ۳.

۱۱۳- LG بند ۱۲.

گفتگوها - همگام با توجه به میزان توافق به دست آمده، ارائه می شوند. این موضوع به داوری صحیح که با احترام به عکس العمل همه کسانی که با آن درگیرند و برای انتقال آن به سنت ایمان دریافت شده از رسولان و به جامعه ایمانداران تحت تعلیم معلمین روحانی خود تفکر می کنند، می انجامد. امید است که این روش در هر کلیسا یا جماعت مسیحی کوچک تری که در گفتگو شراکت می کند نیز اجرا شده به هدایت به سوی اتحاد منجر گردد. همکاری بین کلیساها در این مورد شایسته است.

۱۸۰- حیات ایمانی و دعای به ایمان، با اهمیتی نه چندان کمتر از تعلیم ایمانی، در روند این پذیرش دخالت می نماید که از طریق آن تمام کلیسا به هدایت روح القدس «که فیض مخصوص را به همه مؤمنین عطا می نماید»،^{۱۱۴} و به شیوه ای خاص مسئولیت معلمین روحانی را هدایت می نماید، ثمرات این گفتگوها را در مرحله شنیدن، چشیدن، داوری و زندگی از آن خود می نمایند.

۱۸۱- در هدایت و اجرای شیوه های جدید بیان ایمانی که ممکن است از گفتگوها نتیجه گرفته شده باشند و یا حتی روش های قدیمی که ممکن است دوباره ترجیح داده شده باشند و به جای تصمیمات جدیدتر به کار گرفته شوند، کاتولیک ها باید توجه داشته باشند که محدودیت موجود در اطلاعیه بین الکلوسیایی که می گوید «راه کلیسا و تعلیمات آن» و «گنجینه ایمان»،^{۱۱۵} را رعایت کنند. با این وجود باید مراقب بود که از بیان های مبهم به خصوص در مواردی که با سنت کلیسا متناقض هستند خودداری شود. کاتولیک ها هم چنین باید به مفاد مجمع واتیکان دوم و روش برخورد آن با این محدودیت ها و در بیان ایمان کاتولیک دقت کنند و یا باید «میراث ایمان» تعلیم کاتولیک را با اعتقاد بیانیه بین الکلوسیایی مطابقت دهند.^{۱۱۶}

۱۸۲- روند پذیرش، شامل تعمق الهیاتی سرشت سنت ایمان از نظر فنی می باشد، هم چنان که آیین نیایشی و واقعیت های شبانی نوین کلیسا نیز تغییر کرده اند. ملحقات مهم این روند از رقابت دانشجویان و مکاتب الهیات به دست می آید. تمامی این روند توسط شورای تعلیم کلیسا هدایت می شود که مسئولیت داوری نهایی در این باره را برعهده دارد. دیدگاه های نوین که بدین سان پذیرفته می شوند وارد زندگی کلیسا شده و راهی تازه در برابر ایمان قوم خدا می گشایند که مصالحه بین کلیساها را شکوفا و باروری نماید.

۱۱۴ - LG بند ۱۲.

۱۱۵ - UR بند ۶؛ GS بند ۶۲.

۱۱۶ - UR بند ۱۱.

فعالیت پیوند کتاب مقدسی

۱۸۳- کلام خدا که در متون مقدس نوشته شده، خوراک روحانی کلیسا را به روش‌های متفاوت^{۱۱۷} فراهم نموده و «وسیله‌ای با ارزش در دست پر قدرت خود برای ایجاد اتحادی است که نجات‌دهنده به تمام انسانها می‌دهد».^{۱۱۸} احترام به متون مقدس رشته اتحادی بنیادین را بین مسیحیان تشکیل می‌دهد، و حتی هنگامی که کلیساها با یکدیگر در پیوند کامل نباشند نقش خود را ایفا می‌نمایند. همه آنچه که می‌توان انجام داد تا اعضای کلیساها را به مطالعه کلام خدا علاقمند نمود تا آن را در زندگی و در صورت امکان با یکدیگر به کار بندند (مثلاً هفته کتاب مقدس) این رشته اتحاد را تقویت می‌نماید و به کلیسا کمک می‌کند تا به سوی عمل متحد کننده خدا، قلب‌های خود را گشوده نگاهدارند و به شیوه‌ای متحد در حفظ کلام خدا بکوشند. بررسی نفوذ چاپ‌های مناسب کتاب مقدس پیش‌نیاز شنیدن کلام خدا به حساب می‌آید. کلیسای کاتولیک در عین حال که به تهیه چاپ‌های کتاب مقدس ادامه می‌دهد تا بتواند به نیازها و استانداردهای خود دست یابد با کلیساهای دیگر نیز با کمال میل در ترجمه و چاپ نسخه‌های مشترک همکاری می‌نماید تا اهداف مجمع واتیکان دوم و مجموعه قوانین برحق کلیسا را تحقق بخشد. در این زمینه نیز کلیسای کاتولیک با روح همکاری بین‌الکلیسایی به عنوان شکل ارزشمند خدمات عمومی و شهادت مشترک کلیسا به سوی جهان می‌نگرد.

۱۸۴- کلیسای کاتولیک به روش‌های مختلف و در سطوح متفاوتی در این فعالیت شریک دارد. شورای اسقفان برای اتحاد مسیحیان در سال ۱۹۶۹ از فدراسیون جهانی کاتولیک (اکنون فدراسیون کتاب مقدسی کاتولیک) برای چاپ کتاب مقدس رسولی درخواست نموده بود و به عنوان یک سازمان کلیسایی با فعالیتی از نوع عمومی برای کامل کردن *Dei Verbum* فصل ششم تقاضا داده بود. برطبق این هدف در صورت وجود امکانات و مجاز بودن فعالیت‌ها، همکاری در سطوح مختلف کلیساهای محلی یا منطقه‌ای بین مسئولین کمیته‌های بین‌الکلیسایی و بخش‌های محلی فدراسیون تشویق می‌شود.

۱۸۵- از طریق دبیرخانه فدراسیون کتاب مقدس کاتولیک، شورای اسقفان برای اتحاد مسیحیان روابط با انجمن‌های کتب مقدسه را تنظیم و تداوم می‌بخشد، که سازمانی جهانی است که با پیوند روابط عمومی فوق‌الذکر «رهنمودهایی برای همکاری در ترجمه کتاب مقدس برای تمام کلیساها» را به چاپ رسانیده است. این سند قواعد و روش‌ها و

۱۱۷- DV فصل ۶.

۱۱۸- UR بند ۲۱.

اهداف این گونه همکاری‌ها را در زمینه کتاب مقدس ارائه می‌دهد. این همکاری نتایج بسیار خوبی داشته است. ارتباطات مشابه و همکاری‌های دیگری نیز بین سازمانها و مؤسسات را برای چاپ کتاب مقدس و استفاده از آن در سطوح زندگی کلیسایی تشویق و تقویت می‌نماید. آنها می‌توانند به همکاری بین کلیساها و جماعت‌های روحانی در کار بشارت کمک نمایند، و هم چنین تعلیم حق جویان و انتشار ادبیات مسیحی را همانند دعای مشترک و مطالعه همگام را جهت دهند. اغلب به نتیجه‌های مشترکی در چاپ کتاب مقدس دست می‌یابند که ممکن است مورد استفاده کلیساهای متعددی باشند و یا ممکن است اهداف ویژه‌ای را در زمینه مطالعات آیین‌های نیایشی دنبال کنند. همکاری‌هایی از این دست می‌تواند به استفاده کتاب مقدس به شکل یک راه بنیادگرایانه اهداف فرقه‌ای پایان دهد.

۱۸۶- کاتولیک‌ها می‌توانند به مطالعه کتاب مقدس همراه با اعضای دیگر کلیساها پرداخته و از راههای مختلف در سطوح متفاوت همکاری کنند. این شراکت و همکاری از فعالیت‌های محلی محدود و گروه‌های کوچک تا سطوح الهیاتی تحقیق درباره مسائل تخصصی می‌تواند متغیر باشد. برای ایجاد ارزش بین‌کلیسایی در این فعالیت‌ها، در هر سطح دلخواه، این فعالیت نیازمند ایمان و تهیه خوراک روحانی می‌باشد. اغلب این فعالیت نقطه نظرهای الهیاتی کلیسا را به شرکت‌کنندگان انتقال داده و تفاوت‌های نقطه نظرات کلیساهای مختلف و تفاوت‌های دیگر موجود را با استفاده از کتاب مقدس جهت می‌دهد. که منجر به تفسیرهای مختلف از یک متن می‌شوند. این فعالیت برای کاتولیک‌ها در چاپ‌های جدید کتاب مقدس و استفاده از آنها مفید است که نظرات را به متون مخصوص حاوی الهیات کلیسای کاتولیک متوجه می‌کند. به این طریق آنها با مسائل و مشکلات و اختلافات موجود که از استفاده بین‌کلیسایی کتاب مقدس ریشه گرفته‌اند آشنا شده و با وفاداری به تعالیم کلیسا با آن روبه‌رو می‌شوند. اما این نیاز مانع از جستجوی نقاط مشترک با کلیساهای دیگر در تفسیر کتاب مقدس نمی‌شود. آنها قادر خواهند بود در پرتو تجربه و سنت‌های کلیساهای مختلف قسمت‌های خاص از کتاب مقدس که برای آنها از ارزش خاصی برخوردارند را بهتر درک نمایند. این موضوع بیشتر در احتمال جستجوی نقاط نوین تفاهم در کتاب مقدس و بحث درباره ترجمه‌های متفاوت و گاهی متناقض رخ می‌دهد. این چالش‌های نوین مفهوم کلام خدا را در ارتباط با مسائل انسان معاصر روشن می‌سازد که در این مشکلات آنها با مسیحیان شریک هستند، علاوه بر این، آنها قدرت کلام خدا را به نحو کاملی تجربه کرده در لذت آن شریک خواهند شد.

فعالیت‌های مشترک نیایشی

۱۸۷- کلیساها و جماعت‌های روحانی دیگر که اعضای آنها در منطقه‌ای با فرهنگ همگون‌تر زندگی می‌کنند به شرط امکان باید متون مهم دعاها (از جمله دعای خداوند، قانون ایمان رسولان، قانون ایمان نیکیه - کنستانتینوپول، تسبیح سه گانه اقدس، جلال بر خدا در والاترین جایگاهها) را گردآوری نموده استفاده کنند. این متون برای پرستش منظم در کلیساها و یا دست کم در پیوند بین‌الکلیسایی قابل استفاده می‌باشند. توافق بر سر یک ترجمهٔ مزامیر برای استفادهٔ نیایشی، یا دست کم تعدادی از مزامیر که اکثراً مورد استفاده از این گونه متون نیایشی که از دوران پیش از جدایی کلیساها به یادگار مانده‌اند، می‌توانند به گسترش احساس همکاری بین‌الکلیسایی کمک نمایند. سرودنامه‌های مشترک یا دست کم مجموعهٔ مشترکی از سرودها در کلیساهای متفاوت همراه با همکاری در زمینهٔ موسیقی نیایشی نیز باید در نظر گرفته شوند. دعای اتحاد مسیحیان، یک صدا شهادت مشترک آنها را چنان که در زمین شنیده می‌شود به آسمان نیز خواهد رسانید.

همکاری بین‌الکلیسایی در تعلیم حق جویان

۱۸۸- برای تکمیل تعلیمات عادی که باید کاتولیک‌ها دریافت نمایند، کلیسای کاتولیک تجربه کرده است که در موقعیت‌های کثرت عقاید مذهبی، این عقاید می‌توانند جماعت‌ها را از نظر تعلیمی پربارتر نمایند. هم‌چنین این موضوع می‌تواند به شهادت مشترک دربارهٔ حقیقت انجیل تا حد امکان بیانجامد. پایهٔ این همکاری‌ها، شرایط آن و محدودیت‌های ممکن در سند رسولی *Catechesi Tradendae* ارائه گردیده است:

«چنین تجربیاتی بر بنیاد الهیاتی خاصی استوار است که بین همهٔ مسیحیان مشترک است. اما پیوند ایمانی بین کاتولیک‌ها و دیگر مسیحیان کامل نیست و در مواردی خاص تفاوت عمده دیده می‌شود. در نتیجه این همکاری بین‌الکلیسایی بسیار محدود شده است. این موضوع هرگز نباید به معنای کاهش تا حداقل ممکن برداشت شود. علاوه بر این تعلیم حق جویان در اصل به مفهوم تنهای تعلیم الهیاتی نیست، بلکه به مفهوم آشناسازی شخص با زندگی مسیحی و وارد شدن در پیوند کامل رازهای کلیسایی به کار می‌رود. بنابراین جایی که حس همکاری بین‌الکلیسایی در زمینهٔ تعالیم حق جویان وجود دارد باید توجه کاملی به تعلیمات کاتولیک‌ها در کلیسای کاتولیک در مسائل تعلیم کلیسایی و زندگی مسیحی مبذول گردد».

۱۸۹- در برخی کشورها، شکل تعلیمات مذهبی مشترک بین کاتولیک‌ها و دیگر مسیحیان تحت اثر قوانین خاص یا نفوذ دولتی تحمیل گردیده و متون مورد استفاده نیز

قبلاً آماده شده است. در چنین مواردی ما با تعلیم راستین روبه‌رو نیستیم و حتی کتاب‌ها نیز مقبول نمی‌باشند. اما چنین تعالیمی هنگامی که حاوی عناصری از تعلیم مسیحی باشند ارزش بین‌الکلیسایی خواهند داشت. در این موارد همراه با استفاده از ارزش چنین تعلیمی باید در جهت ارائه تعلیم کاتولیک برای حق‌جویان و فرزندان اعضای کاتولیک کلیسا تلاش نمود.

۱۹۰- هنگامی که تعلیم مذهبی در مدارس با همکاری اعضای کلیساهای دیگر انجام می‌شود، تلاش ویژه‌ای برای اطمینان از انتقال پیام مسیح به شکلی که اتحاد ایمان بین مسیحیان را نشان داده و همزمان موضوع و دلیل جدایی‌ها را مطرح نماید باید انجام گیرد. باشد که با توجه کامل به این مسائل بر آنها غلبه نمایم.

همکاری در مؤسسات آموزشی بالاتر

۱۹۱- فرصت‌های زیادی برای همکاری‌های بین‌الکلیسایی در مراکز مطالعاتی علمی و الهیاتی و شاخه‌های آموزشی مربوط به آن وجود دارند. چنین همکاری‌هایی به حوزه تحقیقات الهیاتی برمی‌گردند. این همکاری‌ها قابلیت تعلیم الهیاتی را به کمک معلمین روحانی در ایجاد حس و زمینه همکاری‌های بین‌الکلیسایی بروز می‌دهند که بر اساس سند *Unitatis Redintegratio* در کلیسای کاتولیک مورد نیاز است. ۱۱۹ این موضوع به ساده‌تر شدن تعلیمات لازم برای فعالیت بین‌الکلیسایی کاندیداهای شبانی می‌انجامد. این همکاری به مسیحیان در ارائه تلاش‌های فکری قوی‌تر که انسان‌های امروزی را اعم از زن و مرد به پیوند در حکمت مسیحی فرامی‌خواند، کمک می‌نماید. به جای تمرکز و توجه به تفاوت‌ها آنها قادرند هماهنگی عمیق در ایمان را همراه با تفاهم متقابل در مورد اختلافات ایجاد نمایند.

در مدارس الهیاتی و مطالعات فارغ‌التحصیلی

۱۹۲- همکاری‌های بین‌الکلیسایی در مطالعه و تعلیم هم‌چنان در برنامه‌های درجه‌اول تعلیماتی قرار دارند و نمونه‌های آن در مراکز آموزشی و اولین دوره‌های الهیاتی ارائه می‌شوند. با وجود این نمی‌توان به همان آسانی دوره‌های اولیه این کار را در همه دوره‌ها انجام داد و امکان آن وجود ندارد که در سطح تحقیقاتی به این موضوع دست یابیم. نیاز اولیه همکاری بین‌الکلیسایی در این سطوح - اشاره شده در بندهای ۱۹۶ - ۲۰۳ - تعلیم دقیق دانشجویان در مورد ایمان و سنت روحانی کلیسای آنهاست. تحصیلات الهیاتی در آموزشگاهها برای تربیت و تعلیم دانشجویان در این زمینه مقرر شده‌اند. کلیسای

کاتولیک همانند کلیساهای دیگر برنامه‌هایی درسی را در نظر دارد که برای این هدف مناسب بوده و از نیروهای متخصص بهره می‌برد. بر اساس قاعده این دروس در سطح دکترا باید توسط کاتولیک‌ها ارائه شود. بنابراین نیاز اولیه‌آشنایی با روح بین‌الکلیسایی و الهیات آن است که قسمت لازم تعالیم اولیه‌الهیاتی می‌باشد و توسط استادان کاتولیک ارائه می‌شود. ۱۲۰ با آشنایی با این مفاهیم بنیادی کلیساها درباره‌هدف، ارزش‌ها و پیش‌نیازهای تعالیم الهیاتی - که در کلیساهای دیگر نیز مشترک است - مورد احترام هستند و دانشجویان و استادان از دانشکده‌های کاتولیک می‌توانند در زمینه‌های مختلف بین‌الکلیسایی فعالیت کنند.

۱۹۳- اصول و قواعد تنظیم و هدایت همکاری‌های لازم بین کاتولیک‌ها و دیگر مسیحیان در سطوح تعلیماتی اولیه‌الهیاتی باید توسط شورای اسقفان یا مجمع اسقفان کاتولیک شرق تدوین گردند. کمیسیون‌های خاص بین‌الکلیسایی باید در مورد این موضوع آگاه شوند. خط‌مشی تدوین شده باید شامل برنامه‌تعلیمات کشیشی که برطبق سند *Optatam Totius* ارائه شده، تدوین گردند. از آن جایی که اعضای مؤسسات تعلیمی نیز در این موضوع همکاری خواهند داشت مقامات عالی‌تر با نمایندگان آنان باید در طرح قوانین دخالت نمایند که با سند *Christus Dominus* هماهنگ باشند. ۱۲۱

۱۹۴- دانشجویان کاتولیک ممکن است دروس خاصی را بگذرانند که شامل حال دانشجویان مسیحی کلیساهای دیگر نیز می‌شود که بر اساس معیار عمومی تعلیمات الهیاتی دانشجویان کاتولیک برنامه‌ریزی شده و موضوعات انتخابی آن مطابق تصمیم شورای اسقفان کاتولیک شرق و یا شورای اسقفان نیز هست. هرگونه تصمیمی درباره‌دروس برای دانشجویان یا در مورد تعلیم آنان، کیفیت و سودمندی دروس و دروس قابلیت استفاده بین‌الکلیسایی و منش استادان و سطوح مقدماتی و آمادگی دانشجویان و همچنین بلوغ روحی و روانی آنان باید با دقت در نظر گرفته شود. هرچه دروس و یا مقالات و سخنرانی‌ها به الهیات سطح بالا نزدیک شود باید دقت بیشتری در تصمیم‌گیری‌ها رعایت شود. تعلیم دانشجویان و گسترش حس بین‌الکلیسایی آنان باید مورد توجه باشد.

۱۹۵- در دوره‌های دوم و سوم پس از تعلیمات اولیه استادانی از کلیساها و مجامع روحانی دیگر باید دعوت شوند و در مورد موضوعات الهیاتی سخنرانی نمایند و وضعیت کلیساهای خود را شرح دهند تا آنکه تعلیم بین‌الکلیسایی دانشجویان تکمیل گردد. استادان کاتولیک مورد نظر می‌توانند درباره‌مسائل فنی برای مثال دروس زبان و کاربرد دستگاه‌های ارتباطی، جامعه‌شناسی مذهبی و غیره سخنرانی کنند. در تصویب قوانین

برای این منظور شوراهای مسئول باید درجات پیشرفت بین‌الکلیسایی در کشور متبوعشان و موقعیت روابط کاتولیک‌ها و دیگر کلیساها را در نظر گرفته باشند. به طور تخصصی آنها معیارهای کاتولیکی انتخاب این استادان را تعیین می‌نمایند. دوره زمانی تعلیم آنها و تخصص آنها در درس مورد نظر را باید در نظر بگیرند، هم‌چنین باید رهنمودهایی برای چگونگی تعلیمات کاتولیک در این سخنرانی‌ها و هماهنگی آن با برنامه کلی ارائه گردد. استادان دعوت شده باید تحت عنوان «سخنران میهمان» طبقه بندی شوند. در صورت لزوم مؤسسات کاتولیک بایستی سمینارهایی را برای مکتوب نمودن سخنرانی‌ها ترتیب دهند. استادان کاتولیک دعوت شده با کمال میل در این دعوت‌ها که از سوی کلیساهای دیگر انجام می‌شود شرکت خواهند نمود که نمونه‌ای از احترام به کلیساهای دیگر در تعلیم پایه‌های ایمان به اعضای آن کلیسا خواهد بود که به طور خاص در مورد افراد دعوت شده به خدمت ارائه خواهد شد و نوع مؤثری از فعالیت بین‌الکلیسایی است و به ذهن مشترک و ایمان و شهادت یگانه کلیسا در مورد مسیح مربوط خواهد بود.

در تحقیقات الهیاتی و مطالعات پس از فارغ‌التحصیلی

۱۹۶- حوزه وسیع‌تری از همکاری بین‌الکلیسایی در مورد کسانی که مشغول تحقیقات الهیاتی و تعلیمات پس از فارغ‌التحصیل شدن هستند وجود دارد، این حوزه وسیع‌تر از دوره‌های قبل است که مخصوص فعالیت‌های تحقیقاتی، استادان، دانشجویان بودند. در سطوح پیشرفته‌ای که اکنون می‌گذرانند احساس امنیت خاص و کاملیت دانش آنها نمی‌توانست پیش از این در آنان به وجود آید.

۱۹۷- همکاریها در مطالعات پیشرفته‌تر توسط متخصصین که دانش خود را با کلیساهای دیگر به پیوند و مشاوره می‌گذارند ممکن می‌شود. گروههای بین‌الکلیسایی استادان و متخصصین برای همین هدف ایجاد می‌شوند. این حالت به روش ویژه‌ای به شکل‌های مختلف روابط بین مؤسسات برای مطالعه الهیات مربوط می‌شود که به کلیساهای دیگر تعلق دارند. چنین روابطی و این گونه همکاریها می‌توانند به ویژگی بین‌الکلیسایی تمام مؤسسات تعلیماتی دخیل در این موضوع کمک کنند. آنها می‌توانند در پیوندهای روحانی در زمینه کتابخانه، درس، منابع مطالعاتی، برای پیشرفت وسیع محققین و استادان و دانشجویان کمک مناسبی باشند.

۱۹۸- همکاری بین‌الکلیسایی به طور خاص مورد علاقه مؤسساتی است که از مجموعه دانشکده‌های الهیاتی موجود برای تحقیق و مطالعات تخصصی در الهیات بین‌الکلیسایی یا خدمات شبانی به وجود آمده‌اند. سودمندی مشابهی از سوی مؤسسات مستقل با همان هدف می‌توانند ارائه شوند. اگرچه این گروه اخیر به کلیساهایی خاص تعلق دارند لیکن

می‌توانند در فعالیت جدی با مؤسسات مشابه کلیسایی مؤثر و مفید باشند. سودمند و مناسب خواهد بود که از دیدگاه بین‌الکلیسایی چنین مؤسساتی با کلیساهای دیگر از نظر تأمین استادان همکاری کنند.

۱۹۹- مجموعه فوق و اداره آنها و مؤسسات مشابه در همکاری بین‌الکلیسایی و در مطالعه الهیاتی به طور عادی باید به کسانی که در اداره مؤسسه دخیل هستند سپرده شود که با آزادی ذهنی فعالان دانشگاهی عمل می‌کنند. تأثیر عمیق بین‌الکلیسایی آنها نیازمند ارتباط عمیق با رهبران کلیساهایی که اعضای آنها در این مؤسسات مشغولند می‌باشد. وقتی مؤسسه‌ای در چنین همکاری وسیعی با کلیسای کاتولیک قرار داشته باشد و یا وقتی که مؤسسه مستقلی تحت نظارت آن اداره شود ارتباط این مؤسسه با کلیسا در مقالات و یا توافقنامه‌ها ذکر خواهند شد.

۲۰۰- مؤسسات مختلط که مشترکاً توسط کلیساهای مختلف اداره می‌شوند به طور مخصوص در مسائل مشترک تمام مسیحیان می‌توانند مفید واقع شوند. مطالعات مشترک در مسائل خاص در حقیقت می‌تواند راهی برای حل اختلافات و تأیید سیاست‌گذاری‌های خاص کلیسایی باشد که احتمالاً به اتحاد مسیحیان کمک شایان توجهی خواهد نمود. مسائلی از قبیل مذاهب غیر مسیحی، خدا ناباوری، بی‌ایمانی، استفاده از ارتباط اجتماعی، معماری و هنر مقدس، موضوعات الهیاتی از قبیل تشریح متون مقدس، تاریخ نجات و الهیات شبانی گوشه‌ای از مسائلی هستند که می‌توانند مورد مطالعه قرار گیرند. مسئولیت چنین مؤسساتی به ارتباط با کلیساهای منجر می‌شود که باید در شرایط اصلی آنان مؤثر نیز باشد.

۲۰۱- مجموعه مؤسسات می‌توانند برای مطالعات الهیاتی و شبانی متمرکز و هم‌هدف شده و توسط رهبران کلیساهای مختلف اداره شوند. تحت هدایت این گونه افراد و به کمک متخصصین در زمینه‌های مختلف، این رهبران با یکدیگر مسائل نظری و عملی خدمت خاص خود را مورد بحث قرار داده و قادر خواهند بود ابعاد کلیسایی و شهادت مشترک مسیحی را در زمینه بین‌الکلیسایی گسترش دهند.

۲۰۲- حوزه مطالعات و تحقیقات مؤسسات برای فعالیت‌های بین‌الکلیسایی و همکاری دربرگیرنده تمام فعالیت بین‌الکلیسایی نیز هست و یا می‌تواند به مسائل خاص محدود شود و مطالعه عمیق‌تر را ممکن سازد. با تخصصی شدن مطالعات مؤسسات در یک زمینه بین‌الکلیسایی (سنت ارتدکس، پروتستان، مصاحبت انگلیکن و در کنار آن مسائلی که

در بند ۲۰۰ ذکر شدند) اهمیت زیادی دارد که این مطالعات به حوزه وسیع بین‌الکلیسایی کشیده شده و همه مسائل مربوط دیگر را نیز با موضوع اصلی مرتبط بررسی کنند.

۲۰۳- مؤسسات کاتولیک تشویق می‌شوند که عضو جمعیت‌های بین‌الکلیسایی مسئول پیشرفت تعلیمات الهی باشند که تعلیمات برتر آنها و همکاری در امور شبانی و همکاری‌های عالی‌تر در زمینه تعلیمات پیشرفته‌تر بسیار سودمند خواهد بود. هم‌چنین باید با گشاده‌رویی در زمینه اهداف مطرح در جهان امروزی در دانشگاه‌های بی‌هویت و همراه شدن با مطالعات مذهبی مؤسسات مختلف که با این مسائل درگیرند فعال باشند. عضویت در چنین جمعیت‌هایی و شرکت در تعلیمات مؤسسات مختلط باید با حفظ احترام قانونی مؤسسات کاتولیک در مسائل برنامه‌ریزی درسی و در مضمون مطالب الهیاتی تعلیم داده شده همراه بوده و به تعلیمات روحانی و شبانی دانشجویان در انتظار دستگذاری باید توجه شود.

همکاری‌های شبانی با مؤسسات خاص

۲۰۴- هر کلیسای خاص به شبانی اعضای خود همت می‌گمارد و به روشی غیرقابل تغییر توسط سرپرست‌ها در جماعت محلی اداره می‌شود. با این وجود وضعیت‌های خاصی وجود دارند که تعلیم و شبانی اعضای کلیساها به صورت تبادل خدمات شبانی بین کلیساها اعم از دستگذاری شده‌ها و افراد عادی بهتر انجام می‌شود. این نوع همکاری می‌تواند در مراقبت از بیماران، زندانیان، نیروهای مسلح، دانشگاه‌ها و مجتمع‌های صنعتی بزرگ تجربه شود. هم‌چنین بسیار سودمند است که حضور مسیح را در دنیای ارتباطات اجتماعی نیز وسیع نماییم. باید توجه کرد که هماهنگی این گونه فعالیت‌های سرپرستان کلیساها با سازمان‌های شبانی محلی هر کلیسا در نظر گرفته شود. این کار هنگامی به سادگی و به سرعت پیش خواهد رفت که این سازمان‌ها خود را با روح همکاری بین‌الکلیسایی و واحدهای کلیسایی محلی هماهنگ نمایند. سرپرستی نیایش‌ها به خصوص در مورد قربانی مقدس و رازهای دیگر باید در این گونه فعالیت‌ها برطبق قواعدی که هر کلیسا برای اعضای خود مقرر نموده انجام شود که در مورد کاتولیک‌ها در بخش پنجم این مجموعه بیان شده‌اند.

همکاری در حوزه بشارتی

۲۰۵- شهادت مشترک مسیحی در همه فعالیت‌های بین‌الکلیسایی فرم بشارتی دارد. جنبش بین‌الکلیسایی در واقع، دست در دست یکدیگر به سوی یک کشف نوین توسط جوامع مختلف از خصیصه بشارتی کلیسا پیش می‌رود.

همکاری بین‌الکلیسایی به جهان نشان می‌دهد که ایمانداران مسیحی که به روح زیست می‌کنند و فرزندان خدا شده‌اند، که پدر همگان است و بر تمامی مشکلات جهان انسانی فائق آمده است و حتی درباره موضوعات حساسی چون تجربه ایمانی با شهادت و امید پیش می‌روند. اختلافات موجود در جامعه مسیحیان حقیقتاً نقطه ابهامی در موعظه موفق انجیل بشمار می‌رود. ۱۲۲ اما کوشش‌های انجام شده برای غلبه بر آنها بیش از آن موفق است که اعتبار مسیحیت در رسوایی‌های جدایی‌ها خدشه‌ای بپذیرد که ادعا می‌کند مسیح تنها کسی است که در او همه چیز و تمامی مردم به اتحاد دست می‌یابند:

«به عنوان مبشرین مسیحی ما باید تصویر مردم جدا شده را ترک نموده تصویر وفادارانۀ مسیح را نشان دهیم و این کار از طریق رد کردن اختلافات و ارائه تصویر گروهی که در ایمان بالغ هستند و قادر به یافتن نقطه مشترک فراتر از همه فشارها بوده و به یمن جستجوی همگام و صمیمانه حقیقت به اتحاد دست یافته‌اند. با این همه سرنوشت بشارت واقعاً به شهادت یگانگی و اتحاد کلیسا مربوط است. این منبعی برای مسئولیت و نیز برای آرامش است.»

۲۰۶- شهادت بین‌الکلیسایی در فعالیت بشارتی می‌تواند ارائه شود. از دید کاتولیک‌ها پایه همکاری‌های بین‌الکلیسایی با دیگر مسیحیان در بشارت «بنیاد تعمید و پدرشناسی ایمان که برای ما مشترک است» می‌باشد. کلیساهای دیگر که انسانها را به ایمان به مسیح نجات‌دهنده و تعمید دعوت می‌کنند که به نام پدر پسر و روح القدس انجام می‌شود، آنان را به پیوند واقعی هر چند ناقص دعوت می‌کنند که بین آنها و کلیسای کاتولیک وجود دارد. کاتولیک‌ها می‌خواهند تمام آنان که به مسیح ایمان می‌آورند به پیوند کامل که در ایمان آنها در کلیسای کاتولیک وجود دارد وارد شوند، با این همه آنها درک می‌کنند که کلیساهای دیگر چنین پیوند کاملی را تدارک نمی‌بینند. آنها باید مراقب باشند که به ایمان زنده کلیساهای دیگر که انجیل را موعظه می‌کنند احترام گذارده و به خاطر فیض خداوند که در میان انسانها کار می‌کند شادی کنند.

۲۰۷- کاتولیک‌ها می‌توانند با کلیساهای دیگر - با اطمینان از این که هیچ چیز نامطمئن و غیرکاتولیک در فعالیت بشارتی وجود ندارد - و در سازمانهای فعالیت‌های بشارتی همراه شوند. موضوع اصلی چنین همکاری‌هایی اطمینان از این است که عوامل فرهنگی، سیاسی و انسانی که در جدایی کلیساها فعال بوده و تاریخ جدایی کلیساها را نقش زده به مناطقی که انجیل در آنها بشارت داده می‌شود داخل نشوند. فرستادگان جنبش بشارت برای کمک به بنیاد و رشد کلیساهای جدید به این موضوع حساس خواهند بود. اسقفان توجه خاصی به این موضوع خواهند داشت. به عهده اسقف است که در موقع

لزوم به روشی خاص بر نکات تعلیماتی و اخلاقیات متفاوت بین کاتولیک‌ها و دیگر مسیحیان تأکید ورزند. این موارد اخیر ممکن است در ارتباط با کاتولیسم نیز لازم به نظر برسد. اما همه اینها نباید با روحیه فرقه‌گرایی و جدایی‌پذیری انجام شوند بلکه در این فعالیت روح احترام متقابل و محبت بایستی حاکم باشد.^{۱۲۳} جدیدالایمان‌ها باید به دقت به روح بین‌الکلیسایی تغذیه شوند، «تا آنکه ضمن پرهیز از هرگونه بی‌تفاوتی و تداخل ذهنی و هم‌چنین رقابت بی‌معنی کاتولیک‌ها بتوانند با برادران جدا شده خود تا حد امکان، به اعتراف مشترک ایمان در برابر جهان به عیسی مسیح و با روح کوشش برادرانه در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، فنی و مذهبی پیوند کنند».^{۱۲۴}

۲۰۸- همکاری‌های بین‌الکلیسایی به طور خاص در مورد بشارت به دوباره مسیحی شدگان جهان ما نیاز است. قابلیت مسیحیان هرچند هنوز جدا باقی مانده‌اند، برای شهادت مشترک به حقایق مرکزی ایمان در انجیل، حتی امروزه دعوتی بسیار قوی به یک ایمان مسیحی تجدید شده در یک جامعه دنیوی منجر می‌شود. ارزیابی مشترک از شکل‌های ناخدا باوری و دنیوی شدن، و مادی‌گرایی که در جهان امروز در کار و فعالیت هستند و یک استراتژی مشترک برای رویارویی با این معضلات به نحو چشم‌گیری می‌تواند به سود مسیحیان و بشارت آنها به جهان حاضر عمل نماید.

۲۰۹- محلی مخصوص برای همکاری‌های بین‌الکلیسایی اعضای کلیساهای مختلف و تعمیق درباره بشارت مسیحی مورد نیاز است، تا موضوع گفتگوهای نجات‌پیروان دیگر مذاهب و به طور عام مسئله رابطه بین موعظه انجیل و مسیح و فرهنگ‌های مختلف و شیوه‌های تفکر جهان امروزی در آنجا انجام پذیرد.

همکاری‌های بین‌الکلیسایی در مکالمه با دیگر مذاهب

۲۱۰- در جهان امروز، ارتباطات مسیحیان با پیروان مذاهب دیگر روز به روز در حال گسترش است. این روابط اساساً با روابط ما با کلیساهای دیگر متفاوت است که با هدف اتحاد مسیحیان و رسیدن به اراده مسیح در بین شاگردان بوده و به طور خاص بین‌الکلیسایی نامیده می‌شوند. اما در عمل تحت تأثیر جنبش بین‌الکلیسایی قرار گرفته و به نوبه خود بر آن تأثیر گذار بوده‌اند. از طریق آنان مسیحیان می‌توانند سطح جامعه‌ای را که در آن زندگی می‌کنند ارتقا دهند و به این دلیل می‌توان آنها را قسمتی مهم از فعالیت جهانی بین‌الکلیسایی به شمار آورد. این حقیقت به طور خاص در مورد همه تلاش‌هایی که به ویژه رابطه مسیحیان را با قوم یهود تغییر داده و رابطه عمیق مذهبی میان آن دو به وجود آورده است. به روشنی دیده می‌شود. از دیدگاه کاتولیک‌ها اصول و رهنمودهای مربوط به روابط با یهودیان توسط کمیته روابط مذهبی با یهودیان اداره و هدایت می‌شود.

روابط با پیروان ادیان دیگر از سوی شورای اسقفان برای گفتگوی بین مذاهب هدایت می‌گردد. در کار روابط مذهبی با یهودیان و در روابط آنها با پیروان ادیان دیگر بر اساس رهنمودهای مناسب، کاتولیک‌ها فرصتهای مناسبی به دست خواهند آورد که برای همکاری با اعضای کلیساهای دیگر سودمند می‌باشد. مناطق بسیاری وجود دارند که در آنجا مسیحیان می‌توانند گفتگوهای پرباری با یهودیان داشته و برای مثال در زمینه نهضت ضد یهود، تعصبات مذهبی و فرقه‌گرایی‌ها فعالیت مشترک داشته باشند. همکاری با دیگر ایمانداران مسیحی می‌تواند در زمینه‌های ایجاد حرکت‌های مذهبی برای عدالت و صلح اجتماعی، دفاع از زندگی خانوادگی، احترام به اقلیت‌ها انجام شده و چنین همکاری‌هایی هم‌چنین می‌توانند به بسیاری از مسائل زمان ما و جامعه معاصر بپردازند. در ارتباطات بین مذاهب مسیحیان می‌توانند به منابع الهیاتی و کتاب مقدسی خود رجوع نموده و از این راه دیدگاههای مسیحی را در این حوزه وسیع فعال نمایند، چنان که اتحاد مسیح را نیز بارور نماید.

همکاری بین‌کلیسایی در زندگی اجتماعی و فرهنگی

۲۱۱- کلیسای کاتولیک همکاریهای بین‌کلیسایی را در زمینه مسائل اجتماعی و فرهنگی از جنبه‌های مهم فعالیت برای رسیدن به اتحاد برمی‌شمارد. اعلامیه بین‌کلیسایی آن را نشانه واضح و بیان روشنی از رشته اتحاد همه تعمید یافتگان^{۱۲۵} می‌داند. به این جهت اشکال خاص و مهمی از همکاری را تشویق و حمایت می‌نماید: «چنین همکاریهایی که اکنون آغاز شده‌اند و در کشورهای بسیاری به ثمر نشسته‌اند باید به طرز فزاینده‌ای گسترش یابند مخصوصاً در مناطقی که رشد و گسترش اجتماعی و فنی در حال انجام است. این تلاش‌ها باید حامل پیام احترام به شخصیت انسان، تقدیس صلح، و انجام فرامین انجیل در زندگی اجتماعی، و پیشرفت هنرها و علوم همراه با یک روحیه مسیحی باشند. مسیحیان باید هم‌چنین برای استفاده از ابزارهای مختلف جهت تسکین تضادهای عصر ما مانند فجایع ملی، بی‌سوادی و گرسنگی، فقر، فقدان مسکن و توزیع ناعادلانه ثروت، دست در دست یکدیگر تلاش کنند».^{۱۲۶}

۲۱۲- به عنوان قاعده کلی، همکاریهای بین‌کلیسایی در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی باید با نگرش عمیق به اتحاد مسیحی و در جهت آن به انجام برسد. اگر با دیگر

۱۲۵- UR بند ۱۲.

۱۲۶- UR بند ۱۲.

فعالیت‌های هم‌ارز همراه نباشد که به خصوص شامل دعا و شراکت روحانی می‌باشند، امکان تشابه آن به نهضت‌های ایدئولوژیک و حتی احتمالاً سیاسی وجود دارد و به این دلیل به نقطه ابهامی در راه پیشرفت اتحاد مسیحی بدل می‌شود. همانند همه انواع کارهای بین‌الکلیسایی، این جنبه نیز باید تحت نظر مسئولان محلی، شورای اسقفان و یا مجمع اسقفان کاتولیک شرق به انجام رسد.

۲۱۳- از راه چنین تلاش‌ها و همکاری‌هایی همه مسیحیان قادرند به سادگی بیاموزند که چگونه خواهند توانست یکدیگر را بشناسند و بهتر ارزیابی کنند و به این ترتیب راه را برای اتحاد مسیحیان هموار نمایند.^{۱۲۷} در موقعیت‌های خاصی پاپ ژان پل دوم شرکت کلیسای کاتولیک را در تلاش‌های بین‌الکلیسایی تأیید و تشویق نموده است.^{۱۲۸} همین گونه تأییدها در بیانیه مشترک کاردینال یوهان ویلبراند و دکتر فیلیپ پوتر دبیر اول شورای جهانی کلیساها به مناسبت ملاقات پدر مقدس از نمایندگی آن شورا در جنوا در سال ۱۹۸۴ نیز ارائه شده‌اند. از این دیدگاه مجموعه اسناد بین‌الکلیسایی مجموعه حاضر برخی مثال‌های همکاریها را در سطوح مختلف بدون کمترین ادعایی ارائه نموده است.

۱- همکاری در مطالعات عمومی اجتماعی و در زمینه مسائل اخلاقی

۲۱۴- شورای اسقفان محلی یا ملی در راستای همکاری با دیگر کلیساها همانند شوراهای کلیساها می‌تواند به تشکیل گروههایی اقدام نماید که بیان واحدی از ارزش‌های اخلاقی و اساسی انسانی در مسیحیت ارائه دهند. این نوع همکاری مشترک نقطه آغاز مهمی در رویارویی جنبش بین‌الکلیسایی با مسائل اجتماع و سرشت اخلاق خواهد بود، این کار راهی به سوی ابعاد اخلاقی و اجتماعی پیوندهای مسیحیان کلیساهای مختلف جهان و ارزیابی و شناخت آن خواهد گشود.

هدف مطالعه عمومی گسترش فرهنگ مسیحی یا «تمدن محبت» انسان‌گرایی مسیحی (اومانیزم) است که بارها از طرف پاپ ژان پل ششم و پل دوم بیان و مورد تأکید واقع شده است. برای ساختن چنین فرهنگی ما باید ابعاد مثبت و منفی آن را ساخته مهیا سازیم. بنابراین روشن است که این مطالعه برای مثال شامل ارزیابی مسیحی از ارزش‌های زندگی، مفهوم کار انسان، مسئله عدالت و صلح، آزادی مذهبی، حقوق بشر و شناسایی حق تملک زمین برای افراد خواهد بود. به همین شکل این همکاریها بر روی عواملی که محدودیت در جوامع انسانی ایجاد می‌کنند از قبیل فقر، نژادپرستی، تروریسم، تخریب و در واقع همه موانع محدود کننده حیات انسانی در هر موقعیت و وضعیتی متمرکز خواهد شد. سنت دیرینه کلیسای کاتولیک در تعلیم اجتماعی رهنمودها و الهامات قابل توجهی برای این نوع فعالیت‌ها به دست می‌دهد.

۱۲۷- ر.ک. UR بند ۱۲.

۱۲۸- پاپ ژان پل دوم بیانیه خطاب به *Roman Curia*، ۲۸ ژوئن ۱۹۸۵.

۲- همکاری در زمینه‌های توسعه، نیازهای انسانی و حفاظت محیط زیست

۲۱۵- ارتباط عمیقی میان توسعه، نیازهای انسانی و حفاظت محیط زیست وجود دارد. تجربه نشان داده است که توسعه در پاسخ به نیازهای انسانی نباید به سوء استفاده از منابع طبیعی بیانجامد که عواقب سوء آن بر کسی پوشیده نیست.

مسئولیت حفاظت از محیط زیست و منابع زمینی که به خودی خود احترام خاصی دارد توسط خود خالق به تمام مردم داده شده و تا آنجا که خود را مسئول بدانند ادامه دارد. کاتولیک‌ها تشویق می‌شوند که در سطوح مختلف به تلاش‌هایی که هدف آنها مطالعه و فعالیت در مقابل عوامل نابودکننده محیط زیست که حیات انسان را به خطر می‌اندازند است، بپیوندند. موضوعات دیگر چنین مطالعاتی مثلاً شامل انواع خاصی از رشد سریع صنعتی و فنی است که آلودگی محیط زیست را در پی دارد و نظم زیست محیطی طبیعت را به هم می‌زند و باعث نابودی جنگ‌ها می‌شود و هم چنین آزمایشات هسته‌ای و استفاده‌های غیرعقلانی منابع طبیعی هم از نوع بازسازی شونده و هم از نوع غیرقابل برگشت آن نیز در این رده قرار دارند. یک جنبه مهم از عملکرد فعال در این زمینه، عبارت از آموزشهای مردمی در چگونگی استفاده از منابع همراه با تعلیم طرز استفاده برنامه ریزی شده از آنها در مراقبت از محیط زیست می‌باشد.

حوزه گسترش و توسعه که از اساس پاسخی به نیازهای انسان است، امکانات وسیعی را برای همکاری بین کلیسای کاتولیک و کلیساهای دیگر در سطوح منطقه‌ای ملی و محلی در اختیار قرار می‌دهد. چنین همکاریهایی علاوه بر اینها شامل فعالیت برای ایجاد جامعه عادلانه، صلح، دفاع از احترام و حقوق زنان، و استفاده عادلانه از منابع طبیعی می‌باشد. به این معنا، امکان ایجاد خدمات برای فقرا، بیماران، ربوده شدگان، سالمندان، و همه کسانی که از «ساختارهای گناه آلود» رنج می‌برند وجود خواهد داشت. همکاری در این زمینه‌ها به طور خاص در جایی که توجه زیادی بر افزایش آلودگی وجود دارد که عواقب بدی همچون جنون و مراقبت‌های پزشکی، فقدان مسکن و خوراک و پوشاک به وجود می‌آورد تشویق می‌شود. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های همکاری در این زمینه در ارتباط با مشکل مهاجران، پناهندگان، و قربانیان سوانح طبیعی دیده می‌شود. در موقعیت‌های اضطراری جهانی، کلیسای کاتولیک صرفه جویی و ذخیره منابع طبیعی را برای کاستن از هزینه‌ها و استفاده صحیح از آنها در کلیساها تشویق می‌نماید. به همین شکل کلیسای کاتولیک همکاریهای سازمانهای جهانی متخصص در زمینه‌های مورد نظر را نیز مورد تشویق قرار می‌دهد.

۳- فعالیت در زمینه‌های پزشکی

۲۱۶- حوزه سلامتی انسانها یکی از مهم‌ترین عرصه‌های چالش‌های همکاری بین‌الکلیسایی را تشکیل می‌دهد. در برخی کشورها همکاری‌های بین‌الکلیسایی کلیساها در برنامه‌های حمایت از سلامت و بهداشت، نقش بسیار حیاتی دارد. با این همه هنوز هم فعالیت‌ها به حد کافی در برابر افزایش شدید مسائل در زمینه بهداشت پاسخگو نیست. وظیفه خطیر شناسایی ارزش‌های اساسی خدمات زندگی مسیحی به نیازی فوری تبدیل شده است که افزایش چشمگیر مسائل در زمینه‌هایی مثل وراثت را رویاروی خود دارد. به این معنا آمار سال ۱۹۷۵ از همکاری‌های بین‌کلیساها به طور خاص مورد توجه هستند: «به طور خاص در جاهایی که ارزش‌های اخلاقی رعایت می‌شوند، موقعیت‌های تعلیمی کلیسای کاتولیک باید به روشنی آشکار گردند و مشکلات ناشی از این موضوع در همکاری‌های بین‌الکلیسایی وفادارانه با تعالیم کاتولیک باید بررسی و راهگشایی شوند».

۴- همکاری در زمینه ارتباطات اجتماعی

۲۱۷- امکان همکاری‌ها در این زمینه، در درک سرشت و سائل ارتباطی نوین و به طور خاص در چالش‌های مسیحیت امروز، وجود دارد. همکاری در این عرصه شامل راه‌های تزریق قواعد زندگی مسیحی به این وسائل و مطالعه مسائل موجود در این زمینه می‌گردد که شامل تعلیم عمومی درباره استفاده از این وسائل و خطرات آن است. گروه‌های متحد از اعتراف‌های ایمان متفاوت به طور مخصوص می‌توانند به صورت مشاوره‌ای مفید باشند، همانند آنچه که درباره مسائل مذهبی انجام می‌دهند. این خدمات در کشورهایی که اکثریت بینندگان و شنوندگان و یا خوانندگان از یک کلیسا هستند مفیدتر خواهد بود. «تقریباً نمی‌توان نقطه پایانی برای امکانات و فرصت‌های این همکاری‌ها قائل شد. برخی بسیار واضح‌اند: برنامه‌های مشترک رادیو و تلویزیون، پروژه‌های تعلیماتی، به طور مخصوص برای والدین و جوانان، مباحث و جلسات بین متخصصین در سطح بین‌المللی، بررسی اجرای این برنامه به طریق سالیانه، همکاری در مطالعات تحقیقی در زمینه ارتباطات و مخصوصاً تعلیمات تخصصی». همزمان همه پیوند کنندگان باید فرصت ارائه نظرات خود را داشته باشند.

۲۱۸- همه از اهمیت خاص فعالیت در زمینه کاری دو جانبه آگاهند، خواه ایمان کاتولیک داشته و در ابتکارات کلیساهای دیگر شرکت کنند و خواه برعکس افرادی از این کلیساها را در خدمت کلیسای کاتولیک ببینیم. همکاری بین‌الکلیسایی شامل تبادلات

بین سازمانهای جهانی کاتولیک و سازمانهای ارتباطی کلیساهای دیگر می‌گردد (به عنوان مثال در مورد روز جهانی ارتباط اجتماعی). استفادهٔ عمومی از ماهواره‌ها و تلویزیونهای کابلی فرصت‌های جالب و بی‌نظیری برای همکاریها به دست می‌دهند. واضح است که در سطوح منطقه‌ای این نوع همکاریها باید با اشاره به نقش کمیسیونهای بین‌الکلیسایی (که پیشتر اشاره شد) و در سطح جهانی با اشاره به نقش و اهمیت شورای اسقفان برای اتحاد مسیحیان انجام گیرند. تعلیم کاتولیک افراد مسئول ارتباطات، یکی از مهمترین مسائل این همکاریها به حساب می‌آید.

در بیست و پنجم ماه مارس ۱۹۹۳ عالی جناب پاپ ژان پل دوم این مجموعه را ملاحظه و مورد تأیید قرار داده و دستور چاپ آن را صادر فرمودند. هر اعلامی برخلاف آن صحت ندارد.

ادوارد ادريس كاردینال كاسیدی